

۳۹۴

# کیمهان

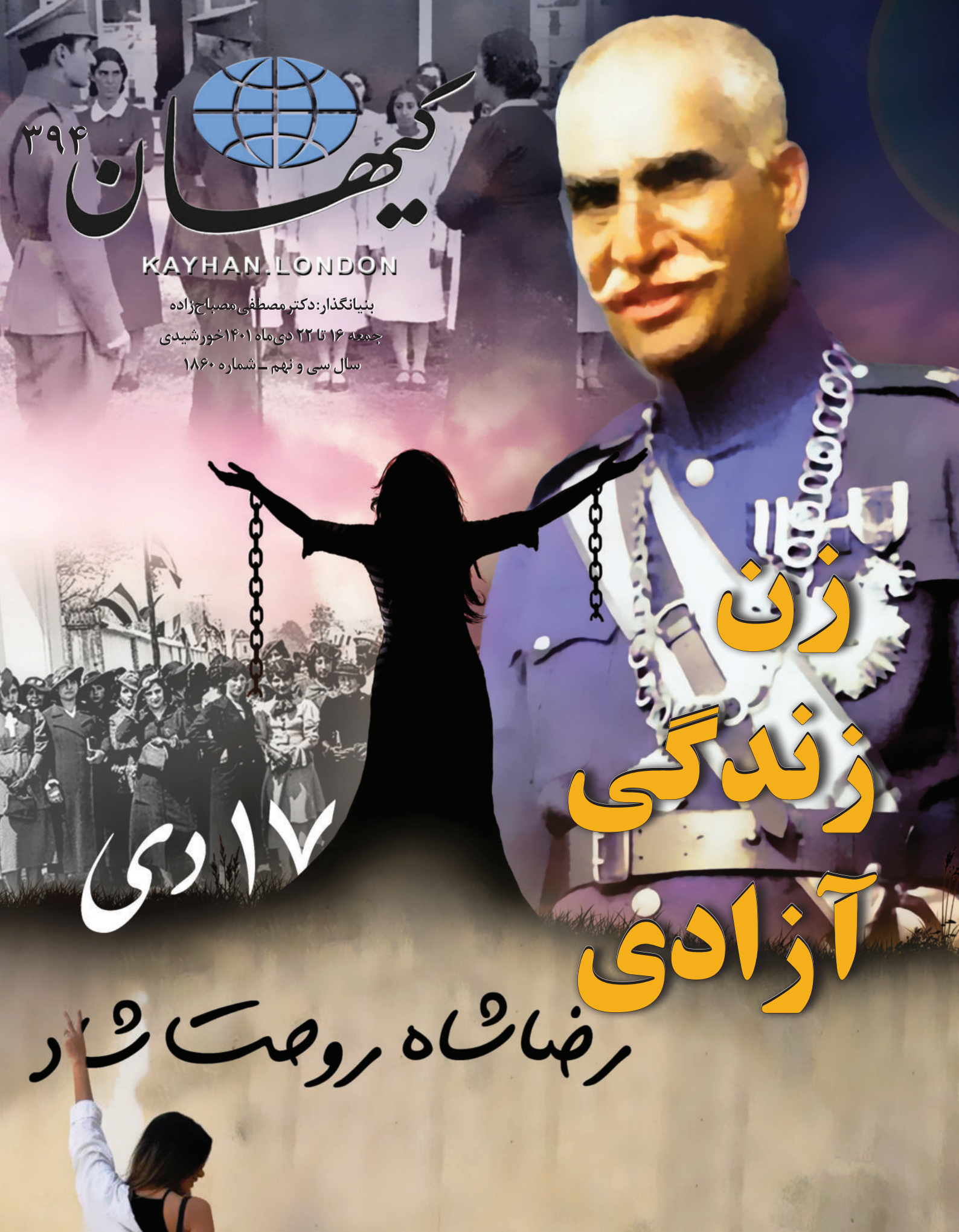
KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده  
جمعه ۱۶ تا ۲۲ دی ماه (۱۴۰۱) خورشیدی  
سال سی و نهم - شماره ۱۸۶۰

# زن زندگی آزادی

# ۱۷ دی

# رضاشاه روحت مبارک





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما ، کیهان لندن**

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

[https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

\*\*\*\*\*

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۶۰ (۳۹۴)

جمعه ۱۶ تا ۲۲ دی ماه ۱۴۰۱

۶ تا ۱۲ ژانویه ۲۰۲۳



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

**سقوط بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



**آگهی در کیهان آگاهی می آورد**

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

**دارالترجمه بین المللی فریس**

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

[www.assot.co.uk](http://www.assot.co.uk) / Email: [assot@aol.com](mailto:assot@aol.com)

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisscau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

سر مقاله - «فروپاشی کنترل شده» یک بار و دو دلبر /الاهه بقرات ..... ۴

زن، زندگی، آزادی ... /روشنک آسترکی ..... ۴-۵

۶ ..... اختصاصی کیهان لندن؛ شاهدخت نور پهلوی؛ با این انقلاب و حماسه بزرگ ... /

۷ ..... گزارش ویژه؛ دلیل تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها ترس از «اعتراضات» است ... /

۸ ..... روزنامه «اورشلیم پست»: آمریکا و اسرائیل باید در نبرد قهرمانانه مردم ایران برای ... /

۹ ..... داده‌های دهه اخیر چه می‌گویند؟ آیا بریتانیا در حال تغییر به جامعه‌ای ... /

۱۰ ..... سالانه ۶۵ هزار نفر برای همیشه از ایران مهاجرت می‌کنند ... /

۱۱ ..... با من به جمکران بیائید... (۱) ... /احمد احرار

۱۲-۱۳ ..... معمایی به نام هویدا (۱۶) ... /عباس میلانی

۱۴-۱۷ ..... «شاهزاده» و ائتلاف بزرگ ... /الاهه بقرات

۱۷ ..... مجله «شارلی ابدو»: مالاها به همانجایی برگردند که از آن بیرون آمدند ... /

۱۸ ..... وبسایت «واشنگتن اگزومینر»: بین علی خامنه‌ای و مریم رجوی برای مخفی ... /

۱۹ ..... «دلار فرزین» بجای «دلار جهانی»؛ دولت ابراهیم رئیسی ... /

۲۰-۲۱ ..... چرا مردم تا این اندازه خشمگین هستند؟ ... /محمود مسائلی

۲۲ ..... ایران در کجای تاریخ ایستاده است؟ ... /دکتر رضاسعدی فیروزآبادی

۲۳ ..... صدور حکم اعدام علیه یک نویسنده؛ تن دادن قوه قضاییه به وکلای ... /

۲۴-۲۶ ..... چشم‌انداز اقتصادی در ایران فردا ... /نصرت واحدی

۲۶-۲۷ ..... امام جمعه موقت تهران: عمامه پرانی یعنی دین پرانی! ... /

۲۸-۲۹ ..... وضعیت انفجاری بازار ارز؛ وزیر اقتصاد در حال تشییع تابوت‌های نمایی، ... /

۲۹ ..... از عشق انسان و مردم و میهن مردن! ... /

۳۰-۳۱ ..... چهلم جانباختگان راه آزادی میهن با همدلی و همبستگی مردم ... /

۳۱ ..... سر کوب در ایران: دیپلماسی فرانسه در کشاکش یک ... /

۳۲ ..... نماینده هر مزرگان در باره جان باختن دخترک ۱۲ ساله ... /

۳۳ ..... همزمان با چهلم کیان پیر فلک کودک ایران، پدرش از جان باختن ... /

۳۴-۳۵ ..... بالاگرفتن درگیری‌های درون حکومت با انتشار گزارشی از فساد در ... /

۳۵ ..... استاندار سپاهی خوزستان برکنار شد؛ بی‌عرضگی و ناکارآمدی از ... /

۳۶-۳۷ ..... دلار ۴۳ هزار تومانی و تشدید اختلافات در میان اصولگرایان ... /

۳۷ ..... اقدام آلمان در حمایت از خیزش مردم ایران ... /

۳۸ ..... گسترش خشکسالی در شمال ایران ... /

۳۹ ..... موش‌ها از کشتی فرار می‌کنند چون بر جام مرده! ... /حامد محمدی

۴۰-۴۱ ..... گزارش ویژه؛ نمایش تابوت‌های مشکوک به اسم «تشییع ۴۰۰ شهید گمنام» ... /

۴۱ ..... عدالت قضایی در جمهوری اسلامی؛ وکلایی که به هم راه ... /

۴۲ ..... سه سال بعد از سرنگونی پرواز «پی‌اس ۷۵۲»؛ ایگانو همچنان در کمک به ... /

۴۳ ..... دولت‌ها قدر تمنندار و باعلیه جمهوری اسلامی؛ صیدای مردم ایران به گوش رهبران ... /

۴۴-۴۵ ..... اختصاصی؛ بازداشت شماری از پرسنل نیروهای مسلح و مدیران شرکت‌های ... /

۴۵ ..... فرمانده قرارگاه امنیتی «امام علی»: سلطنت طلبان و دولت آلمان علیه نظام ... /

۴۶ ..... واکنش رسانه‌های حکومتی به «توییت مشترک» مخالفان جمهوری اسلامی ... /

۴۷ ..... اروپایی‌ها به دنبال تروریستی اعلام کردند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ... /

۴۸-۴۹ ..... امکان دادرسی دوباره پرونده محسن شکاری بعد از اعدام! ... /

۴۹-۵۰ ..... سالانه ۱۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج می‌شود ... /

۵۰-۵۱ ..... ارائه ۵۰ هزار گزارش مشکوک به پولشویی در نظام بانکی! ... /

۵۲ ..... از تباهنکاری‌های جمهوری اسلامی: دوباره شدن خط فقر مطلق ... /

۵۳ ..... «نوسازی نظام حکمرانی» بر اساس میانی مکتبی و سیاسی خمینی و خامنه‌ای؟! ... /

۵۴-۵۵ ..... «رمز آفتاب» برای جان‌های شیفته و شجاع و گل‌های هدیه به میهن ... /

۵۵ ..... بازداشت مدیر کل راه و شهرسازی استان مازندران ... /

۵۶-۵۷ ..... بلومبرگ: یک ایران دمکراتیک در راه است و خاورمیانه را رهبری خواهد کرد ... /

۵۸-۵۹ ..... نشریه «مسائل بین‌المللی»: مردم ایران «تغییر رژیم» می‌خواهند ... /

۵۹-۶۰ ..... بازی روانی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی با صدور و لغو احکام «اعدام» علیه ... /

۶۱ ..... تباهی بی‌پایان؛ هشدار درباره افزایش مهاجرت ... /

۶۲ ..... ترجیح بند تبلیغاتی حکومت در جریان خیزش انقلابی مردم ... /

۶۳ ..... علی خامنه‌ای به «بانوان ولایی منتخب»: آزادی غربی، آزادی نیست! ... /

۶۴-۶۶ ..... ابعاد گسترده سرکوب؛ قتل شهروندان زیر شکنجه و مرگ مشکوک ... /

۶۶-۶۷ ..... سرکوب شهروندان با بازداشت بیش از ۱۹ هزار نفر ... /

۶۸ ..... پدر یک نوجوان جانباخته به دلیل فشارهای عصبی و آزارهای ... /

۶۹ ..... افزایش تلاش‌ها برای نجات جان محمد قبادلو ... /

۷۰ ..... پشت‌جلد - عکس هفته / جوانزود / استان کرمانشاه / دی ۱۴۰۱

بازنشر  
بازنشر  
بازنشر



## تیتراول

## زن، زندگی، آزادی



کشف حجاب

● همانطور که ۱۷ دی ۱۳۱۴ نقطه عطفی در فرآیند نجات ایران از «لبه پرتگاه» شد، «زن زندگی آزادی» نیز ۹ دهه بعد، آغازگر یک انقلاب ملی شده که ایران را از تباهی جمهوری اسلامی به سوی تشکیل حکومتی دموکرات و سکولار پیش خواهد برد.

میان پارچه‌های سیاه پنهان نگه داشته شده بودند، در مقالات نویسندگان آن دوران و اشعار شاعرانی چون میرزاده عشقی، ملک‌الشعری بهار، عارف قزوینی، پروین اعتصامی و ایرج میرزا بازتاب می‌یافت.

پروین اعتصامی یکی از پیشروترین زنان جوان آن دوران در خرداد ۱۳۰۱ در جشن فارغ‌التحصیلی‌اش سخنرانی کرد. او در بخشی از این سخنرانی که به «اعلامیه زن و تاریخ» معروف شد گفت: «ایران، وطن عزیز ما که مفاخر و مآثر عظیمه آن زینت‌افزای تاریخ جهان است. ایران که تمدن قدیمش اروپای امروز را رهین منت و مدیون نعمت خویش دارد. ایران با عظمت و قوتی که قرن‌ها بر افکار و ابحار عالم حکمروا بود، از مصائب و شداید شرق سهم وافر برده، اکنون دنبال گمگشته خود می‌دود و به دیدار شاهد نیکبختی می‌تابد. پیداست برای مرمت خرابیهای زمان گذشته، اصلاح معایب حالیه، و تمهید سعادت آتیه، چه مشکلاتی در پیش است. ایرانی باید ضعف و ملالت را از خود دور کرده، تند و چالاک این پرتگاه‌ها را عبور نماید. امیدواریم به همت دانشمندان و متفکرین، روح فضیلت در ملت ایجاد شود و با تربیت نسوان اصلاحات مهمی اجتماعی در ایران فراهم گردد. در این صورت بنای تربیت حقیقی استوار خواهد شد و فرشته اقبال در فضای مملکت سیروس و داریوش بال‌گشایی خواهد کرد.»

آزادی و برابری زنان، در کنار میهن‌دوستی، ضرورت حاکمیت قانون، جایگزینی علم و عقل با خرافات و شریعت، از محوری‌ترین خواسته‌هایی بود که تحقق آن می‌توانست ایرانی را که پیش از مشروطه در «لبه پرتگاه» قرار گرفته بود نجات دهد.

با بذر کاشته شده توسط روشنفکران مترقی و آزادیخواه در جامعه بود که قانون آزادی پوشش زنان که به «کشف حجاب» معروف شد توانست با استقبال عمومی

«تا کنون نصف جمعیت کشور به حساب نیامده و خانم‌ها را از هرگونه حقی محروم کرده بودند... در صورتی که صرف نظر از وظایف مادری، آنها می‌توانند دوشادوش مردها خدماتی را عهده‌دار باشند»، «ما میله‌های زندان را شکستیم و خانم‌ها آزاد شدند». این جملات را رضاشاه پهلوی ۸۷ سال پیش، در ۱۷ دی ۱۳۱۴ خورشیدی، در جشن دانشسرای مقدماتی دختران بر زبان آورد و آزادی پوشش برای زنان در ایران بطور رسمی آغاز شد.

این جملات اکنون برای زنان ایران و به ویژه زنان جوانی که هویت اجتماعی‌شان در دوران جمهوری اسلامی شکل گرفته، معنایی عمیق‌تر یافته است؛ زنانی که این روزها در جریان انقلاب ملی علیه جمهوری اسلامی، حجاب اجباری از سر برداشته و روسری خود را در خیابان به آتش می‌کشند. یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های زنان در جریان جنبش انقلابی ماه‌های اخیر از جنس همان خواسته‌هایی است که زنان در اواخر قاجار و در جریان انقلاب مشروطه برای آن مبارزه می‌کردند و با آغاز حکومت پهلوی با حمایت قانون به دست آوردند: آزادی و برابری حقوقی.

اما زنان ایران طی یک قرن گذشته از کجا به کجا رسیده‌اند؟ جایگاه اجتماعی زنان که نیم قرن پیش تا گذاشت تاج پادشاهی بر سر زنان کشور توسط پادشاه، محترم و ارزنده شمرده می‌شد، چطور با انقلاب تباہ ۵۷ تا جایی سقوط کرد که متحجرت‌ترین قوانین جمهوری اسلامی در حوزه مدنی و کیفری آنها را تحقیر و از حقوق انسانی محروم کند؟

از «کشف حجاب» تا تاج پادشاهی بر سر زن ایرانی آزادی زنان از جمله آزادی پوشش از اواخر دوران قاجار مطرح بود و در موج مترقی شکل‌گرفته در دوران انقلاب مشروطه برجسته شد. آزادی و برخورداری از حقوق برابر برای زنانی که سال‌های سال در اندرونی‌ها محبوس و در

## سرمقاله «فروپاشی کنترل‌شده»

## یک یار و دو دلبر

«فروپاشی کنترل‌شده» یکی از مقولاتی است که همواره از سوی شاهزاده رضا پهلوی بر آن تأکید شده. نظام جمهوری اسلامی یک ساختار منحصر به فرد و خیزش انقلابی کنونی نیز با وجود تشابهاتی با جنبش‌های دیگر اما در نوع خود منحصر به فرد است.

در این میان، روند انقلاب آزادیخواهی مردم و تداوم اعتراضات در یکسو، و حکومتی جان‌سخت در سوی دیگر دیده می‌شود که نیروی قدرتمند آن خانواده‌های مافیایی هستند که با یکدیگر پیوندهای نسبی و سببی و عاطفی دارند همه با پیرامونیان ملا



عکسی از مراسم چهلم حمیدرضا روحی/ ۸ دی ۱۴۰۱

و مکلا و سپاهی که از این قدرت تغذیه می‌کنند. آنها بیش از چهار دهه خود را متشکل کرده و مال اندوخته و در کشورهای دیگر سرمایه انباشته‌اند. این واقعیت، تقابل بین حکومت اسلامی و جامعه را نیز منحصر به فرد می‌کند.

اگر نیروهای مدافع دموکراسی که در قدرت نیستند و از منابع مادی و تشکیلاتی مشابه حکومت نیز بی‌بهره‌اند تلاش می‌کنند تا فروپاشی این نظام به سود آزادی تا حد ممکن «کنترل‌شده» باشد، زمامداران «واقع‌بین» این حکومت نیز بطور طبیعی و غریزی تلاش می‌کنند تا این فروپاشی تا حد ممکن چنان «کنترل‌شده» باشد که منافع آنها حفظ شود. در این فروپاشی، دو اراده با دو نیت و هدف مختلف، یکی برای سرنوشتی و دیگری برای حفظ نظام از جمله با تغییراتی، در نقطه «کنترل‌شوندگی» با هم تلاقی می‌کنند. این نقطه نهایی نبرد نیست که مانند برخی رشته‌های ورزشی، «حمله» و «دفاع» سرنوشت نهایی را به سود یکطرف رقم می‌زند. در حالی که بسیاری تحلیل‌های داخلی و خارجی بر اعتراضات و استقامت مردم و سرکوب و وحشیانه توسط حکومت تمرکز کرده‌اند، آیا کسی آنقدر خوش‌خیال هست که فکر کند یک حکومت دینی که برای خود هم رسالت الهی و آخرزمانی و عاشورایی قائل است و هم قدرتی برای تحقق این رسالت به دست آورده که به هیچ قیمتی حاضر نیست آن را از دست بدهد، در اتاق‌های مکرش اکنون در فکر آن نیست که با توجه به ابزاری که در دست دارد، چگونه فروپاشی خود را کنترل کند که ارکان‌اش از هم نباشد؟ این ارکان کدامند؟ رهبری و ولی فقیه؟ نه، قبلا هم صحبت «شورای رهبری» شده بود! قانون اساسی؟ نه، قبلا هم حرف تغییر آن بود! حجاب؟ نه، همانطور که پس از پیروزی انقلاب اسلامی سه چهار سال طول کشید تا حجاب خارج در خیابان و اماکن عمومی نیز اجباری شود، حالا هم می‌توان عکس آنرا طی کرد؛ در خیابان‌ها و اماکن عمومی کاری نداشته باشند ولی در ادارات دولتی اجباری باشد و... پس چه چیز باید حفظ شود؟! چارچوب و اسکلت نظام «جمهوری» «اسلامی»! خانواده‌های مافیایی‌اش!

اگر مدافعان دموکراسی تلاش می‌کنند تا «فروپاشی کنترل‌شده» را پیش ببرند، زمامداران حکومت متشکل از خانواده‌های مافیایی نیز تلاش می‌کنند این فروپاشی را به سود خود کنترل کنند از جمله در پوشش «براندازی» چرا که کلید «کنترل» نه در رژیم در حال فروپاشی بلکه در براندازان آن است! نتیجه‌ی این نبرد نه الزاما به مردم و پایگاه اجتماعی بلکه به منابع و ابزار، پشتیبانی خارجی و صدا البته هشیاری براندازان مدافع دموکراسی بستگی دارد. مردم کار خود را می‌کنند این «اپوزیسیون دموکراسی‌خواه» است که مسئولیت پیروزی انقلاب ملی مردم برای آزادی را برعهده دارد!

یافت بطوری که بخش دوم «مرد میهن آبادی» از سوی مردم به شعار اولیه «زن زندگی آزادی» افزوده شد تا نشان دهد معترضان بسی فراتر از جنسیت و مسئله زنان، به دنبال آزادی و کرامت همه ایرانیانی هستند که طی چهار دهه گذشته توسط جمهوری اسلامی به یغما رفته است؛ آنها، زن و مرد، به دنبال زندگی در میهنی آزاد و آباد هستند. قابل توجه اینکه با گذشت چهار ماه از انقلاب بزرگ ایرانیان علیه جمهوری اسلامی و در حالی که انواع سرکوب و کشتار توانسته مردم را از مسیر انقلاب ملی بازگرداند، حالا زمامداران حکومت برای حفظ نظام به دنبال راهکاری برای توقف انقلابی هستند که هدفش تغییر رژیم و ساختار سیاسی کشور است.

در چنین شرایطی از یکسو اصلاح طلبان و بازوهای صدارتی آنها با «زنانه» قلمداد کردن اعتراضات، جنبش انقلابی مردم برای آزادی را به پوشش اختیاری به عنوان تنها «مطالبه» کاهش می دهند و در آنسو اصولگرایان با کوبیدن بر طبل «حجاب اجباری» همان بازی دوگانه ای را پیش می برند که «تغییر ساختار سیاسی» در آن جایی ندارد. به بیان دیگر، تأکید بر صرفاً «انقلاب زنانه» و «حجاب» و اصرار بر اینکه این انقلاب، انقلاب «زن زندگی آزادی» است و نفی دیگر ابعاد ملی و سراسری آن، همگی به نفع جمهوری اسلامی است تا موضوع رستاخیز ملی علیه حکومت به موضوع «حجاب» به عنوان «مطالبه» ای درون چارچوب جمهوری اسلامی کاهش یابد.

اینهمه در حالیست که همانطور که ۱۷ دی ۱۳۱۴ نقطه عطفی در فرآیند نجات ایران از «لبه پرتگاه» شد، «زن زندگی آزادی» نیز ۹ دهه بعد، آغازگر یک انقلاب ملی شده که ایران را از تباهی جمهوری اسلامی به سوی تشکیل حکومتی دموکرات و سکولار پیش خواهد برد.

روشنگ آسترکی

اقتصادی و فرهنگی حاضر شود و به موفقیتها و سربلندیهای بزرگ دست یابد.»

جدا از تحریف و دروغی که در سخنان علی خامنه ای درباره زنانی که او و حکومتش آنها را همواره «جنس دوم» و حتی کمتر از نصف مردان به شمار آورده دیده می شود، زن ایرانی اگر طی چهار دهه گذشته توانسته با وجود انواع محدودیتها و خشونت های تحمیل و تبلیغ شده از سوی جمهوری اسلامی همواره در تلاش و موفق نیز باشد، به دلیل همان میراث فکری و فرهنگی باقیمانده از دوران پیش از انقلاب تباه ۵۷ است!

زنان ایرانی در هفته های پس از انقلاب ۵۷، نخستین تجمع اعتراضی علیه جمهوری اسلامی تازه تأسیس را با تظاهرات علیه حجاب اجباری را در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ برگزار کردند و تا کنون مسیر مخالفت با حجاب تحمیلی همواره ادامه داشته است.

این فرایند در حالی بیش از چهار دهه طول کشیده که حالا ایرانیان سراسر کشور با هر جنسیتی در برابر جمهوری اسلامی ایستاده و جنبشی انقلابی را پیش می برند که طی چهار ماه، پایداری و همبستگی ملی آنها در داخل و خارج کشور، جهان را به شگفتی وا داشته است.

این جنبش از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ و در پی جان باختن مهسا امینی دختر ۲۲ ساله ای که بر اثر ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد به کما رفته بود آغاز شد و شعار «زن زندگی آزادی» را جهانی کرد. جان باختن دختر جوانی که به دلیل آنچه از دید مأموران گشت ارشاد، «پوشش نامناسب» و برخلاف قوانین و الگوهای «حجاب اجباری» جمهوری اسلامی ارزیابی شد، به اعتراضاتی انجامید که با گذشت بیش از ۱۱۰ روز می توان گفت دیگر خاموش شدن نیست. اعتراضات مردم در همه استانها و بیش از ۱۶۵ شهر ایران به رستاخیز ملی علیه ظلم ۴۳ ساله جمهوری اسلامی تکامل

روبرو شود و بسترساز حضور اجتماعی زنان در آغاز دوره ی ایران نوین و مدرن شود.

توسعه اجتماعی و اقتصادی بدون بیرون کشیدن زنان از اندرونیها و ایجاد فرصت برابر برای زنان و مردان امکانپذیر نبود و پادشاهان فقید پهلوی با درک درست همین واقعیت بود که نه تنها به سرعت توانستند برابری جنسیتی را در ایران قانونمند کنند بلکه محمدرضا شاه پهلوی با نهادن تاج بر سر شهبانو فرح پهلوی به عنوان «نایب السلطنه» آنطور که شهبانو گفته است، تاج را بر سر زنان ایران گذاشت؛ آنهم در سالهایی که در اکثر نقاط جهان حتی در بسیاری از نقاط اروپا زنان حتی از داشتن حق رأی و حمایت های قانونی مناسب محروم بودند!

توسعه اجتماعی در دوران رضاشاه فقید و توسعه اقتصادی در دوران محمدرضا شاه فقید به سرعت انجام شد و پیش از آنکه برنامه توسعه سیاسی در ایران به عنوان گام سوم رسیدن به ایران مترقی تکمیل شود، انقلاب ۵۷ ورق را برگرداند و ایران را به سالهای پیش از مشروطه، و لبه همان پرتگاه که پروین اعتصامی توصیف کرده بود، پرتاب کرد.

مسیر معکوس و ارتجاعی که از انقلاب ۵۷ برای ایران و ایرانیان رقم خورد، زنان را به قربانیان محوری انقلاب اسلامی تبدیل کرد. جمهوری اسلامی در کنار باورهای ایدئولوژیک زمامدارانش، با استفاده ای بزرگی از زنانی که حجاب اسلامی به آنها تحمیل شده، تلاش داشت ویتترین حکومت اسلامی برآمده از انقلاب را بزک کند. اما تحمیل حجاب تنها بخشی از خشونت بود که بر زنان ایران روا می شود. حقوقی که زنان در دوران پادشاهان فقید پهلوی به دست آورده بودند، یکی پس از دیگری از آنها سلب شد. جمهوری اسلامی با احکام شریعت در زمینه حقوق مدنی و کیفری و با ترویج تعدد زوجات و چندهمسری و «کودک همسری» با حقوق زنان ایران که در قرن بیستم بدیهی می نمود به مقابله پرداخت.

### از «یا روسری یا توسی» تا «زن زندگی آزادی»

تئورسین های جمهوری اسلامی پس از تشکیل حکومت برآمده از انقلاب ۵۷، امیدوار بودند که با زور و فشار و به اصطلاح فرهنگ سازی درباره «زن مسلمان شیعه»، فرآیندی اجتماعی را در ایران شکل دهند که طی آن زنان ایرانی تغییر نگرش داده و کم کم به نیمی از جامعه ی «امت شیعه» تبدیل شوند.

تحمیل حجاب اجباری به زنان با «یا روسری یا توسی» و اعمال انواع خشونت کلامی، رفتاری و قانونی علیه زنان، از جمله چسباندن پونز به پیشانی آنها از سوی مأموران چون اکبر گنجی در سالهای نخست پس از انقلاب آغاز شد و طی سه دهه بعد به گفته مقامات حکومتی ۳۲ دستگاه بطور مستقیم و غیرمستقیم با موضوع حجاب اجباری درگیر بوده و گشت ارشاد اسلامی هم که محصول دولت اصلاح طلب محمد خاتمی است نهاد نظامی زیرشاخه ی پلیس امنیت اخلاقی برای این «امر ایدئولوژیک» شد.

«حجاب اجباری» همیشه برای جمهوری اسلامی موضوعی محوری بوده است؛ امرداد امسال و حدود یک ماه پیش از آغاز اعتراضاتی که به شکل جنبش انقلابی و ملی علیه جمهوری اسلامی تداوم یافته، علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با ائمه جمعه موضوع «حجاب» را پیش کشید و ادعا کرد: «غربیها سالها است که می گویند تا زمانی که زن از قیود اخلاقی و شرعی رها نشود، نمی تواند پیشرفت کند و به مدارج عالی علمی، سیاسی و اجتماعی برسد اما زن مسلمان ایرانی در بیش از چهل سال گذشته توانسته است با حجاب اسلامی و چادر در میدان های مختلف علمی، اجتماعی، ورزشی، سیاسی، مدیریتی،

## درگذشت



**احمد احرار** روزنامه نگار سرشناس ایران و سردبیر پیشین **کیهان لندن** درگذشت. خبر درگذشت **احمد احرار** پنجشنبه یکم دی ۱۴۰۱ منتشر شد.

او که پیش از انقلاب خبرنگار پارلمانی بود و با روزنامه اطلاعات همکاری می کرد از چهره های شاخص مطبوعات ایران به شمار می رود.

**احمد احرار** پس از انقلاب و بنیانگذاری **کیهان لندن** به همت **دکتر مصطفی مصباحزاده** به همکاری با آن پرداخت و با نام «**خبراندیش**» و «**حکیم حق نظر**» نیز مطالب اجتماعی و تاریخی در این نشریه هفتگی می نوشت.

او در زمینه بررسی های تاریخی و همچنین نگارش داستان های تاریخی دارای آثار متعدد است.

**احمد احرار** که پس از درگذشت **هوشنگ وزیری** در سپتامبر ۲۰۰۳ سردبیری **کیهان لندن** را برعهده گرفت تا ده سال بعد که آخرین شماره این نشریه هفتگی به صورت چاپی در اوت ۲۰۱۳ منتشر شد، این مسئولیت را بر عهده داشت.

**احمد احرار** همچنین نخستین گفتگوی مفصل یک روزنامه نگار با **شاهزاده رضا پهلوی** را در سال ۱۳۷۸ درباره پهلویها و مسائل ایران انجام داد که به صورت کتاب با عنوان «گذشته و آینده» توسط **کیهان لندن** به چاپ رسید و در وبسایت این رسانه در اختیار همگان قرار دارد.

**احمد احرار** در سن ۸۸ سالگی در پاریس درگذشت.

## اختصاصی کیهان لندن؛ شاهدخت نور پهلوی: با این انقلاب و حماسه بزرگ ملت ایران، آینده حتی از گذشته نیز درخشان تر خواهد بود



شاهدخت نور پهلوی و شهبانو فرح در مجلس سنای فرانسه / سه شنبه ۸ آذر ۱۴۰۱ / ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲

ایرانیان، ملتی متحد در جنبشی برای بازپس‌گیری و بازسازی ایران، جهان را با فداکاری و اراده‌ی پولادین خود، به اقدام عملی وادار کردند؛ و ایرانیان خارج از کشور نیز در این راه از هموطنان داخل ایران حمایت کردند. گروهی از آنان چهل و سه سال پیش به ترک کشور مجبور شدند و عده‌ای نیز اخیراً ناگزیر میهن را ترک کرده‌اند. آنها دیدگاه‌های سیاسی متفاوتی دارند و از نسل‌های گوناگون هستند، اما در یک چیز متحدند و آن این است که به هر روشی که می‌توانند، از مردم داخل کشور حمایت کنند.

در حالی که رژیم سعی کرده است بین ما تفرقه بیاندازد، اما ایرانیان خارج از کشور ثابت کرده‌اند حتی وقتی ناگزیرند بیرون از میهن خود زندگی کنند، هرگز جمهوری اسلامی نتوانسته عشق و فداکاری و غرورشان را نسبت به ایران و ایرانی از آنها بگیرد. همزمان با اینکه بسیاری از متحدان خارجی به دنبال کمک به مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران بوده‌اند، اما این ملت ایران است که از هر گوشه جهان با تفاوت‌های زمانی گوناگون، در این برهه سخت تاریخی، در کنار هم ایستاده است.

هرچند تا کنون کارهای مهمی انجام شده که ملت ایران باید به آن افتخار کند، اما همچنان کارهای بسیار بیشتری باید انجام شود. بدانید که ما ایرانیان خارج از کشور خسته نشده‌ایم و متوقف نخواهیم شد. کنشگران، کارشناسان، سازمان‌های غیردولتی و کل جامعه ایرانی خارج از کشور، به کار خود برای حمایت از ایران و این انقلاب ادامه می‌دهند. برخی در حال گردآوری کادر پزشکی برای کمک به معترضان مجروح هستند. برخی دیگر در حال لابی کردن با دولت‌های خارجی هستند تا با جلب حمایت حداکثری و راهبردی برای ارائه دسترسی به اینترنت آزاد، ابزارهای ارتباطی و مواردی از این دست برای مردم ایران فراهم کنند.

گروهی نیز در حال راه‌اندازی کارزارهایی برای نجات زندانیان سیاسی و عقیدتی ما و اخراج دیپلمات‌های رژیم از اروپا هستند.

این تلاش‌ها ادامه دارد و در هفته‌های آینده اطلاعات بیشتری درباره آنها اعلام خواهد شد.

با گذشت صد روز از این انقلاب، ایرانیان تاریخ ساخته‌اند و برگ‌های تاریخی حماسه بزرگ ملت ایران در حال نگارش است؛ حماسه‌ای که مردم ایران نویسنده فصل به فصل آن هستند. همانطور که مادر بزرگم می‌گوید، ایمان دارم که نور بر تاریکی غلبه خواهد کرد و به زودی در ایران آزاد کنار هم خواهیم بود. با اتحادی که ایرانیان در سراسر جهان طی این یکصد روز از خود نشان داده‌اند، می‌دانم آینده ایران حتی از گذشته نیز درخشان‌تر است.

اما این شجاعت و فداکاری فراتر از حمایت کلامی، اقدام‌های عملی را نیز در آنها برانگیخته است.

در بازدید از سنای فرانسه و دیدار با قانونگذاران برجسته در پاریس، از نزدیک مشاهده کردم که آنها می‌خواهند برای حمایت از ایران و انقلابش، گام‌های عملی بردارند.

خوشحالم که بگویم برای نخستین بار در تاریخ مبارزه در راه آزادی از چنگال این رژیم، جهان دارد اقدامات عملی انجام می‌دهد. دولت کانادا ۱۰ هزار عامل وابسته به رژیم جمهوری اسلامی را از پناه بردن به آنجا و پنهان کردن پول‌هایی که از مردم ایران دزدیده‌اند، منع کرده است. در آمریکا قانونی برای تحریم علی‌خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی به دلیل جنایت‌هایشان علیه هموطنان ما وضع شده است. دولت آلمان و بسیاری دیگر از قدرت‌های جهانی، اعلام کرده‌اند که دیگر به دنبال مذاکره با دیکتاتوری حاکم بر ایران نیستند. این تحول مهمی است که از سرازیر شدن میلیاردها دلار پول مردم ایران به سمت آنها و خرید گلوله‌های بیشتر برای کشتن ایرانیان بیشتر، جلوگیری می‌کند. درواقع، اروپا سرانجام نسبت به اینکه جمهوری اسلامی نه تنها برای مردم ایران، بلکه برای مردم جهان یک تهدید است، آگاه شده است. حمایت رژیم از جنایات پوتین در اوکراین، جمهوری اسلامی را بیش از پیش نزد اروپایی‌ها منفور کرده و آنها را به این نتیجه رسانده که بالأخره باید دست به کار شوند. پارلمان اروپا تحریم‌های تاریخی را علیه مقاماتی که مرتکب جنایت و نقض حقوق بشر علیه مردم ایران شده‌اند، اعمال کرده است. برخلاف سیاست مداخلات اروپا، این یک سنت شکنی تاریخی به شمار می‌آید.

درواقع، در حالی که من این مقاله را می‌نوشتم، دولت آلمان اعلام کرد که روابط تجاری با جمهوری اسلامی را تعلیق می‌کند. تجارت آلمان با ایران که بیشتر منافع آن نصیب رژیم می‌شود، سالانه حدود دو میلیارد دلار است. تعلیق چنین تجارتی، شاید مهم‌ترین اقدام عملی در سه ماه گذشته برای پاسخگو کردن این رژیم و وارد کردن خسارت مالی به آن است.

صدای ایرانیان حتی در بالاترین سطوح دیپلماتیک و ژئوپلیتیک جهانی، یعنی سازمان ملل، نیز شنیده می‌شود. رژیم اسلامی از کمیسیون وضعیت زنان سازمان ملل، جایی که سزوار عضویت در آن نبود، کنار گذاشته شد. و حتی فراتر از آن، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، اجرای مکانیسم تحقیق مستقل درباره جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم ایران را تصویب کرد که بر اساس آن، این نهاد به صورت مستمر رژیم را رصد خواهد کرد و آن را پیش چشم جهانیان خواهد گذاشت و این اسناد و اطلاعات، تا وقتی که مردم ایران بتوانند در دادرسی‌های آزاد و عادلانه، مستولان این جنایات را محاکمه و پاسخگو کنند، حفظ خواهد شد.

● شاهدخت نور پهلوی: این یادداشت را می‌نویسم تا بگویم که فداکاری عظیم ایرانیان چه نتیجه‌ای در سطح جهانی داشته است و نظرات خود را درباره کارهای دیگری که باقی مانده است نیز در میان بگذارم.

● «در بازدید از سنای فرانسه و دیدار با قانونگذاران برجسته در پاریس، از نزدیک مشاهده کردم که آنها می‌خواهند برای حمایت از ایران و انقلابش، گام‌های عملی بردارند.»

● «اروپا سرانجام نسبت به اینکه جمهوری اسلامی نه تنها برای مردم ایران، بلکه برای مردم جهان یک تهدید است، آگاه شده است.»

● «دولت کانادا ۱۰ هزار عامل وابسته به رژیم جمهوری اسلامی را از پناه بردن به آنجا و پنهان کردن پول‌هایی که از مردم ایران دزدیده‌اند، منع کرده است. در آمریکا قانونی برای تحریم علی‌خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی به دلیل جنایت‌هایشان علیه هموطنان ما وضع شده است.»

در یکصدمین روز از انقلاب ملی ایران، از مداوم و گسترش این خیزش و همبستگی الهام‌بخش مردم ایران برای بازپس‌گیری و بازسازی ایران به وجد آمدم. نخستین روزهای این جنبش را پس از قتل حکومتی مهسا به یاد می‌آورم که روزنامه‌نگاران و تحلیلگران در خارج از کشور این انقلاب را فقط یک اعتراض کوچک و ناچیز می‌نامیدند. اما ملت ایران به آنها ثابت کرد که اشتباه می‌کنند و همانطور که پدرم همیشه می‌گوید، هیچ چیز در جهان- نه این رژیم و نه قدرت‌های جهانی- نمی‌تواند با اراده ایران یکپارچه مقابله کند.

مردم ایران تاریخ می‌سازند و سرنوشت خود را رقم می‌زنند. ما ایرانیانی که به خارج از کشور تبعید شده‌ایم، در مقایسه با شجاعت‌هایی که مردم داخل ایران پیش چشم دنیا به نمایش گذاشته‌اند، کار چندانی نکرده‌ایم، اما ما نیز تلاش کرده‌ایم هر کاری که در توان داریم انجام دهیم تا صدا و خواسته‌های ایرانیان را به جهان برسانیم.

از این رو، در یکصدمین روز انقلاب مردم ایران، این یادداشت را می‌نویسم تا بگویم که فداکاری عظیم ایرانیان خارج از کشور چه نتیجه‌ای داشته است و نظرات خود را درباره کارهای دیگری که باقی مانده است نیز در میان بگذارم. همانگونه که پدرم در تازه‌ترین سخنان خود خطاب به ملت ایران گفت، هرگز در طول تاریخ، یک جنبش اعتراضی با این سرعت نتوانسته بود توجه جهانی را به خود جلب کند و وجدان بین‌المللی را بیدار سازد. نمایندگان پارلمان اروپا به نشانه همبستگی با زنان ایران و کارزار گیسوئران، بر صحن پارلمان ایستادند و موهای خود را بریدند. مشاهیر سراسر جهان در کنار مردم ایران ایستادند و دلاوری و فداکاری آنها را ستودند.

# گزارش ویژه؛ دلیل تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها ترس از «اعتراضات» است نه آلودگی هوا! مدیر یک دبیرستان: اگر می‌توانستند تا اطلاع ثانوی تعطیل می‌کردند!



استقرار نیروهای امنیتی در حیاط یک مدرسه در اراک

ایران «کنترل دانشگاه‌ها را از دست داده» و مقامات می‌گویند «جوانان به زبانی صحبت می‌کنند که ما نمی‌فهمیم.» بررسی‌ها نشان می‌دهد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیگر نمی‌تواند مخالفت را در میان جوانان تحصیلکرده خنثی کند و کنترل اوضاع در دانشگاه‌ها از دست حکومت خارج شده است.

«دیلی میل» می‌نویسد، وسعت اعتراضات در دانشگاه‌های ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا کنون هیچوقت به اندازه اعتراضات اخیر نبود. آنها خواستار سرنگونی رژیم هستند و علیه علی‌خامنه‌ای شعارهای تند سر می‌دهند. این اعتراضات حتی پس از اعدام دو نفر از معترضان بازداشتی از جمله در ملاء عام و بازداشت هزاران نفر از مردم همچنان ادامه پیدا کرده است.

بسیاری تحلیلگران بر این باورند که حرکات دانشجویی به نوعی «الهام‌بخش اعتراضات است. شماری از رهبران دانشجویی که صحبت‌های آنها به دست «دیلی میل» رسیده می‌گویند در ایران «مقاومت دانشجویی» شکل گرفته و بسیار بیش از آنچه به نظر می‌رسد «سازماندهی شده» است.

در این میان، سازمان مجاهدین خلق چنین تبلیغ می‌کرد که گویا اعتراضات دانشجویی را سازماندهی می‌کند! اما اواخر آبان ۱۴۰۱ دانشجویان دانشگاه «خواجه نصیر» در واکنش به این تبلیغات شعار دادند «مردم ما بیدارند، از رجوی بیزارند!» از سوی دیگر، در تهران ۱۸ آذرماه دفتر بسیج دانشجویی دانشگاه «شریف» (آریامهر) به آتش کشیده شد. هشتم دی‌ماه نیز دفتر بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال به آتش کشیده شد.

«دیلی میل» با اشاره به تحرکات دانشجویان به نقل از یکی از آنها می‌نویسد که وی به همراه یک نفر دیگر در تاریکی شب به یک پایگاه بسیج در سعادت‌آباد رفتند و آنجا را با بنزین به آتش کشیدند.

هفته‌هاست شرایط در مدارس و دانشگاه‌های ایران پُلیسی شده. یک معلم شاغل در یک مدرسه دولتی در غرب تهران به کیهان لندن می‌گوید: «وضعیت در مدارس افتضاح است. مدیران مدارس را مجبور می‌کنند از معلمان و دانش‌آموزان گزارش وضعیت بنویسند. معلم‌ها را نسبت به هم بی‌اعتماد کردند. بعد از بازداشت چند مدیر و معلم شایعه شد حکومت در مدارس یکی دو نماینده بین پرسنل گذاشته است.»

او می‌افزاید: «در بعضی مدارس اخیراً به معلمان چادری یا آنهایی که علفی از نظام دفاع می‌کنند به هر بهانه‌ای پاداش می‌دهند. مثلاً به دلیل رعایت حجاب یا مشارکت فرهنگی!»

مدیر یک دبیرستان پسرانه در خراسان نیز به کیهان لندن می‌گوید: «حکومت اگر می‌توانست رسماً اعلام می‌کرد مدارس در تمام مقاطع تا اطلاع ثانوی تعطیل است اما نمی‌تواند! برای آنها تنها چیزی که اهمیت ندارد وضعیت درسی بچه‌هاست. دو سه سال کرونا مدارس را تعطیل کرد حالا هم مدارس را تعطیل می‌کنند چون از اعتراضات می‌ترسند. شاخص آلودگی هوا قبلاً هم بالا بود و حتی بیشتر از الان! چرا آنوقت تعطیل نمی‌کردند؟! موضوع این است که دیگر حریف جوان‌ها نمی‌شوند.»

این مدیر دبیرستان در ادامه توضیح می‌دهد: «من قبلاً سال‌ها دبیر بودم و بیشتر عمرم را سر کلاس با دانش‌آموزان سر و کار داشتم و می‌فهمم جنس نسلی که امروز محصل است حتی با بچه‌های پنج شش سال قبل هم قابل مقایسه نیست. چند نفر از این آقایان گفته‌اند در زندان هیچکدام از بازداشتی‌ها دنبال مَهر نماز نبودند! این یک واقعیت است! نظام آموزشی فعلی ظرفیت پاسخگویی به نسل‌های جدید را ندارد؛ نه از نظر علمی و نه از نظر فرهنگی و اجتماعی. محسن شکاری که اعدام شد یکی از همین جوان‌ها بود. اینها بچه‌هایی نیستند که تحمل کنند و دم نزنند.»

در این میان، روزنامه بریتانیایی «دیلی میل» اول ژانویه ۲۰۲۳ در گزارشی نوشته است، شواهد نشان می‌دهد که رژیم

هرچند ادعا می‌شود این تعطیلی‌ها که شاید بیشتر شوند به دلیل آلودگی هواست اما برخی منابع می‌گویند مسئله اساسی کنترل اعتراضات است زیرا تجربه سه ماه خیزش انقلابی نشان داده است که موج اعتراضات در روزهایی که دانشجویان و دانش‌آموزان صبح‌ها در دانشگاه‌ها و مدارس تظاهرات می‌کنند به خیابان‌ها کشیده می‌شود و تا نیمه‌های شب ادامه پیدا می‌کند.

در دهه‌های اخیر اغلب جریان‌های فعال سیاسی در دانشگاه‌ها تحت نفوذ گروه‌های اصلاح‌طلب بودند اما مدت‌هاست که وضعیت دگرگون شده است. در جریان خیزش اخیر در ایران شعارهای بی‌سابقه‌ای علیه علی‌خامنه‌ای و کل نظام در دانشگاه‌ها سر داده شد.

یک معلم شاغل در یک مدرسه دولتی در غرب تهران به کیهان لندن می‌گوید: «وضعیت در مدارس افتضاح است. مدیران مدارس را مجبور می‌کنند از معلمان و دانش‌آموزان گزارش وضعیت بنویسند. معلم‌ها را نسبت به هم بی‌اعتماد کرده‌اند.»

مدیر یک دبیرستان پسرانه در خراسان نیز به کیهان لندن می‌گوید: «من قبلاً سال‌ها دبیر بودم و بیشتر عمرم را سر کلاس با دانش‌آموزان سر و کار داشتم و می‌فهمم جنس نسلی که امروز محصل است حتی با بچه‌های پنج شش سال قبل قابل مقایسه نیست. چند نفر از این آقایان گفته‌اند در زندان هیچکدام از بازداشتی‌ها دنبال مَهر نماز نبودند! این یک واقعیت است! نظام آموزشی فعلی ظرفیت پاسخگویی به نسل‌های جدید را ندارد؛ نه از نظر علمی و نه از نظر فرهنگی و اجتماعی. محسن شکاری که اعدام شد یکی از همین جوان‌ها بود. اینها بچه‌هایی نیستند که تحمل کنند و دم نزنند.»

روزنامه بریتانیایی «دیلی میل» اول ژانویه ۲۰۲۳ در گزارشی نوشت شواهد نشان می‌دهد رژیم ایران «کنترل دانشگاه‌ها را از دست داده» و مقامات می‌گویند «جوانان به زبانی صحبت می‌کنند که ما نمی‌فهمیم.»

روزهای یکشنبه و دوشنبه ۱۱ و ۱۲ دی‌ماه مدارس و دانشگاه‌ها در چند شهر از جمله تهران، ری، کرج، اصفهان، کرمانشاه و چند شهر دیگر تعطیل اعلام شده است.

هرچند ادعا می‌شود این تعطیلی‌ها که شاید بیشتر نیز شوند به دلیل آلودگی هواست اما برخی منابع می‌گویند مسئله اساسی کنترل اعتراضات است زیرا تجربه بیش از سه ماه خیزش انقلابی نشان داده است که موج اعتراضات در روزهایی که دانشجویان و دانش‌آموزان صبح‌ها در دانشگاه‌ها و مدارس تظاهرات می‌کنند به خیابان‌ها کشیده می‌شود و تا نیمه‌های شب ادامه پیدا می‌کند.

در دهه‌های اخیر اغلب جریان‌های فعال سیاسی در دانشگاه‌ها تحت نفوذ گروه‌های اصلاح‌طلب بود اما مدت‌هاست که وضعیت دگرگون شده است. در جریان خیزش اخیر در ایران شعارهای بی‌سابقه‌ای علیه علی‌خامنه‌ای و کل نظام در دانشگاه‌ها سر داده شد.

سردار پاسدار رمضان شریف سخنگوی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی با انتقاد از «کوتاهی در محیط آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها برای آگاه‌سازی جوانان» گفته «در جریان‌های اخیر فلش حمله دشمن به سمت رهبری بود!»

## روزنامه «اورشلیم پست»: اسرائیل باید در نبرد قهرمانانه مردم ایران برای رهایی از شر جمهوری اسلامی همکاری کنند

● روسیه قرار است در روزهای آینده برای خرید چند صد پهپاد تهاجمی دیگر با جمهوری اسلامی قرارداد امضا کند، مقامات اسرائیلی‌ها نگران‌اند که این می‌تواند گامی برای تحویل تسلیحات پیشرفته‌تر، حتی موشک‌های هایپرسونیک باشد.

● برخی مقامات اسرائیل هشدار داده‌اند که تعمیق روابط مسکو و تهران به این معناست که روسیه در نهایت می‌تواند در ازای انتقال موشک‌های مافوق صوت کمک‌هایی به جمهوری اسلامی بکند که جای پای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه محکم‌تر شود.

با گذشت بیش از ۱۰۰ روز از آغاز خیزش انقلابی در ایران، تحلیلگران و مقامات اسرائیلی دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ایران بیان می‌کنند. برخی می‌گویند اسرائیل باید آماده هدف قراردادن تأسیسات اتمی در ایران شود و برخی از آنها معتقدند دولت‌های غربی و اسرائیل بهتر است همکاری با مردم ایران را که مخالف جمهوری اسلامی هستند گسترش دهند.

روزنامه «اسرائیل هیوم» در گزارشی که ۲۶ دسامبر (۵ دی‌ماه) منتشر شده می‌نویسد با توجه به اینکه روسیه قرار است در روزهای آینده برای خرید چند صد پهپاد تهاجمی دیگر با جمهوری اسلامی قرارداد امضا کند، مقامات اسرائیلی نگران‌اند که این اقدام می‌تواند گامی برای تحویل تسلیحات پیشرفته‌تر، حتی موشک‌های مافوق صوت (هایپرسونیک) باشد. مقامات اسرائیلی ادعا می‌کنند مسکو در ازای پرداخت پول نقد پهپادها را از ایران خریداری می‌کند اما برخی منابع می‌گویند در ازای تسلیحاتی که از ایران به روسیه ارسال می‌شود جمهوری اسلامی فناوری و تسلیحات مورد نیازش را از روسیه می‌گیرد.

مقامات ارشد اوکراینی هشدار داده‌اند که تعداد پهپادها ممکن است به ۱۷۰۰ فروند برسد. در حالی که مقامات اسرائیلی بر این باورند که این تعداد احتمالاً به چند صد پهپاد با ارزش چند صد میلیون یورو است.

کریلو بودانوف رئیس سرویس اطلاعات نظامی اوکراین به «نیویورک تایمز» گفته که روسیه برای تأمین ذخایر موشکی خود بر پشتیبانی تسلیحاتی رژیم ایران متکی است اما «جمهوری اسلامی به دلیل نگرانی از تشدید تحریم‌ها، تا حال از ارائه موشک‌های بالستیک به روسیه خودداری کرده است». این مقام اوکراینی افزود که روسیه تا کنون از ۵۴۰ پهپاد ساخت جمهوری اسلامی در حمله به نیروگاه‌های انرژی و برق اوکراین استفاده کرده است.



خیزش سراسری در ایران

به همت فاصله‌چندانی ندارد و به همین دلیل اسرائیل باید برای حمله «قریب‌الوقوع» به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی آماده شود.

### ضرورت کمک به مردم ایران برای سرنگونی رژیم

اورشلیم‌پست در ادامه می‌نویسد: «هنوز مشخص نیست که این اعتراضات چه زمانی و چگونه پایان خواهد یافت. اگرچه احتمال سرنگونی رژیم ایران در حال حاضر بسیار کم به نظر می‌رسد، اما ممکن است یک تغییر ناگهانی رخ دهد که رژیم را در معرض خطر قرار دهد. حتی اگر اعتراضات کنونی به تغییر رژیم منتهی نشود، موج بعدی اعتراضات آن را رقم خواهد زد؛ موضوع فقط بر سر زمان آن است. در چنین شرایطی رژیم ایران برنامه هسته‌ای خود را پیش می‌برد.»

در بخش دیگری از این مقاله آمده «اسرائیل و ایالات متحده باید نه تنها برای توقف برنامه هسته‌ای ایران بلکه باید با مردم ایران که مخالف جمهوری اسلامی هستند در سرنگونی رژیم همکاری کنند. هر هدفی نیاز به اقدامات متفاوتی دارد و همچنین تناقضاتی نیز بین آنها ممکن است وجود داشته باشد، زیرا بسیاری از ایرانیان از رژیم خود متنفرند اما ممکن است بخواهند برنامه هسته‌ای خود را حفظ کنند و شاید حتی سلاح هسته‌ای داشته باشند. با این حال، اسرائیل و ایالات متحده می‌توانند این خطر را بپذیرند و همچنان از مخالفان رژیم حمایت کنند، به‌خصوص که مخالفان جمهوری اسلامی اول از همه بر سرنگونی رژیم تمرکز دارند.»

در این مقاله همچنین آمده هرچند که مخالفان جمهوری اسلامی رهبری واحد و ایدئولوژی مشترک ندارند و بین آنها اختلافاتی وجود دارد اما برای سازماندهی و هماهنگی فعالیت‌های خود در تلاشند. با این حال، آنها با به خطر انداختن جان خود، شجاعانه بهای سنگینی برای رسیدن به آزادی پرداخت می‌کنند و از اعتراضات درس می‌آموزند. بنابراین، با وجود سختی‌ها و کمبودهایی که دارند، مستحق کمک هستند، به ویژه آنکه بدون حمایت، مبارزه برای سرنگونی رژیم ایران طولانی‌تر خواهد شد و حتی ممکن است شکست بخورد. گسترش همکاری بین مخالفان جمهوری اسلامی و کسانی که خارج از ایران مشتاق رهایی شدن از شر رژیم ایران هستند، ضروریست.

در پایان این مقاله آمده «در مجموع اسرائیل و ایالات متحده باید نه تنها برای به تأخیر انداختن برنامه هسته‌ای ایران، بلکه برای تشویق و کمک به مخالفان جمهوری اسلامی در نبرد قهرمانانه‌شان برای سرنگونی رژیم شیطانی جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را به کار بگیرند.»

اینهمه در حالیست که مقامات دفاعی اسرائیل در ارزیابی خود درباره پیامدهای استراتژیک کلی همکاری روسیه و جمهوری اسلامی اختلاف نظر دارند. پیش‌بینی موساد که توسط برخی فرماندهان اداره اطلاعات ارتش اسرائیل نیز حمایت می‌شود، این است که همکاری روسیه و جمهوری اسلامی در حال تبدیل شدن به یک تهدید فزاینده برای اسرائیل است. کسانی که در این زمینه ابراز نگرانی کرده‌اند، خاطرنشان می‌کنند که تعمیق روابط مسکو و تهران به این معناست که روسیه در نهایت می‌تواند در ازای انتقال موشک‌های مافوق صوت کمک‌هایی به جمهوری اسلامی کند که جای پای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه محکم‌تر شود. حتی برخی هشدار داده‌اند تسلیحاتی که روسیه در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد ممکن است توانایی اسرائیل را برای استفاده از نیروی هوایی خود در مرز شمالی محدود کند. منظور آنها تحویل سیستم‌های پدافندی به جمهوری اسلامی است.

سناریوی دیگر که از سوی فرماندهان ارتش اسرائیل عنوان شده این است که همکاری تهران و مسکو چیزی بیش از یک «معامله تجاری» نیست و پیامدهای استراتژیک ندارد. این در حالیست که روسیه اخیراً سیستم‌های تسلیحاتی ساخت آمریکا را که در جنگ اوکراین غنیمت گرفته بود به ایران منتقل کرده تا بتواند ضعف آنها را با «مهندسی معکوس» به دست آورد و در همین ارتباط قرار است جنگنده‌های سوخو-۳۵ را در اختیار ایران قرار دهد. اما تحلیلگران معتقدند، مسکو اجازه نمی‌دهد جمهوری اسلامی به موقعیت بیش از حد مسلط در منطقه دست یابد و موضع خود را در مورد جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی حفظ خواهد کرد.

از سوی دیگر روزنامه «اورشلیم پست» با اشاره به افزایش سطح تهدیدات جمهوری اسلامی علیه اسرائیل می‌نویسد: «اسرائیل باید هر کاری که می‌تواند برای توقف برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی و برچیده شدن رژیم ایران انجام دهد.» در این نوشتار آمده: «درگیری اسرائیل با رژیم ایران است و نه مردم ایران، زیرا بسیاری از مردم ایران خواهان جنگ نیستند. علاوه بر این، برخی در ایران رژیم جمهوری اسلامی را دشمن اصلی خود می‌دانند و نه اسرائیل... مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی و سرکوب‌های مداوم موج‌هایی از اعتراضات به همراه داشته و رژیم ایران از خطر این اعتراضات آگاه است.»

زوهار پالتی رئیس سابق اطلاعات موساد گفته رژیم ایران با افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم تا ۹۰ درصد و دستیابی



# داده‌های دهه اخیر چه می‌گویند؟ آیا بریتانیا در حال تغییر به جامعه‌ای بسیار متفاوت است؟

بسیار متفاوتی برای خود در مقایسه با دیگر شهروندان بریتانیایی قائل هستند؛ بسیاری از آنها خواهان یک زندگی جداگانه هستند. او می‌گوید: «مسلمانان در حال به وجود آوردن ملتی در درون ملتی دیگر هستند.»

پروفسور لیندا وُدهد یکی از پژوهشگران برجسته، در مورد نسل دوم مسلمانان مهاجر می‌گوید: «مسلمانان بریتانیایی صدای خود را از طریق آن نمایندگان در مجلس انگلستان که مسلمان هستند اکنون پیدا کرده، و جوانان با اعتماد به نفس که وارد آموزش عالی می‌شوند، با بسیاری از اجتماعات مسلمان از اقوام گوناگون درهم آمیخته و در حال ایجاد نوعی از فرهنگ اسلام بریتانیایی، همراه با خوراک، پوشاک، موسیقی و مکان‌های خلاقانه هستند.»

اینگونه به نظر می‌رسد که مسلمانان در بریتانیا، مذهبی‌تر از بیشتر سایر گروه‌های مذهبی در این کشور هستند. در حالی که شمار کمتری از بریتانیایی‌ها به کلیسا رفته و در حال پشت کردن به مذهب هستند، و خود را خداناباور یا غیرمذهبی می‌خوانند، اما بیشتر مسلمانان در بریتانیا بی‌چون و چرا از مذهب خود پیروی می‌کنند. لندن، صاحب کمترین شمار افراد غیرمذهبی است؛ احتمالاً به این دلیل که دارای بالاترین درصد از ساکنان غیرمسیحی بوده که شامل مسلمانان می‌شود که ۱۳٪ از ساکنان آن را تشکیل می‌دهند. طبق گزارشی که در سال ۲۰۱۵ از سوی «نَت سن» (NatCen) در بررسی رویکرد اجتماعی در بریتانیا منتشر شد: «کلیسای انگلستان، در ۳۰ سال گذشته در حال افول بوده و این افول طی دهه گذشته شدت بیشتری پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۲، نام محمد به عنوان متداول‌ترین نام برای فرزند پسر تازه به دنیا آمده در لندن ثبت شد. این نام در همان سال مقام دوم را در تمامی بریتانیا، شامل ولز، به خود اختصاص داد.»

«مرکز پژوهش و شواهد در مورد تهدیدات امنیتی» نیز طی گزارشی در سال ۲۰۱۸ نوشته کرده بود: «از بعضی جهات، مسلمانان بریتانیا در انتقال باورهای دینی از یک نسل به نسل بعدی موفق‌تر از پیروان ادیان دیگر بوده‌اند. میزان بالاتری از انتقال باورهای دینی در میان مسلمانان در مقایسه با مسیحیان یا دیگر باورهای دینی، و حتا ناباوران به دین دیده می‌شود. بیشتر فرزندان مسلمانان در بریتانیا، قرآن را با گویش عربی یاد می‌گیرند؛ چه در آموزش روزانه در مسجد، در خانه یک معلم مستقل، در خانه خود، یا حتا از طریق اسکایپ. افزون بر یادگیری قرآن با گویش عربی، بسیاری از مدارس ضمیمه شده اسلامی، مشغول به تدریس دیگر مطالعات اسلامی همراه با تدریس رسمی گویش و فرهنگ قومی شاگردان خود هستند.»

در این میان، پرسش مهم این است: کدام آموزه‌ها را مسلمانان در سراسر جهان، شامل بریتانیا، از قرآن فرا می‌گیرند؟ قرآن، مشرکین، بت‌پرستان و بی‌دینان را تحمل نمی‌کند؛ بی‌دینانی که طبق آمار در بریتانیا رو به افزایش هستند. این معضل، پیشتر توسط نخست وزیر وینستون چرچیل پیش‌بینی شده بود: «مسلمانان بطور فردی، کیفیت‌های تحسین‌برانگیزی از خود نشان می‌دهند. هزاران تن از آنان سربازان دلیر و باوفا به ملکه می‌شوند؛ آنها خوب می‌دانند که چگونه به استقبال مرگ بروند. اما نفوذ مذهب، توسعه اجتماعی در میان باورمندان و پیروان آن را فلج می‌کند. هیچ نیروی ارتجاعی نیرومندتر از این در جهان وجود ندارد.»

\*منبع: انستیتو گیت‌استون

\*نویسنده: مُحشِن حَبِیب

\*ترجمه و تنظیم: داریوش افشار

شمار کمتری از نیمی از جمعیت انگلستان و ولز (۲۷/۵ میلیون تن) خود را مسیحی معرفی می‌کنند، اما شمار افرادی که «بی‌دین» هستند با ۱۲ درصد افزایش، ۲۷/۲٪ جمعیت را تشکیل می‌دهد (۲۲/۲ میلیون تن). درصد افراد مسلمان در این کشور که در سال ۲۰۱۱، ۴/۹٪ ارزیابی شده بود، در سال ۲۰۲۱ به ۶/۵٪ (۳/۹ میلیون تن) رسید. در



لندن / ۲۸ مارس ۲۰۰۶

لایه‌های دیگر مذهبی، هندوها با یک میلیون تن، سیک‌ها با ۵۲۴ هزار تن، و بودایی‌ها با ۲۷۳ هزار تن افزایش بیشتری نسبت به یهودیان با ۲۷۱ هزار تن را داشته‌اند.

در مقایسه با دیگر شهروندان بریتانیایی، به نظر می‌آید که مذهب در میان مسلمانان این کشور جایگاه بسیار مهمتری در زندگی آنان داشته و نقشی کلیدی در ابراز هویت آنها ایفا می‌کند. طبق گزارشی که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد: «۳۰ درصد از شهروندان مسلمان بریتانیایی، زندگی تحت قوانین شریعت را به قوانین مدنی بریتانیا ترجیح می‌دهند. ۲۸ درصد امیدوار هستند که روزی یک حکومت بنیادگرای اسلامی در بریتانیا به وجود بیاید.»

در مقاله‌ای که «مرکز رسانه‌های مذهبی» از عبدالعظیم احمد در سال ۲۰۲۱ منتشر کرده است، تأیید می‌شود که بسیاری از مراکز آموزشی اسلامی متفاوت با سامانه‌های آموزشی متداول و عمومی در بریتانیا به وجود آمده و در دسترس هستند. شایان توجه آنکه، سلفی‌گری در سال‌های اخیر، به ویژه در میان مسلمانان جوان‌تر، رو به افزایش بوده است.

تُرور فیلپس رئیس پیشین کمیسیون حقوق بشر و برابری برای تساوی نژاد، ابراز کرده بود که پیروان اسلام، ارزش‌های

● در سال ۲۰۱۳، وینسنت کوپر یک روزنامه‌نگار بریتانیایی نوشت: «تا سال ۲۰۵۰، یعنی فقط ۳۷ سال دیگر، اکثریت ملت تشکیل‌دهنده بریتانیا، مسلمان خواهند بود.» ● طبق گزارشی که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد: «۳۰ درصد از شهروندان مسلمان بریتانیایی، زندگی تحت قوانین شریعت را به قوانین مدنی بریتانیا ترجیح می‌دهند. ۲۸ درصد امیدوار هستند که روزی یک حکومت بنیادگرای اسلامی در بریتانیا به وجود بیاید.»

● تِرور فیلپس رئیس پیشین کمیسیون حقوق بشر و برابری برای تساوی نژاد، ابراز کرده بود که پیروان اسلام، ارزش‌های بسیار متفاوتی برای خود در مقایسه با دیگر شهروندان بریتانیایی قائل هستند؛ بسیاری از آنها خواهان یک زندگی جداگانه هستند. او می‌گوید: «مسلمانان در حال به وجود آوردن ملتی در درون ملتی دیگر هستند.»

● در این میان، پرسش مهم این است: کدام آموزه‌ها را مسلمانان در سراسر جهان، شامل بریتانیا، از قرآن فرا می‌گیرند؟ قرآن، مشرکین، بت‌پرستان و بی‌دینان را تحمل نمی‌کند؛ بی‌دینانی که طبق آمار در بریتانیا رو به افزایش هستند. این معضل، پیشتر توسط نخست وزیر وینستون چرچیل پیش‌بینی شده بود: «مسلمانان بطور فردی، کیفیت‌های تحسین‌برانگیزی از خود نشان می‌دهند. هزاران تن از آنان سربازان دلیر و باوفا به ملکه می‌شوند؛ آنها خوب می‌دانند که چگونه به استقبال مرگ بروند. اما نفوذ مذهب، توسعه اجتماعی در میان باورمندان و پیروان آن را فلج می‌کند. هیچ نیروی ارتجاعی نیرومندتر از این در جهان وجود ندارد.»

اداره آمار ملی بریتانیا نتایج داده‌های به دست آمده در طول ۱۰ سال گذشته در این کشور را که در سال ۲۰۲۱ انجام شده بود، در ۱ دسامبر ۲۰۲۲ منتشر کرد. طبق این داده‌ها، سریع‌ترین رشد جمعیت در انگلستان و ولز، در میان جامعه مسلمان این دو ناحیه در بریتانیا نشان داده شده است.

در گزارش این سرشماری آمده است «برای اولین بار در سرشماری انجام شده در انگلستان و ولز، شمار کمتری از نیمی از جمعیت (۴۶/۲٪، برابر با ۲۷/۵ میلیون تن) خود را «مسیحی» معرفی می‌کنند... این جای هیچ شگفتی ندارد که در مقایسه با گذشته، داده‌های به دست آمده از این سرشماری، شمار کمتری از شهروندانی که خود را مسیحی معرفی می‌کنند ثبت می‌شود.» در واکنش به این داده‌ها، استیون گُرتل، اُسْتَف اعظم یورک، اظهار داشت: «این موضوع تکلیفی را برای ما تعیین می‌کند که تا نه تنها ایمان داشته باشیم که خداوند روزی امپراتوری خود را بر روی زمین برقرار خواهد ساخت، بلکه ما نیز نقش خود را در شناسایی عیسی مسیح به مردم می‌بایست به اجرا بگذاریم.» جامعه مسلمان بریتانیا اما واکنشی متفاوت از خود نشان داده است. زهرا محمد دبیرکل شورای مسلمانان بریتانیا در این مورد گفت: «در حالی که این سرشماری به مذهب نیز می‌پردازد، اما کمبود سنجش گسترده‌تری که بطور مشخص معطوف به مذهب باشد، مانع از آن می‌شود تا ما درک بهتری از حد شدن این مسئله که جامعه مسلمان در بریتانیا تا چه میزان با کمبود نمایندگان خود روبروست، پیدا کنیم. این ارقام تازه، اکنون فرصتی به ما می‌دهد تا تغییرات هدفمندی را به اجرا گذاشته و بریتانیای بهتری برای همگان به وجود بیاوریم.»

در سال ۲۰۱۳، وینسنت کوپر یک روزنامه‌نگار بریتانیایی نوشت: «تا سال ۲۰۵۰، یعنی فقط ۳۷ سال دیگر، اکثریت ملت تشکیل‌دهنده بریتانیا، مسلمان خواهند بود.» سرشماری انجام شده در ۲۰۲۱ اگرچه آشکار می‌کند که



## سالانه ۶۵ هزار نفر برای همیشه از ایران مهاجرت می‌کنند؛ هشدار درباره کمبود نیروی پزشک در آینده نزدیک

باشند، از طبابت منفعت بیشتری دارد و این موضوع قابل اثبات است.»

اینهمه در حالیکه طی ماه‌های گذشته سرکوب پزشکان و پرستاران در جریان جنبش انقلابی در کشور نیز به دیگر دلایل آنها برای مهاجرت افزوده شده است.

کیهان لندن به تازگی در گزارشی به سرکوب و فشار بر پزشکان پرداخته و نوشته که پیوسته پزشکان و پرستاران به صف معترضان سبب شده تا مقامات حکومتی علاوه بر بازداشت و زندانی کردن این بخش از جامعه، به تلاش برای تغییر قوانین تأیید صلاحیت پزشکان برای فعالیت حرفه‌ای آنها بپردازند! حرفه‌ای مهم و حیاتی و در خدمت مردم که سال‌ها تحصیل و رنج آموزش پشتوانه‌ی آن است.

این گزارش افزوده که از سوی دیگر شاهد موج اعتراض و انتقاد جامعه پزشکی و کادر درمان علیه سرکوب معترضان در انقلاب ملی هستیم. در آخرین مورد دکتر محمد رازی قائم مقام سازمان نظام پزشکی در اعتراض به سرکوب پزشکان در اوایل آبان ماه از مقام خود استعفا داد.

در همین رابطه، کانون پزشکان آلمان به همراه ۱۰ نهاد دیگر در بخش سلامت و درمان از جمله چندین اتحادیه و انجمن مرتبط با روان‌درمانی در دفاع از جان به دربرندگان از زندان و شکنجه در نامه سرگشاده‌ای به اولاف شولتز صدراعظم و آئالینا پروک وزیر خارجه آلمان که در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۲۲ منتشر شده، از آنها خواسته‌اند نظر به شرایط «فاجعه‌بار انسانی» که در ایران حاکم است و نظر به سرکوب پزشکان و کادر درمانی در ایران که به زخمی‌شدگان کمک می‌کنند، لازم است تا دولت این کشور «هر آنچه در توان دارد» برای فشار به رژیم ایران به کار بگیرند تا پزشکان در ایران «بتوانند کار خود را مطابق با قرارداد ژنو برای حفاظت و رفاه بیماران خود انجام دهند.»

دکتر رضا بهروز، پزشک و فعال ایرانی-آمریکایی در مورد فشارهای امنیتی نیروهای سرکوب علیه کادر درمان و جامعه پزشکی ایران به کیهان لندن می‌گوید: «ارزیابی من این است که رژیم یک اشتباه محاسباتی در مورد کادر پزشکی کرده و آن اینست که فکر می‌کرد چون پزشکان از نظر اقتصادی زندگی نسبتاً مرفه‌ی دارند، امکان اینکه این زندگی مرفه را فدای آرمان‌های انقلابی و حمایت از خیزش مردمی کنند کم است. اما این اشتباه بود، چون بسیاری از پزشکان به سوگند حرفه‌ای که خورده‌اند پایبندند و امتیازات رانتی را به این سوگند می‌فروشند. این برای رژیم قابل هضم نیست و اینطور به نظر می‌رسد که چنین رفتاری را پیش‌بینی هم نمی‌کرد.»

این پیمایش نشان می‌دهد، از نظر عوامل کلان اقتصادی و اجتماعی موثر بر مهاجرت بیش از ۵۰ درصد از افراد شرکت‌کننده معتقد بودند بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی در ایران، فساد نهادینه در کشور و شیوه حکمرانی در کشور مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت در حوزه سلامت هستند. به طور کلی در میان شاغلان بخش سلامت، عواملی مانند عدم تناسب میان درآمد و هزینه‌های زندگی، تبعیض و نابرابری درآمدی در افزایش انگیزه افراد برای مهاجرت بیشتر است. همچنین رانت و روابط ناسالم مدیران و ناکارآمدی مدیران بهداشت و درمان کشور نیز به عنوان عوامل مدیریتی تأثیرگذار بر مهاجرت کادر درمان است.

بررسی‌های رصدخانه نشان می‌دهد پزشکانی که قصد مهاجرت دارند در همان سال‌های اولیه و پس از فارغ‌التحصیلی اقدام به مهاجرت می‌کنند. اما کادر درمان کدام کشورها را برای ادامه فعالیت انتخاب می‌کنند؟ داده‌های سالنامه مهاجرت ۱۴۰۱ نشان می‌دهد، آمریکا، آلمان، فرانسه و بریتانیا مهم‌ترین کشورهای پذیرنده پزشکان ایرانی هستند. سال ۲۰۱۸ تنها در آمریکا ۲۹ هزار ایرانی در بخش بهداشت و درمان فعال بودند. به عبارتی مقاصد مهاجرتی همان کشورهای توسعه‌یافته هستند که نیروی آموزش‌دیده کشورهای در حال توسعه را به کار می‌گیرند. گاهی با دادن امتیاز و گاهی بدون امتیاز خاصی برای مهاجران این رویه طی می‌شود. آمارهای مهاجرتی زنگ هشدار است برای خالی شدن حوزه بهداشت و درمان از نیروی انسانی مهارت‌دیده.

روزهای نخست سال ۱۴۰۱، رضا لاری‌پور سخنگوی سازمان نظام پزشکی از درخواست ۴۰۰۰ پزشک برای دریافت گواهی عدم سوء پیشینه خبر داد که قصد مهاجرت داشته‌اند. محمد رئیس‌زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی نیز با تأیید این آمار به شتاب مهاجرتی پزشکان اشاره کرده که در سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۴ هزار و ۲۷ نفر درخواست گود استندینگ یادم سوء پیشینه کرده‌اند.

به گفته محمد رئیس‌زاد در رشته‌های بسیار ضروری، جراح نداریم و مجبور می‌شویم برای برخی درمان‌ها با چند برابر هزینه، عزیزان را به خارج از کشور بفرستیم یا با یک عقب‌گرد ۴۰ ساله واردات پزشک از هند، پاکستان و فیلیپین داشته باشیم.

پیش از این گزارش‌هایی مبنی بر تغییر شغل پزشکان انتشار یافته بود. علی سالاریان معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی گفته بود، «در حال حاضر برخی فارغ‌التحصیلان پزشکی به سایر مشاغل کوچ می‌کنند؛ برخی پزشکان ما سوپرمارکت دارند یا حتی اگر کار خدماتی داشته

● مدیر رصدخانه مهاجرت می‌گوید سالانه حداقل ۶۵ هزار نفر برای همیشه از ایران مهاجرت می‌کنند.

● مهاجرت داوطلبانه نیروی متخصص تحصیلکرده و نیروی کار ماهر در سه سال گذشته منجر به خروج بیش از چهار هزار پزشک از ایران شده است.

● طی ماه‌های گذشته سرکوب پزشکان و پرستاران در جریان جنبش انقلابی در کشور نیز به دیگر دلایل آنها برای مهاجرت افزوده شده است.

مدیر رصدخانه مهاجرت ایرانیان از مهاجرت سالانه حداقل ۶۵ هزار نفر برای همیشه از کشور خبر داده است. در این میان مهاجرت گسترده پزشکان، هشدارهایی درباره کمبود پزشک در سال‌های آینده را به همراه داشته است.

بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت می‌گوید سالانه حداقل ۶۵ هزار نفر برای همیشه از ایران مهاجرت می‌کنند. رقمی بزرگ که بخشی از آن به مهاجرت کادر درمان برمی‌گردد. بحران‌های اقتصادی یا اجتماعی از اصلی‌ترین دلایل مهاجرت پزشکان است.

رصدخانه مهاجرت ایران در پیمایشی در تابستان سال ۱۴۰۱ میزان تمایل، تصمیم و اقدام به مهاجرت حوزه سلامت را بررسی کرد. بر اساس این پیمایش نیمی از شرکت‌کنندگان تمایل زیاد و بسیار زیاد به مهاجرت داشتند. نکته مهم‌تر در این پیمایش این است که بیش از یک سوم افراد شرکت‌کننده حتی تمایل به کار در مشاغل غیرتخصصی و پایین‌تر در خارج از کشور را داشتند. به عبارتی نیروهای آموزش‌دیده، پس از سال‌ها تحصیل ترجیح می‌دهند در مشاغلی به جز آنچه برای آن زحمت کشیده و آمادگی دارند و حتی در رده‌های پایین‌تر مشغول به کار شوند، اما از ایران بروند.

بر اساس گزارش رصدخانه مهاجرت ایران، مهاجرت داوطلبانه نیروی متخصص تحصیلکرده و نیروی کار ماهر در سه سال گذشته منجر به خروج بیش از چهار هزار پزشک از ایران شده است. باید در نظر داشت این آمار فقط برای پزشکان است و اگر با آمارهای مهاجرت پرستاران و سایر بخش‌های حوزه سلامت تجمیع شود، رقم بزرگ‌تری حاصل می‌شود. آمار دقیقی از مهاجرت پرستاران در دست نیست. سال ۲۰۱۸ و تنها در کشور آمریکا، چهار هزار پرستار ایرانی فعال بودند. تعداد پزشکان ایرانی که به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند.

بر اساس داده‌های سالنامه مهاجرت ۱۴۰۱، سه دسته عوامل مرتبط با مسائل اقتصادی، مدیریتی و شغلی-رفاهی بر مهاجرت بخش سلامت تأثیرگذار است. آنطور که نتایج



بازشم

## با من به جمران بیائید... (۱)

(کیهان لندن شماره ۱۱۴۴-۱۱۴۱)

بهمن تا اسفند ۱۳۸۵

احمد احرار

سمبول سیاسی ایران این روزها محمود احمدی نژاد است و سمبول مذهبی آن مسجد جمران.

روزنامه «لا کروا» چاپ پاریس در گزارشی مبسوط، به قلم گزارشگر خود که از مسجد جمران دیدن کرده، چنین آورده است: جمران شهرکی است پر گرد و غبار در چند کیلومتری قم، پایتخت مذهبی ایران، بر زمین صحرای بی آب و علف، که تندبادهای کویری آن را جاروب می‌کند. گنبدهای پنجگانه مسجد جمران را شبها نورافکن‌های قوی با نوری سبزرنگ تالو می‌بخشند.

دوشنبه شبها، این فضا رنگ دیگری به خود می‌گیرد. سکوت صحرا با طنین دعا و ندبه و زاری دهها هزار زائر شکسته می‌شود، زائرانی که تعدادشان هر سال افزایش می‌یابد: ده میلیون... پانزده میلیون... هفده میلیون! این زیارتگاه پرتافتاده و گمنام، از ده سال پیش ناگهان به یکی از پر رفت و آمدترین مراکز زیارتی ایران اسلامی تبدیل شده است. مرد و زن و پیر و جوان از هر سو در طلب معجزه به جمران روی می‌آورند. یک شکسته‌بند که طرفدارانش بر گرد او حلقه زده‌اند، با نوعی مباحثات می‌گوید ۳۹ سال است که من به زیارت این مکان مقدس می‌آیم. در آن زمان تعداد زائران حد اکثر ۱۵۰۰ نفر بود در اطراف مسجدی محقر، غیر قابل مقایسه با جمعیت کنونی و بنای با شکوه امروزی مسجد.

گزارشگر فرانسوی سپس ادامه می‌دهد: مسجد جمران، بر اثر توسل جست محمود احمدی نژاد شهرت جهانی پیدا کرد. یکی از نخستین اقدامات دولت احمدی نژاد اهدای مبلغی معادل ۱۲ میلیون یورو برای تکمیل و تجهیز این بنا بود. مؤمنین به جمران می‌آیند تا امام مهدی - امام غایب شیعیان دوازده امامی - را زیارت کنند.

امام مهدی در سال ۹۴۱ (میلادی) سر به چاه غیبت فرو برده و از نظرها پنهان شده است. ظهور مجدد او به دنبال یک آپوکالیپس (فجایع و مظالم آخرالزمان) واقع می‌شود. او بازمی‌گردد تا ریشه‌های ظلم و ستم را برافکند و یک جامعه ایده‌آل اسلامی در جهان برقرار سازد. بر اساس یک اعتقاد بومی، او از بن چاهی در مسجد جمران ظاهر خواهد شد و این همان چاهی است که زائران، حاجات خود را به صورت عریضه در آن می‌اندازند. گفته می‌شود محمود احمدی نژاد لیست وزرای خود را قبل از آن که وزیرانش به مجلس معرفی شوند، در جمران به نظر امام زمان رسانید.

مرد جوانی که توفیقی خود را در ترک اعتیاد، مدیون توسل به چاه جمران می‌داند و برای زیارت و نیز توبه از گناهان گذشته، به جمران آمده است می‌گوید علائم ظهور حضرت هر روز آشکارتر می‌شود. چون میزان گناهان رو به افزایش است و در ایران مردم بیش از پیش مرتکب گناه می‌شوند،

حتی بیش از اروپا و آمریکا!

\*\*\*

مسجد جمران و معجزات و کرامات آن تنها در مطبوعات و محافل خارجی به‌عنوان یک سوژه داغ مطرح نیست. در مطبوعات و محافل داخلی نیز موضوع مقالات و گفتارها و بحث‌ها و جدلهاست.

روزنامه «جمهوری اسلامی» چندی پیش مقاله‌ای داشت در تنقید از ترویج خرافات، منجمله مبالغه در باب معجزات و کرامات مسجد جمران.

مبنای مقاله این بود که اصلاً چه کسی و بر اساس کدام مأخذ چنین مرتبه و مقامی برای مسجد جمران قائل شده و آن را به صورت زیارتگاهی رقیب مرقد مطهر حضرت معصومه درآورده است.

سرمقاله‌نویس «جمهوری اسلامی» سؤال می‌کرد:

۱- چه کسی مسجد جمران را از نظر تقدس به گونه‌ای معرفی کرده است که از مساجدی مانند مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد قبا، مسجدالاقصی، مسجد کوفه و سهله و مشاهد مشرفه با فضیلت‌تر باشد؟

۲- از سوی چه شخصیت و یا نهادی تبلیغات بی‌سابقه برای حضور میلیونی مردم در این مسجد مقدس انجام گرفته و با چه وسیله‌ای از مردم سراسر کشور خواسته‌اند به این مکان توجه نمایند؟

در مقاله، اشاره‌ای هم شده بود به این که پایه و اساس توهمات مربوط به مسجد جمران را یک خواب تشکیل می‌دهد. متولی مسجد جمران - حجت‌الاسلام والمسلمین آقای وافی - در جوابیه‌ای به روزنامه جمهوری اسلامی نوشت که اولاً دستور ساختن مسجد جمران را حضرت صاحب‌الامر نه در خواب، که در بیداری به حسن‌بن مثله جمرانی صادر فرموده‌اند: «مرحوم محدث بزرگوار و عالم جلیل‌القدر، حضرت آیت‌الله حاج میرزا حسین نوری رضوان‌الله علیه در کتاب شریف نجم‌الثاقب که به‌دستور مرجع بزرگ جهان تشیع، میرزای شیرازی (قدس سره) نوشته شده و به تقریظ آن بزرگوار مزین گردیده، در حکایت اول از یکصد حکایتی که در کتابش آورده به‌تفصیل از کیفیت احداث مسجد مقدس جمران بحث کرده و بنای آن را به دستور حضرت بقیه‌الله (ارواح‌نافه) دانسته است. در این حکایت تصریح شده که دستور ساختن مسجد در بیداری صادر شده نه در خواب.

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته) در این زمینه چنین فرموده‌اند: این بی‌خبران غافل می‌دانند مسجد جمران مربوط به خواب نیست بلکه در سه‌شنبه هفدهم ماه رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری درب خانه حسن‌بن مثله جمرانی را می‌زنند و او را از خواب بیدار می‌کنند و به او

می‌گویند «اجب مولاک صاحب‌الزمان...»

او می‌گوید دعوت را امتثال کردم و رفتم تا رسیدم خدمت امام زمان علیه‌السلام.

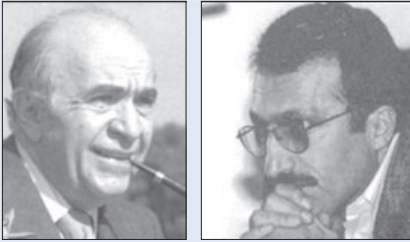
آن بزرگوار فرمودند این زمین مقدس و مورد عنایت خداست. مسجدی به‌دستور من در اینجا بساز، یعنی مسجدی می‌شود که روزی کانون دلها می‌شود و از سراسر دنیا به اینجا می‌آیند، مردم تربیت می‌شوند، توبه می‌کنند، هدایت می‌شوند، مشکلاتشان حل می‌شود، جوانان همانند پروانه اطراف این مسجد را می‌گیرند. پس ای بی‌خبر، این خواب نیست؛ این بیداری است که در کتابهای معروف و معتبر نقل شده و بسیاری از علما و بزرگان به اینجا اهمیت داده‌اند و حتی مرجع سختگیر و نقادی همانند آیت‌الله‌العظمی بروجردی پای مسجد جمران را امضا می‌کنند. پس لابد یک حسابی در کار است.»

جوابیه به نقل قول از آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی اکتفا نمی‌کند و سرمقاله‌نویس جمهوری اسلامی را به تأییدیه «رهبر معظم انقلاب» و پایه‌گذار همین روزنامه توجه می‌دهد: «رهبر بزرگوار انقلاب در دیدار مسؤولین مسجد با ایشان، مسجد مقدس جمران را گنجینه فناپذیر شیعه دانسته و در نوشته خود از آن به‌عنوان مکان متبرک و پایگاه عظیم تشیع یاد کرده‌اند». علاوه بر آن «مرحوم استاد‌الفقها و المجتهدین، حضرت آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری (قدس سره) مسجد جمران را از آیات باهرات عنایت آن حضرت دانسته و فرموده‌اند من به صحت این مسجد مبارک قطع دارم. اقبال گسترده اقشار مختلف به مسجد مقدس جمران عوام‌زدگی نیست بلکه خواص از بندگان صالح خداوند و نخبگان سطح بالای حوزه علمیه از صدها سال پیش به این مکان توجه داشته‌اند و شخصیت‌های بزرگی مانند ملا محمدتقی مجلسی، شیخ بهائی، فیض کاشانی وسایرین برای عبادت به این مکان مشرف می‌گردیدند.»

تولیت مسجد جمران با نقل این حکایات و روایات از قول اعظم علمای مرده و زنده، متقابلاً تردید و تشکیک در کرامات مسجد و اصالت شناسنامه آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌نویسد: «آپا سزاوار است سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی که آرم آن مزین به قطرات خون شهادت دستاویزی برای سایت‌های غافل و ناآگاه و یا ضد انقلاب قرار گیرد که نه نظام و رهبری را قبول دارند و نه معتقد به مبانی مذهبی هستند؟...»

با این حال، استدلال تولیت محترم و مستندات آن، سرمقاله‌نویس جمهوری اسلامی را قانع نمی‌کند و ردیه‌ای بر جوابیه می‌نویسد که در شماره آینده به آن خواهیم پرداخت و نیز حواشی دیگری بر این داستان. **دنباله دارد**

## معمایی به نام هویدا (۱۶)



نوشته دکتر عباس میلانی

## هویدا با سه گلوله يك اسلحه كمری به قتل رسید

خلخالی هفت تیری را که هویدا با آن کشته شد به عنوان یادگاری با ارزش در خانه خود نگهداشته است  
بستگان هویدا پس از آن که خبر اعدامش را شنیدند اسناد مهمی را که در منزلشان پنهان بود سوزاندند

بازنش

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره‌های ۸۷۷-۸۶۱)

دکتر عباس میلانی، متن انگلیسی کتاب خود را با عنوان Persian Sphinx انتشار داد.

«اسفنکس» در اساطیر نام يك موجود افسانه‌ایست با کله انسان و اندام شیر که بر دروازه شهری نشسته بود و هر کس می‌خواست وارد شهر شود مجبور بود به معمایی که او مطرح می‌کرد پاسخ دهد. اگر پاسخ صحیح بود، اجازه ورود می‌یافت و الا سرش به باد می‌رفت.

این کلمه اما به معنی شخص پیچیده و مرموز وارد زبانهای اروپایی شده و به کسانی اطلاق می‌شود که نمی‌توان از اسرار و افکارشان سر درآورد.

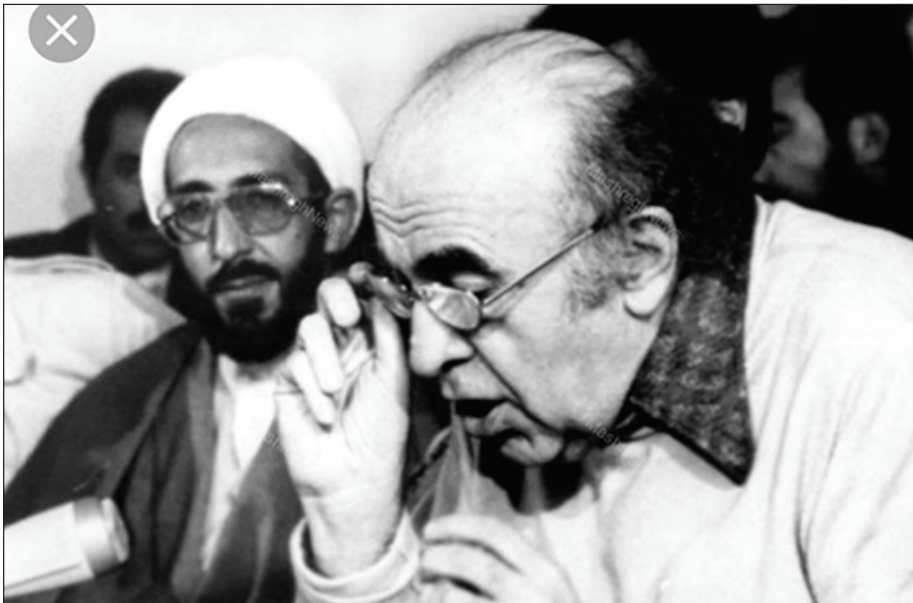
آیا هویدا واقعا چنین پدیده‌ای بود و باقی ماندن او در مقام نخست وزیری به مدت سیزده سال يك معماست؟ قضاوت در این مورد با خواننده کتاب است که به لطف شش سال کار نویسنده و گفتگوی او با دوستان و دشمنان و مخالفان و موافقان هویدا، با شخصیت وی از زوایای مختلف آشنایی پیدا می‌کند.

چنان که قبلا نوشتیم، هرآینه آگاهان و صاحبانظران در باره این کتاب و مندرجات آن نظری داشته باشند ما استقبال می‌کنیم به شرط آن که هدف، روشنتر شدن موضوعات و کمک به تصحیح و تکمیل تاریخ باشد.

هادی غفاری یا صادق خلخالی... کدامیک ازین دو «حجت‌الاسلام» افتخار به قتل رساندن هویدا را داشته‌اند در حالی که اظهار شده است - و شواهد زیادی دلالت دارد - که پس از صدور حکم اعدام از طرف دادگاه انقلاب، هادی غفاری با سلاح کمری خود هویدا را هدف قرار داد و کشت، خلخالی مدعی است که خود او حکم را به اجرا گذارده و اسلحه‌ای را که هویدا با آن کشته شد در خانه‌اش نگهداشته است.

ناگهان عرقی سرد بر چهره هویدا نشست. چهره‌اش رنگ باخت. برای نجات جان خود بار دیگر به سخن آمد و گفت: «می‌دانم می‌خواهید مرا بکشید. يك ماه فرصت بدهید تا تاریخ دو دهه اخیر را بنویسم.» هویدا می‌دانست که زمان متحد اوست. خلخالی هم به این نکته واقف بود و به همین خاطر، بی لحظه‌ای تأخیر، پیشنهاد هویدا را رد کرد. می‌گفت بسیاری کسانی که می‌توانند این تاریخ را به قلم بیاورند. سپس دستور داد متهم را از اتاق خارج کنند. در عین حال حکم کرد که هیچکس حق خروج از اتاق را ندارد. کماکان نگران دخالت دولت موقت بود. ترسش این بود که کسی از اتاق خارج شود و به دولت بازرگان خبر کار دادگاه را برساند. می‌دانست که در چنین حالتی، بازرگان و کابینه‌اش قاعدتا سعی خواهند کرد اجرای حکم را به تعویق بیندازند. خلخالی مصمم بود که فرمان امامش را به مرحله اجرا در آورد. نمی‌خواست کسی او را از سهمش در این لحظه تاریخی محروم کند.

از اتاق که بیرون رفتند. هویدا بار دیگر برای نجات جان خود اقدام کرد. از خلخالی خواست که بگذارد با احمد خمینی



هادی غفاری در جلسه دادگاه هویدا

کنار هویدا نشسته بود و خیره نگاهش می‌کرد، همراه خلخالی و گروه کوچکی از پاسداران و روحانیون پشت سر هویدا گام می‌زد.

به محض آنکه پای هویدا به حیاط رسید، یکی از کسانی که از پشت سرش می‌آمد هفت تیری به دست گرفت و گلولی هویدا را نشانه رفت و دو تیر خالی کرد. هویدا به زمین افتاد. خون از رگ گردنش فواره می‌زد. گویا آن که به هویدای شصت ساله تیراندازی کرده بود می‌خواست او را به مرگی تدریجی و پرعذاب بکشد. انگار مرگ فوری جوخه اعدام را مناسب حال هویدا نمی‌دانست. هویدا که می‌دانست زخمی مهلك برداشته، به شخصی به نام کریمی، که در صف همراهان خلخالی بود رو کرد و به تمنا خواست که جانش را بستاند. کریمی هم، ظاهراً از سر لطف، هفت تیر را به دست گرفت و تیر خلاصی بر جمجمه هویدا زد. هویدا دیگر واپسین لحظات حیاتش را پشت سر می‌گذاشت. گویا به زمزمه گفته بود، «قرار نبود این طور تمام بشود.» به اعتبار عکسهایی که از جسد هویدا منتشر شد، و نیز به استناد گزارش رسمی پزشکی قانونی، و مشاهدات دکتر فرشته انشاء می‌توان گفت که بی شك هویدا را نه يك جوخه اعدام که سه گلوله يك هفت تیر کشت. دکتر انشاء می‌گفت، «آنها که توسط جوخه اعدام به قتل می‌رسند، صورتی کبود پیدا می‌کنند؛ درست مثل کسی که خفه شده است. اما در صورت هویدا این رنگ و حالت نبود.» به علاوه، خلخالی این هفت تیر قتاله را چون سند افتخار خود، و به سان نشان روزهای پر عظمتی که عدالت اسلامی به دست او اجرا می‌شد، تصرف کرد و به منزلش برد.

صحت کند. می‌دانست که در گذشته به احمد کمک کرده بود که به پدرش که به عراق تبعید شده بود بپیوندد. امید داشت که شاید این کار خیر دیروز نجات جاننش را کفایت کند. خلخالی دوباره، بی‌تأخیر و تردید، خواست هویدا را رد کرد. می‌گفت از احمد خمینی دیگر کاری بر نمی‌آید. تأکید داشت که: «کار فوق العاده‌ای که برای احمد آقا کردید این بود که به فرض دستور دادید برای ایشان و یا همسر امام یا دختران ایشان گذرنامه صادر کنند. این مساله‌ای نیست که بتواند به شما کمک کند تا تیرئه شوید.»

آن‌گاه خلخالی به هویدا دستور داد که وصیتنامه خود را بنویسد. هویدا از انجام این کار امتناع کرد. خلخالی سرپیچی هویدا را به تلاش برای نجات جان خود مربوط می‌دانست. می‌گفت هویدا به غلط گمان داشت که اگر وصیتی بنویسد، ما هم از اجرای حکم اعدام امتناع می‌کنیم. اما سرپیچی هویدا را می‌توان به علل دیگری نیز تأویل کرد. مهمتر از همه این که می‌دانیم او، اندکی پس از بازداشتش، وصیتنامه‌ای نوشته و آن را نزد یکی از منشیان خود به امانت گذاشته بود. به برادرش فریدون هم وجود چنین وصیتنامه‌ای را خبر داده بود. به علاوه، شاید هویدا نمی‌خواست با نوشتن وصیتنامه دادگاه انقلاب و رأیش را مشروعیت ببخشد.

## واپسین لحظات

هویدا را سپس از طریق يك راهرو به سوی حیات زندان هدایت کردند. او قاعدتاً می‌دانست در انتهای آن راهرو چه فرجامی در انتظار اوست. هادی غفاری که در طول دادگاه در

اضطراب جانشین جمعیت خاطر شد.

### خبر به «مادر علی»

دکتر فرشته انشاءگوشی تلفن را برداشت. صدایی از آن سو بلند شد، «تو مادر علی هستی؟» وقتی صدا جواب مثبت شنید، به اختصاری که شاید از قساوت قلب بر می‌خاست، گفت، «دیگر لازم نیست برایش لباس بیاورید. چند دقیقه پیش اعدامش کردند.» وحشت به جان دکتر فرشته انشاء افتاد. می‌دانست که چشمان بانوان جمع، از جمله مادر هویدا، خیره اوست. چاره‌ای جز تظاهر به آرامش نداشت. به گفتن «خیلی متشکرم» بسنده کرد. آن گاه در عین خونسردی، با آنکه چشمانش پر از اشک بود، لیخندی بر لبانش سراند و به شادی تظاهر کرد و گفت، «خانم مژده، آقا را به اروپا تبعید کرده‌اند.» مادر هویدا جوابی نداد. سئوالی نکرد. احساساتی هم نشان نداد. ختمش را از سرگرفت. اما انگار در آن لحظه چشمان پر از اشکش یکسره از نور و شوق زندگی تهی شد. گویی به غریزه مادری، لحظه مرگ فرزندش را می‌دانست.

آن شب قرنطینه کردن مادر هویدا از اخبار رادیو و تلویزیون، و از تلفن دوستان و اقوام تنها مشغله ذهنی خانواده انشاء نبود. بیشتر شب را به سوزاندن اسنادی گذراندند که در منزلشان پنهان بود. دکتر انشاء، می‌گفت، «اغلب اسناد به هویدا تعلق داشت. از جمله چیزهایی که آن شب سوزاندند نامه‌های هویدا به شاه و ملکه بود. او گفته بود اگر اتفاقی برایش افتاد، همه اسناد را بسوزانیم.» تا پاسی از شب. یکی دیگر از دوستان هویدا نیز که بیست سالی با او همکاری نزدیک داشت، به سوزاندن اسناد هویدا مشغول بود.

نگرانی این دوستان و اقوام البته دوگانه بود. از سویی نمی‌خواستند این اسناد برخلاف میل و دستور هویدا به دست مقامات جمهوری اسلامی بیفتد. از سوی دیگر همه نیک می‌دانستند که اگر پاسداران چنین اسنادی را در منزل این دوستان و اقوام بیابند، اسباب دردسرشان را فراهم خواهند کرد. به گمان من بخشی از اسنادی که آن شب به شعله‌های آتش سپرده شد همان اوراق و مدارکی بود که هویدا از فرامین و فعالیت‌های غیر مجاز دوران صدارتش تدارک کرده بود. گمان داشت که این پرونده سلامت و آزادی‌اش را در رژیم پهلوی تضمین می‌کند. در عین حال فکر می‌کرد که در صورت تغییر رژیم چنین پرونده‌ای چون برگ برنده‌ای در دست او خواهد بود. اما در این محاسبات از یک نکته مهم غافل مانده بود. شاید حتی تصور هم نمی‌کرد که در ایران رژیمی روی کار خواهد آمد که یکسری زیر نگین روحانیون خواهد بود. آن هم روحانیونی که برایشان قصاص و مجازات پمراست مهم‌تر از حفظ اسناد تاریخی بود. به علاوه در شب مرگ هویدا، اقوام و دوستان او نیز سواى اندوه مرگ عزیزشان، بیشتر در فکر رفع خطر از خود بودند و سودای کنجکاوهای مورخان آینده را طبعاً در دل نداشتند.

ساعاتی پس از مرگ هویدا، روزنامه‌های تهران شماره‌های ویژه در مورد اعدام او منتشر کردند. گاه تپتهای درشت این ویژه‌نامه‌ها نصف صفحه را در بر می‌گرفت. یکی می‌گفت، «دادگاه عدل اسلامی هویدا را تیرباران کرد» و دیگران نیز از تپتهایی به همین مضمون بهره جسته بودند. دقایقی پس از چاپ این شماره ویژه، کسی نسخه‌ای از صفحه اول روزنامه را به پشت شیشه پنجره اتاق نشیمن منزل خانواده انشاء چسباند. معلوم نیست که آیا افسرالملوک هرگز مضمون این روزنامه را دید یا نه. دکتر فرشته انشاء، بلافاصله آن را از پنجره پایین کشید. به علاوه، آن شب رادیو و تلویزیونهای خانه را خاموش کردند. می‌ترسیدند. مادر هویدا خبر مرگ فرزندش را در یکی از برنامه‌های رادیو یا تلویزیون بشنود.

دنباله دارد

است و یوتویی مندرس نیمی از بدنش را پوشانده؛ بر گلو و شقیقه‌اش لکه‌هایی از خون خشکیده مشهودند. تکه مقوایی بر سینه‌اش نشسته و بر آن نام هویدا، به خطی کودکانه، به چشم می‌خورد. درتصویری دیگر، او را در کشوی سردخانه پزشکی قانونی می‌بینیم. دو مرد تفنگ به دست، بالای سر جسد ایستاده‌اند. در چهره‌هاشان نه شادی، که حیرت می‌بینیم. می‌گویند عذاب مرگ چهره و جسد انسان را کج و معوج می‌کند اما در چهره هویدا نشانی از این اعوجاج نبود. برعکس، در آن آرامش و سکونی غریب، و حتی تکان دهنده، به چشم می‌خورد. در کنار این تصاویر شوم و مرگ زده، روزنامه‌ها در عین حال عکس‌هایی هم از دوران قدرت و شوکت هویدا به چاپ رساندند.



پیکر امیرعباس هویدا پس از اعدام

حتی در انتخاب این تصاویر قدیمی نیز نوعی سوءنیت به چشم می‌خورد. در یکی هویدا را می‌بینیم که چون زه‌کمانی تا شده بود و دست شاه را می‌بوسید. در دیگری، کلاه بزرگ گاوچرانهای امریکایی را بر سر داشت. می‌خوانیم که کلاه هدیه ریچارد هلمز بود. — یعنی کسی که زمانی سفیر امریکا در ایران بود و پیشتر ریاست سازمان جاسوسی سیا را به عهده داشت. به گمانم پیام مستتر در این تصویر چندان هم پیچیده نبود. امریکاییها کلاه بزرگی سر هویدا گذاشته بودند.

در شرایط عادی، خبر مرگ را با هزار تمهید به خویشان و دوستان درگذشتگان می‌رسانند. اما گویی در دوران انقلاب، معیارها همه در هم می‌ریزد. محبتها و ظرافتها و نرم دستیهای روزگار رفته محلی از اعراب ندارند. مدارا و محبت اغلب جای خود را به خشونت و قساوت می‌سپزند.

سنگدلی زیر لوای خشم خلق و کینه توزی به هیات خشونت انقلابی رخ می‌مایند.

اول از همه تلفن بود. همان صدایی بود که همیشه از زندان زنگ می‌زد و «مادر علی» را می‌خواست. این بار حدود هفت و نیم غروب شب زنگ زد. از روزی که هویدا بازداشت شده بود، مادرش هم در منزل دکتر فرشته انشاء زندگی می‌کرد. از قضا آن روز افسرالملوک و تنی چند از بانوان همسن و سالش در اتاق نشیمن منزل انشاء ختم انعام گرفته بودند. مادر هویدا گفته بود نذری داشته. بانوان هر یک قرآنی بر سر گذاشته بودند و عباراتی را به عربی، و به صدایی بلند، تکرار می‌کردند و به ندای غم درونشان پیش و پس می‌تاییدند. خلسه خلوتشان را زنگ تلفن شکست. ناگهان دلهره و

وقتی نویسنده پراوازه انگلیسی، «وی.اس. نیپال» در قم، و در منزل خلخالی با او دیدار کرد، او کماکان به اعدام هویدا و نقش خود در این ماجرا می‌بالید. به نیپال گفته بود، «می‌دانید که هویدا را من کشتم.» وقتی مترجم نیپال، در تکمیل حرف خلخالی اضافه کرد که، «در واقع فرزند یک روحانی معروف» هویدا را کشت، خلخالی بلافاصله، با غروری تمام افزود که، «ولی هفت تیرش پهلوی من است... همین اتاق بغلی است.»

وقتی خلخالی از مرگ هویدا اطمینان پیدا کرد، به اتاق دادگاه بازگشت و حضار را از سرنوشت هویدا مطلع کرد و سپس خود، لحظاتی بعد، زندان قصر را ترک گفت. در حال خروج بود که یکی از مسئولان زندان به سوی خلخالی شتافت

و پرسید که تکلیف هویدا چیست و باید با او چکار کرد. به دیگر سخن، تا آن لحظه، حتی بسیاری از مسئولان زندان هم از سرنوشت هویدا بی‌خبر بودند. خلخالی در جواب گفت که دیگر هویدایی در کار نیست و به راه خود ادامه داد.

### در شهر بی دولت

در روز مرگ هویدا، نشریات پایتخت، سرمست از باده پیروزی، صفحات اول خود را به عکس‌هایی به راستی شنیع از جسد خون آلود هویدا تخصیص دادند. در روزهای اول انقلاب، تهران شهر بی‌دولت بود. با این حال، مردم شهر بیش و کم از جنون کینه توزی و خونخواهی‌های جمعی، که بلیه بسیاری از انقلابات عصر جدید بوده، مصون مانده بودند. در واقع، از زمان انقلاب فرانسه این نوع جنون لحظه‌ای از الزامات انقلاب‌های توده‌ای به شمار می‌رفت. ولی در ایران و تهران، انقلاب توده‌ای بود، و در عین حال اکثریت مردم نجابت نشان دادند و آرام ماندند و سودای خونریزی و خونخواری پیدا نکردند. در مقابل، بخش‌هایی از دولت، و نیروهای شبه نظامی‌اش خونریزی و کین خواهی پیشه کردند. در انقلاب فرانسه، گیوتین را «ماشین» می‌خواندند و آن را در ملاء عام و با مناسکی خاص، به کار می‌بستند و پس از چندی، همین «ماشین» به نماد خشونت انقلابی خلق بدل شد. در ایران، به گمان من، عکس‌های خونین اجساد محکومان دادگاه‌های انقلابی نقشی شبیه همان «ماشین» انقلاب فرانسه را به عهده داشتند.

در یکی از عکسها، جسد هویدا را می‌بینیم که بر زمین پهن

## «شاهزاده» و ائتلاف بزرگ

بازنشر



از جمله مشروطه‌طلبان باشد. از آنجا که اصل این ائتلاف و اتحاد عمل بر تأمین دموکراسی و حقوق بشر نهاده شده است، بنابراین نظرات مختلف نمی‌توانند در تناقض بنیادین با یکدیگر قرار داشته باشند.

الاهه بقراط - مقدمه‌ای کوتاه بر این بازنشر: هر رویدادی زمان خود را دارد. نه زودتر و نه دیرتر! با اینهمه پیش آمدن «فرصت»ها و تشخیص این فرصت‌ها و زمان مناسب و استفاده از ظرفیت‌های موجود نیز واقعیتی است که این زمان، زمان رویدادهایی را که زمان خود را دارند، تعیین می‌کند تا اگرچه نه زودتر بلکه دیرتر روی ندهند! در همین نکته است که نقش آگاهی و روشنگری و مهم‌تر از همه آزمون و خطا و مسئولیت مدعیان سیاست در داخل و خارج هر کشور نهفته است.

دایره‌ای از فعالیت‌های متنوع جامعه همواره در چرخش است که هدفی جز آزادی و امنیت و رفاه همگانی را دنبال نمی‌کند. آنها که این چرخه را دچار اختلال می‌کنند، کسانی هستند که این هدف را به سود منافع فرد، گروه و ایدئولوژی خود زیر پا می‌گذارند. اما چه می‌شود کرد که دیروز و گذشته را نمی‌توان تغییر داد اما بر آینده و فردا می‌توان با حرف و عملکرد امروز و حال تأثیر گذاشت و آن را شکل داد. از همین رو، پیش از آنکه این تحلیل و استدلال مربوط به هفده سال، تقریباً دو دهه پیش، را بخوانید که تازه محمود احمدی نژاد به ریاست دولت نهم جمهوری اسلامی رسیده بود، لازم می‌دانم اکنون در دی ماه ۱۴۰۱ همزمان با آغاز سال ۲۰۲۳ در حالی که نزدیک به چهار ماه از انقلاب ملی مردم برای آزادی و امنیت و رفاه می‌گذرد، بگویم بسیار متأسفم که سال‌ها جز از سوی شاهزاده رضا پهلوی، گوش شنوا و زبان گویایی برای بیان این مطالب وجود نداشت، و تلاش‌های وی از سوی مدعیان سیاست پاسخ مساعد نگرفت تا اینکه سرانجام خود مردم و جوانان برومندشان به

کردار سیاسی او راهی برای وی به سوی «رهبری» نگشاید، هرگز «رهبر» یک ائتلاف بزرگ و مبارزات سیاسی نخواهد شد. ولی اگر سیر رویدادها، به ویژه نقش وی در امر اتحاد، وی را به «رهبری» فرا کشد، دیگر بر عهده مخالفان اوست که این واقعیت را بپذیرند یا با آن به ستیز برخیزند.

● برخی جمهوریخواهان همواره تلاش کرده‌اند شخصیت سیاسی رضا پهلوی را در سایه «شاهزاده» بودن او قرار دهند. به همین دلیل گمان می‌کنند اگر «شاهزاده» بودن را از رضا پهلوی بگیرند، او هم مانند آنها می‌شود! در حالی که چنین نیست. رضا پهلوی حتی اگر از پادشاهی چشم‌پوشد، باز هم از موقعیت ویژه در سیاست ایران برخوردار است. آنچه این موقعیت را به او بخشیده تنها «شاهزاده» بودن او نیست. و آنچه می‌تواند این موقعیت را از وی سلب کند، نه چشم‌پوشی وی از پادشاهی یا «شاهزاده» از سوی جمهوریخواهان، بلکه اشتباهاتی است که خودش ممکن است مرتکب شود! دیگران نه به دلیل «شاهزاده» نبودن بلکه به دلیل نگرش غلط و اشتباهات مکرر و پرونده ناکام نتوانسته‌اند در موقعیت سیاسی وی قرار گیرند!

● در این میان، بزرگترین اشتباه رضا پهلوی این خواهد بود که «شاهزاده» فقط مشروطه‌طلبان باشد و نتواند طیف وسیع مخالفان دموکرات رژیم را در یک ائتلاف بزرگ گرد آورد. و بزرگترین اشتباه جمهوریخواهان این خواهد بود که فرصت را در نیافته و خود را از روندی که در جریان است، حذف کنند. آنچه می‌تواند مانع این دو اشتباه شود، تشکیل یک شورای رهبری است که از یکسو نمایانگر تلاش و مبارزه متحد برای تحقق تحولات سیاسی دموکراتیک در ایران، و از سوی دیگر بازتاب نظرات دموکراتیک گروه‌های مختلف در این ائتلاف باشد. «شاهزاده» باید نماد و بیانگر مجموعه این نظرات باشد. درست همانگونه که اگر یک شخصیت سیاسی مدافع جمهوری بتواند چنین ائتلافی را رهبری کند، می‌باید نماد و بیانگر مطالبات دموکراتیک همه گروه‌ها و احزاب

● پیش از آنکه این تحلیل و استدلال مربوط به هفده سال، تقریباً دو دهه پیش، را بخوانید که تازه محمود احمدی نژاد به ریاست دولت نهم جمهوری اسلامی رسیده بود، لازم می‌دانم اکنون در دی ماه ۱۴۰۱ همزمان با آغاز سال ۲۰۲۳ در حالی که نزدیک به چهار ماه از انقلاب ملی مردم برای آزادی و امنیت و رفاه می‌گذرد، بگویم بسیار متأسفم که سال‌ها جز از سوی شاهزاده رضا پهلوی، گوش شنوا و زبان گویایی برای بیان این مطالب وجود نداشت، و تلاش‌های وی از سوی مدعیان سیاست پاسخ مساعد نگرفت تا اینکه سرانجام خود مردم و جوانان برومندشان به قیمتی بسیار سنگین برای خودشان و کشورشان به نتایجی برسند که اکنون رسیده‌اند و آن را به افراد و احزاب و جریان‌ها نیز تحمیل کنند.

● اینکه «سلطنت» و «پادشاهی» امتحان خود را پس داده، سخنی بس سطحی و سخیف است. در اینصورت می‌توان گفت جمهوری هم امتحان خود را پس داده است. مگر جمهوری اسلامی در ایران، جمهوری‌های دموکراتیک بلوک شرق، جمهوری مادام‌العمر کوبا، جمهوری موروثی سوریه، جمهوری‌های دیکتاتور آمریکای لاتین، جمهوری‌های فاسد آسیا و آفریقا نمونه‌های گویا نیستند؟ اگر بشود به جمهوری‌های آزاد استناد کرد، در آن صورت بلافاصله می‌توان پادشاهی‌های آزاد را در کنار آنها قرار داد.

● جالب اینجاست که برخی معتقدند رضا پهلوی باید از حکومت پدر و پدربزرگش که وی نقشی در آنها نداشت انتقاد کند، ولی خودشان حاضر نیستند درباره سیاست‌های ناکامی که خود طراح و مجری آن بوده‌اند زبان به انتقاد بکشایند! همین افرادند که عرق‌ریزان تلاش می‌کنند «سلطنت» را هم‌تراز «ولایت» و «پادشاه» را مترادف «ولی فقیه» قرار دهند. آنان یا به عمد فراموش می‌کنند و یا آگاهی سیاسی ندارند که «سلطنت» و «پادشاه» همواره مفاهیم و نهادهایی سیاسی و حکومتی بوده و هستند، حال آنکه «ولایت» و «ولی فقیه» مفاهیم و نهادهایی دینی هستند و «جدایی دین از دولت» یکی از اندیشه‌های بنیادین تجدد (مدرنیته) و از اصول خدشه‌ناپذیر دموکراسی به شمار می‌رود.

● منظور از ائتلاف بزرگ همانا اتحاد بین دموکرات‌های این دو مجموعه است که می‌توانند با وجود اختلاف به یک ائتلاف سیاسی دست یابند زیرا در برکناری زمامداران کنونی ایران و گشودن راه برای استقرار یک ساختار دموکراتیک اتفاق نظر و اشتراک منافع دارند. این سخن به این معنی نیست هر آنکس مخالف این اتحاد بود، الزاما غیردموکرات است، بلکه می‌تواند فرد یا جریانی باشد که ضرورت زمان، فرصت‌ها و حساسیت شرایط را تشخیص نمی‌دهد. در عین حال، تکلیف افراطیون در میان راست و چپ و بین جمهوریخواهان و مشروطه‌طلبان معلوم است. آنان به تدریج یا ضرورت وجودی خود را از دست خواهند داد و از بین خواهند رفت، یا در دیگران ادغام خواهند شد و یا بنا به ویژگی کشورهای منطقه به ترور روی خواهند آورد.

● در عین حال نباید فراموش کرد که کسی می‌تواند تصمیم بگیرد «رهبر» شود و نه می‌توان «رهبر» را منصوب کرد و یا به انتخاب گذاشت. «رهبری» در روند مبارزات سیاسی شکل می‌گیرد و خود را تحمیل می‌کند. اگر «شاهزاده» توان ادامه مبارزه را نداشته باشد و گفتار و

→ قیمتی بسیار سنگین برای خودشان و کشورشان به نتایجی برسند که اکنون رسیده‌اند و آن را به افراد و احزاب و جریانات نیز تحمیل کنند.

\*\*\*\*

(آبان ۱۳۸۴) - «جمهوریخواهی» و «مشروطه‌طلبی» به شاخص‌ترین و در عین حال شکننده‌ترین مرزبندی نیروهای سیاسی به ویژه در خارج کشور تبدیل شده و به نظر نمی‌رسد مردم ایران غم هیچکدام از این دو را داشته باشند. از همین رو می‌توان تلاش برای تحقق دموکراسی را که امروز به تنها راه حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه تبدیل شده است، شاخص‌ترین زمینه و مهم‌ترین نقطه اشتراک یک ائتلاف بزرگ دانست که دربرگیرنده همه نیروهای دموکرات جمهوریخواه و مشروطه‌طلب اعم از راست و چپ باشد.

برای من هیچ فرق نمی‌کند نظام سیاسی ایران جمهوری باشد یا پادشاهی. به یاد نمی‌آورم هرگز زمانی برای یکی از این دو سینه چاک کرده باشم. از همان دوران جوانی و سپس میانسال‌ها همواره به آزادی سیاسی و عدالت اجتماعی توجه داشتم. اگر در سنین بیست گفتم «مرگ بر شاه» (که گفتم) به این دلیل بود که «مرگ بر شاه» را به مثابه یک شعار نمادین، خود به خود متزاد ظهور آزادی و عدالت اجتماعی می‌پنداشتم. درست به همان دلیل می‌توانستم بگویم مرگ بر فلان رئیس‌جمهور یا فلان رهبر! خام‌تر اینکه گمان می‌کردم کمونیست‌ها و از میان کمونیست‌ها تنها «چریک‌های فدایی خلق ایران» یک‌تنه بهشت سیاسی و اقتصادی را در ایران بر پا خواهند کرد.

قطعا شرایط بین‌المللی، دو قطبی بودن جهان، جذابیت کمونیسم، سیاست‌های امپریالیستی، پنهان بودن بنیادگرایی اسلامی، و در یک کلام، جوانسری ماجراجویانه و پر تلاطم جهان، در مناسبات بین‌المللی، شرایط منطقه‌ای و سیاست داخلی یک کشور نقش داشت. با اینهمه نباید همه چیز را به شرایط خارج از خود نسبت داد. در این صورت همواره می‌توان دلایل شکست و اشتباه را در جای دیگری غیر از خود جست و با وجدان آسوده بار سنگین مسئولیت را از شانه برداشت.

شرایط خارج از اراده ما در بررسی گفتار و کردار باید در نظر گرفته شود، لیکن از سنگینی مسئولیت آنها که انقلاب کردند و آنها که علیه‌شان انقلاب شد، چیزی نمی‌کاهد. از همین رو در شگفتم چرا برخی در رؤیای «آریامهر» بسر می‌برند و برخی اصرار دارند همان جوانک «جنبش چریکی» باقی بماند!

#### خرد سیاسی

امروز می‌بینم جوانان ایران چقدر آگاه‌تر از جوانی من هستند. بی‌تردید دلایل این آگاهی را باید در گسترش دموکراسی در جهان و در تکنولوژی ارتباطات پی گرفت. شاید بتوان ناآگاهی دو نسل فعال در انقلاب را از جمله به شرایط محدود و سانسور آن دوران نسبت داد. آنها از همان چیزی تغذیه می‌کردند که نامستقیم و در عمل به ایشان عرضه می‌شد:

ایدئولوژی بجای خرد سیاسی  
احساس و ایمان بجای عقل  
شیفتگی بجای آگاهی  
توده‌گرایی بجای خودآگاهی  
جمع بجای فرد

ماجراجویی بجای تحصیل و سازندگی  
تپانچه و سیانور بجای بحث و گفتگو  
ترور بجای فعالیت سیاسی  
و سرانجام انقلاب بجای اصلاح.

به جوانان امروز رشک می‌برم. می‌دانم زمان را به عقب

می‌توان بازگرداند و بر اساس همان تجربه می‌دانم حال اهمیت ویژه‌ای دارد. خرد سیاسی را امروز کجا می‌توان یافت؟ من نیز مانند بسیاری از ایرانیان خواهان آزادی، ساختار سیاسی دموکراتیک، تأمین و تضمین حقوق بشر، رفاه نسبی و عدالت اجتماعی در میهن خود هستم.

آرزو دارم روزی بدون هرگونه سانسور در سرزمین خودم بنویسم. با اینکه اعتراف می‌کنم از شیوه و تفکر برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی ایران متنفرم (که یک سلیقه کاملا شخصی و ناشی از تجربه فردیست) لیکن به موجودیت آنها احترام گذاشته و مدافع آزادی فعالیت همه آنها می‌باشم که مدعی دموکراسی و حقوق بشرند.

ولی معتقدم شرایط دموکراتیک به استناد تاریخ و تجربه می‌تواند در هر یک از دو نظام جمهوری یا پادشاهی تأمین بشود یا نشود.

از همین رو تعصب گاه بیمارگونه برخی از جمهوریخواهان و مشروطه‌طلبان را در مورد نظام مورد علاقه خود، که تا تحریف تاریخ و افسانه‌پردازی پیش می‌رود، درک نمی‌کنم و به همین دلیل، صرف مخالفت سطحی با رژیم کنونی را دلیل حقانیت کسی نمی‌دانم.

همزمان با مخالفت باید گفت با چه چیز موافقیم و برای رسیدن به کدام جامعه و تحقق کدام ساختار تلاش می‌کنیم. اینکه «سلطنت» و «پادشاهی» امتحان خود را پس داده، سخنی بس سطحی و سخیف است. در اینصورت می‌توان گفت جمهوری هم امتحان خود را پس داده است. مگر جمهوری اسلامی در ایران، جمهوری‌های دموکراتیک بلوک شرق، جمهوری مادام‌العمر کوبا، جمهوری موروثی سوریه، جمهوری‌های دیکتاتور آمریکای لاتین، جمهوری‌های فاسد آسیا و آفریقا نمونه‌های گویا نیستند؟ اگر بشود به جمهوری‌های آزاد استناد کرد، در آن صورت بلافاصله می‌توان پادشاهی‌های آزاد را در کنار آنها قرار داد.

جالب اینجاست که برخی معتقدند رضا پهلوی باید از حکومت پدر و پدربزرگش که وی نقشی در آنها نداشت انتقاد کند، ولی خودشان حاضر نیستند درباره سیاست‌های ناکامی که خود طراح و مجری آن بوده‌اند زبان به انتقاد بکشایند!

همین افرادند که عرق‌ریزان تلاش می‌کنند «سلطنت» را هم‌تراز «ولایت» و «پادشاه» را مترادف «ولی فقیه» قرار دهند. آنان یا به عمد فراموش می‌کنند و یا آگاهی سیاسی ندارند که «سلطنت» و «پادشاه» همواره مفاهیم و نهادهایی سیاسی و حکومتی بوده و هستند، حال آنکه «ولایت» و «ولی فقیه» مفاهیم و نهادهایی دینی هستند و «جدایی دین از دولت» یکی از اندیشه‌های بنیادین تجدید (مدرنیته) و از اصول خدشه‌ناپذیر دموکراسی به شمار می‌رود. جدایی «سلطنت» یا «پادشاه» از سیاست یا دولت یا حکومت نه تنها هرگز از سوی اندیشه‌ورزان سیاسی و فلسفی مطرح نشده است و نه تنها هرگز نشانه تجدید و معیار دموکراسی شناخته نشده و نمی‌شود، بلکه از اساس سخنی بی‌معنی است.

می‌توان با سلطنت و نظام پادشاهی مخالف بود ولی نباید برای مخالفت به تحریف علوم سیاسی متوسل شد.

یارانی که سال‌هاست نگهدار جمهوری اسلامی شده‌اند، میل دارند نقش «شاهزاده» را به سطح خود و «پادشاه» را به «ولی فقیه» کاهش دهند و یا به کار بردن ترکیبات بی‌معنی مانند «جمهوری سلطانی» و «مشروطه‌طلبان دینی» تاریخچه خونین جمهوری را هم به حساب سلطنت بنویسند.

#### ضرورت ائتلاف

کسانی که نقش رضا پهلوی را با خوان کارلوس پادشاه

اسپانیا مقایسه کرده و معتقدند اگر او راست می‌گوید و دموکرات است پس مانند خوان کارلوس در سیاست دخالت نکند، بهتر است پیش از ادعا کمی بر اطلاعات خود بیفزایند. اتفاقاً قانون اساسی اسپانیا از همه نظر (از جمله حقوق اقوام) یکی از منابع قابل استفاده برای دموکرات‌ها می‌تواند باشد.

نخستین جمهوری اسپانیا در سال ۱۸۷۳ شکل گرفت که تنها یک سال دوام داشت و طی آن صاحب پنج رییس جمهوری شد! بعد خاندان بوربون به سلطنت بازگشت و تا ۱۹۳۱ ماند. جمهوری دوم از ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹ و در جنگ‌های داخلی تشکیل شد که ژنرال فرانکو به عمر آن پایان داد و دیکتاتوری نظامی خود را به مدت ۳۵ سال تحکیم کرد.

خوان کارلوس که در ماده ۵۶ قانون اساسی اسپانیا «رییس کشور و نماد وحدت و پایداری آن» شناخته می‌شود، به عنوان نوه آلفونس سیزدهم آخرین پادشاه اسپانیا از سوی خود فرانکو به نام پادشاه و جانشین او منصوب شد! نکند کسانی که معتقدند رضا پهلوی نباید در سیاست «دخالت» کند، انتظار داشتند ژنرال خمینی و ژنرال خامنه‌ای «شاهزاده» را جانشین خود اعلام می‌کردند؟!

ولی از شوخی گذشته، چرا خوان کارلوس محبوب‌ترین پادشاه اروپا به شمار می‌رود؟ [در زمان انتشار این مطلب آبان ۱۳۸۴]. اتفاقاً نه از این رو که در سیاست دخالت نکرد، بلکه درست به این دلیل که وی نقش تعیین‌کننده در دموکراتیزه شدن فضای سیاسی و اجتماعی اسپانیا و استقرار دموکراسی پس از دیکتاتوری فرانکو بازی کرد.

در تمامی اسناد و گزارش‌ها بر این نقش خوان کارلوس تأکید می‌شود. چگونه می‌توان بدون «دخالت در سیاست» به چنین نقش و محبوبیتی رسید؟! اگر رضا پهلوی نقشی در مبارزه برای استقرار دموکراسی در کشورش نداشته باشد، به چه دلیل مردم باید وی را برگزینند؟

آیا همین جمهوریخواهان نخواهند گفت آرزوی که ما «مبارزه» می‌کردیم، شما کجا بودید؟! راستش را بخواهید گفته‌اند «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» ولی هرگز نگفته‌اند «شاهزاده» باید تماشا کند نه فعالیت!

رضا پهلوی بارها به صراحت گفته است با برکناری رژیم کنونی ایران و باز شدن راه برای تحقق یک ساختار دموکراتیک و مبتنی بر حقوق بشر به نود درصد آرزو و اهداف خود رسیده است. این بدین معنی است که «پادشاهی» برای او در مبارزاتش تنها «ده درصد» نقش دارد.

جمهوریخواهان دموکرات اما باید این را درک کنند اگر «شاهزاده» با احترام به آرای مردم از هدف و آرزوی خود کوتاه می‌آید، آنها نیز باید آماده باشند از هدف و آرزوی صد درصدی خود کوتاه بیایند تا بتوانند در یک نقطه به همدیگر برسند. راز ائتلاف نیروهای متخالف در همین نکته است.

ائتلاف بدون سازش و توافق ممکن نیست. سلاطین و ولایات فقیه جمهوریخواه و مشروطه‌طلب که می‌خواهند توی دهن همه بزنند و به تنهایی دولت تعیین کنند، خود خویشتن را از این روند حذف می‌کنند زیرا امر ائتلاف بدون آنان نیز پیش خواهد رفت.

امروز جمهوراللهی درست مانند حزب‌اللهی و شاه‌اللهی در برابر واقعیتی قرار گرفته که آن را نمی‌پسندد.

ائتلاف نیروهای دموکرات ایران به یک ضرورت در حال تشکل تبدیل می‌شود. نامه ده‌ها دانشجو از داخل و خارج کشور خطاب به افراد و احزاب سیاسی راست و چپ برای اقدام جهت یک ائتلاف بزرگ و فراگیر بازتاب کوچکی از همین واقعیت است [در زمان انتشار این مطلب آبان ۱۳۸۴].

در عین حال کسانی که از یکسو با درک این ضرورت خواهان همراهی با آن هستند ولی از سوی دیگر



می‌توانند با «گذشته» و «ایدئولوژی» و مخالفان حزبی خود تعیین تکلیف کنند باید بدانند شترسواری دولا دولا نمی‌شود. باید صریح سخن گفت و قاطعانه عمل کرد. می‌گویند ترس برادر مرگ است. ولی فکر می‌کنم در برخی شرایط تردید خود مرگ است.

گاه شرایط سیاسی به دلیری، شفافیت و صراحت بیش از هر چیز دیگر نیاز دارد. گاه این دلیری متقابلاً سبب تحول بنیادی در شرایط سیاسی می‌شود. امروز ما در این نقطه سرنوشت‌ساز قرار داریم. برای رسیدن به این نقطه زمان لازم بود. لیکن حدود سه دهه زمان بازگشت‌ناپذیر و بیست و هفت سال عمر از دست رفته [زمان انتشار این مطلب در آبان ۱۳۸۴] برای رسیدن به نقطه‌ای که ناگزیر بوده است، بس طولانیست!

\*\*\*\*\*

هفته پیش نویشتم ائتلاف نیروهای دمکرات ایران به یک ضرورت در حال تشکل تبدیل می‌شود. این ائتلاف بزرگ اما به معنای «ائتلاف همه با هم» نیست زیرا این اصولاً ناممکن است. بحثی که در هفته‌های اخیر تشدید شده و از سال‌ها پیش در همین ستون زیر عناوین مختلف از جمله «چپ و راست! ایران به شما نیاز دارد» مورد تأکید قرار گرفته است، می‌رود تا بستر گام‌های عملی گردد. کنگره جهانی جنبش رفاندوم که قرار است اوایل دسامبر در بروکسل برگزار شود، می‌تواند یک گام تعیین کننده در همین مسیر باشد.

#### نیروهای ائتلاف

من همواره به این دلیل بر ضعف «چپ» انگشت می‌نهم زیرا وجود و نقش چپ خردمند و دمکرات را، هر اندازه که در شمار اندک باشد، در تغییر و تحولات همه‌جانبه ایران ضروری و مثبت می‌دانم. لیکن رفتار سیاسی جمهوریخواهان ایدئولوژیک و «چپ» نگهدار عبا و عمامه همسان حزب‌اللهی و شاه‌اللهی است. مثلاً گروه «اتحاد جمهوریخواهان» که از این دست است، تنها خود و خودی را می‌پسندد. این گروه که عمدتاً شامل آن بخش از توده‌ای‌ها و اکثریتی‌هاست که همچنان به اصلاح رژیم چشم دوخته‌اند، به عادت دیرین «دشمن اصلی» خود را نه رژیم کنونی، بلکه رضا پهلوی و مشروطه‌طلبان می‌پندارند. آنها حاضرند همراه «اصلاح‌طلبان» با سرکوب بسازند، لیکن با مشروطه‌طلبان به راه دمکراسی نروند. آنها جمهوری خودکامه عملاً موجود را به پادشاهی پارلمانی مفروض ترجیح می‌دهند و خود را از امکان شکل‌گیری یک جمهوری سکولار محروم می‌کنند.

این عده که خیلی سریع در امر برقراری «اتحاد» بین جمهوریخواهان با شکست روبرو شدند بسیار ناچیزند و نمی‌توان آنها را نماینده طیف گسترده جمهوریخواهان ایران دانست. آنها در طول دو سال عمر خود نیرو از دست دادند و به دلیل تأخیر و سیاست‌های نسنجیده بیش از پیش آب می‌روند. درواقع آنها خودشان را نتوانستند جمع و جور کنند چه برسد به آنکه «ثقل» و یا «بدیل» چیزی باشند. گروه «جمهوریخواهان دمکرات و لائیک» که بلافاصله برای مرزبندی با آنها تشکیل شد، دلیل روشنی بر این ادعاست. در عین حال منظور از جمهوریخواهان فقط «چپ‌ها» نیستند زیرا اینان در مجموعه نیروهای سیاسی و گرایش‌های فکری موجود در جامعه، اقلیتی اندک را تشکیل می‌دهند. چپ‌های افراطی همواره اقلیتی ناچیز بوده‌اند و گروه‌های چپ سنتی همواره کوچکتر شده‌اند.

افراد بسیاری از میان چپ و حتی زندانیان سیاسی رژیم گذشته می‌توان دید که از آنها گسسته‌اند و حتی برخی از آنان به احزاب مشروطه‌طلب پیوسته‌اند. ولی گمان نمی‌رود بتوان یک مشروطه‌طلب، و یا اگر دلتان می‌خواهد، یک سلطنت‌طلب، را نشان داد که به صفوف «چپ» پیوسته

باشد! آیا این واقعیت نباید چپ‌ها را که همچنان نیرو از دست می‌دهند بدون آنکه افراد جدیدی به آنان بپیوندند، به فکر وا دارد؟ آیا تأییدات درون‌گروهی و مدال دادن به همدیگر آنها را از درک زمان حال و نقش آینده باز نداشته است؟

منظور من از جمهوریخواهان، آن طیف گسترده‌ی خواهان نظام جمهوری است که از چپ افراطی تا راست افراطی و از عرفی تا مذهبی را در بر می‌گیرد و چه در داخل و چه در خارج نه متحد و نه الزاماً دمکرات است!

مشروطه‌طلبان اما به دلیل داشتن سیاست مشترک در مخالفت با جمهوری اسلامی از آغاز شکل‌گیری آن، و همچنین داشتن رهبری اگرچه از انسجام بیشتری برخوردارند، لیکن آنها نیز متحد نبوده و همه آنان نیز الزاماً دمکرات نیستند!

منظور از ائتلاف بزرگ همانا اتحاد بین دمکرات‌های این دو مجموعه است که می‌توانند با وجود اختلاف به یک ائتلاف سیاسی دست یابند زیرا در برکناری زمامداران کنونی ایران و گشودن راه برای استقرار یک ساختار دمکراتیک اتفاق نظر و اشتراک منافع دارند.

این سخن به این معنی نیست هر آنکس مخالف این اتحاد بود، الزاماً غیردمکرات است، بلکه می‌تواند فرد یا جریانی باشد که ضرورت زمان، فرصت‌ها و حساسیت شرایط را تشخیص نمی‌دهد. در عین حال، تکلیف افراطیون در میان راست و چپ و بین جمهوریخواهان و مشروطه‌طلبان معلوم است. آنان به تدریج یا ضرورت وجودی خود را از دست خواهند داد و از بین خواهند رفت، یا در دیگران ادغام خواهند شد و یا بنا به ویژگی کشورهای منطقه به ترور روی خواهند آورد.

نیروهای ائتلاف اما باید پیشاپیش بر این نتیجه آگاه باشند که مبارزه و فعالیت مشترک آنان به همان اندازه می‌تواند به تحقق هدف جمهوریخواهان یاری رساند که ممکن است به استقرار پادشاهی مشروطه‌طلبان بیانجامد!

در سیاست همه چیز ممکن است. درست همانگونه که عکس آنها ممکن است.

در این میان، به ادعای دمکرات بودن رضا پهلوی به همان اندازه می‌توان اطمینان داشت که به ادعای دمکراسی از سوی دیگرانی که مدعی مبارزه در راه آزادی و حقوق بشرند. هیچ دلیلی وجود ندارد که به دیگران بیش از «شاهزاده» اعتماد کرد. با یادآوری این نکته که پرونده سیاسی همه افراد و احزابی که با نقش وی مخالفت می‌ورزند، پر از خطاهای تحلیلی و عملی است، در حالی که پرونده سیاسی رضا پهلوی تا به امروز پاک مانده است.

در درستی ضرورت اتحاد نیروهای دمکرات ایران و نافرمانی مدنی و طرح رفاندوم به مثابه برخی از سیاست‌هایی که از سوی «شاهزاده» طرح و یا پشتیبانی شده‌اند، دست‌کم تا به امروز تردیدی نیست و اتفاقاً درست در همین نکته است که باید عنوان «شاهزاده» را در مورد رضا پهلوی نادیده گرفت. عقل سالم و بی‌غرض حکم می‌کند از اندیشه و سیاست درست پشتیبانی کرد حتی اگر از سوی «دشمن» ارائه شده باشد و از اندیشه و سیاست غلط باید روی گرداند حتی اگر از سوی «دوست» عرضه شود.

مطالبات دمکراتیک چپ و راست نمی‌شناسد. امروز چپ و راست در همه جهان به هنگام دفاع از منافع (به ویژه اقتصادی) لایه‌های مختلف اجتماعی است که در قالب احزاب مختلف صف‌آرایی می‌کنند و باید اعتراف کرد در کشورهای آزاد فاصله آنان از یکدیگر به شدت کاهش یافته و دلیل آن را نه در «مماشات» چپ‌ها بلکه اتفاقاً در نقش مثبت آنان و در عقلانیت راست باید جست که دریافته

است بدون عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و سودآوری عمری بس کوتاه خواهد داشت.

#### رهبری ائتلاف

هیچ جنبش سیاسی در هیچ کشوری بدون یک رهبر معین که نماینده مطالبات کلی ملت باشد و مخاطب دولت‌ها و جامعه بین‌المللی قرار گیرد، وجود نداشته و نخواهد داشت. رهبری در ائتلاف بزرگ با توجه به شرایط کنونی در دست هیچکس جز رضا پهلوی نخواهد بود. لیکن نه به عنوان «شاهزاده» بلکه به مثابه یک شخصیت سیاسی شناخته شده که کمتر از دیگران ادعای مبارزه برای دمکراسی و حقوق بشر ندارد و کمتر از دیگران فعال نیست و بسی پیش از دیگران نیروهای دمکرات را به اتحاد فرا خوانده است.

در عین حال نباید فراموش کرد نه کسی می‌تواند تصمیم بگیرد «رهبر» شود و نه می‌توان «رهبر» را منصوب کرد و یا به انتخاب گذاشت.

«رهبری» در روند مبارزات سیاسی شکل می‌گیرد و خود را تحمیل می‌کند.

اگر «شاهزاده» توان ادامه مبارزه را نداشته باشد و گفتار و کردار سیاسی او راهی برای وی به سوی «رهبری» نگشاید، هرگز «رهبر» یک ائتلاف بزرگ و مبارزات سیاسی نخواهد شد. ولی اگر سیر رویدادها، به ویژه نقش وی در امر اتحاد، وی را به «رهبری» فرا کشد، دیگر بر عهده مخالفان اوست که این واقعیت را بپذیرند یا با آن به ستیز برخیزند.

برخی جمهوریخواهان همواره تلاش کرده‌اند شخصیت سیاسی رضا پهلوی را در سایه «شاهزاده» بودن او قرار دهند. به همین دلیل گمان می‌کنند اگر «شاهزاده» بودن را از رضا پهلوی بگیرند، او هم مانند آنها می‌شود! در حالی که چنین نیست.

رضا پهلوی حتی اگر از پادشاهی چشم‌پوشد، باز هم از موقعیت ویژه در سیاست ایران برخوردار است. آنچه این موقعیت را به او بخشیده تنها «شاهزاده» بودن او نیست. و آنچه می‌تواند این موقعیت را از وی سلب کند، نه چشم‌پوشی وی از پادشاهی یا «شاهزاده» از سوی جمهوریخواهان، بلکه اشتباهاتی است که خودش ممکن است مرتکب شود!

دیگران نه به دلیل «شاهزاده» نبودن بلکه به دلیل نگرش غلط و اشتباهات مکرر و پرونده ناکام نتوانسته‌اند در موقعیت سیاسی وی قرار گیرند!

در این میان، بزرگترین اشتباه رضا پهلوی این خواهد بود که «شاهزاده» فقط مشروطه‌طلبان باشد و نتواند طیف وسیع مخالفان دمکرات رژیم را در یک ائتلاف بزرگ گرد آورد. و بزرگترین اشتباه جمهوریخواهان این خواهد بود که فرصت را درنیافته و خود را از روندی که در جریان است، حذف کنند.

آنچه می‌تواند مانع این دو اشتباه شود، تشکیل یک شورای رهبری است که از یکسو نمایانگر تلاش و مبارزه متحد برای تحقق تحولات سیاسی دمکراتیک در ایران، و از سوی دیگر بازتاب نظرات دمکراتیک گروه‌های مختلف در این ائتلاف باشد.

«شاهزاده» باید نهاد و بیانگر مجموعه این نظرات باشد. درست همانگونه که اگر یک شخصیت سیاسی مدافع جمهوری بتواند چنین ائتلافی را رهبری کند، می‌باید نهاد و بیانگر مطالبات دمکراتیک همه گروه‌ها و احزاب از جمله مشروطه‌طلبان باشد.

از آنجا که اصل این ائتلاف و اتحاد عمل بر تأمین دمکراسی و حقوق بشر نهاده شده است، بنابراین نظرات مختلف نمی‌توانند در تناقض بنیادین با یکدیگر قرار داشته باشند.



من بر این باورم جامعه جوان ایران رهبران جدید خود را از میان زنان و مردان داخل کشور بخواهد کشید. امروز اما نقش رضا پهلوی با این هدف که فضایی ایجاد شود تا آن رهبران بتوانند خود را بنمایانند، اهمیت می‌یابد. حتی اگر رضا پهلوی از ادعای پادشاهی دست بردارد و تاج مفروض شاهی را بر سر مخالفان خود بگذارد، باز هم شخصیتی مانند او با این سن و سال مناسب [زمان انتشار این مطلب در آبان ۱۳۸۴] برای نمایندگی مطالبات جامعه جوان ایران، دست کم تا به امروز، وجود ندارد.

اگر روزی رضا پهلوی نخواهد نقشی در تحولات سیاسی ایران بازی کند، آنگاه باید این را به مثابه حق مسلم او پذیرفت. لیکن امروز نیز باید حق او را به مثابه یک شهروند ایرانی که می‌خواهد در سرنوشت کشور نقش داشته باشد، قبول کرد. در این زمینه تفاوتی بین او و دیگران نیست. جنبش آزادیخواهی ایران می‌تواند و باید از نقش و نیروی «شاهزاده» که «سلطنت» برایش تنها «ده درصد» اهمیت دارد، بهره‌برداری کند. مسئله بر سر تاج نیست که آن را از میان دو شیر که وجود ندارند برداشت!

پذیرفتن این «رهبری» از سوی جمهوریخواهان دمکرات اما هرگز نباید به مماشات و یا در سایه قرار گرفتن آنها بیانجامد. آنها مانند مشروطه‌طلبان نباید فراموش کنند با کدام هدف به این ائتلاف پیوسته‌اند و باید مناسبات سیاسی و تدابیر حقوقی را در این ائتلاف چنان خردمند و هشیار پیش ببرند که هیچ حزب یا جریانی برتر از دیگران قرار نگیرد.

این کار دشوار است، لیکن ناممکن نیست. «شاهزاده» اگر می‌خواهد غول ائتلاف را مهار کند، باید مدافع مطالبات دمکراتیک چپ و راست اعم از مشروطه‌طلب و جمهوریخواه باشد و با هرگونه تبعیض و برتری‌جویی قاطعانه مخالفت کرده و همزمان چاپلوسان و فرصت‌طلبان را از اطراف خود و شورای رهبری براند. قدرت همواره عده‌ای چاپلوس و فرصت‌طلب به دور خود جمع می‌کند و این ویژگی «شاهزاده» نیست.

تنها در اینصورت است که می‌توان جمهوری‌اللهی و شاه‌اللهی و حزب‌اللهی را منزوی نمود و تنها در اینصورت است که می‌توان به این ائتلاف و رهبری آن اعتماد کرد و باور داشت که پیشبرندگان آن به ایران و منافع مردم بیش از اهداف شخصی و حزبی خود می‌اندیشند.

باورندی که در کشورهای خودکامه و منطقه در جریان است، اگر ما تصمیم نگیریم، دیگران برای ما تصمیم خواهند گرفت. ائتلاف بزرگ می‌تواند فصل جدیدی در تجارب مبارزاتی برای تحقق و گسترش دمکراسی در منطقه بگشاید. این ائتلاف نشان خواهد داد فرهنگ سیاسی و دمکراتیک ایرانیان در عمل تا چه اندازه رشد یافته است. این ائتلاف به نوبه خود به رشد و گسترش فرهنگ دمکراتیک یاری خواهد رساند. تا کنون همه همواره حرف زده‌اند و از چیزهای خوب گفته‌اند. اینک هنگام عمل است تا نشان داده شود هر کس تا چه اندازه به حرف خود در عمل وفادار است.

ژورنالیست‌های دمکرات ایرانی نیز اگرچه در داخل کشور هنوز امکانی برای ابراز عقیده ندارند، لیکن همگی ناظر نکته‌سنج و منتقد باریک‌بین و مشوق پرشور این مارا تن دمکراسی خواهند بود. نیروهای دمکرات ایران فرصتی برای اشتباه ندارند. آنها حق ندارند اشتباه کنند!

\* این مطلب با همین عنوان نخستین بار در دو شماره چاپی کیهان لندن در نوامبر ۲۰۰۵ / آبان ۱۳۸۴ منتشر شد.

## مجله «شارلی ابدو»: ملاها به همانجایی برگردند که از آن بیرون آمدند؛ وزیر خارجه جمهوری اسلامی: به این بی‌نزاکتی پاسخ قاطع می‌دهیم!

هفته‌نامه باید صفحات خود را به حمایت از این جنبش اختصاص دهد. تصویر روی جلد این نشریه زنی برهنه با موهای افشان است که در مقابل ملاهای فرتوت پاهای خود را گشوده و به آنان می‌گوید: «برگردید به همانجایی که از آن بیرون آمدید.» کنایه‌ای از این حقیقت که ملایان نیز از زهدان زنان پای به جهان گذاشته‌اند!

در مجموع ۳۵ کاریکاتور در شماره ویژه این نشریه چاپ شد که یکی از آنها به یک هنرمند ایرانی تعلق دارد که به نام «قلمفرسا» در شبکه‌های اجتماعی فعال است و یکی دیگر از سازان باقری هنرمند کارتون‌نویست است که در مجموعه‌ی این کاریکاتورها جای گرفته‌اند و نام هر دو جزو برندگان این طراحی اعلام شده است.

انتشار این طرح‌ها و کاریکاتورها در «شارلی ابدو» که



هفته‌نامه «شارلی ابدو» ویژه کاریکاتورهایی از خامنه‌ای و ملاها

طراحان و همکاران آن به دلیل انتشار کاریکاتورهای محمد در ۷ ژانویه ۲۰۱۵ مورد حمله تروریستی قرار گرفتند که طی آن ۱۲ تن کشته و بسیاری زخمی شدند، اکنون با واکنش تند وزیر خارجه جمهوری اسلامی روبرو شده است.

حسین امیرعبداللهیان با اشاره به تحریم این نشریه طنز توسط جمهوری اسلامی در تویییتی نوشت «اقدام توهین‌آمیز و خارج از نزاکت نشریه‌ای فرانسوی در انتشار کاریکاتور علیه مرجعیت دینی و سیاسی بدون پاسخ قاطع و مؤثر نخواهد بود. به دولت فرانسه اجازه نمی‌دهیم پا را از گلیم خود فراتر گذارد. آنها قطعاً مسیر اشتباهی را انتخاب کرده‌اند. بیشتر این نشریه را در فهرست تحریم‌ها قرار دادیم.»

روزنامه «لوموند» در گزارشی با اشاره به کشته شدن بیش از ۵۰۰ نفر در خیزش انقلابی اخیر در ایران می‌نویسد هفته‌نامه طنز شارلی ابدو ویژه‌نامه «۷ ژانویه» را در سالگرد حمله به این نشریه در سال ۲۰۱۵ و در حمایت از زنان و مردان ایرانی منتشر کرد که علیه جمهوری اسلامی برخاسته و مبارزه می‌کنند.

روابط تهران و پاریس تحت تأثیر شرایط انقلابی در ایران به سرعت دگرگون شده است. حتی توییتر سفارت فرانسه در تهران در پیام سال نو میلادی نوشت که این سفارتخانه «در ایران برای همه شما بهترین آرزوهای آزادی، برابری و برادری را دارد. سال ۲۰۲۳ فوق‌العاده‌ای را برایتان آرزومندیم!» تأکید سفارت فرانسه روی «آزادی» با واکنش تند حامیان حکومت روبرو شد.

● هفته‌نامه فکاهی «شارلی ابدو» در یک ویژه‌نامه به مناسبت سالگرد ۷ ژانویه ۲۰۱۷ و حمله تروریستی مرگبار به دفتر این نشریه، کاریکاتورهایی با مضمون «ملاهای قرون وسطایی» منتشر کرد. تصویر روی جلد این نشریه زنی برهنه با موهای افشان است که در مقابل ملاهای فرتوت پاهای خود را گشوده و به آنان می‌گوید: «برگردید به همانجایی که از آن بیرون آمدید.» کنایه‌ای از این حقیقت که ملایان نیز از زهدان زنان پای به جهان گذاشته‌اند!

● گردانندگان این نشریه شماره ویژه این هفته‌نامه را «سیلی محکم به ملاها» دانستند.

● حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در تویییتی تهدید کرده اجازه نمی‌دهیم دولت فرانسه پا را از گلیم خود فراتر گذارد!

انتشار کاریکاتورهای علی خامنه‌ای و ملاها در هفته‌نامه فرانسوی «شارلی ابدو» در نخستین ویژه‌نامه آن در سال ۲۰۲۳ بازتاب بسیار از جمله در شبکه‌های اجتماعی داشت. گردانندگان این نشریه طنز یک فراخوان بین‌المللی با عنوان «ملاها را بیرون بریزید» به راه انداختند و از نقاشان و کاریکاتوریست‌ها خواستند «در حمایت از مردم ایران که برای آزادی می‌جنگند علی خامنه‌ای، این ملای قرون وسطایی را در تصاویر خود به سخره بگیرند و او را به زباله‌دان تاریخ بفرستند.»

مدیر نشریه هفتگی «شارلی ابدو» در همین ارتباط گفته بود جنبش اعتراضی در ایران اهمیت جهانی دارد و این

## وبسایت «واشنگتن اگزیمینر»: بین علی خامنه‌ای و مریم رجوی برای مخفی نگه داشتن امپراتوری اقتصادی‌شان هیچ تفاوتی نیست



مریم قجر عضدانلو (رجوی)

شفاف می‌شدند و درباره منابع مالی نامشخص‌شان که بخشی از آن را صرف جلب حمایت سیاستمداران آمریکایی و اروپایی می‌کنند، توضیح می‌دادند. آنها توضیح می‌دادند که چگونه مریم رجوی در تجمّل زندگی می‌کند و تنها به چند سخنگوی برجسته عضو گروه اجازه می‌دهد با افراد خارجی صحبت کنند.

هر سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده باید اظهارنامه مالیاتی ارائه داده و درآمد و هزینه‌های خود را توضیح دهد. سازمان مجاهدین خلق و شرکت‌های تابعه آن ممکن است غیرانتفاعی نباشند و دفتر مرکزی آنها در ایالات متحده نیست، اما دلیلی وجود ندارد که این گروه نتواند داوطلبانه حداقل اطلاعات مورد انتظار و ارائه شده توسط هزاران سازمان غیرانتفاعی آمریکایی را ارائه دهد.

دست‌کم علیرضا جعفرزاده که اغلب به عنوان سخنگوی این گروه در ایالات متحده فعال است، ممکن است اظهارنامه مالیاتی خود را درست مانند سیاستمداران آمریکایی منتشر کند. در حالی که به نظر می‌رسد او یک زندگی لوکس دارد اما اغلب اعضای سازمان گروهی زندگی می‌کنند و ظاهرآ اکثریت قریب به اتفاق درآمدشان را به این سازمان می‌دهند.

البته واقعیت این است که سازمان مجاهدین خلق به هر بهانه‌ای از شفاف شدن منابع مالی و مخارج‌اش خودداری می‌کند و هرگز یک حسابرس بی‌طرف را برای تأیید مشروعیت سازمان خود استخدام نخواهد کرد. انجام این کار به معنای افشای واقعیت‌هایی است که آنها می‌خواهند به عنوان توهم برای افراد خارجی پولدوست یا ساده‌لوح باقی بماند. درواقع مستبدان از شفافیت متنفرند.

در پایان این مقاله آمده واقعاً هیچ تفاوتی بین علی خامنه‌ای و رجوی و سرسپردگانش برای مخفی نگه داشتن امور مالی امپراتوری اقتصادی خود وجود ندارد. در نبود چنین شفافیتی، سیاستمداران آمریکایی و اروپایی باید از مجاهدین خلق دوری کنند و هر پولی را که از این گروه دریافت می‌کنند به معترضانی که واقعاً برای آزادی در ایران می‌جنگند، برسانند نه اینکه صرفاً به دنبال سودجویی باشند.

ترکیبی از اسلامگرایی و مارکسیسم مخفی است. آنها در آستانه انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران هم با روح‌الله خمینی متحد شدند و هم علیه آمریکایی‌ها و شرکت‌های آمریکایی دست به اقدامات تروریستی زدند.

پس از آنکه خمینی به مجاهدین خلق از پشت خنجر زد و بسیاری از اعضای آن اعدام و بازداشت شدند این گروه با صدام حسین دیکتاتور عراق متحد شد و نه تنها مقامات رژیم، بلکه دست به کشتار مخالفان گرد و مردم عادی ایران زد.

روبین با این مقدمه ادامه می‌دهد امروز وضعیت سازمان مجاهدین نسبت به گذشته تفاوت چندانی نکرده است. خیزش انقلابی فعلی در ایران نشان‌دهنده پوچی ادعاهای تبلیغاتی سازمان مجاهدین خلق است. ایرانی‌ها برای آزادی و دموکراسی تظاهرات می‌کنند، نه برای فرقه‌ای که رهبرش هنوز حجاب دارد و سازمانش را مستبدانه رهبری می‌کند.

برخی از سیاستمداران آمریکایی ممکن است خیال کنند که با گرفتن پول نقد از مجاهدین خلق در ازای سخنانی‌های کوتاه هیچ ضرری نمی‌کنند، اما اشتباه می‌کنند. حمایت از مجاهدین خلق هدیه به جمهوری اسلامی است. آیت‌الله‌ها تبلیغ می‌کنند که غرب از ایرانی‌ها تنفر دارد و دلسوز مردم ایران نیست. نزدیک شدن سیاستمداران آمریکایی به سازمان مجاهدین حتا اگر برای پول باشد به تبلیغات آیت‌الله‌ها کمک می‌کند.

در بخش دیگری از این مقاله آمده سازمان مجاهدین خلق واقعیت‌ها را انکار می‌کند. آنها دروغ بزرگ خودشان را باور کردند و ادعا می‌کنند در ایران محبوبیت و حمایت مردمی دارند و هر کسی را که از آنان به عنوان بخشی از توطئه جمهوری اسلامی انتقاد کند سرزنش می‌کنند. سازمان مجاهدین خلق اتحاد خود با صدام یا جنایاتی را که در کنار انقلابیون خمینی مرتکب شده‌اند نادیده می‌گیرد. مجاهدین در حالی که مراسم پر زرق و برق برگزار می‌کند و به دنبال ایجاد هاله‌ای از محبوبیت است اما منابع مالی آن مبهم است. سازمان مجاهدین خلق اگر واقعاً چیزی بیش از یک پروژه بزگنمایی شده می‌بود، رهبرانش حاضر به حسابرسی مالی

● مایکل روبین مقام سابق وزارت دفاع آمریکا در امور خاورمیانه در مقاله‌ای می‌نویسد «ایدئولوژی مجاهدین ترکیبی از اسلامگرایی و مارکسیسم مخفی است. آنها در آستانه انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران هم با روح‌الله خمینی متحد شدند و هم علیه آمریکایی‌ها و شرکت‌های آمریکایی دست به اقدامات تروریستی زدند و بعدها نیز با صدام دیکتاتور عراق متحد شدند و دست به کشتار مردم ایران زدند».

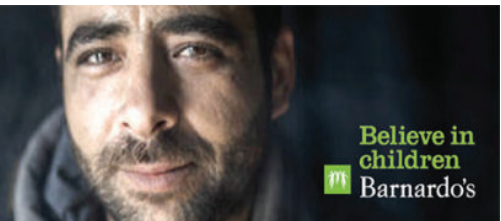
● «خیزش انقلابی فعلی در ایران نشان‌دهنده پوچی ادعاهای تبلیغاتی سازمان مجاهدین خلق است. ایرانی‌ها برای آزادی و دموکراسی تظاهرات می‌کنند، نه برای فرقه‌ای که رهبرش هنوز حجاب دارد و سازمان را مستبدانه رهبری می‌کند».

● «برخی از سیاستمداران آمریکایی ممکن است خیال کنند که با گرفتن پول نقد از مجاهدین خلق در ازای سخنانی‌های کوتاه هیچ ضرری نمی‌کنند، اما اشتباه می‌کنند. حمایت از مجاهدین خلق هدیه به جمهوری اسلامی است. آیت‌الله‌ها تبلیغ می‌کنند که غرب از ایرانی‌ها تنفر دارد و دلسوز مردم ایران نیست. نزدیک شدن سیاستمداران آمریکایی به سازمان مجاهدین حتا اگر برای پول باشد به تبلیغات آیت‌الله‌ها کمک می‌کند».

وبسایت آمریکایی «واشنگتن اگزیمینر» در یادداشتی که ۳۰ دسامبر (۹ دی‌ماه) منتشر شد با اشاره به تنفر مردم ایران از سازمان مجاهدین خلق خطاب به مقامات آمریکایی و اروپایی نوشته شرکت آنان در نشست‌های یک سازمان با سابقه تروریستی که یک رهبر مستبد آن را اداره می‌کند به نفع تبلیغات جمهوری اسلامی علیه انقلاب مردم ایران است. نویسنده این مقاله مایکل روبین مقام سابق وزارت دفاع آمریکا در امور خاورمیانه و پژوهشگر اندیشکده «آمریکن اینترپرایز» معتقد است سازمان مجاهدین خلق فسادسئج واشنگتن است. او در این مقاله می‌نویسد در حالی که سازمان مجاهدین (MKO) ادعا می‌کند در راه آزادی در ایران مبارزه می‌کند، اما عملکرد آنها چیزی جز این است. ایدئولوژی آنها

**Boloh** مشاوران سازمان کمک‌دهنده  
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:  
**۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵**  
تماس بگیرید.



# «دلار فرزین» بجای «دلار جهانگیری»؛ دولت ابراهیم رئیسی پا جای پای دولت‌های روحانی و احمدی‌نژاد!



● محمدرضا فرزین رئیس جدید بانک مرکزی از نخستین برنامه خود رونمایی کرده و گفته قیمت دلار نیمایی یا همان دلار دولتی را در ۲۸ هزار و ۵۰۰ «تثبیت» خواهد کرد!

● بیش از آنکه بازار ارز و اثرات ناشی از افزایش افسارگسیخته آن برای بانک مرکزی دارای اهمیت باشد، تعیین رقم دستوری برای دلار نیمایی اهمیت داشته تا حساب و کتاب دولت برای درآمدهای ریالی بهم نخورد.

● دولت سیزدهم به دلیل انتقادهای و هراس از گسترش دامنه نارضایتی عمومی از افزایش قیمت‌ها به اعتراضات خیابانی، با عرضه ارز در بازار به دنبال ایجاد ثبات موقتی در بازار است.

در شرایطی که دلار ۴۰ هزار تومانی در بازار آزاد ایران به تغییر رئیس کل بانک مرکزی منجر شد اما نخستین برنامه ارائه شده از سوی محمدرضا فرزین رئیس جدید این بانک نشان از تکرار سیاست‌های دستوری و ادامه بیراهه گذشته را دارد آنهم در حالی که دولت سیزدهم انتقادهای زیادی به «دلار جهانگیری» یا همان ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی داشت و آن را عامل فساد ارزیابی می‌کرد، رئیس جدید بانک مرکزی هم ظاهراً قرار است «دلار فرزین» را برای اقتصاد بحران‌زده ایران به ارمغان آورد.

محمدرضا فرزین که در پی استعفا، و به عقیده بسیاری برکناری علی صالح‌آبادی به عنوان رئیس جدید بانک مرکزی منصوب شده از نخستین برنامه خود رونمایی کرده و گفته قیمت دلار نیمایی یا همان دلار دولتی را در ۲۸ هزار و ۵۰۰ «تثبیت» خواهد کرد!

این اقدام دستوری دقیقاً شبیه همان اقدام دستوری است که از سوی تیم اقتصادی دولت حسن روحانی در فروردین ۱۳۹۷ و در پی یک موج افزایش قیمت دلار در کشور صورت گرفت. در آن دوران بدون مشخص بودن مبنای تصمیم‌گیری دولت از قیمت ۴۲۰۰ تومان برای ارز دولتی خبر داد. قیمت ارز تا چند روز پیش از اعلام این دستور در کانال ۳۲۰۰ تومان بود و در عرض دو هفته در بازار آزاد به بیش از ۷۰۰۰ تومان رسیده بود. خبرهایی گفته شد پیشنهاد رقم ۴۲۰۰ تومان از سوی اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی داده شده بود و به همین دلیل دلار ترجیحی جدید به «دلار جهانگیری» معروف شد.

محمدرضا فرزین ساعاتی پس از رسیدن به مقام ریاست کل بانک مرکزی در برنامه‌های تلویزیونی شرکت کرد و گفت: «نرخ ارز را تثبیت و حتماً این دغدغه فعالان اقتصادی

کشور را برطرف خواهیم کرد. برنامه سیاست اقتصادی جدید متمرکز بر این موضوع خواهد بود. دغدغه رئیس جمهور نیز معیشت مردم است که با کنترل نرخ تورم و ارز آن را تامین خواهیم کرد.»

رئیس جدید بانک مرکزی افزود: «در حال حاضر بخش عمده از نیاز ارزی از بازار نیما تأمین می‌شود. بازار نیما را حتماً در نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تثبیت خواهیم کرد. تمام نیازهای کالای اساسی و نیاز تولیدکنندگان، ماشین‌آلات، تجهیزات و دیگر موارد را با این نرخ در بازار نیما تأمین خواهیم کرد. با توجه به اینکه منابع ارزی بانک مرکزی مناسب است می‌توانیم ارز نیما را در این نرخ تأمین کنیم.» این اظهارات با واکنش‌های زیادی روبرو شده است؛ کامران ندی کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفته که «فعلاً تنها برنامه‌ای که از ایشان شنیدیم که دیشب آن را اعلام کردند این است که می‌خواهند نرخ ارز را در بازار نیما در سطح ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تثبیت کنند. جز این برنامه دیگری اعلام نکردند که بشود نظر داد و البته هنوز هم زود است ولی اولین چیزی را که اعلام کردند به نظر نمی‌رسد که خیلی کارساز باشد.»

به عقیده کامران ندی «این برنامه خیلی شبیه همان ارز ۴۲۰۰ تومانی است که در دولت قبل اعلام شد و یا ارز ۱۲۲۴ تومانی که در دولت احمدی‌نژاد مطرح شد و هر دو هم با شکست مواجه شدند بنابراین برنامه اولیه آقای فرزین به نظر نمی‌رسد که چندان کارساز باشد. ولی همان طور که گفتیم هنوز زود است که در باره برنامه‌های ایشان، نظر قطعی داد.»

حضور شتاب‌زده محمدرضا فرزین در صداوسیما نشان می‌دهد مهمترین انگیزه تغییر رئیس بانک مرکزی، دمیدن یک جو روانی به بازار ارز بوده است. در غیر اینصورت، به قاعده می‌بایست رئیس بانک مرکزی در ابتدا تیمی از کارشناسان تشکیل می‌داد تا وضعیت بازار را بررسی و بعد تصمیمات دراز مدت و کوتاه مدت در رابطه با بازار ارز را اعلام می‌کرد.

جالب اینجاست که تنها تأکید رئیس جدید بانک مرکزی در رابطه با تثبیت قیمت ارز نیمایی، یعنی همان ارزی که دولت بر اساس آن نرخ، ارزی که از فروش نفت و دیگر منابع صادراتی در دست دارد را به ریال تبدیل کرده و هزینه‌های جاری را پوشش می‌دهد، بود. این بدان معناست که بیش از آنکه بازار ارز و اثرات ناشی از افزایش افسارگسیخته آن برای بانک مرکزی دارای اهمیت باشد، تعیین رقم دستوری برای دلار نیمایی اهمیت داشته تا حساب و کتاب دولت برای

درآمدهای ریالی بهم نخورد.

از سوی دیگر دولت رئیسی همواره ارز جهانگیری یا به بیان دیگر، رقم دستوری ارز دولتی، را فسادزا توصیف کرده و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در قالب لایحه بودجه امسال نیز بر همین اساس صورت گرفت. اکنون اما همان روند با قیمت نجومی ۲۸۵۰۰ بجای ۴۲۰۰ تومان تکرار می‌شود که تضمینی به همان جریان‌های مافیایی و فاسد متصل به بدنه قدرت است که طی سال‌های گذشته از اختلاف قیمت میان ارز دولتی و آزاد سود کلان به جیب زده‌اند!

ناتوانی دولت و در زیرمجموعه آن بانک مرکزی نسبت به آنچه در بازار ارز سپری شده را می‌توان در دیگر بخش‌های تیم اقتصادی دولت هم دید. از جمله احسان خاندوزی وزیر مدعی اقتصاد که در اوج گرانی ساعتی قیمت ارز در روز سه‌شنبه ۶ دی ۱۴۰۱ و در ساعت اداری وزارتخانه را ترک کرد تا چند ساعت در مراسم غم‌آلود و تبلیغاتی حکومت با عنوان «تشییع ۲۰۰ شهید گمنام» شرکت کند.

افزایش قیمت در بازار ارز اما دولت را زیر ضرب انتقادات حتی از سوی علمای حوزه علمیه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی برد. مجلس یازدهم که تا چندی پیش از حامیان سرسخت دولت رئیسی و تیم اقتصادی او بود هفته گذشته در نشست علنی با حضور وزیر اقتصاد، تیم اقتصادی دولت را پاسخگوی وضعیت متلاطم بازارها، به ویژه بازار ارز، کرد.

این در حالیست که حتی اگر به دلیل همین انتقادات، و هراس از گسترش دامنه نارضایتی عمومی از افزایش قیمت‌ها به اعتراضات خیابانی، دولت با عرضه ارز در بازار به دنبال ایجاد ثبات موقتی در بازار باشد، اما هنوز اثرات همین شرایط ملتهب روزهایی گذشته که قیمت دلار تا ۴۴ هزار تومان افزایش داد بر دیگر بازارها نمایان نشده است. به زودی موجی از گرانی در دیگر بازارهای مصرفی و خدماتی ایجاد خواهد شد. این در حالیست که همین حالا هم تورم در مرز ۵۰ درصد است و فشار معیشتی شدیدی به جامعه وارد شده است.

اتاق بازرگانی تهران در تازه‌ترین گزارش خود به بررسی وضعیت اقتصاد جهانی پرداخته که طبق برآوردهای تورمی صورت گرفته، ایران در رتبه سوم قرار دارد. این گزارش نشان می‌دهد در ماه اکتبر سال ۲۰۲۲ کشور آرژانتین با تورم ۸۸ درصدی بدترین عملکرد را در بین کشورهای منتخب داشته است. پس از آن کشور ترکیه قرار دارد؛ با تورم ۸۵.۵ درصدی! در رتبه سوم هم ایران قرار گرفته است.

استناد این گزارش به اطلاعات همراه مرکز آمار است که بر اساس آن تورم نقطه به نقطه به ۴۸ درصد رسیده بود. در ادامه این گزارش آمده است که پاکستان با ۲۶، لهستان با ۱۷ و روسیه، شیلی و ازبکستان نیز با تورم ۱۲ درصدی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در ضمن، میانگین تورم در منطقه یورو حدود ۱۰ درصد اعلام شده است.

وبسایت انصاف‌نیوز نیز در گزارشی به سقوط ارزش پول ملی در پی افزایش قیمت ارز پرداخته و نوشته که «دولت اصرار دارد که تغییرات قیمت ارز، مقطعی است و نظارت‌های سفت و سختی بر این بازار اعمال می‌شود، نگاهی به روند تغییر نرخ ارز نشان می‌دهد افت ارزش پول ملی مختص یک‌هفته و یک‌ماه اخیر نبوده. بر اساس اعلام «شبکه اطلاع‌رسانی ارز و سکه» که خوش‌بینانه‌ترین قیمت‌ها را منعکس می‌کند، نرخ دلار در یک ماه اخیر بیشتر از ۱۷ درصد، در شش ماه اخیر بیشتر از ۳۷ درصد و از هشتم دی سال ۱۴۰۰ تا هشتم دی ۱۴۰۱، نزدیک به ۵۲ درصد رشد کرده است.»

# چرا مردم تا این اندازه خشمگین هستند؟ تقابل «مهر و نفرت»



تظاهرات در پشتیبانی از جنبش انقلابی مردم ایران / استانبول / ۱۳ دسامبر ۲۰۲۲

کمیسون حقیقت‌یاب برای رسیدگی به جنایت‌های مستمر و سازماندهی شده نظام اسلامی علیه مردم خود تشکیل داده است.

این رخدادها و موفقیت‌های جنبش فراگیر مردم برای آزادی و استقرار دموکراسی همچنان امیدوارانه در حال تکامل و پیشرفت است. به هر حال، صرف نظر از ابعاد تحلیل خبری آنچه در حال تکوین است، هنوز برای تأمل بیشتر و عمیق‌تر در خصوص چرایی شکل‌گیری خیزش عمومی مردم و خشم آنان نسبت به مصیبت‌هایی که رژیم مذهبی در این چهل و اندی سال بر سر ملک و مردم آورده است، به بررسی نظریه‌های علمی نیاز است. در چهار بخش این سری از نوشتارها، چشم‌اندازهای تئوریک متفاوتی توضیح داده شد. این بخش به معرفی و توضیح نظریه «مهر و نفرت» [۱] می‌پردازد.

## دوگانگی مهر و نفرت

آغاز این بحث را می‌بایستی با این فرضیه آغاز کرد که خشم مردم نسبت به نظام حاکم مذهبی بطور عام و شرایط امروز ایران بطور خاص، مستلزم بررسی و تجزیه و تحلیل قدرت احساسی و هیجانی و وابستگی‌های گروهی دارد که به عنوان نیروی پیشبرنده جنبش آزادیخواهی و ایستادگی به شکل‌گیری «مهرورزی درون‌گروهی» و «نفرت برون‌گروهی» چهره خود را نشان می‌دهد. این ساز و کار در هر دو سوی گروه‌های رقیب دیده می‌شود. به عنوان مثال آنهایی که با ابعاد ایدئولوژیک حکومت مذهبی به جمود و تعصب

از مهمترین ویژگی‌های این قیام سراسری مردم، اراده‌ای استوار برای پایان بخشیدن به عمر حکومت مذهبی است. در حقیقت، این باور و اراده وصف‌ناپذیر در نزد مردم به وجود آمده که مذهب سیاسی شده فقط در پی خوان یغماست؛ بنابراین وجود آن مایه اصلی همه مصائب و مشکلاتی است که بر این سرزمین روا شده است. پس باید ریشه‌های آن برای همیشه کنده شود تا مردم، نه تنها در ایران بلکه در کل منطقه، روی آرامش به خود ببینند.

● مقوله‌بندی‌ها، مرزبندی‌ها، وابستگی‌ها، و مهرورزی‌ها، و نفرت‌ها، همه در درون ساختارهای ذهنی و روانی افراد به وجود آمده و پس از آن است که از ابعاد پنهان خویش به طرف ویژگی‌های عینی اجتماعی کشیده می‌شوند. این فرآیند تبدیل ذهنیت به عینیت با ابعاد آیینی و یا مذهبی می‌آمیزد و شبه‌آگاهی‌هایی را به وجود می‌آورد که در ذات خود چیزی جز جزم‌های آیینی و تحجر نیستند.

محمود مسائلی - این نوشته به احترام خانواده‌های ارجمند همه عزیزان دربند در رژیم سفاک مذهبی تنظیم شده است.

## طرح موضوع

مبارزات بحق مردم ایران برای رهایی همچنان ادامه دارد، و رژیم بی رحم و سرکوبگر اسلامی نیز با سبقت بیشتری هر روز قربانیان دیگری برای خود بر می‌گزیند. جوانان هدف‌های اصلی سرکوب هستند زیرا رژیم به درستی می‌داند که نیروی جوان با آگاهی‌های عمیقی که نسبت به خود و محیط اجتماعی خویش به دست آورده، اصلی‌ترین خطر برای بقای رژیم بیدادگر است. در این تقابل وصف‌ناپذیر میان شوق جوانان برای رهایی و رژیم عقب‌مانده و خشک‌اندیش، بخش‌ها و لایه‌های دیگری از جامعه هم به تدریج مواضع روشن‌تری اتخاذ نموده‌اند. ورزشکاران، هنرمندان، استادان دانشگاه، کارگران و کشاورزان هم به صف مقابله با تحجر رژیم اسلامی پیوسته‌اند. گویی دیگر مرزهای مغشوش و عاری از تعهد برای رهایی در حال فرو ریختن است. پیوسته بخش‌های از لایه‌های مذهبی، که وجود رژیم را مایه اصلی بی‌اعتباری اعتقادات خود می‌دانند، به نهضت مقاومت مردم، امید به رهایی را هرچه بیشتر مستحکم می‌سازد. شواهد نشان می‌دهد که این مردم مبارز دیگر نمی‌توانند آنهایی باشند، که خواه از روی اعتقادات مذهبی، و یا از جانب ترس، در برابر رژیم تمکین می‌کردند. دیوارهای ترس به سرعت در حال فرو ریختن است و گروه‌های مختلف جامعه هر روز بیشتر صف مبارزاتی خود را در برابر رژیم سفاک و به شدت بی‌خرد مستحکم می‌سازند. از مهمترین ویژگی‌های این قیام سراسری مردم، اراده‌ای استوار برای پایان بخشیدن به عمر حکومت مذهبی است. در حقیقت، این باور و اراده وصف‌ناپذیر در نزد مردم به وجود آمده که مذهب سیاسی شده فقط در پی خوان یغماست؛ بنابراین وجود آن مایه اصلی همه مصائب و مشکلاتی است که بر این سرزمین روا شده است. پس باید ریشه‌های آن برای همیشه کنده شود تا مردم، نه تنها در ایران بلکه در کل منطقه، روی آرامش به خود ببینند.

ویژگی دیگری را نیز می‌بایست در نظر گرفت. صفوف پیوسته مبارزات مردم به خوبی نشان می‌دهد که اتحادی عمیق و با پیامدهای سرشار از امید در میان مردم به وجود

که در ذات خود چیزی جز جزم‌های آیینی و تحجر نیستند. حال به این کارکردها توجه نماییم تا بهتر و روشن‌تر بتوانیم ماهیت رژیم سرکوبگر و خشم مردم نسبت به آنرا درک کنیم. رژیم در متن خود با مقوله‌بندی‌ها هویت خود را به غایب می‌گذارد، آنرا در مرزهای از پیش تعیین شده به عنوان ساختاری برحق توجیه می‌کند، وابستگی‌های گروهی خودی- غیرخودی را سازماندهی می‌کند، علقه‌های درون‌گروهی را با انگیزه‌های هویتی می‌آمیزد، کارکرد مهرورزی به گماشتگان خویش، تنفر نسبت به آزادخواهان را سازماندهی می‌کند، به این طریق به هیولایی تبدیل می‌شود که از نابودی مردم واهمه ای ندارد، بلکه آنرا در راستای فضیلت‌های خودساخته‌ی مذهبی ضروری و لازم نیز بر می‌شمارد. به این ترتیب آیا به راستی خشم مردم در مقابل این هیولای مذهبی قابل ادراک نیست؟!

### نتیجه‌گیری ساده

مقوله‌بندی‌ها و مرزبندی‌هایی که به دنبال آن ایجاد می‌شود تا بتواند مهر درون‌گروهی را توجیه کند، و به کمک آن تنفر نسبت به دیگران را سامان بخشد، صرفاً به ابعاد ذهنی و یا شهودی محدود نیستند. این فرآیندها به فرد یاری می‌رساند تا خود را در متن مرکزی گروهی که با آن آمیخته است، هویت خویش و مفاهیم خاص خود از زندگی را تعریف کند. مهمترین ابعاد این مقوله‌بندی‌ها و یا عناوینی که با الهامات مذهبی می‌آمیزند، و در ساختارهای ذهنی و اجتماعی تبلور پیدا می‌کنند، این است که برای عضو گروه این امکان را فراهم می‌آورد تا بتواند خود را به عنوان ارزیابی کننده رفتار دیگران، قاضی و داور، و تصمیم‌گیرنده تصور کرده، و همچنین خود را به عنوان مامور اجرای آن برداشته‌های ذهنی جزم‌گرایانه صاحب اختیار بداند. این ذوب‌شدگان در ولایت (یا هر ایدئولوژی مذهبی و غیرمذهبی) همان آتش‌به‌اختیارانی هستند که گوش به فرمان هستند تا فقط دستورات را دریافت کرده و به اجرا بگذارند. یا فرآیندهای عقیم‌سازی اراده انسانی [۵]، ماهیت گروه مذهبی به گونه‌ای دستکاری می‌شود که در آن مجال برای اندیشیدن ایجاد نشده، بلکه فقط و فقط آلت دست ذوب شده در رهبری مذهبی و در جهت اهداف از پیش تعیین شده می‌شود. بی‌دلیل نیست که این هیولاها با وضو شکنجه می‌کنند، برای «قربت الی الله» به نوجوانان سبانه تجاوز می‌کنند، و برای نزدیکی به خدای خودساخته انسان بی‌گناه را به جرم یک پرسش ساده از نظام می‌کشند تا بیشتر و بیشتر بتوانند قلوب رهبران خود را با مهرورزی درون‌گروهی برانگیزند. کارکرد مهرورزی درون‌گروهی و نفرت برون‌گروهی در این فرآیندهای مغلوب ساختن هویت‌های انسانی و تبدیل ساختن آنان به هیولایی خونخوار، در همه ابعاد کارکرد رژیم به خوبی نمایان است. در این کارکرد، فرد خود را با گروه باز می‌یابد، حفاظت از منافع گروه را عین منافع خود می‌داند، و به همین خاطر به راحتی کتک می‌زند، شکنجه می‌کند، می‌کشد، و با نام خدا دین و زیر عنوان مقدسات، کودکان بی‌گناه را از صحنه زندگی محو می‌کند. این جانباختگان متعصب بی‌خرد تبدیل به موجودی منفعل بی‌اراده و بی‌روح شده‌اند که آنچه را انجام می‌دهند در راستای انجام فرائض دینی خود بر می‌شمارند.

نوعی ساختار ذهنی است که با ابعاد احساسی و روانی فرد و جایگاه او در میان گروه همراه شده، و در نتیجه مرزبندی‌های نوینی را ارائه می‌کند تا در درون آن «مهر و نفرت» قابلیت اجرا و کارکرد داشته باشد. این مرزبندی نوین از طریق مقوله‌بندی‌ها [۲] شروع می‌شود. به عنوان مثال، رژیم اسلامی اغلب این گفتمان مقوله‌بندی را که در ساختارهای ذهنی تجسم یافته با صراحت (البته با وقاحت) به غایب می‌گذارد که ما دینداران بر حق هستیم و شما دشمنان دین می‌بایستی نابود شوید! این یک شعار نیست بلکه استراتژی است که از آغاز شکل‌گیری حکومت دینی دنبال و اجرا شده است. ساختار ذهنی است که مرزهای اعتقادات و باورها را به صحنه عمل اجتماعی می‌کشد و از طریق آن وابستگی‌ها و مزایا را نیز مشخص می‌کند. این نوع کارکرد سیاسی با همان مقوله‌بندی «ما» در برابر «شما» آغاز می‌شود. مقوله‌ها و یا عناوین [۳] ساختارهای اجتماعی هستند که نه فقط شرایط سلطه را توجیه می‌کنند، بلکه راه را برای سیاست‌های سلطه‌گرایانه آینده نیز هموار می‌سازند. مقوله‌بندی‌ها با خود مرزبندی‌ها را نیز به دنبال می‌آورند. در درون مرزبندی‌ها کارکرد «مهر و نفرت» امکانپذیر می‌شود. به همین دلیل می‌توان گفت که مقوله‌بندی نوعی نیاز روانی است که با ابعاد هویت افراد یا گروه‌های خاصی می‌آمیزد. این آمیختگی برای افراد عضو گروه این فرصت



دکتر محمود مسائلی

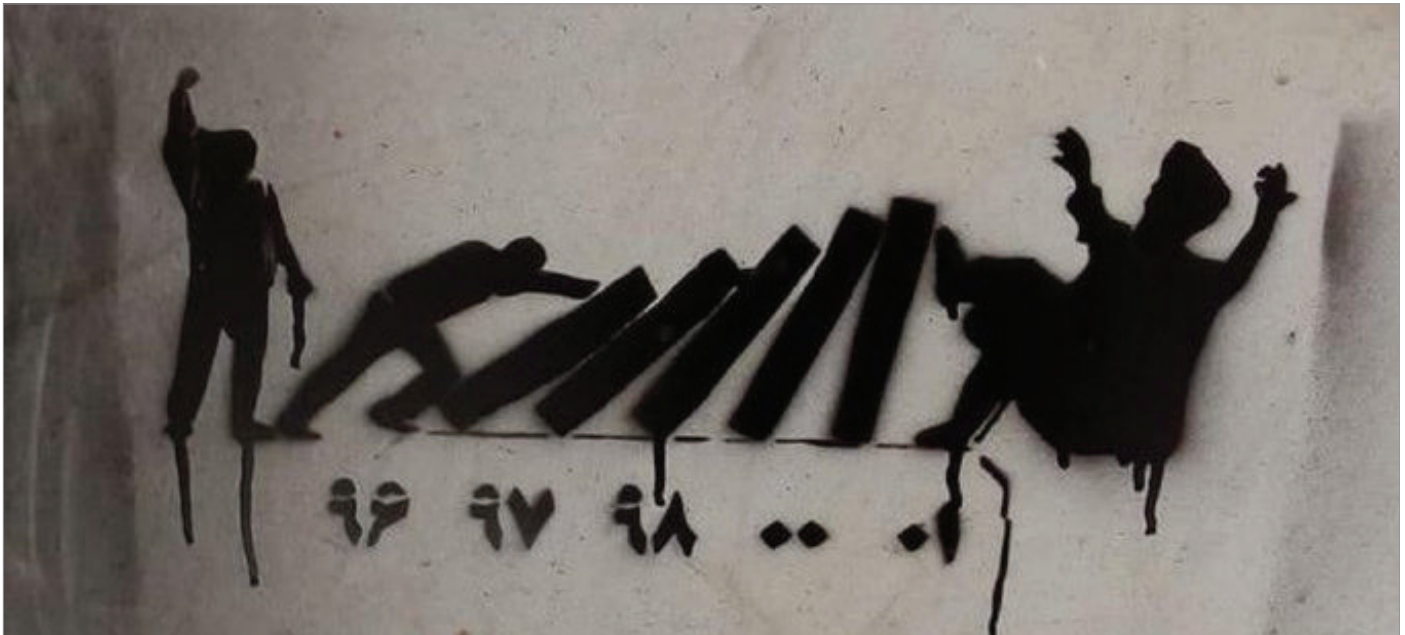
را فراهم می‌آورد تا بتواند خود را برای خویشخت خویش تعریف کرده و سپس آنرا در روابط اجتماعی به نمایش بگذارند. در حقیقت نیاز به هویت برای امکان بیان خویش با وابستگی‌هایی که در آن مرزبندی‌ها معین می‌شوند، ارتباط برقرار می‌کند و همین وابستگی است که احساس خود خویشخت را برای فرد، آنگونه که در جایگاه اجتماعی می‌بایست تجلی پیدا کند، فراهم می‌آورد. به سخن دیگر، مقوله‌بندی انگیزه اصلی شکل‌گیری هویت [۴] است. هر نوع انگیزه دیگری به این انگیزه اصلی وابسته و منوط است. در نظر داشته باشیم که چنین انگیزه‌ای در ماهیت خود روانی، و یا ذهنی و شهودی و از نیاز برای ادراک خویشخت خویش و به اشتراک گذاشتن آن در میان گروهی خاص ناشی می‌شود. پس می‌بایست یکبار دیگر خاطرنشان ساخت که مقوله‌بندی لازمه توضیح هویت نیز هست. حال اگر شما به این رابطه‌ها دقت نظر بیشتری داشته باشید، متوجه خواهید شد که مقوله‌بندی‌ها، مرزبندی‌ها، وابستگی‌ها، و مهرورزی‌ها، و نفرت‌ها، همه در درون ساختارهای ذهنی و روانی افراد به وجود آمده و پس از آن است که از ابعاد پنهان خویش به طرف ویژگی‌های عینی اجتماعی کشیده می‌شوند. این فرآیند تبدیل ذهنیت به عینیت با ابعاد آیینی و یا مذهبی می‌آمیزد و شبه‌آگاهی‌هایی را به وجود می‌آورد

افراطی کشیده شده و در جهت بقای رژیم مذهبی می‌کوشند، ممکن است به آیاتی از قرآن مراجعه کرده تا بتوانند مواضع خود را توضیح داده و یا توجیه کنند. آیه معروف «أشءاء علی الکفار رجاء» بی‌تردید بارزترین نقطه رجوع توجیحات آنهاست. این آیه قرآنی به هواداران نظام استبدادی مذهبی می‌آموزد در دوران خود نوعی حلقه‌های عشق و مراد به وجود آورده و بر مبنای آنچه خودشان ایمان دینی می‌نامند، آن علقه‌های الفت را استوار سازند، در حالی که دیگران، یعنی آنهایی را که برای آزادی با این نظام ستمگر در نبردی بی‌امان هستند به عنوان دشمنان خدا و دین مورد تنفر قرار می‌دهند و در نقطه مقابل مواضع هواداران نظام، مبارزان راه آزادی نیز از همه محدودیت‌های تحمیلی خودساخته مانند ویژگی‌های قومی، ملی، فرهنگی، مذهبی عبور کرده و در میان خود عشق به میهن، مهرورزی به یکدیگر، و پایبندی به آداب و سنن ملی را تقویت نموده و به گونه‌ای منسجم حکومت دینی را مورد نفرت قرار می‌دهند. محوریت تقابل میان عشق درون‌گروهی و نفرت برون‌گروهی، در عین حال این قابلیت را دارد تا برای استحکام و تقویت هویت گروهی نیز به کار گرفته شود. بنابراین در هر دو سوی موضوع، یعنی عشق به یکدیگر و نفرت از دیگران، موضوع هویت برجسته می‌شود. باید گفت هرچند عواملی مانند نگرش و بینش رهبران گروه مذهبی حاکم، به اصطلاح نخبگان آنها، و اشتیاق آنان برای انحصار قدرت، موجبات محروم شدن مردم از مزایای یک زندگی عادی را باعث شده، اما همان ساز و کار مهرورزی درون‌گروهی حاکمان نسبت به خود و نفرت برون‌گروهی نسبت به مردمی که خواهان یک زندگی آزادانه هستند، از موضوعات کلیدی در تحلیل چرایی خشم مردم است. در حقیقت، خشم مردم از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که نظام حاکم از آغاز کار همه منابع و امکانات کشور را در اختیار انحصاری خود گرفته و مزایای حاصل از آن را همواره از طریق مهرورزی درونی که توجیحات مذهبی آن نیز فراهم آمده، در میان خود تقسیم کرده است. همانگونه که در بخش اول این سری از نوشتارها توضیح داده شد، کینه‌های کهن دستگاه به اصطلاح روحانیت نسبت به مظاهر مدل زندگی، با همراهی ساز و کار دوگانه مهر- نفرت گروهی موجبات محروم ساختن بخش عظیمی از جمعیت ایران را برای داشتن یک زندگی عادی باعث شده است. به همین دلیل، خشم مردم را می‌بایستی به عنوان پاسخی به نظام حاکم تحلیل کرد؛ یعنی خشمی که با چرخش به سوی تنفر، متقابل از روحانیت را مبنای مطالعات جدی خیزش سراسری مردم قرار داد. این نکته را نیز باید خاطرنشان ساخت که کارکرد مهر- نفرت از زاویه دید اخلاقی و انسانی، مرزبندی خاصی را نیز در درون خود به وجود آورده است. این مرزبندی را می‌توان در پناه گفتمان حقوق بشر به روشنی توضیح داد. رژیم اسلامی در سویه توحش و بربریت، و مردمی که به ناچار در مقابل مظالم رژیم قیام کرده‌اند، در راستای مقام انسانی و حق بیان آزادانه خویش قرار می‌گیرند. رژیم مظهر تباهی و فساد، مردم صدای بلند رهایی؛ رژیم پرده سیاه جهل و جنون، مردم پیشگامان نور و روشنایی، و رژیم ابله‌یسی که هیچ ارزش انسانی را بر نمی‌تابد، و مردم فهاد «زن، زندگی، آزادی». «مهر- نفرت» به عنوان ابزار حیل‌گری روحانیت شیعه جای خود را به تدریج به مهر مردم آزادخواه نسبت به یکدیگر و تنفر آنان از موجودیت حکومت مذهبی و هواداران آن داده است.

رابطه تنگاتنگ میان دوگانگی «مهر و نفرت» با موضوعات مربوط به هویت از زاویه دیگری نیز می‌بایست مورد دقت قرار گیرد. به سخن دیگر، دوگانگی یادشده

- [1] In-group love – out-group hate
- [2] Categorization
- [3] Labels as social constructions
- [4] Identity impulse
- [5] Emasculating human volition

## ایران در کجای تاریخ ایستاده است؟



دارای نیروی عظیم فکری و اقتصادی هستند که در گذشته پراکنده و خاموش بوده، اما اکنون با ایرانیان داخل کشور همصدا شده، بطوری که در جاری شدن صدای آنان به جهانیان، قدم‌های موثر در نوزایش ملت ایران در راه رسیدن به هدف‌های خود برداشته است. اما باید توجه داشت که این پایان راه نیست و این خیزش باید از خیزش‌هایی همچون ملی شدن صنعت نفت، انقلاب ۱۳۵۷ و خیزش سال ۱۳۸۸ درس‌های تاریخی بگیرد. در نوزایش ایرانی عبور از حاکمیت فعلی و تفکر آن لازم است ولی این امر همچون هر طرحی نیازمند برنامه‌ریزی و سازماندهی است. ولی این به تنهایی کافی نیست و نوزایش ایران، نیاز به تحول فکری نیز دارد و اگر این صورت نگیرد ایران از چاهی به چاه دیگر خواهد افتاد.

اکنون بر ملت ایران به ویژه نخبگان است که در راه نوزایش ایران و ارائه تفکری نو در راه رسیدن به اهداف ملت ایران اقدام کنند. مرحله بعدی داشتن برنامه‌ریزی و سازماندهی مناسب برای رسیدن به این اهداف است. هیچ ملتی در دنیا بدون داشتن برنامه‌ریزی مناسب و سازماندهی در راه رسیدن به اهداف خود موفق نبوده است. ملت ایران نیز باید بیاموزد و تجربه کند که از این دو اصل گریزی نیست. هرچند که در این راه ملت ایران قدم‌های مناسبی برداشته، ولی می‌توان گفت همچنان این آغازی بر پایان یک اصل تاریخی در دوران زوال فرهنگ و تمدن ایرانزمین است که از چندین قرن گذشته آغاز شد. استقرار نظام اقتدارگرا پس از انقلاب را می‌توان قدمی به عقب در راه نوزایش فرهنگ ایرانی دانست. این نظام با تحمیل فرهنگ دولتی و از بالا سعی کرد به ایجاد هویت و فرهنگ جعلی بپردازد که خیزش اخیر مردم ایران به‌خصوص جوانان، با رد این تفکر، امید به نوزایش فرهنگ و تمدن ایران زمین را نوید می‌دهد. این خیزش امید می‌دهد که پس از چند قرن تنزل فرهنگی، تمدن ایرانی به سمت آینده‌ای حرکت می‌کند که بسیار پرشکوه‌تر از گذشته است و آغاز دوران مجد و بارور و سایه‌گستر را نوید می‌دهد.

اسطوره رسیدگی مستضعفان، مبارزه با امپریالیسم، و اسطوره جمهوریت، با تأکید بر اندیشه ولایت فقیه، منادی تعالی در نوزایش ایرانی بود.

این تفکر با سرکوب گسترده به ویژه سرکوب نواندیشان، مانعی بزرگ در نوزایش ایران ایجاد کرد. استقرار نظام استبدادی حاضر، دقیقاً معلول مشکلات فکری است که در چند قرن اخیر بر فرهنگ و تمدن ایرانی مستولی گشته بود. عدم توفیق این تفکر، در رسیدن به اهداف خود، منجر به کم‌رنگ شدن این تفکر به ویژه در میان جوانان گشت که به خیزش سال ۱۳۸۸ انجامید. ولی تفکر آن خیزش همچنان نگاه به اصلاح نظام داشت. خیزش ۱۴۰۱، تفاوت عمده‌ای با خیزش سال ۱۳۸۸ دارد و آن این است که خیزش اخیر خواهان عبور از نظام و تفکر آن است. امروز، ملت ایران با طرح پروژه عبور از حاکمیت، در صدد است که طرحی نو در اندازد. خیزش ۱۴۰۱ را می‌توان اوج نفی تفکر حاکمیت در جهت ارائه تفکر و راهی نو خواند. این خیزش به چندین دستاورد مهم دست یافته که می‌توان آنها را در نوزایش ایران کلیدی خواند:

- ۱) توسعه اعتراضات و رد تفکر حاکمیت در افشار مختلف ملت؛ اگرچه قبل از خیزش اخیر، رد تفکر حاکمیت در جهت تعالی ملت و فرهنگ مردم ایران، در جوانان تجلی داشت، ولی اکنون افشار و اصناف مختلف جامعه به این جمع‌بندی جهت عبور از تفکر حاکمیت رسیده‌اند. بطوری که ریزش وسیعی در بین نیروهای وفادار به حاکمیت را نیز شاهد هستیم.

۲) خیزش اخیر با استفاده از انقلاب ارتباطات و پدیده جهانی شدن توانسته است یک همبستگی جهانی و یک بلوغ فکری در راه رسیدن ملت ایران به اهداف خود را ایجاد کند، بطوری که افکار عمومی ملل جهان با ملت ایران ابراز همبستگی می‌کنند که می‌تواند به دولت‌های خارجی در جهت تغییر سیاست خود در قبال ایران فشار بیاورد.

۳) بسیج و وحدت ایرانیان خارج کشور و خواسته‌های ایرانیان داخل کشور ملت ایران را مجدداً یکپارچه کرده است. ایرانیان خارج کشور در محل کنونی اقامت خود،

این تفکر با سرکوب گسترده به ویژه سرکوب نواندیشان، مانعی بزرگ در نوزایش ایران ایجاد کرد. استقرار نظام استبدادی حاضر، دقیقاً معلول مشکلات فکری است که در چند قرن اخیر بر فرهنگ و تمدن ایرانی مستولی گشته بود

● عدم توفیق این تفکر، در رسیدن به اهداف خود، منجر به کم‌رنگ شدن این تفکر به ویژه در میان جوانان گشت که به خیزش سال ۱۳۸۸ انجامید. ولی تفکر آن خیزش همچنان نگاه به اصلاح نظام داشت. خیزش ۱۴۰۱، تفاوت عمده‌ای با خیزش سال ۱۳۸۸ دارد و آن این است که خیزش اخیر خواهان عبور از نظام و تفکر آن است.

● اکنون بر ملت ایران به ویژه نخبگان است که در راه نوزایش ایران و ارائه تفکری نو در راه رسیدن به اهداف ملت ایران اقدام کنند. مرحله بعدی داشتن برنامه‌ریزی و سازماندهی مناسب برای رسیدن به این اهداف است. هیچ ملتی در دنیا بدون داشتن برنامه‌ریزی مناسب و سازماندهی در راه رسیدن به اهداف خود موفق نبوده است.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - خیزش مردم ایران در سال ۱۴۰۱، دستاوردهای جدیدی را در تاریخ تمدن ایران به همراه آورده است. این جنبش همان ادامه راه نوزایش ایران است که از زمان مشروطه شروع شده است. با تماس ایرانیان با غرب و پدیده تجدد، فرهنگ ایرانی عصر نوینی را پس از چند قرن نزول آغاز کرده و در جهت دستیابی به ارزش‌های جدید نظیر اراده ملی، آزادی، حاکمیت قانون، حقوق شهروندی و حقوق زنان قدم گذاشت. تداوم این راه را در جنبش ملی شدن نفت و انقلاب ۱۳۵۷ نیز می‌بینیم. اما نوزایش ایرانی پدیده‌ای است که هنوز در ابتدای راه است و به غایت خود نرسیده است. پس از انقلاب ۱۳۵۷ حاکمیت در صدد تثبیت نظامی بر اساس نظریه ولایت فقیه آیت‌الله خمینی برآمد که اساس آن اولویت نظام بر ایران، اولویت امت اسلامی بر ملت ایران، و اولویت منافع امت اسلامی بر منافع ملی بود. تفکر حاکمیت پس انقلاب، با تأکید بر اسطوره‌هایی نظیر عدالت اسلامی، اخلاقی کردن سیاست،

قضایه وکالت او و یکی از همکارانش در پرونده توماج صالحی را پذیرفته است. امیر رئیس‌بان در توثیق نوشته که «وکالت من و همکارم، خانم رزا اعتماد انصاری، در پرونده آقای توماج صالحی پذیرفته شد، بخشی از پرونده توسط همکارم مطالعه شده است. در روزهای آتی کل پرونده مطالعه خواهد شد و با موکل ملاقات خواهیم کرد.»

توماج صالحی هنرمند و خواننده رپ که همواره کنار مردم و حقوق آنها بوده هشتم آبان بازداشت شد. توماج صالحی به «محرابه»، «همکاری با دولت‌های متخاصم علیه جمهوری اسلامی» و «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی از طریق فضای مجازی و تحریک و ترغیب افراد به اعمال خشونت‌آمیز» متهم شده است. او از جمله بازداشت‌شدگانی است که با خطر صدور حکم اعدام روبروست.

«سازمان حقوق بشر ایران» در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده که بر اساس مستندات و اطلاعاتی که در دست این سازمان است، بیش از ۱۰۰ شهروند که در جریان اعتراضات بازداشت‌شده‌اند با خطر اعدام روبرو هستند. برخی از شهروندان به اعدام محکوم شده و برخی دیگر نیز مانند توماج صالحی با اتهامات سنگینی روبرو هستند که امکان صدور حکم اعدام علیه آنها وجود دارد.

تلاش برای نجات شهروندان به ویژه آنها که با حکم اعدام روبرو هستند ادامه دارد. شکیرا خواننده مشهور کلمبیایی برای آزادی امیر نصر آزادانی فوتبالیست زندانی که با اتهام سنگین «بغی» روبروست کمپین راه‌اندازی کرده است. شمار امضاکندگان این پتیشن در چند روز به بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر رسیده است.

امیر نصر آزادانی در اعتراضات ۲۵ آبان در اصفهان حضور داشته و دو روز بعد توسط نهادهای امنیتی بازداشت شد. این ورزشکار حرفه‌ای از سوی قوه قضایه به عنوان یکی از متهمان پرونده کشته شدن سه نیروی امنیتی در جریان اعتراضات شناخته شده است.

امیر نصر آزادانی به «بغی» و همچنین «عضویت در دسته‌های غیرقانونی به قصد بر هم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت» و «معاونت در محاربه» متهم شده است. اتهام «بغی» به احتمال زیاد صدور حکم اعدام علیه این ورزشکار را در پی خواهد داشت.

اسدالله جعفری رئیس دادگستری استان اصفهان روز یکشنبه ۲۰ آذر گفت که این پرونده ۹ متهم دارد که یکی از آنها متهم ردیف پنجم امیر نصر آزادانی است.

رئیس کل دادگستری استان اصفهان با بیان اینکه امیر نصر آزادانی از ۲۷ آبان‌ماه در بازداشت بسر می‌برد گفته او به «بغی» و «عضویت در دسته‌های غیرقانونی به قصد بر هم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت» و «معاونت در محاربه» متهم است.

بسیاری از سیاستمداران و همچنین چهره‌های مشهور ورزشی، هنری، سیاسی و فرهنگی در شهرهای مختلف جهان به حمایت از مردم ایران پرداخته‌اند و کفالت سیاسی شمار زیادی از زندانیان و محکومان به اعدام را پذیرفته و برای آزادی آنها تلاش می‌کنند. این توجهات بین‌المللی اگرچه ممکن است در روند قضایی که علیه متهمان در جریان است اثر برجسته نداشته باشد اما هم به مردم ایران روحیه می‌بخشد و هم جو روانی علیه جمهوری اسلامی را گسترش می‌دهد. با اینهمه واقعیت این است که هیچ شهروند زندانی و غیرزندانانی از خطرات مرگبار جمهوری اسلامی در امان نیست.

## صدور حکم اعدام علیه یک نویسنده؛ تن دادن قوه قضایه به وکلا «تعیننی» برای توماج صالحی



مهدی بهمن

احساساتی و هیجانی شده‌اند.»

معاون دادستان خراسان رضوی افزوده که «برای این افراد کلاس‌های توجیهی و دوره‌های مشاوره‌ای برگزار و اقدامات جهادی جایگزین مجازاتشان می‌شود و چنانچه در مدت ۲ سال جرمی مرتکب نشوند، سابقه قضایی برای آنها ثبت نخواهد شد. اغلب شرکت‌کنندگان در اغتشاشات مهر و آبان، فریب خوردگانی بودند که به صورت موقت هیجانی شده بودند و اقدام سازمان یافته‌ای نداشتند و سعی شد با صدور تعلیق حکم به آنها مساعدت شود.»

این مقام قضایی در حالی مدعی «مساعدت» به بازداشت‌شدگان است که ۲۰ روز پیش مجیدرضا رهنورد جوان ۲۳ ساله در یک سناریوی تپاه از سوی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) و قوه قضایه خراسان رضوی به دار آویخته شد. مجیدرضا رهنورد یک نشان شیروخورشید بزرگ بر ساعد دست راستش تتو کرده بود و نیروهای سپاه پاسداران پس از بازداشت همین دست او را شکستند. حکم «اعدام» او در کمتر از دو هفته صادر و چند روز بعد در سحرگاه ۲۱ آذر در ملاء عام اجرا شد.

با اینهمه انتقاد از صدور اتهامات و احکام سنگین علیه شهروندان بازداشت شده و همچنین انتقادهای حقوقدانان از شیوه دادرسی پرونده معتضان بازداشت شده و زیر سوال بردن اتهامات و احکام صادره از سوی قوه قضایه، به تغییراتی در برخی پرونده‌ها منجر شده است. امیر رئیس‌بان وکیل پایه یک دادگستری خبر داده که قوه

مهدی بهمن نویسنده و نگارگر ایرانی که مهرماه امسال در پی «مصاحبه» با شبکه ۱۳ تلویزیون اسرائیل بازداشت شد، به اعدام محکوم شده است.

امیر رئیس‌بان وکیل پایه یک دادگستری خبر داده که قوه قضایه وکالت او و یکی از همکارانش در پرونده توماج صالحی را پذیرفته است.

امضاهای کمپین آزادی امیر نصر آزادانی فوتبالیست متهم به «بغی» که توسط شکیرا خواننده مشهور کلمبیایی راه‌اندازی شده به بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار رسیده است.

قوه قضایه جمهوری اسلامی با وجود همه انتقادات و تلاش‌های داخلی و بین‌المللی همچنان مشغول صدور حکم اعدام علیه شهروندان است. در آنسو اما در برخی پرونده‌ها ناچار به عقب‌نشینی شده و با وکیل تعیننی (انتخابی) برای شهروندانی که در جریان اعتراضات بازداشت شدند موافقت کرده است.

در این میان، مهدی بهمن نویسنده و نگارگر ایرانی که مهرماه امسال در تهران بازداشت شد نیز به اعدام محکوم شده است. این نویسنده ۲۱ مهرماه امسال در پی «مصاحبه» با شبکه ۱۳ تلویزیون اسرائیل بازداشت شد. به او که همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس است اتهام «جاسوسی» زده شده است.

دادگاه این نویسنده سوم دی‌ماه در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی عموزاد برگزار شد. «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» روز پنجشنبه ۸ دی‌ماه با انتشار خبر محکومیت مهدی بهمن به «اعدام» تأکید کرد که این نویسنده در این مدت از حق برخورداری از وکیل تعیننی (انتخابی) محروم بوده است.

مهدی بهمن بیش از ۲۰ سال در حوزه «همزیستی ادیان» فعالیت کرده و به همراه آیت‌الله معصومی تهرانی، فعالیت‌های مشترکی در راستای گفتگوی ادیان انجام داده است.

او آثار و کتاب‌هایی از جمله تورات، زبور و انجیل را تذهیب کرده است. مجموعه داستان «سرمای استخوان سوز» عنوان کتابی از مهدی بهمن است که به خاطر ممنوعیت انتشار و سانسور کتاب در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در سال ۲۰۱۹ توسط نشر «روناک» در آمستردام منتشر شد. کیهان لندن در بهمن ۱۳۹۹ در ارتباط با مجموعه داستان مهدی بهمن و اینکه چرا آن را در خارج کشور به چاپ رسانده با وی گفتگو کرده بود. این نویسنده و هنرمند در این گفتگو اشاره کرده بود: «اینکه جهان داستان‌های من اینقدر سیاه است عمده‌ترین دلیلش این است که من در «ایران» زندگی می‌کنم با همه فراز و نشیب‌های تاریخی و اجتماعی آن.»

ادامه صدور حکم اعدام علیه شهروندانی که در اعتراضات یا به دلیل فعالیت‌هایی مرتبط با جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی بازداشت شده‌اند در حالی ادامه دارد که معاون دادستان خراسان رضوی که از جمله آمران و عاملان اعدام مجیدرضا رهنورد جوان ۲۳ ساله بازداشت‌شده در اعتراضات در مشهد است، مدعی شده «چون عده زیادی از معتضان «فریب‌خورده» بودند، ۸۰ درصد از احکام آنها به صورت تعلیقی تا دو سال صادر شد.»

اسماعیل رحمانی معاون دادستان خراسان رضوی گفته که «حکم فریب‌خوردگان اغتشاشات اخیر مشهد که بیش از ۸۰ درصد پرونده‌ها را شامل می‌شود با ارفاق به مدت ۲ سال تعلیق شد. این ارفاق شامل افرادی می‌شود که هیچ سابقه قضایی ندارند و تحت تأثیر فضای مجازی

## چشم‌انداز اقتصادی در ایران فردا؛ خردگرایی، کارآمدی، مسئولیت، همبستگی، مشارکت



رشد سریعی نمود. از سوی دیگر با طرح‌های متعدد و بزرگ دولت، به ویژه در قسمت آب و برق و ساختن سدهای بزرگ و کارخانه‌های سنگین، سیستم اقتصادی کشور رگه‌ی اقتصاد برنامه‌ریزی شده را نیز یافت.

حالا دو سیستم اقتصادی متضاد یکدیگر در مقابل هم قرار گرفتند و ضمن برخورد و تنش و دشمنی که حاصل آن بود، به دلیل ایجاد مراکز جدید شبه‌بازار و فروشگاه‌های بزرگ و فعالیت شرکت‌های تجاری خارجی و نیمه خارجی از یکسو و وضع قوانینی که در مورد سهم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها و حقوق کارگری و احداث سندیکاها مقرر گردید، فرهنگ جامعه دگرگون شد. این دگرگونی به ویژه در تمام کشور فرهنگ علمی- فنی، فرهنگ تنوع زندگی، فرهنگ تعطیلات و ورزش و توجه به خانواده را ایجاد و شایع ساخت. واضح است چنین دگرگونی با فرهنگ بازار سنتی سازگاری نداشت. به این جهت در تمام سطوح کشور ساختارهای جدیدی بر مبنای فرایافت تطور و با شتاب، تولید توقعاتی کرد که هم با سنت‌های مملکت و هم با سرعت کار دولت در اصلاحات، در سازندگی، در رشد سیاسی و اجتماعی همخوانی نداشت. این تطور ولی هیچگاه فاز آرامش مجدد در جامعه را طی نکرد که به درستی بیان سازگاری ساختارهای جدید با سیستم سیاسی و اقتصادی مملکت است. به ویژه در دهه ۷۰ میلادی وقتی قیمت نفت با کوشش شاه در اوپک و مذاکره با شرکت‌های نفتی جهانی به حدود ۴ برابر افزایش یافت، این شتاب نیز بیشتر شد. از این رو به دلیل کمبود درایت سیاسی و تدابیر اقتصادی به کلی رشته‌ی هماهنگی پول-بازار- برنامه از هم گسیخته گردید. به نحوی که دیگر تولید سیستم اقتصادی خودساز- فونکسیونال و سزاوار کشور با فرایافت تطور ممکن نگردید تا حلال مشکلات باشد. در این ماجرا تنها کمبود زبندگان علمی- فنی و کارگر ماهر

درواقع فراخور جامعه‌ی ابتدائی ارباب و رعیتی و مصرفی روزگار نابسامان شهریور ۲۰ تا واقعه‌ی ۲۸ مرداد بود. دورانی که نه تنها میان اقتصاد و سیاست اتصالی ساختاری دیده نمی‌شد، زیرا نه تنها سیستم مالیاتی نیم‌بند رضاشاهی بی‌حاصل در وزارت مالیه گرد و خاک می‌خورد، بلکه در آن هنگام بازار به ویژه، بازار تهران، سیاست مملکت را نیز در دست گرفته و آن را به دولت دیکته می‌کرد. دولت نیز از نظر مالی به دلیل کمی درآمدهای نفتی و مالیاتی از یکسو و میزان تولید و صادرات اندک از سوی دیگر توانائی هیچگونه اصلاحات و سازندگی نداشت. افزون بر این جلوگیری از فروش نفت به وسیله‌ی دولت انگلیس نیز قوزبالاقوزی برای کشور شده بود. از این رو در این دوران هیچ هماهنگی میان پول، بازار و برنامه‌های عمرانی و تولیدی مملکت وجود نداشت تا دستگاه اقتصادی کشور معنی واقعی خود را داشته باشد. آنچه به چشم می‌خورد نه فقط احتکار و انحصارطلبی مشتی بازاری و دلان معاملات بود، بلکه بنا بر تفکر سارتر [۱] و یا به معنی پیشرفته‌تری که هابرماس [۲] (توتالیتراریسم بازار) آن را می‌آورد، بازار در نقش ممیز مطلق، مردم را مسخ قیمت‌ها و در لابلاهی کیمیایی و پریایی اجناس و بنجل‌هائی که به آنها تحمیل می‌نمود، اراده و خودمختاری ایشان را به یغما می‌برد و به آنها یوغ میل بیگانه را می‌زد. آنچه اولین قدم در جهت ازخودبیگانگی انسان است.

بعد از ۲۸ مرداد که وضع کشور بهتر شد، دولت به عنوان سرمایه‌دار بزرگ به موازات بازار سنتی ایران ظاهر گشت. گرچه درآمد نفت کم‌ماکان کم بود ولی با قرض از بانک جهانی و مساعدت‌های بعضی کشورهای اروپائی و آمریکا (به دلیل پشتوانه‌ی فروش نفت) کارخانجات داخلی رونق گرفتند و توسعه یافتند. سرمایه‌گذاری روی صنایع جدید آغاز شد. به ویژه چون وزارت توسعه‌ی صنایع و اقتصاد به بخش خصوصی پارانه می‌دادند، فعالیت بخش خصوصی

● در دهه هفتاد میلادی (پنجاه خورشیدی) عبور از اقتصاد شبانی به هنگام نداشتن زبندگان و ماهران اقتصادی و اجتماعی دشواری بزرگی شد که باج و خراج خویش را طلب می‌کرد. مردمی که تا چند دهه پیش شیر را هنگام بیماری با تجویز پزشک می‌نوشیدند، حالا به شیر پاستوریزه هم رضایت نمی‌دادند. مردمی که تا چند دهه پیش فقط یکی دو بار ماهانه در غذای خویش گوشت می‌ریختند، حالا که خوردن گوشت بطور روزانه امکان داشت گوشت یخزده را حرام می‌دانستند. مردمی که تا چند دهه پیش کفش‌های پینه‌دوزی شده به پا داشتند و شلوار و پیراهن‌هایشان وصله‌دار بود حالا دیگر با محصولات کفش ملی و پیراهن و لباس دوخت وطن خوشنود می‌شدند. این دشواری‌ها ولی از جانب بازار سنتی مملکت و روحانیت تشدید می‌شد تا جامعه در نیمه راه فرایافت تطور تعادل و ثبات مجدد خویش را باز نیابد، تا تعدد در کشور پا نگیرد و موجبات آزادی و رهایی مردم از چنگال ارتجاع و خودکامگی بازار فراهم نگردد.

● مدیریت در هر زمینه و هر واحدی از جمله واحد اقتصادی فقط موقعی خردگراست که همه‌ی سیستم‌های اجتماعی، حتی محیط زندگی فردی خردگرا، یعنی قابل محاسبه باشند. پس هر دستگاهی می‌بایستی بنابر فونکسیون/ عملکرد/ کارکرد مشخص خود را از دستگاه‌های دیگر، یعنی محیط خود، مجزا سازد تا در کار هم مداخله نکنند و پیچیدگی غیرقابل فهم فراهم نسازند. این مطلب درست همان چیزی است که از ماکس وبر تا هابرماس همه به آن چاشنی فرهنگی سرمایه‌داری مدرن می‌گویند. بدون این چاشنی، احتمال هیچ پیش‌بینی ممکن نیست. حتی سنجش افکار عمومی نیز بی‌فایده است زیرا چنین سنجشی بیان افکار مسخ شده و نظرات مخدوش است.

● در فراکرد خردگرایی دو مسئله شایان اهمیت است. یکی تقسیم کار با توجه به امر خبرگی و دیگری ایجاد علاقه‌ی مشترک افراد به واحد اقتصادی که در آن اشتغال دارند. این علاقه با مفهوم همبستگی گره خورده است. این همبستگی به میزان قابل توجهی به مقررات کاری و توزیع وظایف و رفتار اجتماعی کارکنان و قدرت ادغام/ انتگراسیون یا جذابیت رئیس اداره دارد. به این دلیل مقررات کار باید انسانی باشند و تصمیم‌گیری از پائین شکل بگیرد تا مشارکت همه را دربرداشته و به این دلیل نیز همه باید در پیشرفت و ترقی واحد اقتصادی سهیم و به فراخور کار خود از امتیازات رفاهی ویژه‌ای بهره‌مند شوند. مطلبی که کلا به آن فرهنگ محیط کار می‌گوییم.

نصرت واحدی - این نکات برای حمایت از جنبش هجوم و تسخیر پیشنهاد می‌شود. مقدمه زیر هم با هدف پاسخ به رسانه‌های خارجی تنظیم شده که می‌گویند قیام مردم نمی‌داند چه می‌خواهد!

### مقدمه

دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی دورانی است که اقتصاد ایران در جستجوی هویت خویش است. قبلا وضعیت کشور حکایت از اقتصاد دلالی و زمین‌بازی و بازار سنتی ایران داشت که



اقتصادی کشور لطمه می‌زند و شاهرگ آن را که فکر و سرمایه‌گذاری است قطع می‌کند تا عطش سرکوب و استبداد خود را فرو بنشانند.

### ب - بازار سوسیال/ اجتماعی

در ایران آینده، باید به بازار سوسیال رو آورد زیرا اگر کارگران و کارمندان هر بخش اقتصادی خود صاحب سرمایه باشند آنوقت میان کارگر و کارمند و مشتری تفاوتی نیست. پس جامعه دیگر دشواری استثمار را ندارد و گروه‌های به وجود نمی‌آیند تا برای آنها اربابی کنند.

چگونگی رسیدن به این مقصود در گرو همکاری سیستم اقتصادی و سیاسی کشور از یکسو و رابطه‌ای انسانی میان کارگر، شاغلین و کارفرماست. این رابطه تنها با چاشنی فرهنگی سرمایه‌داری مدرن ممکن خواهد بود.

### ج - فرهنگ محیط کار

در فراگرد خردگرایی دو مسئله شایان اهمیت است. یکی تقسیم کار با توجه به امر خبرگی و دیگری ایجاد علاقه‌ی مشترک افراد به واحد اقتصادی که در آن اشتغال دارند. این علاقه با مفهوم همبستگی گره خورده است. یعنی اعضای یک دستگاه اقتصادی با همه‌ی تفاوت‌های شغلی و خبرگی‌های ویژه‌ای که دارند چون مهره‌های تسبیحی با هم پیوند دارند، نمی‌تواند که به همه‌ی آنها احساس تعلق به چیز مشترکی را می‌دهد. نمی‌تواند که آنها را جمع می‌کند و وحدت می‌بخشد. بدون این وحدت هیچ همکاری و همیاری نمی‌تواند ظاهر شود، آنچه نوعی خویشاوندی کاری است. ملاحظه می‌شود ابتدا در این یگانگی و خویشی فارغ از خبرگی، مسئولیت و سن و سال، آشنائی و کشتی به وجود می‌آید که می‌تواند همه را به خاطر رسیدن به مقصودی به راستی ساعی و جدی سازد و آنها را همبسته کند. بدون این قوام هر سیستمی در هم می‌شکند و از هم می‌گسلد. منشی یک اداره، بایگان، کارپرداز، رئیس و مرئوس بدون علاقه و وابستگی عاطفی به کار در آن اداره قادر به انجام وظایف خود نیستند. این همبستگی به میزان قابل توجهی به مقررات کاری و توزیع وظایف و رفتار اجتماعی کارکنان و قدرت ادغام/انتگراسیون یا جذابیت رئیس اداره دارد. به این دلیل مقررات کار باید انسانی باشند و تصمیم‌گیری از پائین شکل بگیرد تا مشارکت همه را دربرداشته و به این دلیل نیز همه باید در پیشرفت و ترقی واحد اقتصادی سهیم و به فراخور کار خود از امتیازات رفاهی ویژه‌ای بهره‌مند شوند. مطلبی که کلا به آن فرهنگ محیط کار می‌گوییم.

### د - بازار و اخلاق

درست است که اولویت‌ها و انگیزه‌های سرمایه‌گذار عملاً ساختار بازار و پویایی آن را تعیین می‌کنند ولی در این بخش هرگز نباید و نمی‌توان از ارزش‌های اخلاقی غافل ماند. به ویژه ضرورت دارد که در این امر به فرهنگ گذشته‌ی ایران باز گردیم و سه ارزش انصاف، اعتماد و شفافیت معامله را رواج دهیم و آن را برای مدتی طولانی دوام بخشیم.

### ه - گرمی بازار [۸] و رونق اقتصاد

گرمی بازار وابسته به دگرگونی‌های فن‌آوری و اکتشافات است در حالی که رونق اقتصاد به وسیله‌ی سیاست‌های پولی و مالیاتی تعیین می‌شود که لازم است بانک مرکزی و دولت آن را با شرایط زمان منطبق سازند. پس باید بازار در جهت نوآوری در فنون و تحقیقات علوم پایه آنهم به خاطر آینده‌ی خویش کوشا باشد. این کار با سه ضریب، رقابت، آگهی‌های تجاری و مزایده ممکن می‌شود.

دینی و سیستم شریعتی آن است که همه جا ضرایب درونی و بیرونی را تحت تأثیر قرار داده و دایره‌ی توانائی آنها را محدود می‌کند. در حالی که اقتصاد مدرن به فضای باز، دمکراسی و آزادی نیاز دارد تا شکوفا شود. به قول باربر [۴] نقض حقوق بشر و نبود دمکراسی در جمهوری اسلامی ایران سبب سقوط اقتصادی آن خواهد شد که نه مدرن بلکه بر پایه‌ی دلالتی استوار است. جالب اینجاست این دستگاه اقتصادی شبه‌سیستم، که با امور دینی نیز گره خورده است، دمکراسی و حقوق بشر را تهدیدی برای موجودیت خویش می‌شمارد و با آنها به ستیز برخاسته است. اما این ستیزه‌جویی که به همراه ایجاد جو رعب و تقیتش است خود به خود مانع گسترش علم و فن و حرکت چرخه‌ی نوآوری در ایران است زیرا دانشمندان و متخصصین ممالک جهان همیشه گریزان از فضای ترس و وحشت و جبرند.

واضح است بعد از گذشت ۴۳ سال از انقلاب کذائی اسلامی غالباً این متخصصین و کارشناسان اگر هم به دلیلی در کشور مانده باشند، یا پیر شده و یا دنیا را بدرود گفته‌اند. به این شکل اینان به هر حال از گردونه‌ی کار علمی، بدون خدمتی در خور دانائی خود، خارج شده‌اند. این مسئله ولی لطمه‌ای بسیار عظیم‌تر از چپاول و غارتی است که به دست مشتی آخوند بی‌دین و چپ نادان بر کشور وارد شده است زیرا جبران آن تقریباً محال است. از این رو لازم است نقش مدرنیته را در برنامه‌ی اقتصادی آینده فراموش نکرد که به ویژه در کار واحدهای بزرگ شایان اهمیت است. مشخصات این مدرنیته در زیر به غایت گذاشته می‌شود.

هرچه یک واحد بزرگتر، هرچه به سرمایه‌گذاری بیشتری محتاج‌تر و هرچه مدت لازم برای انجام یک برنامه‌ی کار در آن طولانی‌تر باشد، پیش‌بینی روند کارها و تقسیم آنها، میزان اطمینان به بازار و شدت اعتماد کارگران و کارمندان به آن پراهمیت‌تر می‌گردد. بعلاوه چنین واحدی برای دستگاه دولت، ادارات دولتی، دادگستری، بانک‌ها، سیستم آموزشی، بازار کار و وضعیت رفاهی کشور نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. به این جهت واحدهای اقتصادی کشور به قوانین و مقرراتی نیاز دارند که برای سرمایه‌موجب اطمینان، برای کارگران و کارمندان و سندیکاها سبب اعتماد و برای دولت منبع درآمد مالیاتی قابل ملاحظه‌ای بشود. به دلیل این وابستگی ملاحظه می‌شود که مدیریت در هر زمینه و هر واحدی از جمله واحد اقتصادی فقط موقعی خردگراست که همه‌ی سیستم‌های اجتماعی، حتی محیط زندگی فردی خردگرا، یعنی قابل محاسبه باشند.

پس هر دستگاهی می‌بایستی بنابر فونکسیون/ عملکرد/ کارکرد مشخص خود را از دستگاه‌های دیگر، یعنی محیط خود، مجزا سازد تا در کار هم مداخله نکنند و پیچیدگی غیرقابل فهم فراهم نسازند. این مطلب درست همان چیزی است که از ماکس وبر [۵] تا هابرماس [۶] همه به آن چاشنی فرهنگی سرمایه‌داری مدرن می‌گویند. بدون این چاشنی، احتمال هیچ پیش‌بینی ممکن نیست. حتی سنجش افکار عمومی نیز بی‌فایده است زیرا چنین سنجشی بیان افکار مسخ شده و نظرات مخدوش است.

پس خردگرایی اقتصادی تنها با تقسیم جامعه به سیستم‌های فونکسیونال/ کارآمد و خودمختار و خودساز ممکن می‌شود. این خودسازی که با فرایافت تطور همراه است و شکل می‌گیرد، توسعه‌ی هر سیستم اجتماعی را از دایره‌ی قوای طبیعی و متافیزیکی بیرون می‌کشد و در اختیار فعالیت خود سیستم می‌گذارد تا به قول مارویاما [۷] به مدد اثرات متقابل با محیط، سازنده‌ی آتیه‌ی خویش باشد. از این رو دولت‌های خودکامه و دیکتاتور به سیستم

و متخصص نقشی اساسی نداشت، بلکه عبور از اقتصاد شبانی نیز به هنگام نداشتن زبدگان و ماهران اقتصادی و اجتماعی دشواری بزرگی شد که باج و خراج خویش را طلب می‌کرد. مردمی که تا چند دهه پیش شیر را هنگام بیماری با تجویز پزشک می‌نوشیدند، حالا به شیر پاستوریزه هم رضایت نمی‌دادند. مردمی که تا چند دهه پیش فقط یکی دو بار ماهانه در غذای خویش گوشت می‌ریختند، حالا که خوردن گوشت بطور روزانه امکان داشت گوشت یخزده را حرام می‌دانستند. مردمی که تا چند دهه پیش کفش‌های پنبه‌دوزی شده به پا داشتند و شلوار و پیراهن‌هایشان وصله‌دار بود حالا دیگر با محصولات کفش ملی و پیراهن و لباس دوخت وطن خوشنود نمی‌شدند. این دشواری‌ها ولی از جانب بازار سنتی مملکت و روحانیت تشدید می‌شد تا جامعه در نیمه راه فرایافت تطور تعادل و ثبات مجدد خویش را باز نیابد، تا تجدید در کشور پا نگردد و موجبات آزادی و رهائی مردم از چنگال ارتجاع و خودکامگی بازار فراهم نگردد.

ملاحظه می‌شود بازار سنتی ایران چه در گذشته و چه اکنون با سلطه‌ی مطلق خویش در سرنوشت مردم به ویژه در احساس بی‌تفاوتی و بی‌مسئولتی و بی‌ارادگی آنها نقش اساسی داشته است. این نقش را باید برای همیشه از آن گرفت و سیستم بازار آزاد را جا انداخت. بعلاوه باید هنگام گذر از یک وضعیت اقتصادی به وضعیت اقتصادی دیگر بسیار محتاط، صبور و خردمندانه عمل کرد. پس چشم‌اندازی که در اینجا ارائه می‌شود راهکاری در جهت رسیدن به این مقصود است.

### الف - خردگرایی اقتصادی با چاشنی فرهنگی

دشواری سیستم اقتصادی کشور، آنطور که در مقدمه آمد، دشواری دوران گذر از یک مقطع اقتصادی به مقطع اقتصادی دیگر است. مشکلی که در تمام جوامع وجود دارد. از جمله می‌توان آن را در اتحاد جماهیر شوروی، در اقمار آن، در آمریکای لاتین، در کشورهای آفریقائی، در یوگسلاوی تجزیه شده و... و حتی در جمهوری خلق چین نیز دید. زیرا این دشواری نه تک‌بعدی بلکه چندین بعدی است. یعنی تنها تابع سرمایه‌گذاری و شرایط آن نیست بلکه به خردگرایی [۳] (راسیونالیسم) سیستم اقتصادی و فرهنگ جامعه و خلق و خوی مردم نیز بستگی دارد.

به این ترتیب، ابتدا در تجزیه و تحلیل این دشواری است که معلوم می‌شود دوران گذر از چه درایت و مدیریت باید برخوردار باشد تا ترقی همه‌جانبه حاصل گردد، تا فاجعه و سقوط پیش نیاید.

واضح است که جریان اقتصادی هر کشوری به عوامل اساسی فکر، سرمایه، کار، بازار، مواد اولیه، ماشین‌آلات و مدیریت (چه تولیدی و یا مصرفی و...) نیاز دارد که وقتی بهم بافته شد، واحدهای تولیدی، توزیعی، آبادانی و یا خدماتی کشور را به غایت می‌گذارند.

کار چنین واحدهائی باید خردگرا باشد. یعنی کلیه‌ی ضرایبی که در چرخش آن واحد نقش دارند باید تبدیل به داده‌هایی بشوند که قابل محاسبه‌اند. مانند میزان تولید، اندازه‌ی فروش، دخل و خرج و... اما این ضرایب همه یکدست نیستند، زیرا قابل تقسیم به ضرایب داخلی و یا خارجی‌اند. در میان ضرایب خارجی باید به ویژه ضرایب سیاسی، حقوقی، اداری و محیط فرهنگی را نام برد. جالب اینجاست که یکی از ضرایب مهم داخلی فعالیت آزادانه‌ی خود افراد است؛ هرکس باید خود تصمیم بگیرد.

اما در حکومت‌های دینی و ایدئولوژیک این آزادی به قلاده کشیده می‌شود. این قلاده همانا زنجیر اعتقادات

→ رقابت باید سالم و آگهی مستند و مزایده بی‌غش باشد.

برای رسیدن به این شایستگی، کشور نیاز به دستگاهی به نام مؤسسه ممیزی فنی- صنعتی و حفظ استانداردها دارد تا با کمک قواعد و دستورات وضع شده در آنجا برای هر کالایی کارت شناسایی صادر گردد. هرگونه فعالیت تجاری (رقابت، آگهی و مزایده) بدون داشتن این کارت می‌بایستی متوقف گردد.

اما اقتصاد نیز لازم است به دستگاه‌های آموزشی و پژوهشی کشور به خاطر موجودیت خویش، چه از نظر نیروی انسانی و چه از نظر جریان علمی- فنی، کمک نماید. درست در این رابطه باید همکاری بخش اقتصاد با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور و مدارس حرفه‌ای را طراحی نمود. به ویژه بانک‌های مملکت لازم است در پشتیبانی نمودن از فکرهای علمی- فنی نوین چشمی باز داشته باشند و از هیئت علمی مشورتی ویژه برخوردار باشند.

و - شرکت نفت و گاز ملی به عنوان سرمایه‌دار بزرگ در کشور و کارکرد آن

شرکت نفت و گاز ملی ایران متعلق به ملت ایران است. پس هیئت مدیره آن باید بوسیله مردم انتخاب شود. درآمد این شرکت به دولت مربوط نیست. اما دولت می‌تواند در صورت لزوم و با اجازه مجلس نمایندگان از این شرکت وام بگیرد.

از این گذشته لازم است به میزان معینی درآمد این شرکت، برای امور عمرانی مملکت و سرمایه‌گذاری در استفاده از منابع ویژه هزینه شود تا به نسل‌های آینده ایران ظلم نشده باشد. به این شکل این شرکت به صورت سرمایه‌دار بزرگ در کشور ظاهر شده و امید مردم و آیندگان می‌گردد. در این راستا به امور عمرانی زیر توجه داده می‌شود که خودش ظرفیت حدود ۵ میلیون نفر اشتغال را دارد:

روی آوردن به تولید انرژی‌ها قابل تجدید به خاطر حفظ محیط زیست و تضمین زندگی نسل آینده

تهیه برنامه‌های شبیه برنامه‌های مارشال به خاطر اینکه تمام مناطق کشور از نظر فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی هم‌تراز شوند. به ویژه باید به بخش‌هایی که اقوام ایرانی در آنجا ریشه‌های فرهنگی دارند توجه بیشتری داشت و اسباب رشد فرهنگ‌های بومی را فراهم ساخت. این برنامه‌ها باید زمان‌بندی شوند و تکلیف هر استانی در برابر آن روشن گردد. همچنین باید برنامه‌های مالیاتی ویژه‌ای و برای مدت معینی در بخش‌هایی از کشور که عقب مانده‌اند تنظیم شود تا سرمایه‌گذاری در آن مناطق تشویق گردد.

آغاز ایجاد شهری در کویر برای انتقال پایتخت به آنجا. این شهر لازم است بسیار مدرن و مجهز به همه امکانات شهری باشد. تقسیم‌بندی محله‌ها و خیابان‌بندی این شهر باید مطابق آخرین پژوهش‌های شهرنشینی با توجه به فرهنگ ایران‌زمین طراحی گردد. به ویژه تولید مخازن و ذخیره‌های آب آشامیدنی و فاضلاب و تصفیه آن می‌تواند سرمشق شهرهای دیگر مملکت بشود.

نوسازی تمام شهرها و دهات ایران مطابق با جدیدترین (گونه‌ی روابط زیربنایی و ارتباطات) طراحی‌ها و با توجه به معماری‌های قدیم و فرهنگ بومی مناطق صورت گیرد. مربوط ساختن تمام شهرها و دهات به وسیله راه آهن سریع برقی، اتوبان، خطوط هوایی، راه‌های آبی، مردم را به یکدیگر نزدیک‌تر و پیشرفت نقاط مختلف کشور را هماهنگ می‌نماید.

ایجاد شبکه سراسری برق و مراکز ذخیره‌ی آن، امریست که صنعتی شدن کشور را آسان‌تر، هزینه‌ها را کمتر و زندگی مردم و کار مراکز تولیدی را مطمئن‌تر می‌سازد.

سرمایه‌گذاری روی سیستم انتقال و توزیع کالا و اطلاعات در سراسر کشور با مدرن‌ترین روش مدیریت و وسایل سخت و نرم‌افزاری.

ایجاد خاورمیانه‌ی متحد با بازار مشترکی مرکب از کشورهای ارمنستان، ازبکستان، افغانستان، ایران، آذربایجان، پاکستان، تاجیکستان، عراق که دارای ویژگی‌های فرهنگی مشترکی هستند و جمعاً از نظر اقتصادی و منطقه‌ای فاکتوری بزرگ برای صلح جهان محسوب می‌شوند.

تهیه طرح آبداسازی کویرهای ایران برای کشاورزی و سبزیکاری، به امر تغذیه و دشواری‌های آن در آینده کمک خواهد کرد.

طرح تولید انرژی در کویر، عظیم‌ترین پروژه برای تولید انرژی خورشیدی است.

همچنین باید طرح تولید انرژی از تخته سنگ‌های گرم زیر زمین به ویژه در آذربایجان را از نظر دور نداشت.

ز - مشارکت مردم در همیاری‌های اقتصادی

مشارکت دادن مردم در کارهای اجتماعی، از طریق امور اقتصادی، برای پیدا کردن هویت ملی بسیار حائز اهمیت است. در اینجا به چند نمونه از این قبیل کارها می‌توان اشاره کرد. یکی ایجاد شرکت‌های تعاونی، دیگری سازماندهی به لوتاری‌های دوره‌ای و سومی تأسیس فروشگاه‌هایی که در روزهای معینی ۵۰ درصد از سود حاصله‌ی خویش را با نظارت خود مردم به مصارف مددکاری اجتماعی می‌رسانند. اینگونه کارها میان اقتصاد و امور اجتماعی رابطه تولید می‌کند و با آن مردم و سیستم اقتصادی احساس مسئولیت پیدا می‌کنند. به این شکل آنها به مملکت خویش علاقمند می‌گردند چرا که میزان خرید مردم در آن روزها هم به نوع کالاهایی که عرضه می‌شود بستگی دارد و هم نشانه‌ی علاقه‌ی مردم در همدلی و همیاری به یکدیگر است که به واقع دماسنج ضمانت صلح در جامعه است.

ح - اقتصاد و پاکیزگی محیط زیست

سیستم اقتصادی کشور باید در حفظ محیط زیست بکوشد و با اطلاعات دقیقی که از کار خود به مردم می‌دهد، چون اعلام محتوای کالا و یا ارائه‌ی سندی دال بر رعایت مقررات حفظ محیط زیست، عموم را نیز متوجه این کار خیر بنماید و سرمشق آنها باشد.

[1] J. P. Sartre : Kritik der dialektischen Vernunft, 1. Band, Reinbek 1960

[2] Habermas : Theorie des kommunikativen Handelns, 2. Band, Frankfurt/M 1981

[3] Rationality

[4] Benjamin R. Barber : Coca-Cola und Heiliger Krieg, München 1996

[5] Max Weber : Wirtschaft und Gesellschaft, Tübingen 1972

[6] Habermas : see 19

[7] Maruyama, M., 1963. "The Second Cybernetics: Deviation Amplifying MutualCausal Process", American Scientist, 51:2, 164-179

[8] Boom

# امام جمعه موقت تهران: عمامه پرانی یعنی دین پرانی! «قله نظام» آسیب پذیرتر از همیشه؛ مثلاً کدام سرداران سپاه مقابل علی خامنه‌ای ایستاده‌اند؟!

● سردار پاسدار حمید ابادری مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی ادعا کرده است «مستولان درجه یک نظام» و جمعی از سرداران سپاه مقابل علی خامنه‌ای ایستاده‌اند!

● احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران با بیان اینکه «دشمن در فتنه اخیر قله نظام را هدف قرار داد» می‌گوید، «در اغتشاشات برای اولین بار به ولایت توهین شد که در واقع انجام این کار، توهین به دین و جانشین امام زمان است» و «این اولین بار است که به ولایت توهین شد».

● حدود ۱۱۰ روز پس از آغاز خیزش انقلابی در ایران در حالی که در خیابان‌ها انواع و اقسام شعارها و توهین‌ها نثار علی خامنه‌ای می‌شود خط مشترک مقامات و عوامل نظام تعریف و تمجید از خامنه‌ای و مبرا دانستن نقش او در بحران‌هاست.

● حسین سلامی فرمانده کل سپاه علی خامنه‌ای را یک «موهبت الهی» دانسته و می‌گوید، «امت بدون رهبر راه را گم می‌کند. اگر می‌خواهیم راه را گم نکنیم باید به ستاره که محل تجلی نور همه شهدا است اقتدا کنیم!» شبیه حرف‌های او را عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش هم تکرار کرده است.

● ایرج مصداقی تحلیلگر سیاسی به کیهان لندن می‌گوید این ادعاها که سردارانی در برابر خامنه‌ای ایستاده‌اند صحت ندارد و می‌افزاید: «سردارانی در این ۴۰ سال از هسته‌ی اصلی قدرت دور شدند. معتقدم در نیروهای مسلح مطلقاً در این مقطع تمرد وجود ندارد. ساختار نیروهای سرکوبگر این نیست که به این سادگی ریزش کنند».

● محسن سازگارا از مبتکران و اعضای اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اما معتقد است «ستون‌های نگهدارنده حکومت از جمله در نیروهای مسلح و همینطور نیروهای اصلی در ماشین سرکوب رژیم ریزش پیدا کرده است». در شبکه‌های اجتماعی ویدیویی کوتاه از سخنرانی سردار پاسدار حمید ابادری مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شده که در آن اعتراف می‌کند «مستولان درجه یک نظام» مقابل علی خامنه‌ای ایستاده‌اند.





ادای احترام حسین سلامی فرمانده کل سپاه، محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس» به علی خامنه‌ای

آنها نیاز معنوی به روحانیون دارند. چنین نهادی به ویژه در رأس نظام مقابل روحانیون نمی‌ایستد.»

این فعال سیاسی معتقد است هنوز وضعیت اعتراضات به مرحله‌ای نرسیده که در نیروهای مسلح به ویژه سپاه و بسیج شکاف بیفتند اما تأکید می‌کند مردم در خیابان به درستی علی خامنه‌ای را نشانه گرفته‌اند و موقعیت او به شدت آسیب دیده است.

**محسن سازگارا؛ درون نیروهای مسلح ریزش‌ها بیشتر شده**  
اما محسن سازگارا از مبتکران و اعضای اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معتقد است «ستون‌های نگهدارنده حکومت از جمله در نیروهای مسلح و همینطور نیروهای اصلی در ماشین سرکوب رژیم ریزش پیدا کرده است.» او می‌گوید «تداوم اعتراضات و ترس از آینده و مقاومت شجاعانه مردم علی‌رغم سرکوب‌ها سبب شده تا خیلی از آنهايي که در خیابان دست به سرکوب می‌زنند دچار تردید شوند. این تردیدها به بالاترین رده‌ها رسیده و از موقعیت خودشان و نظام نگران‌اند.»

سازگارا از اواسط تابستان ۱۴۰۱ بعد از تغییر رئیس سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پیش‌بینی کرده بود دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی در ماه‌های آینده با ریزش نیروی گسترده‌ای مواجه خواهد شد.

شهریار آهی تحلیلگر سیاسی نیز معتقد است ریزش در نیروهای مسلح حتمی است و از مدت‌ها پیش آغاز شده است. او در گفتگو با علی‌رضا میبیدی در «راديو همراه» با اشاره به بازداشت شمار زیادی از پرسنل نظامی در سه ماه اخیر و نقش نیروهای مسلح در انتقال مسالمت‌آمیز قدرت به ضرورت حمایت از نظامی‌ها از سوی اپوزیسیون آزادخواه اشاره می‌کند.

با اینهمه اما اغلب تحلیلگران معتقدند بر اساس تجربه انقلاب‌ها یقیناً نیروهای نظامی به ویژه ارتش در شرایط خاص در آخرین روزها که انقلاب‌ها مسیر اصلی را طی کرده و به نقطه سرنوشت‌ساز نزدیک می‌شوند، اعلام موضع خواهند کرد اما نیروهای مخالف حکومت ضروریست پیوند با تشکیلات نظامی داخل ایران را تقویت کنند.

است و به همدیگر بی‌اخلاقی می‌کنند و شکست خوردند و عصبی هستند.»

شبه همین حرف‌ها را نیز سرلشکر عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی عنوان کرد و گفت «امروز حملات دشمن به جایگاه رهبر است.»

آنچه مقامات سیاسی و نظامی حکومت در مدح خامنه‌ای می‌گویند با شعارهایی که مردم در خیابان علیه وی سر می‌دهند درست نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند. اما آیا آنچه سردار ابادری در مورد ایستادن سرداران سپاه مقابل خامنه‌ای می‌گوید با واقعیت تطبیق دارد و مربوط به ریزش‌ها در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است؟

#### ایرج مصداقی: این ادعاها مطلقاً صحت ندارد

ایرج مصداقی تحلیلگر سیاسی به کیهان لندن می‌گوید: «این ادعاها مطلقاً صحت ندارد. منظور او سردارانی است که در این ۴۰ سال از هسته‌ی اصلی قدرت دور شدند. مثل سرداران وابسته به جریان اصلاح‌طلب مثل آنهايي که به منتظری و رفسنجانی نزدیک بودند. این ریزش‌ها مربوط به افرادی مثل سردار محمدباقر بختیار است که در همین ماه‌های اخیر [پس از افشارگری در مورد قتل مهسا امینی] دستگیر شد.»

مصداقی معتقد است «همانطور که خامنه‌ای بارها تکرار کرده نظام ریزش و رویش دارد. مثلاً اکبر گنجی یا غلامعلی رجایی و یا سردار داوود کریمی و ایزدی و خیلی‌های دیگر هم سپاهی بودند. آدرس غلط نباید داد. اشتباه نگیریم. نباید فکر کرد سرداران سپاه در این مقطع می‌آیند و مقابل نظام و خامنه‌ای می‌ایستند و یا فکر کنیم در نیروهای مسلح شکاف افتاده است. اساساً ساختار نیروهای مسلح اینطور نیست که به این سادگی در قدم‌های اولیه اعتراض ریزش کنند. به اعتقاد من اینها اخبار جعلی است که خود رژیم پخش می‌کند. معتقدم در نیروهای مسلح مطلقاً در این مقطع تمرد وجود ندارد. ساختار نیروهای سرکوبگر این نیست که به این سادگی ریزش کنند. دهه ۶۰ خیلی پاسدار و بازجو بودند که به هر دلیل ریزش کردند. بعضی کم آوردند. در سپاه و بسیج عقب‌افتاده‌ترین افشار جامعه عضو هستند.

گفته می‌شود این ویدئو مربوط به یک سخنرانی ابادری است که از شبکه «تبرستان» (شبکه استانی صداوسیما در مازندران) پخش شده است.

وی در این سخنرانی اشاره کرده که «امروز داریم می‌بینیم چه بزرگانی و چه خواصی کم آوردند.»

او بدون نام بردن از کسی خطاب به فردی نامشخص می‌گوید: «آقا جان تو این قدر القاب پشت سرت هست کلی بیتت برو و بیا دارد چرا حرف نمی‌زنی؟!»

او همچنین به صراحت گفته «به چشم خودش دیده سردارانی را که مقابل آقا [خامنه‌ای] ایستادند.»

واقعیت این است که با تداوم خیزش انقلابی در ایران موقعیت علی خامنه‌ای به شدت آسیب‌پذیر شده است.

احمد خاظمی امام جمعه موقت تهران و عضو مجلس خبرگان با بیان اینکه «دشمن در فتنه اخیر قله نظام را هدف قرار داد» می‌گوید، «در اغتشاشات برای اولین بار به ولایت توهین شد که درواقع انجام این کار، توهین به دین و جانشین امام زمان است!» وی افزود «این اولین بار است که به ولایت توهین شد!»

وی با تأکید بر این نکته که «هیچگاه نور الهی خاموش نمی‌شود» تأکید کرد، «قصد اصلی دشمن از ایجاد اغتشاش سرنگونی نظام بود که آن را در فراخوان‌های خود آشکارا بیان می‌کردند.»

خاظمی می‌افزاید: «کسانی که عمامه‌پرانی کردند، نشان دادند که قصد نابودی دین را دارند زیرا عمامه نماد دین است و عمامه‌پرانی درواقع دین‌پرانی است.»

امام جمعه موقت تهران در ادامه با اشاره به اینکه «هیچ تردیدی نکنید بخشی از گرانی‌ها نتیجه برنامه‌ریزی‌های دشمن است» افزود: «هیچ توطئه‌ای به عمق توطئه اغتشاشات اخیر نبود زیرا در آن تجاهر به مخالفت با دین، تجاهر به توهین به رهبری و تجاهر به براندازی نظام می‌شد.»

حدود ۱۱۰ روز پس از آغاز خیزش انقلابی در ایران در حالی که در خیابان‌ها انواع و اقسام شعارها و توهین‌ها نثار علی خامنه‌ای می‌شود، خط مشترک مقامات و عوامل نظام تعریف و تمجید از خامنه‌ای و مبرا دانستن نقش او در بحران‌هاست. ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» چند روز پیش از این در سخنانی خامنه‌ای را «امام امت» خواند و گفت «دشمن به خاطر اینکه نظام را بزند، عمود این نظام را می‌زند زیرا این نظام به وجود او برپاست. در هر کجا که موفقیت می‌بینید، مربوط به آن است که به سخنان رهبری گوش داده شده است.»

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اینهم فراتر رفته و علی خامنه‌ای را یک «موهبت الهی» دانسته است! او در سخنانی متوهمانه که فقط سبب خنده و تمسخر می‌شود می‌گوید، «امت بدون رهبر راه را گم می‌کند. اگر می‌خواهیم راه را گم نکنیم باید به ستاره که محل تجلی نور همه شهدا است اقتدا کنیم!»

حسین سلامی در جمع شماری از سپاهی‌ها گفته «در جریان اغتشاشات اخیر از تجارب گذشته برای رویارویی با آن استفاده شد. دشمن همه گسل‌ها را فعال کرد و با همه ظرفیت‌ها و تجربیات خود به میدان آمد.»

او با اشاره به اینکه «تهدیدات انقلاب اسلامی هویتی و حق و باطلی است و تا زمان غلبه حل‌شدنی نیست»، هشدار داده «ما دائماً با دشمنی و فتنه روبرو هستیم و امکان دارد پس از ماجراهای اخیر موضوع دیگری ایجاد شود.»

وی افزود: «دشمن در حوادث اخیر هرچه لشکر و یگان تربیت کرده بود با همه توان به میدان آورد، اما قاطعانه شکست خورد. امروز آتش تفرقه به جان دشمنان افتاده

بازار ارز حکایت داشت.

محمدرضا فرزین که اکنون جایگزین علی صالح‌آبادی شده در زمینه حوزه پولی و مالی در اقتصاد یکی از چهره‌های مطرح جمهوری اسلامی است. با اینهمه مشخص نیست وی بتواند در کوتاه‌مدت بازار ارز را ساماندهی کند، چون دست پنهان دولت برای جبران کسری بودجه در صندوق بانک مرکزی دراز بوده و دخالت‌های مقامات مختلف دولت در سیاست‌گذاری بانک مرکزی همواره سدی در برابر بهبود و سامانیابی بازار ارز بوده آنهم در شرایطی که کشور با کمبود منابع ارزی روبروست.

محمدرضا فرزین از سال گذشته مدیرعامل بانک ملی بود و پیش از آن نیز از سال ۱۳۹۲ رئیس هیئت مدیره بانک کارآفرین و در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ مدیرعامل آن بانک بود. او همچنین در سال‌های گذشته عضو حقیقی شورای پول و اعتبار، عضو هیئت مدیره بانک کشاورزی، دبیر کارگروه طرح تحول نظام بانکی و دبیر کارگروه ارزش‌گذاری پول ملی بوده است. محمدرضا فرزین همچنین ریاست هیئت عامل صندوق توسعه ملی، معاونت اقتصادی وزیر امور اقتصاد و دارایی و دبیری ستاد هدفمند کردن یارانه‌ها در دولت دهم را به عهده داشته است.

ابراهیم رئیسی هم که همواره برای حل هر مشکل و بحرانی فقط «دستور» می‌دهد، به محمدرضا فرزین هم دستور داده که نرخ ارز را «مدیریت» کند! او همچنین گفته تیم اقتصادی دولت باید برای «ثبات نرخ ارز، کاهش تورم و نظارت جدی بر عملکرد بانک‌ها هماهنگ باشد».

مشکلات اقتصادی ایران اما مشکلاتی ریشه‌دار و ناشی از چهار دهه ناکارآمدی و سوء مدیریت و نداشتن چشم‌انداز روشن در حوزه اقتصاد است. از سوی دیگر تیم اقتصادی دولت رئیسی هم از جمله ضعیف‌ترین و ناهماهنگ‌ترین تیم‌های اقتصادی در تاریخچه دولت‌های جمهوری اسلامی است. تحریم‌ها که این روزها مدام از سوی حکومت و حامیانش به عنوان عامل اصلی گرانی نرخ ارز مورد اشاره قرار می‌گیرد اما تنها محرک همه تباهی‌هایی بودند که در ساختار اقتصادی کشور وجود داشت. جمهوری اسلامی سال‌ها با درآمد سرشار خام‌فروشی نفت بجای توسعه اقتصادی و ایجاد درآمدهای پایدار، به پولپاشی مشغول بود و با این اقدام تمام کاستی‌های اقتصادی را سرپوش می‌گذاشت و پنهان می‌کرد. تحریم‌ها اما ابزار فراقکنی را از جمهوری اسلامی گرفته و بحران‌ها یکی پس از دیگری خود را نشان داده‌اند. با اینهمه فراقکنی‌های زمامداران جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. در حالی که وزیر اقتصاد دفترش را در وزارتخانه برای رساندن دستش به تابوت‌های نمایشی جمهوری اسلامی ترک می‌کند، رئیس سازمان انرژی اتمی از علت گرانی ارز گره‌گشایی کرده است؛ البته به سبک جمهوری اسلامی!

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی افزوده که «افزایش قیمت دلار آمریکایی‌ها به دنبال غارت و سلطه‌گری هستند و با فتنه‌گری و شیطنند در مناطق مختلف جهان به دنبال نفوذ و سلطه‌گری بر حکومت‌ها هستند».

رئیس سازمان انرژی اتمی افزوده که «افزایش قیمت دلار و پایین آوردن ارزش پول ملی را از جمله ماموریت‌های آمریکایی‌ها است. دشمنان با تحریم هر روز فشار را بر ایران بیشتر کرده‌اند و می‌خواهند در جنگ اقتصادی مردم را به تنگنا بیاورند و به خیابان بکشند».

در حالی که بارها مقامات دیگر جمهوری اسلامی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آمادگی و نزدیک شدن نظام به ساخت بمب اتم اشاره کرده‌اند، محمد اسلامی گفته که «ایران همیشه به دنبال پیشرفت‌های علمی و فن‌آورانه هسته‌ای در حوزه‌های پزشکی کشاورزی و غیره است. دشمنان



احسان خاندوزی در مراسم «تشییع ۲۰۰ شهید گمنام»

قیمت ارز و طلا از مدت‌ها پیش روند افزایشی داشت اما طی روزهای گذشته چنان سرعت‌اش افزایش یافت که در برخی بازه‌ها، قیمت‌ها به صورت ساعتی گران می‌شد. در این میان، احسان خاندوزی وزیر پرادعای اقتصاد دولت سیزدهم بجای اینکه به چاره‌اندیشی درباره یکی از بحرانی‌ترین روزهای بازار ارز ایران در تلاش باشد، روز سه‌شنبه ۶ دی ۱۴۰۱ در ساعت اداری وزارتخانه را ترک کرد تا چند ساعت در مراسم نمایشی و تبلیغاتی حکومت با عنوان «تشییع ۲۰۰ شهید گمنام» شرکت کند.

احسان خاندوزی پیش از حضور در وزارت اقتصاد و کابینه ابراهیم رئیسی، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون اقتصادی آن بود. در آن دوران خاندوزی بارها از سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی به ویژه در زمینه افزایش قیمت‌ها و تورم انتقاد کرده و همواره مدعی بود که کنترل قیمت‌ها و ساماندهی به بازارها ارتباطی به تحریم ندارد و در صورت سپردن سکان اقتصاد به تیمی کاردان این مشکلات به سرعت حل می‌شود.

او بعداً به عنوان وزیر اقتصاد نیز همواره ادعاهای خود را تکرار و کنترل تورم و مهار قیمت‌ها در بازار ارز را از جمله مهمترین اهداف این وزارتخانه دانسته بود که واقعیت نشان می‌دهد اصلاً به این هدف حتی نزدیک هم نشده است! این وزیر که معتقد به اقدامات «انقلابی» و «جهادی» است به تازگی بدون آنکه توضیح بدهد چگونه و با کدام راهکارهای عملی، وعده داده که تلاش می‌شود طی دو ماه آینده افزایش پسرعت قیمت در بازار ارز را مهار کند!

از سوی دیگر در حالی که قیمت دلار به ۴۴ تومان رسیده، رئیس کل بانک مرکزی استعفا داد. البته برخی معتقدند او ناچار به کناره‌گیری شده تا شاید جو روانی مثبتی با تغییر رئیس بانک مرکزی ایجاد شود و بتواند قیمت‌ها در بازار ارز را کنترل کند.

خبرگزاری ایسنا روز پنجشنبه هشتم دی به نقل از مصطفی قمری وفا سخنگوی بانک مرکزی ایران نوشت که هیئت دولت با «استعفای» صالح‌آبادی از ریاست کل بانک مرکزی موافقت کرد. بر اساس خبرهای تکمیلی محمدرضا فرزین توسط ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی منصوب شده است.

پیشتر زرمه‌هایی درباره احتمال کناره‌گیری یا برکناری علی صالح‌آبادی از ریاست بانک مرکزی به گوش می‌رسید اما بانک مرکزی این «شایعات» را رد می‌کرد. خبرهای غیررسمی از اختلافات او با تیم اقتصادی دولت رئیسی درباره مدیریت

## وضعیت انفجاری بازار ارز؛ وزیر اقتصاد در حال تشییع تابوت‌های نمایشی، استعفای رئیس بانک مرکزی و گره‌گشایی رئیس سازمان انرژی اتمی از بحران دلار!

● قیمت دلار به ۴۴ هزار تومان رسیده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند اگر بازار ارز در مسیر کنونی باقی بماند و دولت همچنان نتواند کاری کند، قیمت ارز تا پایان دی‌ماه به مرز ۵۰ هزار تومان خواهد رسید.

● در اوج بحران ارزی و افزایش ساعتی قیمت‌ها احسان خاندوزی در ساعت اداری وزارتخانه را ترک کرد تا چند ساعت در مراسم نمایشی و تبلیغاتی حکومت با عنوان «تشییع ۲۰۰ شهید گمنام» شرکت کند و به تابوت‌ها دست بزند!

● جمهوری اسلامی سال‌ها با درآمد سرشار خام‌فروشی نفت بجای توسعه اقتصادی و ایجاد درآمدهای پایدار، به پولپاشی مشغول بود تا بر بحران‌های اقتصادی سرپوش بگذارد، تحریم این ابزار را از نظام گرفت.

● سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور از هراس گسترش اعتراضات خیابانی به دلیل بحران در بازارهای مختلف در سخنانی عجیب گفته که «ارز فراوانی» موجود است و «خدا را شکر ذخایر کالاهای اساسی تا ۱۳۰ درصد می‌رسد!»

در بلبشوی بازار ارز در ایران که در صورت ادامه، وضعیتی انفجاری در دیگر بازارها ایجاد خواهد کرد، احسان خاندوزی وزیر اقتصاد در ساعت اداری، وزارتخانه را رها کرد و در مراسم تبلیغاتی «تشییع ۲۰۰ شهید گمنام» شرکت کرد. التهاب در بازار ارز و طلا و تشنج در دیگر بازارها سبب شده بسیاری از «خودی‌ها» از جمله نمایندگان مجلس شورای اسلامی و علمای حوزه علمیه زبان انتقاد به دولت بگشایند. رئیس بانک مرکزی استعفا داده و ابراهیم رئیسی «دستور» کنترل نرخ ارز را صادر کرده است! در میان سکوت و ناتوانی دولت، رئیس سازمان انرژی اتمی به گره‌گشایی از بحران ارزی پرداخته و گفته عامل گران شدن دلار «آمریکا» است! قیمت ارز تا عصر روز پنجشنبه هشتم دی‌ماه در بازار آزاد ایران به ۴۴ هزار تومان رسید. کارشناسان اقتصادی معتقدند اگر بازار ارز در مسیر کنونی باقی بماند و دولت همچنان نتواند کاری کند، تا پایان دی‌ماه بهای آن به مرز ۵۰ هزار تومان خواهد رسید.

قیمت دیگر ارزها هم در بازار با افزایش روبرو شده است: یورو ۴۶ هزار و ۵۰۰ تومان و پوند بریتانیا ۵۳ هزار و ۵۰۰ تومان و درهم امارات ۱۲۱۰۰ قیمت‌گذاری شد.

در آنسو، بازار طلا هم با افزایش قیمت روبروست بطوری که هر سکه طلا به ۲۲ میلیون و چهارصد هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز در آخرین ساعات روز پنجشنبه هشتم دی‌ماه به دو میلیون تومان رسید.



## از عشق انسان و مردم و میهن مُردن! اقدام سیاسی محمد مرادی: جان من هزار بار فدای ایران و مردم ایران!

پیکر بی‌جان او را که لای شاخه‌ها درون آب گیر کرده بود، یافتند، اما تلاش آنها برای احیا و نجات جان او حاصلی نداشت. علت درگذشت وی نیز غرق شدن و خفگی در آب اعلام شده است. در همین ارتباط وبسایت «رادپو فردا» گزارش داده که توماس یکی از همکلاسی‌ها و دوستان صمیمی محمد مرادی در گفتگو با یک شبکه تلویزیونی فرانسه گفت که روز قبل از خودکشی، محمد در پیامی با او خداحافظی کرد. توماس از تلاش خود و پدر و مادرش برای منصرف کردن این ایرانی گفت که نتیجه‌ای در پی نداشت.

همکلاسی محمد همچنین گفت که او اغلب درباره ایران و فضای سیاسی آن صحبت می‌کرد و «می‌گفت که رژیم سقوط خواهد کرد. او امید زیادی داشت. دلسرد شده بود، اما ناامید نشده بود.»

روزنامه «لوپورگره» چاپ لیون نوشت که در ساعت ۱۵ روز سه‌شنبه جمعی به یاد محمد مرادی در محل واقعه روی پل گالیله‌نی این شهر برگزار شد. رسانه‌های فرانسه به نقل از مقامات محلی نوشتند که تحقیقات برای روشن شدن جزئیات و شرایط این خودکشی آغاز شده است.

در این میان روزنامه حکومتی «ایران» چاپ تهران در خبری وقیحانه نوشته که «یک ضدانقلاب به خاطر افسردگی خودکشی کرد!»

محمد مرادی اما از سوی دوستانش به عنوان فردی اهل قلم و کتاب و آشنا با فلسفه معرفی شده که علاقه شدیدی به کشور خود و مردم ایران داشته است. او در جریان زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۷، و یک سال پیش از مهاجرت به فرانسه، به عنوان امدادگر داوطلب فعالیت می‌کرده است. او همچنین در شهر دالاهو کرمانشاه یک درخت بلوط کاشته بود که برای ساکنان آنجا نماد «مقاومت» به شمار می‌رود.

انقلاب ملی ایرانیان علیه انقلاب اسلامی ۵۷ و نظام جمهوری اسلامی از شهریور ۱۴۰۱ و در پی جان باختن مهسا امینی دختر ۲۲ ساله که بر اثر ضرب و جرح مأموران به کما رفته بود آغاز شد. اعتراضات به سرعت در بیش از ۱۶۰ شهر کشور گسترش یافت و شعارهای همبسته مردم علیه جمهوری اسلامی و پایداری آنها در برابر سرکوب مأموران این اعتراضات را به یک جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد که همچنان ادامه دارد.

خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر ایران، در گزارشی اعلام کرد که از شروع اعتراضات جاری در ایران تا پنجم دی‌ماه، دست‌کم ۵۰۷ شهروند، از جمله ۶۹ کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال کشته شده‌اند. بر اساس گزارش این مجموعه، در اعتراضات ۱۵ هفته گذشته همچنین ۶۶ نیروی امنیتی عضو پلیس، سپاه و بسیج نیز جان خود را از دست داده‌اند.

این گزارش همچنین شمار بازداشت‌شدگان در این مدت را ۱۸۱ هزار و ۵۳۳ نفر اعلام کرده، از این میان ۶۶۵ تن دانشجوی هستند.

● محمد مرادی شهروند ۳۸ ساله و زاده کرمانشاه از سال ۲۰۱۹ برای تحصیل در مقطع دکترا در رشته تاریخ به همراه همسرش ساکن شهر لیون فرانسه بود.

● محمد در یک پیام ویدئویی گفته که «امیدوارم این پیامی باشد برای مردم ایران که فکر نکنند ایرانیان خارج از کشور در غم آنان شریک نیستند و اگر پیش بیاید نخواهند که جانشان را برای آنان فدا کنند. جان من هزار بار فدای ایران و مردم ایران.»

● روزنامه «لوپورگره» چاپ لیون نوشت که در ساعت ۱۵ روز سه‌شنبه جمعی به یاد محمد مرادی در محل واقعه روی پل گالیله‌نی این شهر برگزار شد.

محمد مرادی شهروند ایرانی و دانشجوی دکتری تاریخ در فرانسه در یک اقدام سیاسی خود را به رودخانه رون در شهر لیون فرانسه انداخت و جان باخت. او پیشتر در یک ویدئو با تأکید بر صحت سلامت جسمی و روانی و اینکه هیچ مشکل شخصی ندارد، گفت که در همراهی با انقلاب مردم در ایران و برای جلب توجه کشورهای اروپایی به سرکوب اعتراضات جاری جان خود را فدای مردم می‌کند.

محمد مرادی شهروند ۳۸ ساله و زاده شهر کرمانشاه که از سال ۲۰۱۹ برای تحصیل در مقطع دکترا در رشته تاریخ به همراه همسرش ساکن شهر لیون فرانسه بود، در اقدامی خودخواسته و سیاسی به زندگی‌اش پایان داد تا صدای مردم ایران را به گوش جهان برساند و توجه مقامات اروپایی و افکار عمومی را به سرکوب خشونت‌بار جمهوری اسلامی علیه شهروندان ایران جلب کند.

این دانشجوی ایرانی پیش از خودکشی در ویدئویی به دو زبان فارسی و فرانسوی از انگیزه خود برای پایان دادن خودخواسته به زندگی‌اش گفت. او گفته که «من قرار است وقتی که شما این ویدئو را می‌بینید درون این رودخانه غرق شده باشم. این یک خودکشی به خاطر مشکلات شخصی نیست. هدف من از این خودکشی، کشاندن توجه اروپاییان، کشورهای اروپایی و مردم غربی به مسئله ایران است. من دیگر حاضر نیستم این زندگی خفت‌بار را چه در خارج و چه در داخل ایران ادامه بدهم.»

او تأکید می‌کند: «امیدوارم این پیامی باشد برای مردم ایران که فکر نکنند ایرانیان خارج از کشور در غم آنان شریک نیستند و اگر پیش بیاید نخواهند که جانشان را برای آنان فدا کنند. جان من هزار بار فدای ایران و مردم ایران.»

به نوشته رسانه‌های فرانسوی «محمد م.» روز دوشنبه ۵ دی ۱۴۰۱ برابر با ۲۶ دسامبر ۲۰۲۲ با انداختن خود از بالای پل به درون رودخانه رون در این شهر خودکشی کرد. بر اساس این گزارش‌ها، عابران حدود ساعت ۱۸:۳۰ «محمد م.» را دیدند که قصد داشت به داخل آب بپرد اما کوشش آنها برای منصرف کردن او از این اقدام بی‌ثمر بود و او «بسیار مصمم به داخل آب شیرجه زد و به سرعت غرق شد.»

غواصان آتش‌نشانی لیون پس از حدود نیم ساعت جستجو

اعلام می‌کنند ایران به دنبال مپ هسته است و با همین دروغ بزرگ می‌خواهد کشور را در مسیر پیشرفت صلح آمیز متوقف کند.

از سوی دیگر همزمان شدن سونامی افزایش قیمت در دو بازار مهم ارز و طلا با چهارمین ماه جنبش انقلابی ایرانیان علیه نظام، مقامات و جریانات حکومت را به هراس انداخته که اثرات اقتصادی التهاب قیمت‌ها در این بازارها به تشدید اعتراضات منتهی شود و کار نظام را دشوارتر از پیش کند.

به همین دلیل است که وزیر کشور نیز که از جمله مهره‌های جاسازی شده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دولت سیزدهم است، در قامت یک مقام ارشد اقتصادی وارد شده تا با ادعاهای بی‌اساس تلاش کند قیمت افسارگسیخته دلار مردم را به خیابان نیاورد.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی ساعتی پیش گفته که «ارز فراوانی در کشور وجود دارد.» او در سخنانی عجیب با تأکید بر فراوانی ارز افزوده «به مقداری که وقتی در بازار عرضه می‌شود خریدار کمتر از عرضه است و خدا را شکر ذخایر کالاهای اساسی تا ۱۳۰ درصد می‌رسد!»

اشاره سردار پاسدار احمد وحیدی به «ذخایر کالاهای اساسی» درست پس از ادعای کذب وجود «ارز فراوان» در کشور نیز در پی نگرانی از آغاز دور تازه‌ای از اعتراضات خیابانی مردم در واکنش به مشکلات اقتصادی و البته در ادامه پیشبرد جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی است.

قیمت ارز بطور مستقیم و پی در پی بر دیگر بازارهای کشور اثر خواهد گذاشت. امنیت غذایی ایران به دلیل وابستگی به واردات کالاهای اساسی از جمله نهاده‌های دامی به شدت به نرخ ارز گره خورده است. با افزایش قیمت دلار، هزینه تولید در کشور افزایش یافته و در شرایطی که دولت توان و اراده حمایت از تولیدکنندگان را ندارد، میزان تولید مواد غذایی کاهش و قیمت‌ها افزایش می‌یابد. نخستین نتیجه این روند، خالی‌تر شدن سفره مردم و گسترش فقر و فلاکت است. وضعیت صنایع و تولیدات نیز به قیمت ارز گره خورده و حتی بخش خدمات نیز با گرانی ارز در ایران با موجی از افزایش قیمت روبرو می‌شود. در تورم ناشی از افزایش قیمت ارز اما دولت توان حمایت از مردم و افسار فرودست راندارد و در نتیجه شکاف میان درآمدها و هزینه‌های خانوارها بیشتر می‌شود. در همین رابطه مرکز آمار از ثبت رکورد تورم حدود ۶۷ درصدی برای گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در آذرماه امسال خبر داده است.

بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، محدوده تغییرات تورم ۱۲ ماهه در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» بین ۱/۶۲ درصد برای دهک هشتم (کمترین مقدار تورم) تا ۷/۶۶ درصد برای دهک اول (بیشترین مقدار تورم) است. این ارقام بیانگر افزایش بیش از دو برابری قیمت مواد خوراکی طی یک سال گذشته بوده است. با اینهمه تصویری که این روزها اقتصاد ایران به نمایش گذاشته نشان می‌دهد که بحران رکود تورمی در کشور به این زودی‌ها مهار نخواهد شد. به همین دلیل است که حالا برخی از مقامات دولتی به دنبال زمینه‌سازی هستند تا مردم انتظار کنترل تورم و گرانی در آینده نزدیک را نداشته باشند. از جمله امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی معاون ابراهیم رئیسی و رئیس «بنیاد شهید و امور ایثارگران» می‌گوید کنترل علمی تورم تا چهار سال زمان می‌برد.

او در حالی وعده مهار تورم تا پایان عمر چهارساله دولت رئیسی را داده که در ادعای دروغ دیگری گفته که «دولت رئیسی تورم را کنترل کرده بود و تنها در این دو ماه، قیمت ارز افزایش داشت!»

## چهلیم جانبختگان راه آزادی میهن با همدلی و همبستگی مردم؛ از کیان در خوزستان تا آیلار در تبریز و دانیال در سقز و...



چهلیم کیان پیرفلک با حضور هزاران شهروند برگزار شد

در دهستان بیان در شمال غرب شهرستان ایذه برگزار شد. یکی از ویدئوها مادر سوگوار آرتین را نشان می‌دهد که نام فرزندش را ضجه می‌زند.

یک منبع آگاه نزدیک به خانواده آرتین رحمانی پیشتر به کیهان لندن گفته بود که آرتین رحمانی متولد سال ۱۳۸۴ و ۱۶ ساله بود. او محصل بود و همزمان بطور پاره‌وقت در یک مکانیکی هم کار می‌کرد. آرتین فرزند اول خانواده رحمانی بود و یک خواهر و یک برادر کوچکتر از خودش دارد. مادرش خانه‌دار است و پدرش شغل آزاد دارد.

این منبع آگاه نزدیک به خانواده آرتین گفت که پس از جان باختن آرتین دفترچه یادداشت‌های روزانه او را در کمدها پیدا کردند. او در آخرین برگ دفترچه نوشته بود: «شرمندم مادر، می‌خواهم در راهی قدم بگذارم که شاید جوانی‌ام را نبینی.»

امروز سه‌شنبه ششم دی‌ماه نیز مراسم چهلیم آیلار حقی دانشجوی پزشکی که در تبریز با حضور گسترده مردم برگزار شد. پدر آیلار حقی در این مراسم گفت: «از خدا می‌خواهم از حق گزارشگر صدواسیمایی که در عرض دو دقیقه هم بازجو شد، هم قاضی شد و رأی داد و آبروی خانواده آیلار حقی را پایمال کرد، نگذرد!»

پدر آیلار افزود که «آیلار در قلب ما حضور دارد. هم حیثیت آیلار زنده است و هم خودش. من شاید از خون او می‌گذشتم اما از گزارشگر صدواسیمایی که آبرو و حیثیت او را پایمال کرد، نمی‌گذرم.»

پدر آیلار با اشاره به اینکه خانواده او تا امروز نتوانسته‌اند وسایل شخصی فرزندشان را از جمهوری اسلامی پس بگیرند، گفت: «این حسرت به دل مادرش مانده که لباس‌ها، کفش و گوشی دخترش را بگیرد.»

او در ادامه یادآوری کرد: «به من می‌گویند برو حق او را بگیر! وقتی هیچ حقی در مملکت نیست من چطور می‌توانم حقش را بگیرم؟! به خدا سپردم...»

شرکت‌کنندگان در این مراسم نیز شعارهایی علیه جمهوری اسلامی از جمله «مرگ بر دیکتاتور»، «امسال سال

جانبختگان اعتراضات آبان ۹۸، هدف گلوله سرکوبگران جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

چهلیم کیان پیرفلک کودک ۱۰ ساله که شامگاه ۲۵ آبان در شهر ایذه هدف شلیک عامدانه نیروهای حکومتی قرار گرفت و جان باخت، روز دوشنبه ۵ دی‌ماه برگزار شد. این مراسم با حضور هزاران نفر از مردم برگزار شد. شهروندان شعارهایی از جمله «مرگ بر خامنه‌ای» و «از ایذه تا کردستان، جانم فدای ایران» سر دادند.

مراسم چهلیم کیان در حالی برگزار شد که پدرش در تهران روی تخت بیمارستان برای فرزندش سوگواری می‌کرد. میثم پیرفلک روز چهارشنبه ۲۵ آبان به همراه همسر و دو فرزند ۱۰ ساله و ۵/۳ ساله‌اش، کیان و رادین، در ایذه در حال عبور از خیابان بودند که اتومبیل آنها از سوی مأموران جمهوری اسلامی هدف رگبار گلوله قرار گرفت. میثم و کیان فرزند ۱۰ ساله‌اش که روی صندلی عقب سمت راننده نشسته بودند مورد اصابت قرار می‌گیرند. کیان در دم جان می‌بازد

و میثم بیهوش به بیمارستان منتقل می‌شود. وضعیت میثم به حدی وخیم بود که شبانه از ایذه به بیمارستان گلستان اهواز منتقل شد. در بیمارستان گلستان چند عمل جراحی روی میثم انجام شد و در نهایت پس از سه هفته، در پی ناپایدار شدن دوباره‌ی وضعیت و به توصیه پزشکان، او به بیمارستانی در تهران منتقل شد که هنوز در آنجا بستری است. میثم دو روز پیش از برگزاری مراسم چهلیم فرزندش از جان باختن او مطلع شد. طی چهل روز گذشته خانواده تصمیم گرفته بودند برای اینکه میثم که دچار جراحات‌های جدی نخاعی شده روحیه خود را از دست ندهد و توان سپری کردن دوران دشوار درمان را داشته باشد، جان باختن کیان را از او مخفی کنند.

در سرکوب مسلحانه مردم ایذه در شامگاه چهارشنبه ۲۵ آبان بیش از ۱۰ تن کشته و ده‌ها تن زخمی شدند و در این میان نام سه کودک، آرتین رحمانی، کیان پیرفلک و سپهر مقصودی گزارش شده که جان خود را از دست داده‌اند.

ویدئوهایی نیز از برگزاری مراسم چهلیم آرتین رحمانی

● مراسم چهلیم کیان در حالی برگزار شد که پدر مجروحش در تهران روی تخت بیمارستان برای فرزندش سوگواری می‌کرد.

● چهلیم آرتین رحمانی در دهستان بیان در شمال غرب شهرستان ایذه برگزار شد. ویدئویی از این مراسم مادر سوگوار آرتین را نشان می‌دهد که نام فرزندش را ضجه می‌زند.

● پدر آیلار حقی در مراسم چهلیم دخترش گفت: به من می‌گویند برو حق او را بگیر! وقتی هیچ حقی در مملکت نیست من چطور می‌توانم حقش را بگیرم؟! به خدا سپردم!

● با وجود محاصره آرامستان بوکان از سوی نیروهای سپاه پاسداران، شهروندان در مراسم چهلیم هیوا جان حاضر شده و شعارهایی چون «شهید می‌میرد» سر دادند.

● مراسم چهلیم دانیال پابندی نیز در آرامستان «آیچی» شهر سقز، همان آرامستانی که مهسا امینی در آن به خاک سپرده شده برگزار شد.

اینروزها مراسم چهلیم شماری از جانبختگان جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی در گوشه و کنار کشور برگزار می‌شود. مراسم کیان پیرفلک کودک جانبخته در ایذه در حالی برگزار شد که میثم پدر مجروح کیان در تهران روی تخت بیمارستان برای فرزندش سوگواری می‌کرد. مراسم چهلیم جانبختگان راه آزادی میهن از یکسو سرشار از سوگ و دادخواهی مادران و پدران و فرزندان و از سوی دیگر همراه با حضور همدل و همبسته‌ی مردم است. مردمی که با در این مراسم نیز شعارهایی علیه جمهوری اسلامی سر می‌دهند و سرنگونی این رژیم کودک‌کش را آرزو کرده و نوید می‌دهند.

مراسم چهلیم شماری از جانبختگان جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی که در هفته آخر آبان‌ماه با شلیک گلوله و ضربات باتوم نیروهای حکومتی جان باختند در حال برگزاری است. بیشتر جانبختگان در تاریخ ۲۴ تا ۲۶ آبان و در پی سه روز اعتراضات و اعتصابات ملی به مناسبت سالگرد

## سرکوب در ایران: دیپلماسی فرانسه در کشاکش یک خطای استراتژیک



زیرا در اپوزیسیون ایرانی نیروی کافی وجود دارد که با هم گفتگو و سازماندهی کنند.

این اپوزیسیون متشکل از جمهوریخواهان چپ یا راست، پادشاهی‌خواهان مشروطه و یا شخصیت‌های غیرسیاسی هستند که رویای ایرانی آزاد و لائیک را در سر می‌پروراند و ظرفیت ساختن آن را دارند. البته غافل از این نیستیم که پرسش‌های جدی نیز مطرح است به ویژه در مورد انرژی هسته‌ای ایران یا حتی در مورد اتباع فرانسوی که در زندان‌های ایران به گروگان گرفته شده‌اند.

متأسفانه بیهوده است که باور داشته باشیم سازش با ملاها منجر به نتایج مطلوب می‌شود. درواقع آنها جز زبان زور و دیپلماسی فشار نمی‌فهمند. همچنین زمان آن فرا رسیده که متوجه شویم رژیم جمهوری اسلامی رو به پایان است و به مرحله تعیین تکلیف نزدیک می‌شود. مردم ایران به اشکال گوناگون تأکید می‌کنند رژیمی را که فرزندان آنان را قتل عام کرده، نامشروع و ناحق می‌دانند. فرانسه باید از آن نیروهای ایرانی حمایت کند که به دنبال استقرار آزادی و دموکراسی و حقوق بشر در ایران هستند.

در حالی که جمهوری اسلامی به شدت تضعیف و متزلزل شده است، ایرانیان در داخل و خارج، از فرانسه و جامعه بین‌المللی انتظار دارند که از نیروهای سیاسی و مدنی موجود که بیانگر ایران آزاد و تضمین ثبات برای خاورمیانه و جهان هستند، حمایت کنند. البته گذاری که در ایران رخ می‌دهد، شبیه هیچ گذاری نیست و درک آن از پاریس آسان به نظر نمی‌رسد. اما شکل منحصر به فرد این گذار از جمله صلح‌جو بودن حاملانش، نشانه‌ی در راه بودن دوران جدیدی برای این کشور است. سود فرانسه نیز در حمایت از انقلاب ایرانی‌ها برای آزادی و منزوی کردن تمامی کسانی است که در گذشته به شکلی با جمهوری اسلامی پیوند داشته‌اند.

\*منبع: وبسایت فرانسوی آتلانتیکو

\*نویسندگان: هیرید دهقانی آذر وکیل دادگستری است و جرائم و جنایات جمهوری اسلامی را در مجموعه «عدالت ایران» مستند می‌کند. امانوئل رضوی خبرنگار ارشد و متخصص خاورمیانه است. هر دو ایرانی‌تبار هستند و می‌خواهند دستگاه دیپلماسی فرانسه را از خطری که هر شکلی از مذاکره با رژیم ملایان به وجود می‌آورد آگاه سازند.

\*ترجمه و تنظیم: سپیده پورآقایی

● در حالی که جمهوری اسلامی به شدت تضعیف و متزلزل شده است، ایرانیان در داخل و خارج، از فرانسه و جامعه بین‌المللی انتظار دارند که از نیروهای سیاسی و مدنی موجود که بیانگر ایران آزاد و تضمین ثبات برای خاورمیانه و جهان هستند، حمایت کنند.

● سود فرانسه نیز در حمایت از انقلاب ایرانی‌ها برای آزادی و منزوی کردن تمامی کسانی است که در گذشته به شکلی با جمهوری اسلامی پیوند داشته‌اند.

هیرید دهقانی آذر و امانوئل رضوی - وزارت امور خارجه فرانسه بدون در نظر گرفتن اینکه تمایزات جناحی در رژیم آخوندها امروز دیگر چندان معنا ندارد، همچنان تلاش می‌کند با طایفه‌ی اصلاح‌طلبان گفتگو کند آنهم در حالی که ایران یکی از سیاه‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر خود را پشت سر می‌گذارد.

رژیم آخوندی هر روز دست به دستگیری‌های خودسرانه می‌زند و دژخیماناش مدام در حال تفرقه‌اندازی بین مردم و اعمال آپارتاید جنسیتی، آدم‌ربایی، شکنجه، تجاوز، اعدام‌های فوری و ایجاد وحشت در تمام نقاط کشور هستند. اما برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مقامات ارشد فرانسوی تحت نام دیپلماسی مایل هستند باور داشته باشند که هنوز امکان مذاکره با نمایندگان جمهوری اسلامی وجود دارد و حتی امکان این را در نظر می‌گیرند که احتمال یک گذار از طریق افرادی در داخل این رژیم قابل توجه است!

این در حالیست که اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان دیگر خواهان قدرت مذهبی چه از سوی محافظه‌کاران و چه اصلاح‌طلبان نیستند. به خاطر داشته باشید که دست تمام افراد دو جناح به خون آلوده است. واقعیت این است که تمام آنها در ۴۳ سال گذشته با الهام از دکترین فاجعه‌بار «فدائیان اسلام» - شاخه اخوان المسلمین در ایران- در استقرار یک رژیم ستمگر که بطور سیستماتیک مرتکب خشونت دولتی، جنایات علیه بشریت و تروریسم شده، مشارکت کرده‌اند. بنابراین ما نباید در دام گفتیمان دوگانه‌نمایی بیفتیم که رژیم تهران به راه انداخته است. گفتمانی که از یک طرف وحشت‌گستری می‌کند و از طرف دیگر همچنان در حال القای امکان اصلاح در این رژیم است. آخوندها هرگز دست به اصلاح نزنده‌اند و امروز می‌توانید با کسانی که از جمهوری اسلامی حمایت یا آن را تأیید می‌کنند وارد معامله نشوید!

خونه، سیدعلی سرنگونه»، «ما همه آیلار هستیم، بجنگ تاجنگیم» و «خامنه‌ای قاتله، ولایتش باطله» سر دادند. نیروهای امنیتی و ضدشورش به مراسم چهلم آیلار حقی یورش برده و گزارش‌ها از بازداشت شماری از شرکت‌کنندگان حکایت دارد.

آیلار حقی، ۲۳ ساله و دانشجوی پزشکی دانشگاه آزاد



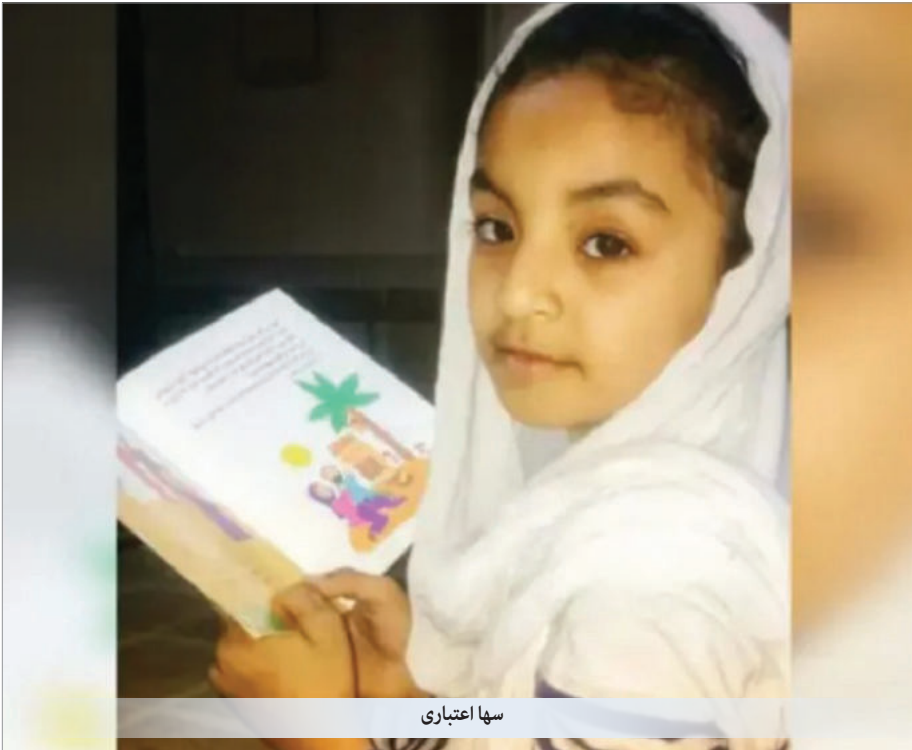
کیان پیرفلک

تبریز بود که در جریان اعتراضات روز ۲۵ آبان کشته شد. با وجود ادعای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه این دانشجوی «حادثه افتادن در محل گودبرداری جنب برج شهران تبریز» جان باخته است، شورای صنفی دانشجویان و شماری از گزارش‌های محلی تأکید کرده‌اند او در جریان اعتراضات و در شرایطی که به یک ساختمان پناه برده بود، به دست نیروهای امنیتی به پایین پرتاب شد و به علت فرو رفتن میلگرد در بدن‌اش در دم جان داده است. در مه‌باد نیز امروز سه‌شنبه ششم دی‌ماه بطور همزمان مراسم چهلم آزاد حسین‌پور، محمداحمدی گاکش و کمال سید خالد احمدپور برگزار شد. در شبکه‌های اجتماعی ویدئوهایی از بیکراری دختران خالد احمدپور منتشر شده است. همزمان مراسم چهلم دانیال پابندی در آرامستان «آچی» شهر سقز، همان آرامستانی که مهسا امینی در آن به خاک سپرده شده برگزار شد. دانیال نیز روز ۲۵ آبان با شلیک مستقیم مأموران حکومتی جان باخت. او قبل از رفتن به اعتراضات شانه‌های مادرش را بوسیده و از او خداحافظی کرده بود.

مراسم چهلم هیوا جان جان که در اعتراضات ۲۶ آبان در بوکان با شلیک مأموران جان باخته بود نیز در این شهر برگزار شد. همزمان با هیوا و در همان شب، مصطفی شعبانی، غفور مولودی، هزارام خسروی و امجد عنایتی نیز شهروندان دیگری هستند که در بوکان جان باختند. با وجود محاصره آرامستان بوکان از سوی نیروهای سپاه پاسداران، معترضان در این مراسم حاضر شده و شعارهایی چون «شهید نمی‌میرد» سر دادند.

شاهزاده رضا پهلوی پیشتر با انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی با اشاره به مراسم چهلم کیان پیرفلک، آیلار حقی، حمیدرضا روحی، سپهر مقصودی و شماری دیگری از کشته‌شدگان روزهای پایانی آبان با بیان «ما ملت کبیریم؛ ایران را پس می‌گیریم» نوشت: «کودکان و جوانانی باهوش، شجاع و پر از شور زندگی که به دست پاسداران ضحاک به قتل رسیدند. خانواده‌های داغدار را تنها نمی‌گذاریم.»

## نماینده هرمزگان درباره جان باختن دخترک ۱۲ ساله: لباس شخصی‌ها شلیک کردند، مردم را مقصر نکنید!



سها اعتباری

خودرو پژو پارس مطلع و پس از بررسی صحت موضوع بلافاصله با حضور در مسیر تردد قاچاقچیان طرح مهار اجرا کردند.»

او مدعی شد که مأموران «پس از تعقیب و مراقبت‌های لازم به یک دستگاه خودرو سواری پژو پارس با شیشه دودی غلیظ مشکوک شده و دستور توقف دادند که راننده بدون توجه به دستور پلیس و علائم هشداردهنده و بازدارنده با افزایش سرعت اقدام به فرار کرد و مأموران هم با سلاح گرم» به این اتومبیل تیراندازی کرده‌اند!

او گفته که «در این تعقیب و گریز و با توجه به پستی و بلندی‌های متعدد مسیر و پنجری خودرو متأسفانه یکی از سرنشینان خودرو مورد اصابت تیر قرار گرفته که با همکاری مأموران و عوامل امدادی به بیمارستان انتقال گردید.»

ادعاهای عجیب جانشین انتظامی هرمزگان برای «مشکوک شدن» به یک اتومبیل به دلیل داشتن «شیشه دودی» و در حالی که سرنشینان آن یک خانواده بوده‌اند به همین سخنان ختم نشده. او بجای پاسخگو بودن برای چنین جنایتی، گفته که «رسانه‌های معاند با انتصاب این موضوع به حوادث اخیر سعی در تشویش اذهان عمومی داشته که این امر تبدیل به یک سوژه نخ‌نمای رسانه‌های معاند شده است!»

همانطور که نماینده هرمزگان در مجلس شورای اسلامی هم اشاره کرده پیشتر نیز بارها گزارش‌هایی درباره شلیک مأموران سپاه پاسداران، لباس شخصی‌ها و پلیس به شهروندان در استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان به بهانه «دریافت گزارش حمل مواد مخدر» و «مشکوک» بودن منتشر شده است.

بازرسی در جاده‌ها با رعایت حرمت مردم و با خودروی پلیس و لباس رسمی پلیس باشد تا مردم از دیدن پلیس احساس امنیت کنند. در ماجرای اخیر خودرویی که قصد توقف ماشین‌ها و ایست و بازرسی در جاده را داشته، خودروی شخصی و عناصر آن با لباس شخصی بوده‌اند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی خواستار روشن شدن دقیق ابعاد این رویداد و اعلام نتایج آن به مردم شد و تأکید کرد: «بستک عزادار دختر ۱۲ ساله معصومی است که متأسفانه جان خود را در این حادثه از دست داده و باید همه در قبال جان تک تک عناصر جامعه، خود را مسئول بدانیم و فرهنگ عذرخواهی و پاسخگو بودن در همه دستگاه‌ها جریان داشته باشد و اینکه تقصیر را گردن مردم بیاندازیم و خود را مبرا از ایراد و اشکال بدانیم، درست نیست.»

او افزوده که «مشابه این رخدادها در گذشته نیز وجود داشته و متأسفانه اصلاحی در رفتار با مردم صورت نگرفته است که اگر گرفته بود، امروز عزادار این دختر معصوم نبودیم.»

نماینده مردم بستک، بندرلنگه و پارسیان تأکید کرده که «دستگاه‌های مسؤول موظفند تا ابعاد قضیه را روشن و با هر کسی در هر جایگاهی که این قصور را انجام داده، برخورد قاطع کنند و از مردم دادخواهی و عذرخواهی شود.»

مهرداد مشوق جانشین انتظامی هرمزگان روز دوشنبه به خبرگزاری فارس گفت که «در ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه روز گذشته یکشنبه ۴ دی ماه مأموران انتظامی پاسگاه جناح از توابع شهرستان بستک با اقدامات اطلاعاتی از حمل و جابجایی یک محموله مواد مخدر توسط یکدستگاه

سها اعتباری شامگاه یکشنبه ۴ دی ۱۴۰۱ در جریان تیراندازی مأموران لباس شخصی همکار با پلیس استان هرمزگان به قتل رسید.

● خبرگزاری‌های حکومتی بلافاصله به خونشویی جمهوری اسلامی پرداختند اما نماینده هرمزگان شلیک مأموران لباس شخصی به اتومبیل را تأیید کرده و از تکرار چنین اقدامی از سوی مأموران در گذشته خبر داده است. ● کشته شدن این کودک با شلیک مأموران حکومتی که طی ماه‌های گذشته به «حکومت بچه‌گش» معروف شده بازتاب گسترده‌ای داشت و به خشم و انزجار عمومی علیه جمهوری اسلامی بیشتر دامن زد.

دو روز پس از جان باختن یک کودک ۱۲ ساله بر اثر اصابت گلوله، نماینده هرمزگان در مجلس شورای اسلامی گفته علت جان باختن این دختر بچه تیراندازی مأموران لباس شخصی بوده است. او با تأکید بر اینکه پیشتر هم شلیک مأموران به اتومبیل شهروندان سبب درگذشت و مجروح شدن مردم شده بود گفته نباید تقصیر را گردن مردم انداخت.

روز گذشته خبر درگذشت سها اعتباری دختر ۱۲ ساله اهل خلوص بستک در استان هرمزگان منتشر شد. سها شامگاه یکشنبه ۴ دی ۱۴۰۱ در جریان تیراندازی مأموران لباس شخصی همکار با پلیس استان هرمزگان به قتل رسید. بر اساس گزارش‌ها اتومبیل خانواده سها اعتباری توسط یک اتومبیل متعلق به نیروهای لباس شخصی تعقیب شده بود. مأموران ابتدا به لاستیک این ماشین شلیک کرده و حتی پس از متوقف شدن اتومبیل، مأموران همچنان به تیراندازی ادامه دادند. سها اعتباری زخمی و پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد.

کشته شدن این کودک با شلیک مأموران حکومتی که طی ماه‌های گذشته به «حکومت بچه‌گش» معروف شده بازتاب گسترده‌ای داشت و به خشم و انزجار عمومی علیه جمهوری اسلامی بیشتر دامن زد. به ویژه آنکه این اتفاق دقیقاً در چهل‌م کیان پیرفلک، کودک ۱۰ ساله‌ای که اتومبیل خانواده‌اش در جریان اعتراضات ۲۵ آبان در شهر ایذه مورد اصابت رگبار گلوله‌های مأموران حکومتی قرار گرفت، رخ داد.

طبق معمول در مورد جنایت‌هایی از این دست، خبرگزاری‌های حکومتی به خونشویی جمهوری اسلامی می‌پردازند. در همین ارتباط نیز خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شد این واقعه «در پی تیراندازی مأموران نیروی انتظامی به خودرویی که، ظن حمل مواد مخدر به آن می‌رفت، رخ داده است.» نماینده هرمزگان در مجلس شورای اسلامی اما شلیک مأموران لباس شخصی همکار با پلیس هرمزگان به اتومبیل خانواده سها را تأیید کرده است. احمد جباری امروز سه‌شنبه ۶ دی ۱۴۰۱ گفته که «حادثه روز گذشته برای یک خانواده اهل بستک در جاده بستک- لاور میستان و فوت یک دختر ۱۲ ساله در جریان تیراندازی پلیس به خودروی حامل یک خانواده در این محور مایه ناراحتی و اندوه فراوان مردم این شهرستان شده است.» احمد جباری گفته که «باید انجام هرگونه ایست و



## همزمان با چهل‌م کیان پیرفلک کودک ایران، پدرش از جان باختن فرزند با خبر شد



میثم پیرفلک در بیمارستان ساعاتی بعد از مطلع شدن از جانباختن کیان، فرزند دیگرش را در آغوش گرفته است

تحویل گرفت و به خانه برد و با رفتن یخ از همسایه‌ها برای قرار دادن روی پیکر فرزندش تا صبح در کنار او ماند تا ساعت خاکسپاری فرا برسد.

کیان پیرفلک کودکی تیزهوش و دوست‌داشتنی و با استعداد و با آرزوهای بزرگ بود از جمله اینکه مخترع شود. بلافاصله پس از جان باختن وی ویدئوهای او که از علاقه‌اش به اختراع و رباتیک گفته بود و ویدئوی قایقی که خودش اختراع کرده بود تا در جشنواره علمی «جابرین حیان» شرکت کند در شبکه‌های اجتماعی هزاران هزار بار چرخید و دیده شد. کیان در ویدئوی آزمایش قایق‌اش با عبارت «به نام خدای رنگین کمان» توضیحات‌اش را آغاز کرد و با «پس نتیجه می‌گیریم که کار می‌کند» به پایان برد.

«به نام خدای رنگین کمان» و «قایق» به سرعت با نام کیان پیرفلک پیوند خورد. همچنین «یخ» برای بسیاری از ایرانیان یادآور رنج بی‌پایان و توصیف‌ناشدنی و تصورناپذیر مادر کیان در شب از دست دادن فرزندش است.

شامگاه چهارشنبه ۲۵ آبان بیش از ۱۰ نفر در ایذه با شلیک مأموران حکومتی کشته و زخمی شدند. در این میان دو کودک دیگر به نام سپهر مقصودی و آرتین رحمانی نیز جان باختند.

جمهوری اسلامی در دروغی وقحیانه ادعا کرد تیراندازی به سمت مردم از سوی مأموران حکومتی نبوده و یک حمله تروریستی بوده است! شهروندان اما چنین ادعایی را رد کرده‌اند و در مراسم خاکسپاری کیان پیرفلک، مادرش پشت بلندگو ماجرای شب حادثه را تعریف و تأکید کرد این حمله تروریستی نبود و مأموران حکومتی به سوی آنها و دیگر شهروندان شلیک کردند.

از امیدت را با سرب داغ سوزاندند؟!»  
عموی کیان در ادامه نوشته بود که «اکنون تن مجروح و پاره‌پاره شده پدر با پاهای بی‌جان چگونه یاری تحمل شنیدن این مصیبت را خواهد داشت؟! از طرف دیگر اگر از او پنهان‌کنم و زمان سپری شود، روبرو شدنش را با سنگ سرد مزارت چگونه توجیه کنم؟! اکنون این پارادوکس و تعارض عظیم چگونه قابل حل است؟»

میثم پیرفلک روز چهارشنبه ۲۵ آبان به همراه همسر و دو فرزند ۱۰ ساله و ۵/۳ ساله‌اش، کیان و رادین، در ایذه در حال عبور از خیابان بودند که اتومبیل آنها از سوی مأموران جمهوری اسلامی هدف رگبار گلوله قرار گرفت. میثم و کیان فرزند ۱۰ ساله‌اش که روی صندلی عقب سمت راننده نشسته بودند مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند. کیان در دم جان می‌بازد و میثم بیهوش به بیمارستان منتقل می‌شود. وضعیت میثم به حدی وخیم بود که شبانه از ایذه به بیمارستان گلستان اهواز منتقل شد. در بیمارستان گلستان چند عمل جراحی روی میثم انجام شد و در نهایت پس از سه هفته، در پی ناپایداری شدن دوباره‌ی وضعیت و به توصیه پزشکان، او به بیمارستانی در تهران منتقل شده است. میثم پیرفلک در روزهای گذشته از هوشیاری برخوردار شده بود اما خانواده تصمیم گرفته بودند خبر جان باختن کیان را از او پنهان کنند تا این خبر ناگوار بر روند بهبود و درمان او اثر منفی نگذارد.

شب حادثه پس از آنکه میثم به دلیل وخامت وضعیت جسمی به بیمارستان گلستان اهواز منتقل و کیان در بیمارستان ایذه جان می‌بازد، مادر کیان از هراس اینکه مبادا مأموران امنیتی پیکر کودک‌کش را بردزدند و پنهانی به خاک بسپارند، با کمک اقوام نزدیک پیکر کیان را از بیمارستان

● میثم پیرفلک ۴۰ روز پیش همزمان با فرزندش مورد اصابت گلوله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفت؛ کیان جان باخت و میثم به شدت مجروح شد.

● عموی کیان پیرفلک خطاب به رادین، فرزند خردسال خانواده پیرفلک، نوشته که «پدر بیمار الان بیشتر از همیشه بهت نیاز دارد تا بتونه با در آغوش گرفتنت یه ذره از درد نبودن کیان رو تحمل کنه.»

● جمهوری اسلامی در دروغی وقحیانه ادعا کرد تیراندازی به سمت مردم از سوی مأموران حکومتی نبوده و یک حمله تروریستی بوده است. خانواده کیان و دیگر شهروندان در ایذه ادعای دروغ را رد کردند.

میثم پیرفلک چهل روز پس از جان باختن فرزندش از درگذشت او با خبر شد. کیان پیرفلک روز ۲۵ آبان در ایذه مورد اصابت گلوله مأموران حکومتی قرار گرفت و جان باخت. در این اقدام سازمانیافته حکومتی، میثم پیرفلک نیز به شدت مجروح شد و تا کنون در بیمارستان بستری است.

عموی کیان پیرفلک ساعاتی پیش در صفحه اینستاگرامش خبر داد که میثم پیرفلک، پدر کیان از جان باختن فرزندش مطلع شده است. میثم پیرفلک ۴۰ روز پیش همزمان با فرزندش مورد اصابت گلوله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفت و به شدت مجروح شد. خانواده تصمیم گرفته بودند خبر درگذشت کیان را تا خروج میثم پیرفلک از وضعیت بحرانی و ناپایدار جسمی، از او پنهان کنند.

رضا پیرفلک شامگاه جمعه دوم دی‌ماه با انتشار تصویری که رادین، برادر کوچک‌تر کیان پیرفلک، را در آغوش پدرش میثم نشان می‌دهد، نوشت: «رادین جان پدرت را محکم در آغوش بگیر و آرومش کن چون اون الان دیگه میدونه که کیان نیست. الان دلخوشیش تو هستی، تو بوی کیان را میدی و خاطرات کیان را برای بابایی زنده میکنی.»

عموی کیان پیرفلک در ادامه خطاب به رادین، فرزند خردسال خانواده پیرفلک، نوشت: «پدر بیمار الان بیشتر از همیشه بهت نیاز دارد تا بتونه با در آغوش گرفتنت یه ذره از درد نبودن کیان رو تحمل کنه.»

یک هفته پیش، شنبه ۲۶ آذرماه، عموی کیان با انتشار پستی در اینستاگرام نوشته بود که برادرش هنوز از جان باختن کیان خبر ندارد: «کیان عزیزم امروز ۳۲ روز از پرپرکردن تو و بی‌خبر بودن بابا میثم از این مصیبت می‌گذرد. الان پیش پدرت هستم روی تخت افتاده است. بدن ورزیده و تنومندش اکنون بسیار نحیف و پژمرده شده اما همچنان برای در آغوش گرفتنت لحظه شماری می‌کند و با انگیزه و امید سعی می‌کند با جراحی‌هایش کنار بیاید و آنها را به امید بازگشت به آغوش خانواده و تماشایت تحمل کند. حتی به من گفت اگر من مجروح شدم و توانایی حرکتی‌ام مشکل پیدا کرده، بازم شاکر هستم در عوض خدا را شکر می‌کنم که بچه‌هایم سالم هستند. اگر کیان گلوله می‌خورد من چکار می‌کردم؟ می‌بینی پدرت به عشق دیدار تو بیش از ۱۳ بار بیهوشی و عمل را تحمل کرده و همچنان لبخند می‌زند. من چگونه می‌توانم به میثم بگویم سنگدلان جاهل قلب مهربان و پر



# بالا گرفتن درگیری‌های درون حکومت با انتشار گزارشی از فساد در سازمان خصوصی‌سازی

است. این روزنامه نوشته که در کوتاه‌ترین زمان ممکن مبلغ مورد نظر به حساب خزانه واریز شده است.

روزنامه «ایران» همچنین از شکایت وزارت امور اقتصادی و دارایی از روزنامه «اعتماد» به دلیل «نشر اکاذیب» خبر داده است.

بر اساس ادعای روزنامه دولتی «ایران»، خزانه‌داری کل کشور اعلام کرده که «حصه نقدی معامله بلوک ۱۲ درصدی شرکت پتروشیمی خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین مزایده تاریخ به مبلغ حدود ۳۲.۵ هزار میلیارد تومان به صورت کامل به خزانه واریز شده است.»

آنچه مشخص است، افشای فساد در جمهوری اسلامی به ابزاری برای تسویه حساب در میان جناح‌های جمهوری اسلامی تبدیل شده و با افزایش شکاف در میان جناحین و نزدیک‌تر شدن جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه سقوط، درگیری‌های جناحین بالا گرفته و در نتیجه چنین خبرهایی نیز بیش از پیش منتشر خواهد شد. اکنون ادعای هر یک از این روزنامه‌ها که یکی متعلق به اصلاح‌طلبان و دیگری رسانه دولت است درست باشد، فسادهای ناشی از خصوصی‌سازی قابل انکار نیست.

سازمان خصوصی‌سازی در سال ۱۳۸۰ خورشیدی بنیاد نهاده شد و در حالی که بخش خصوصی در جمهوری اسلامی اجازه نداشت در حوزه‌های مهم اقتصاد حضور داشته باشد، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در خرداد سال ۱۳۸۴ طی ابلاغیه‌ای با تجدید نظر در اصل ۴۴ قانون اساسی، فعالیت بخش خصوصی را در بخش‌های بالادستی و بنیانی اقتصاد نیز مجاز شمرد!

بر اساس ابلاغیه علی‌خامنه‌ای صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ مانند نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز)، پست و مخابرات، راه و راه‌آهن، هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتیرانی (حمل و نقل دریایی) از جمله حوزه‌هایی بودند که واگذاری آنها به بخش خصوصی مجاز شمرده شد.

در چنین شرایطی بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، سازمان خصوصی‌سازی این امکان را می‌یافت تا ۸۰ درصد بنگاه‌ها و دارایی‌های دولتی را به بخش

امور اقتصادی و دارایی جزو نامه‌های تازه‌ای است که به دستور رئیس قوه قضاییه از حالت «طبقه‌بندی شده» خارج شده و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. در این نامه، سازمان بازرسی از احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی خواسته «شخصاً» و ظرف پنج روز در این باره توضیح دهد. بنا بر این نامه، شرکت «اهداف» وابسته به صندوق بازنشستگی صنعت نفت بابت خرید ۱۲ درصد بلوک هدینگ خلیج فارس ۳۲ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان به حساب خزانه‌داری کل نزد بانک مرکزی واریز کرد تا خرید این ۱۲ درصد بلوک قطعی شود.

همان زمان، مزایده هر بلوک این شرکت به ارزش کل ۱۰۸ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان معامله شد و طبق داده‌های موجود و با استناد به نامه سازمان بازرسی، شرکت خریدار همه مبلغ را واریز کرده است، اما قرار بود این پول طبق جدول خاصی خرج شود و سازمان بازرسی می‌گوید مشخص نیست این ۳۲.۶ هزار میلیارد تومان در کجا خرج شده است؟

روزنامه «اعتماد» نوشته که شرکت «صنایع پتروشیمی خلیج فارس» به عنوان بزرگ‌ترین هلدینگ تخصصی پتروشیمی در سال ۱۳۸۹ با مدیریت دولتی به صورت سهامی عام تأسیس شد. این شرکت که از بخش‌های تولیدی، مهندسی، بازرگانی، سرمایه‌گذاری، آموزشی و خدماتی تشکیل شده بود در سال ۱۳۹۲ در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مدیریتش از بخش دولتی به بخش خصوصی واگذار شد. روندی که کاملاً ادامه دارد اما ابهامات خود را به همراه دارد.

شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین هلدینگ تخصصی پتروشیمی در سال ۱۳۸۹ با مدیریت دولتی به صورت سهامی عام تأسیس شد. این شرکت که از بخش‌های تولیدی، مهندسی، بازرگانی، سرمایه‌گذاری، آموزشی و خدماتی تشکیل شده بود در سال ۱۳۹۲ در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مدیریتش از بخش دولتی به بخش خصوصی واگذار شد.

روزنامه «ایران» نیز در گزارشی مدعی شد گزارش روزنامه «اعتماد» یک «دروغ» علیه دولت و با هدف تخریب بوده

● بر اساس گزارش روزنامه «اعتماد» با گذشت یک ماه از واگذاری بلوک ۱۲ درصدی هلدینگ خلیج فارس، قسط اول پرداختی خریدار به سازمان خصوصی‌سازی که قرار بوده در محل «خاصی» هزینه شود، در جای دیگری هزینه شده است.

● روزنامه دولتی «ایران» از شکایت وزارت امور اقتصادی و دارایی از روزنامه «اعتماد» به دلیل «نشر اکاذیب» خبر داده است.

● با افزایش شکاف در میان جناحین و نزدیک‌تر شدن جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه سقوط، درگیری‌های بین جناحین بالا گرفته و در نتیجه چنین خبرهایی نیز بیش از پیش منتشر خواهد شد.

در یکی از تازه‌ترین فسادهای افشا شده در ساختار تپاه جمهوری اسلامی مبلغ ۶/۳۳ هزار میلیارد تومان در سازمان خصوصی‌سازی ناپدید شده و سازمان بازرسی کل کشور در نامه‌ای به وزیر اقتصاد خواستار توضیح فوری در اینباره شده است.

روزنامه «اعتماد» چاپ تهران با استناد به یک نامه سازمان بازرسی فاش کرد که در جریان واگذاری بلوک ۱۲ درصدی هلدینگ خلیج فارس، مشخص نیست قسط اول پرداختی خریدار در کجا خرج شده است.

بر اساس این نامه، شرکت «اهداف» وابسته به صندوق بازنشستگی صنعت نفت بابت خرید ۱۲ درصد بلوک هدینگ خلیج فارس ۳۲ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان به حساب خزانه‌داری کل نزد بانک مرکزی واریز کرد تا خرید این ۱۲ درصد بلوک قطعی شود. شرکت خریدار همه مبلغ را واریز کرده، اما سازمان بازرسی کل کشور می‌گوید مشخص نیست این پول کجا خرج شده است.

طبق گزارش روزنامه «اعتماد» با گذشت یک ماه از واگذاری بلوک ۱۲ درصدی هلدینگ خلیج فارس، سند تازه منتشر شده‌ای نشان می‌دهد که قسط اول پرداختی خریدار به سازمان خصوصی‌سازی که قرار بوده در محل «خاصی» هزینه شود، در جای دیگری هزینه شده است. در این گزارش تأکید شده که نامه سازمان بازرسی به وزیر

## استاندار سپاهی خوزستان برکنار شد؛ بی‌عرضگی و ناکارآمدی از «خصوصیات یک مسئول بلندپایه نظام اسلامی» است!



حسینی محراب مدیری  
با داغ مهر نماز بر پیشانی



صادق خلیلیان استاندار پیشین خوزستان که ۱۴ شهریور  
در این پست منصوب شده بود

مدت انتقادات زیادی متوجه عملکرد او بود هرچند وی که سابقه تصدی وزارت جهاد کشاورزی در دولت محمود احمدی‌نژاد را در کارنامه داشت، سعی کرد با آرامش در استان کار کند.

این خبرگزاری همچنین نوشت «ابراهیم رئیسی در جریان فعالیت‌های انتخاباتی خود وعده داد که استانداری در حد وزیر برای استان خوزستان منصوب کند که در جلسات هیئت دولت شرکت کند ولی خلیلیان به اندازه انگشتان یک دست هم در جلسات هیئت دولت شرکت نکرد.»

صادق خلیلیان قول توسعه و پیشرفت خوزستان را داده بود. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی نیز در دفاع از انتصاب او گفته بود «خلیلیان همه خصوصیات یک مسئول بلندپایه نظام اسلامی را داراست.»

وحیدی همچنین در توصیف سوابق خلیلیان گفته بود «وی از مبارزان قبل از انقلاب بوده و مراحل مختلف خدمت را تا مدارج عالی طی نمود. هم رزمنده دفاع مقدس هم رزمنده جهاد کشاورزی بود که اینها پشتوانه خوبی برای ایشان هست و جایگاه علمی بالایی داشته و از اساتید دانشگاهی هستند هم شخصیتی علمی و هم عملی و هم انقلابی و رزمنده و هم یک شخصیت مردمی هستند و این انتخاب با این ویژگی‌ها نشان‌دهنده ظرفیت‌های ارزشمند خوزستان است.»

با اینهمه تعریف و تفصیل اما در عمل جز بی‌عرضگی و ناکارآمدی از مقامات مسئول نظام دیده نمی‌شود و اعتراضات مردم حکومت را واداشته تا به عزل و جایجایی افرادش بپردازد که همگی سیاسی- عقیدتی و برای اداره یک کشور عین نظام جمهوری اسلامی ناکارآمد هستند! بدون اعتراضات مردم همین ناکارآمدان بی‌عرضه مقامات کلیدی را در دست داشته و همراه با حذف و نابودی شهروندان، مملکت را نیز تخریب کرده‌اند.

حالا در شرایطی که نارضایتی و اعتراضات در کشور به اوج خود رسیده فردی از سوی دولت به عنوان استاندار خوزستان منصوب شده که او نیز مانند دیگر مقامات رژیم خدمتی به این استان و مردمانش نخواهد کرد به ویژه آنکه این جایجایی‌ها برای مسلط شدن حکومت بر اوضاع و «جمع» کردن اعتراضات به هر شکل و وسیله ممکن است!

پس از برکناری استانداران کرمانشاه و سیستان و بلوچستان روز چهارشنبه ۷ دی‌ماه صادق خلیلیان عضو پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از استانداری خوزستان عزل شد و حسینی محراب بر جای وی نشست.

سه استاندار در کمتر از ۱۰ روز برکنار شدند: خوزستان و کرمانشاه و سیستان و بلوچستان!

● خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی درباره صادق خلیلیان استاندار معزول خوزستان نوشته «در این مدت انتقادات زیادی متوجه عملکرد او بود. ابراهیم رئیسی وعده داد که استانداری در حد وزیر برای استان خوزستان منصوب کند که در جلسات هیئت دولت شرکت کند ولی خلیلیان به اندازه انگشتان یک دست هم در جلسات هیئت دولت شرکت نکرد.»

● صادق خلیلیان قول توسعه و پیشرفت خوزستان را داده بود. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی در دفاع از انتصاب او گفته بود «خلیلیان همه خصوصیات یک مسئول بلندپایه نظام اسلامی را داراست.»

● جانشین وی حسینی محراب که او هم یک سپاهی است در حالی به عنوان استاندار خوزستان منصوب شده که پیش از این مسئول قرارگاه تنظیم بازار بود و مدیریت به اصطلاح «مردمی‌سازی پارانه‌ها» وظیفه او بود که در هر دو مورد به بدترین شکل ممکن عمل کرد و ناکام ماند!

● حالا نیز حسینی محراب که در شرایط تداوم اعتراضات در کشور استاندار خوزستان شده مانند دیگر مقامات رژیم خدمتی به این استان و مردمانش نخواهد کرد به ویژه آنکه این جایجایی‌ها برای مسلط شدن حکومت بر اوضاع و «جمع» کردن اعتراضات به هر شکل و وسیله ممکن است!

پس از برکناری استانداران کرمانشاه و سیستان و بلوچستان روز چهارشنبه ۷ دی‌ماه صادق خلیلیان عضو پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از استانداری خوزستان عزل شد و حسینی محراب بر جای وی نشست.

حسینی محراب که او هم یک سپاهی پاسدار نظام است در حالی استاندار یکی از حساس‌ترین استان‌های ایران می‌شود که پیش از این مسئول قرارگاه تنظیم بازار بود و مدیریت به اصطلاح «مردمی‌سازی پارانه‌ها» وظیفه او بود که در هر دو مورد به بدترین شکل ممکن عمل کرد و ناکام ماند! خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی در مورد دلیل برکناری استاندار خوزستان می‌نویسد: «در این

→ خصوصی واگذار کند.

با این وجود پس از گذشت چهار سال و از اواخر دولت دوم محمود احمدی‌نژاد شواهد نشان می‌داد که روند خصوصی‌سازی نتوانسته به بهبود کارایی شرکت‌های دولتی و ترمیم فضای کسب و کار و ایجاد رونق در این واحدها بیانجامد.

شفاف نبودن فضای اقتصادی ایران و رانت و فساد گسترده در بدنه نظام، روند خصوصی‌سازی را هم بی‌نصیب نگذاشت و موجب شد مسیری که بر اساس آن سازمان خصوصی‌سازی می‌بایست شرکت‌های دولتی را به گونه‌ای واگذار کند که به بهبود شرایط این واحدها منجر شود، دارای‌های دولت را میان خودی‌ها و رانت‌خواران وابسته به نظام توزیع کند!

در کانال رانت‌خواری که توسط سازمان خصوصی‌سازی ایجاد شد، این سازمان با زد و بندهای پیدا و پنهان، بسیاری از واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی را به افرادی از بدنه نظام یا افراد دارای رابطه واگذار می‌کرد بدون اینکه تعهد و ضمانت لازم و کارآمدی برای ملزم کردن خریدار به ادامه کار واحد خریداری شده دریافت کند.

از سوی دیگر خریداران با پرداخت مبالغ ناچیزی صاحب یک واحد تولیدی یا صنعتی بزرگ می‌شدند که با سپردن اسناد آن در رهن بانک‌ها وام‌های کلانی دریافت می‌کردند؛ وام‌هایی که نه تنها به واحد تولیدی و صنعتی تزریق نمی‌شد بلکه در مواردی مبلغ وام‌ها به بانک هم بازگردانده نشده است.

از جمله واگذاری‌هایی که به اسم خصوصی‌سازی ولی در واقع با خصولتی‌سازی صورت گرفت (مفهوم و واژه ترکیبی که مدیون سیاست‌های خرابکارانه‌ی جمهوری اسلامی در بخش خصوصی و دولتی است) واگذاری مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه است.

مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه یکی از مدرن‌ترین و بزرگ‌ترین طرح‌های چندجانبه در ایران است که در سال ۱۳۴۰ احداث آن آغاز و در سال ۱۳۵۴ به بهره‌برداری رسید. در این طرح منطقه‌ای در ۴۵ کیلومتری جاده اندیمشک به اهواز در استان خوزستان بطور صنعتی و مکانیزه زیر کشت نیشکر رفت و جدا از کارخانه تولید شکر، کارخانه کاغذ، کارخانه تولید دستمال کاغذی حریر، شرکت‌های خوراک دام و طیور، ملاس و... نیز در کنار ۲۴ هزار هکتار زمین مرغوب کشاورزی احداث شد.

این مجتمع بزرگ کشاورزی و صنعتی تا سال ۱۳۹۴ در پی بی‌کفایتی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی دچار بحران‌های زیادی شد بطوری که در این زمان حقوق کارگران چندین ماه عقب افتاده بود. زیان انباشته شرکت در این سال بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان برآورد شد. همچنین گفته شد این مجتمع ۱۵۰ میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی به دلیل پرداخت نشدن بیش از ۱۰ سال حق بیمه کارگران مقروض است. این مجتمع در لیست خصوصی‌سازی قرار گرفت اما با این تصمیم وضعیت آن بیشتر پیچیده و بحرانی شد.

سازمان خصوصی‌سازی در بهمن ماه ۱۳۹۴ صد درصد سهام شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه متعلق به شرکت مادر تخصصی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با ارزش روز ۲۹۱ میلیارد تومان را به دو شرکت ژئوس و آریاک با مالکیت مهرداد رستمی چگنی و امید اسدیگی، دو جوان ۲۸ ساله و ۳۱ ساله، واگذار کرد. این دو شرکت برای دریافت مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که جمع دارای‌هایش ۲۹۱ میلیارد تومان برآورده شده بود تنها ۶ میلیارد تومان دریافت کرد!

## دلار ۴۳ هزار تومانی و تشدید اختلافات در میان اصولگرایان؛ احتمال تغییرات در کابینه «قاضی مرگ»



- بهای دلار تا نیمروز چهارشنبه هفتم دی ماه به ۴۳ هزار و ۳۰۰ تومان رسیده و هر سکه طلا ۲۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان قیمت گذاری شده است.
- طی روزهای گذشته شورای امنیت جمهوری اسلامی به کلیه روزنامه‌ها دستور داده در باره رشد قیمت دلار هیچ مطلبی نوشته نشود.
- پس از کمتر از یکسال و نیم ورق به زیان دولت رئیسی برگشته و بسیاری از اصولگرایان که پیشتر حامی تمام‌قد دولت سیزدهم بودند، انتقادهای تندی را متوجه دولت و به ویژه تیم اقتصادی آن کرده‌اند.

قیمت دلار در بازار آزاد ایران وارد کانال ۴۳ هزار تومان شده که رکورد تاریخی به شمار می‌رود. افزایش نجومی قیمت ارز و سکه و تلاطم در دیگر بازارها، در کنار گسترش بحران‌های اقتصادی کشور سبب رویارویی برخی اصولگرایان با دولت سیزدهم به ریاست سیدابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» شده که تا چندی پیش از حامیان سرسخت آن بودند. به نظر می‌رسد دامنه این اختلافات سبب تشدید فشار بر دولت و احتمالاً تغییراتی در کابینه شود.

قیمت دلار در بازار آزاد با سرعت در حال افزایش است و تا نیمروز چهارشنبه هفتم دی ماه به ۴۳ هزار و ۳۰۰ تومان رسیده است. قیمت دیگر ارزها در بازار ایران نیز با افزایش قیمت دلار، صعودی شده است.

هر یورو ۴۵ هزار و ۸۵۰ تومان، هر پوند بریتانیا به ۵۱ هزار و ۸۴۵ تومان، و هر درهم امارات ۱۲۱۰۰ تومان معامله می‌شود. قیمت‌ها در بازار طلا و سکه هم افزایش یافته بطوری که قیمت هر سکه طلا به ۲۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسیده و هر گرم طلای ۱۸ عیار هم به یک میلیون و ۹۷۰ هزار تومان رسیده است.

در شرایطی که افزایش قیمت‌ها در دو بازار ارز و طلا سبب موجی از افزایش قیمت در دیگر بازارها می‌شود، هراس بخشی از مقامات نظام از اینکه مشکلات اقتصادی و معیشتی بر آتش جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی بدمد افزایش یافته است.

به گزارش فعالان رسانه‌ای در ایران، طی روزهای گذشته شورای امنیت جمهوری اسلامی به کلیه روزنامه‌ها دستور داده درباره رشد قیمت دلار هیچ مطلبی نوشته نشود و طی چند روز گذشته تقریباً هر رسانه‌ای که در خصوص رشد قیمت دلار گزارشی منتشر کرده بابت آن اخطار گرفته است. همچنین اختلافات در میان اصولگرایان و تشدید تنش بین مجلس شورای اسلامی و دولت سیزدهم از جمله نتایج این هراس است.

اصولگرایان که از حامیان سرسخت دولت رئیسی به شمار می‌روند هرچند در انتخابات خرداد ۱۴۰۰ از نامزدهای دیگری هم متصل به جریانات اصولگرا حمایت کردند اما در نهایت برای رساندن سیدابراهیم رئیسی به کرسی ریاست جمهوری اسلامی همصدا شدند. پس از آنکه ابراهیم رئیسی فهرست کابینه سیزدهم را به مجلس اصولگرای یازدهم داد نیز نمایندگان مجلس تمام‌قد از کابینه پیشنهادی حمایت کردند به سرعت رأی اعتماد خود را به پای وزرای معرفی شده ریختند.

اکنون با گذشت کمتر از یک سال و نیم ورق به زیان

اقتصادی، بانک مرکزی و وزیر اقتصاد و سازمان برنامه بالا گرفته است. فشارهای مجلس هم بر تشدید این درگیری‌ها موثر بوده است. از جمله گفته می‌شود وزیر اقتصاد به دلیل سپردن بخش بزرگی از پست‌های مدیریتی زیرمجموعه خود به چهره‌های معرفی شده از سوی حلقه خراسانی‌های قدرت مورد انتقاد شدید اطرافیان رئیس‌جمهور قرار گرفته است. در ادامه تأکید شده که «به نظر می‌رسد دولت نیمه سال دوم عمر خود نرسیده، با این واقعیت مواجه شده که اقتصاد با گفتار درمانی بهبود نمی‌یابد و بنابراین قصد دارد چهره‌هایی را وارد عرصه کند که حداقل به علم بودن اقتصاد و مدیریت باور داشته باشند. باید منتظر ماند و دید چنین می‌شود یا دولت اسیر مسیر طی شده می‌ماند؟»

بر اساس این گزارش، پس از آنکه چند روز جواد اوجی به دلیل آنچه «بیماری» گفته شد در محل کار حاضر نشد، خبرهای غیررسمی درباره احتمال تغییر او مطرح و «در ایام استراحت وزیر، برخی چهره‌های نزدیک به او بیشترین مذاکرات یا به اصطلاح لابی‌ها را برای جایگزینی با وزیر داشته‌اند.» گزارش «انصاف نیوز» تأکید دارد که حسین شیوا مدیرعامل فعلی شرکت ملی نفتکش و علیرضا ضیغمی مدیرعامل اسبق شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی به عنوان چهره‌های مطرح برای جانشینی جواد اوجی مطرح شده است. همچنین گفته شده که سه حلقه از نیروهای نزدیک به سردار رستم قاسمی وزیر پیشین راه و شهرسازی دولت سیزدهم که چند روز پیش مُرد، نیروهای نزدیک به جبهه پایداری و هواداران وزیر فعلی در حال زورآزمایی در وزارت نفت و شرکت‌های اقماری آن هستند.

گفتنی است که کمتر از یک هفته پس از مرگ سردار پاسدار رستم قاسمی وزیر راه و شهرسازی دولت قاضی مرگ که برخی آن را «مشکوک» می‌دانند، روز پنجشنبه ۲۴ آذرماه جواد اوجی وزیر نفت وسط جلسه هیات دولت سکتته کرد! در این میان، انتقادهای از دولت رئیسی تا قوه قضاییه هم کشیده شده و غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس این قوه که اتفاقاً پس از ریاست رئیسی بر دولت سیزدهم

دولت رئیسی برگشته و بسیاری از افراد اصولگرا در مجلس اسلامی و خارج از آن، انتقادهای تندی را متوجه دولت رئیسی و به ویژه تیم اقتصادی آن کرده‌اند.

در مطلبی در همین رابطه وبسایت خبرآنلاین نوشته که «وضعیت دولت رئیسی به گونه‌ای است که هیچ شخصیت توانمند و استخوانداری حاضر به همکاری با دولت شعار نخواهد بود. چرا که جز ناکامی، چیزی در رزومه اضافه نمی‌شود. صدای طبل تک‌دوره‌ای بودن دولت رئیسی از دور به گوش می‌رسد و در صورت تکرار آنچه در ۱۴۰۰ رخ داد، جز پنجره شکسته، چشم‌انداز دیگری نمی‌توان متصور بود!»

طی روزهای گذشته بسیاری از حامیان علنی دولت ابراهیم رئیسی علیه عملکرد دولت اعلام موضع کرده‌اند. امیرحسین ثابتی مجری شبکه «افق» و نزدیک به جریان «پایداری» هم نسبت به عدم حضور رئیس بانک مرکزی در این برنامه با موضوع افزایش قیمت دلار آشکارا اعتراض کرد.

سردار سعید محمد از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دبیر سابق شورای عالی مناطق آزاد دولت رئیسی نیز که معلوم نیست چقدر از اقتصاد سرشته دارد در توئیترش نوشته که «ناهماهنگی بی‌برنامگی و کم‌تجربگی از آفت‌های تیم اقتصادی دولت است. مطمئناً ترمیم تیم اقتصادی با نگاه کارآمدسازی از اولویت‌هاست البته سکوت مجلس جای تأمل دارد قطعاً رضایت مردم مهمتر از رضایت سهم‌خواهان است ولی ظاهراً از این تیم همه راضی‌اند بجز مردم!» وبسایت «انصاف نیوز» وابسته به جناح اصلاح‌طلب جمهوری اسلامی هم در مطلبی از احتمال تغییرات در کابینه سیزدهم نوشته و تأکید کرده که «تحرك احزاب و سازمان‌های سیاسی اصولگرا، چهره‌های مطرح این جریان، قطب‌های قدرت درون دولت و برخی اعضای مجلس انقلابی برای ورود خود یا چهره‌های مورد اعتمادشان به هیئت دولت، احتمال تغییر در کابینه را افزایش داده است.» «انصاف نیوز» مدعی شده که «از درون دولت خبر می‌رسد که درگیری بر سر روش اداره اقتصاد کشور و فائق آمدن بر بحران‌ها بین چهره‌های نزدیک به جبهه پایداری، معاون



## اقدام آلمان در حمایت از خیزش مردم ایران؛ تعلیق بخش مهمی از روابط تجاری با جمهوری اسلامی به دلیل سرکوبها

در شرایطی گرفته شده که قیمت دلار در ایران در آستانه ۴۰ هزار تومان قرار گرفته و احتمالاً در این وضعیت نرخ ارز در ایران باز هم افزایش خواهد یافت.

با آغاز خیزش سراسری در ایران غربیها بطور رسمی اعلام کردند مذاکرات با جمهوری اسلامی دیگر اولویت آنها نیست و روی اعتراضات و حمایت از مردم ایران متمرکز شده‌اند. مقامات جمهوری اسلامی متوهمانه مدعی بودند با رسیدن فصل سرما «زمستان سخت اروپا» فرا می‌رسد و این قاره با بحران فلج‌کننده انرژی روبرو می‌شود و برای معامله مجبور می‌شوند عقب‌نشینی کنند و به حکومت ایران امتیاز بدهند! اما کمبود انرژی یقه خود جمهوری اسلامی را گرفت و یکی از مقاماتی که به امید «زمستان سخت اروپا» نشسته بود، یعنی جواد اوجی وزیر نفت، اخیراً از اضطراب کمبود گاز در ایران در جلسه هیئت دولت «قاضی مرگ» سکنه کرد! در بیانیه وزارت اقتصاد آلمان آمده که دولت این کشور، اکنون تصمیم گرفته تا تمام ضمانت‌ها را «بطور کامل» تعلیق کند و معافیت‌ها تنها در صورت وجود دلایل بشردوستانه‌ی مستند قابل اعطا خواهند بود.

رویتز در همین ارتباط گزارش داد تعلیق این برنامه‌ها بر اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری تاثیر خواهد داشت. آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان اواسط آبان‌ماه با محکوم کردن برخوردهای خشونت‌بار جمهوری اسلامی علیه معترضان گفته بود «کسی که زنان و دختران را در خیابان

● وزارت اقتصاد آلمان اعلام کرد به دلیل سرکوب مردم توسط رژیم جمهوری اسلامی و با توجه به «وضعیت بسیار جدی جاری در ایران» کلیه اعتبارات صادرات و تضمین‌های سرمایه‌گذاری برای جمهوری اسلامی را تعلیق کرده‌است. آلمان همچنین اعلام کرده که کلیه تماس‌های اقتصادی از جمله گفتگوها در خصوص انرژی را نیز با مقامات جمهوری اسلامی معلق کرده‌است.

کمتز از دو ماه بعد از تظاهرات ۱۰۰ هزار نفری ایرانیان در برلین، دولت آلمان بزرگترین شریک تجاری جمهوری اسلامی در اروپا جمعه ۲۳ دسامبر (دوم دی‌ماه) اعلام کرد که تمامی تضمین‌های سرمایه‌گذاری در ایران، اعتبار صادرات برای صادرکنندگان آلمانی به ایران و کلیه مراودات اقتصادی و تجاری خود از جمله در زمینه انرژی را به حالت تعلیق درمی‌آورد.

وزارت اقتصاد آلمان اعلام کرد به دلیل سرکوب مردم توسط رژیم جمهوری اسلامی و با توجه به «وضعیت بسیار جدی جاری در ایران» کلیه اعتبارات صادرات و تضمین‌های سرمایه‌گذاری برای جمهوری اسلامی ایران را تعلیق کرده است. آلمان همچنین اعلام کرده که کلیه تماس‌های اقتصادی از جمله گفتگوها در خصوص انرژی را نیز با مقامات مسئول رژیم ایران معلق کرده است. اعتبار صادرات نوعی بیمه است که دولت آلمان برای

جانشین وی شده نیز به تازگی گفته «با توجه به وضع تورم مقدار حقوقی که به کارمندان اضافه می‌شود، بر اثر تورم، قدرت خرید باز هم عقب‌تر از میزانی است که اضافه شده است و کل کارکنان کشور و البته بسیاری از جامعه با آن درگیر هستند.»

اژهای مشکلات اقتصادی را از جمله دلایل اعتراضات هفته‌های گذشته ارزیابی کرده که به نظر وی مورد سوء استفاده «دشمن» قرار گرفته! وی تأکید کرده است که «در مسئله معیشت دولت و مجلس نهایت تلاش خود را می‌کنند و علاوه بر عقب‌ماندگی که داریم دشمن به شدت در حال تلاش است، پس به کمک مردم و قوه قضائیه نیاز دارند تا کمک کنیم که کارهای نشدنی شدنی شود!» او درباره اینکه چنین معجزه‌ای از حکومتی که ناکارآمدی بیماری مزمن آن است توضیحی نداد.

در روزهای گذشته همچنین محمداقربار قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز از عملکرد تیم اقتصادی دولت انتقاد کرد و گفت «در موضوع نرخ‌گذاری ارز مشخص شود که قرار است قیمت ارز تک‌نرخ، شناور و یا دستوری باشد» و «اجرا نشدن قانونی که در مجلس تصویب شده، بخشی از وجود مشکلات فعلی است و بخشی از مشکلات این حوزه مربوط به حوزه مدیریتی است» و «مسئولیت اجرای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و همچنین مدیریت قیمت سکه و ریال متوجه بانک مرکزی است.»

کریم حسینی نماینده اهواز و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی هم گفته که «در روزهای اخیر هم شاهد افزایش قیمت برخی اقلام ضروری زندگی مردم بودیم که این افزایش‌های بی‌رویه قیمت، همه را در مقابل کارکرد دولت، مطالبه‌گر کرده است. در حال حاضر شاید دولت برنامه داشته باشد، اما اینکه چرا برنامه‌ها اجرا نمی‌شود که مردم خروجی کار را ببینند، جای بحث و تامل دارد.»

این نماینده مجلس افزوده که «اگر دولت سیزدهم، گرفتار عدم انسجام است یا افرادی در این تشکیلات با هم اختلاف دارند، باید مشکلات را در بین خودشان حل کنند، چون منطقی نیست که به این واسطه‌ها، مردم گرفتار شوند.» آلبرت بغازیان اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی معتقد است گروهی که تصمیم‌گیر هستند و زمام امور را در دست دارند، اولویتی مهمتر از سفره مردم دارند. به همین دلیل دولتی‌ها حتی با دلار ۵۰ یا ۶۰ هزار تومانی هم احساس بحران نمی‌کنند.

این کارشناس اقتصادی تأکید کرده «با پدیده‌ای روبرو هستیم که نمی‌تواند فقط دلیل اقتصادی داشته باشد؛ یعنی در حالی که سفره مردم هر روز کوچک‌تر از روز قبل می‌شود، عده‌ای با بی‌اعتنایی به گرفتاری‌های جامعه اصرار به ادامه روش‌های غلط خود دارند. انگار نه انگار که مردم دیگر حتی نمی‌توانند برای سفره حداقلی آرامش خاطر داشته باشند.» این تحلیلگر اقتصادی با بیان اینکه «تعجب می‌کنم چرا بانک مرکزی اینقدر نسبت به افزایش نرخ ارز بی‌تفاوت است» گفته «وضعیت آنقدر آشفته است که نمی‌توانم برای کار دولت که اصرار به رها کردن ارز دارد، دلیل یا توجیهی بیاورم. این بن‌بست نگران‌کننده در حالی است که جلسه استیضاح خاندوزی در مجلس نشان داد، هیچ کس حاضر نیست این به هم ریختگی را گردن بگیرد.»

آلبرت بغازیان معتقد است «اینکه بانک مرکزی نسبت به افزایش نرخ ارز بی‌تفاوت است، نشان می‌دهد که بانک مرکزی تحت فشار دولت است. در واقع وقتی می‌خواهند همه مشکلات را با عرضه اوراق ارزی و سپرده سهام رفع کنند، چطور می‌توانیم توقع باز شدن گره‌های کور معیشتی را داشته باشیم.»



تظاهرات تاریخی ایرانیان خارج کشور در میدان «پیروزی» برلین؛ ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲ (۳۰ مهر ماه ۱۴۰۱)

ضرب و جرح می‌کند، انسان‌هایی را که چیزی جز آزادی نمی‌خواهند، می‌ریاید و خودسرانه بازداشت و به مرگ محکوم می‌کند، در سمت اشتباه تاریخ ایستاده است.» او گفته بود «ما کاری خواهیم کرد که اتحادیه اروپا عاملان این سرکوب‌های وحشیانه را با ممنوعیت سفر و همچنین مسدود کردن دارایی‌هایشان تحریم کند... ما خطاب به مردم ایران می‌گوییم: ما طرف شما ایستاده‌ایم.» اقدام اخیر آلمان در عین حال پاسخ مساعدی است به منتقدان سیاست صرفاً گفتاری و برخی تحریم‌های بی‌فایده علیه افراد و شرکت‌های جمهوری اسلامی که معتقدند دموکراسی‌ها برای پشتیبانی از انقلاب ایرانیان برای آزادی و حقوق بشر می‌بایست قاطعانه‌تر علیه جمهوری اسلامی عمل کنند.

کمپانی‌های آلمانی در نظر می‌گیرد تا در صورت انجام صادرات و عدم دریافت هزینه از واردکننده، از این اعتبار استفاده شود. تضمین‌های سرمایه‌گذاری هم ساز و کار حمایتی از سرمایه‌گذاری‌های کمپانی‌های آلمانی در کشورهای مقصد در مقابل مخاطرات سیاسی کشور مقصد است. ضمانت‌های صادرات اعتباری از شرکت‌های آلمانی در مقابل زیان در صورت عدم پرداخت هزینه صادرات محافظت می‌کند.

سال گذشته میلادی (۲۰۲۱) مجموع مبادلات تجاری ایران و آلمان معادل یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بود و در ۹ ماهه نخست سال ۲۰۲۲ نیز مبادلات تجاری میان دو کشور به یک میلیارد و ۵۸۰ میلیون دلار رسید. تصمیم دولت آلمان برای تعلیق تجارت با جمهوری اسلامی

## گسترش خشکسالی در شمال ایران؛ استان گلستان بیابان می شود؟

و برداشت بی‌رویه از چاه‌های زیرزمینی موجب شده است تا دو سوم دشت‌های ایران با فرونشست روبرو شوند. کسری منابع آب‌های زیرزمینی کشور که در سال ۱۳۷۸ حدود ۲ میلیارد متر مکعب بود، اکنون به ۷۰ برابر شد و به بیش از ۱۴۰ میلیارد متر مکعب رسیده است. این اتفاق به این معنی است که ۳ برابر حجم تمامی سدهای کشور بارندگی لازم داریم تا سفره‌های خالی شده زیرزمینی خود را به شرایط نه چندان مطلوب ۲۳ سال قبل بازگردانیم.

از میان سدهای مهم تأمین آب آشامیدنی کشور، ۱۱ سد، زیر ۲۰ درصد پر هستند و بیش از ۸۰ درصد ظرفیت مخازن این سدها خالی است.

بر اساس این آمار، در خراسان رضوی ذخیره آبی سد «دوستی» به حدود ۱۶ درصد می‌رسد و سد «کرخه» در استان خوزستان هم حدود ۱۱ درصد ذخیره آبی دارد. سد «چاه‌نیمه‌ها» در استان سیستان و بلوچستان هم ۱۰ درصد ذخیره آبی و سد «اکباتان» در استان همدان فقط دو درصد ذخیره آبی دارد.

بحران کم‌آبی حتی در استان‌های پربارش مازندران و گیلان هم گسترش یافته بطوری که ذخیره آبی سد «سفیدرود» در استان گیلان ۱۳ درصد و و ذخیره آبی سد «شهید رجایی» در استان مازندران ۱۹ درصد است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد در حال حاضر ۵۵ درصد کل آب مصرفی کشور از منابع زیرزمینی برداشت می‌شود، این در شرایطی است که در ۱۶ استان کشور بیش از ۶۰ درصد و هشت استان بیش از ۸۰ درصد مصارف آب خود را وابسته به آب زیرزمینی هستند.

خراسان رضوی، خراسان جنوبی، کرمان، فارس، یزد، هرمزگان، البرز و همدان حدود ۸۰ درصد از سبب تأمین آب را از طریق سفره‌های زیرزمینی تهیه می‌کنند.

برداشت بی‌رویه آب از منابع استراتژیک زیرزمینی موجب شده است تا ۲۷۷ دشت کشور در حالت بحران آبی و ۱۴۳ دشت در وضعیت فراتر از بحران یا به عبارتی «ممنوعه بحرانی» جای بگیرند.

خشکسالی طی سالهای گذشته تولید محصولات کشاورزی را نیز با کاهش شدیدی روبرو کرده و به این ترتیب به تهدیدی جدی علیه امنیت غذایی ایران تبدیل شده است.

در همین رابطه محمد محمدزاده رئیس سازمان جهاد کشاورزی خراسان شمالی خرداد امسال گفته که «بارندگی‌ها در اوایل بهار امسال ناچیز بود و بر این اساس در سال زراعی گذشته، بخش زیادی از محصولات کشاورزی از انتفاع خارج شد و برداشت نشد.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی خراسان شمالی افزوده که «در سال زراعی گذشته میانگین بارندگی در استان ۱۸۹ میلیمتر بود که ۳۰ درصد نسبت به سال قبل آن کاهش داشت. در سال زراعی گذشته ۷۶ درصد از وسعت استان درگیر خشکسالی بود که این کاهش بارندگی‌ها سبب کاهش تولید در بخش کشاورزی شد.»

خشک شدن مراتع نیز دامپروری را با چالش روبرو کرده و به ویژه در بخش روستایی و عشایری تولید دام روندی رو به کاهش داشته است. بسیاری از روستاها در استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان و کرمان که با خشکسالی بیشتری روبرو هستند خالی از سکنه شده و دامپروران و کشاورزان که نیروی کار تخصصی به شمار می‌روند با مهاجرت به شهرها جذب مشاغل کاذب شدند.



نیز اثرگذار خواهد بود. جمهوری اسلامی هیچگونه اقدام موثری برای ساماندهی به وضعیت خشکسالی انجام نداده و تصمیمات قانونگذاران نیز هیچ تناسبی با تغییر پرسرعت اقلیمی در کشور نداشته است.

در روزهای گذشته مازیار غلامی مدیرکل اداره هواشناسی استان تهران با ارائه گزارشی از دما و بارش تهران طی آذرماه گفت که «طی سه ماه آینده دمای هوا یک درجه بیش از حد نرمال و متوسط بارش‌ها نیز در بهترین شرایط در حد نرمال پیش‌بینی می‌شود. با توجه به فرایند خشکسالی از سال گذشته، بارش‌های چند روز گذشته نیز برای جبران کم‌بارشی‌ها کمکی نکرده و خشکسالی همچنان ادامه و لزوم مصرف بهینه و صرفه‌جویی در آب وجود دارد.»

مازیار غلامی افزوده که «تحلیل جدیدترین نقشه‌های پیش‌بینی فصلی بیانگر آن است که طی سه ماه آینده متوسط دمای هوا در سطح استان حدود ۵/۰ تا یک درجه بالاتر از نرمال برآورد شده است و متوسط بارش استان در بهترین شرایط، در حد نرمال پیش‌بینی می‌شود.»

او افزوده که «از نظر توزیع ماهانه نیز این انتظار وجود دارد که به تدریج طی دی و بهمن ماه بارش به شرایط نرمال گرایش داشته باشد. در عین حال با توجه به کاهش بارش انباشته شده از ماه‌های قبل، بارش‌های رخ داده چندان نمی‌تواند کم‌بارشی‌ها را جبران کند و لزوم صرفه‌جویی مصرف آب در بخش‌های مختلف عمومی مردم و اختصاصی نظیر بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعتی و ... کماکان وجود دارد. همچنین مدیریت دقیق منابع و مصارف آب توسط بخش‌های مختلف اجرایی توصیه می‌شود.»

به گفته احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی از ابتدای سال آبی جاری و حتی در ماه گذشته، دمای هوا حدود ۴/۱ درجه سانتیگراد بیشتر از حد نرمال و میانگین بلندمدت بوده است و بسیاری از نقاط کشور شاهد بارش کمی بودند و استان تهران، البرز، سمنان و مناطق جنوبی البرز همچون قزوین همچنین مناطق غربی کشور از جمله کرمانشاه، همدان و ایلام بارندگی‌هایی زیرحد نرمال را شاهد بودند.

اکنون حدود ۶۵ درصد از مخازن سدهای کشور خالیست

● استان گلستان با ۸۶۲ هزار هکتار مرتع در خطر بیابانی شدن است و ۳۰۶ هزار هکتار از مراتع استان به سمت بیابانی شدن در حرکت است.

● تحلیل جدیدترین نقشه‌های پیش‌بینی فصلی بیانگر آن است که طی سه ماه آینده متوسط دمای هوا در سطح استان تهران حدود ۵/۰ تا یک درجه بالاتر از نرمال برآورد شده است.

● خشکسالی طی سال‌های گذشته تولید محصولات کشاورزی را نیز با کاهش شدیدی روبرو کرده و به این ترتیب به تهدیدی جدی علیه امنیت غذایی ایران تبدیل شده است.

● در کنار تغییرات اقلیمی، ناکارآمدی و نداشتن چشم‌انداز و بینش برای سیاست‌گذاری محیط زیستی از سوی جمهوری اسلامی روند نابودی و دگرگونی زیست‌بوم ایران را سرعت بخشیده است.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان که از سرسبزترین استان‌های ایران به شمار می‌رفته، از روند رو به رشد بیابانی شدن و وقوع ریزگرد در این استان خبر داده است. ۸۶۲ هزار هکتار مرتع استان گلستان با خشکسالی روبروست و بیش از یک سوم آن برابر با ۳۰۶ هزار هکتار به سمت بیابانی شدن رفته است.

ایران در معرض خشکسالی شدید قرار دارد و چهارمین کشوری است که اگر اوضاع به همین شکل پیش برود تا چهل سال آینده، بخش عظیمی از آن به بیابان تبدیل می‌شود. در کنار تغییرات اقلیمی، ناکارآمدی و نداشتن چشم‌انداز و بینش برای سیاست‌گذاری محیط زیستی از سوی جمهوری اسلامی روند نابودی و دگرگونی زیست‌بوم ایران را سرعت بخشیده است.

حمید سلامتی مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان با هشدار نسبت به نزدیک بودن بیابانی شدن و شروع پدیده ریزگرد در گلستان، خواستار تدبیر اساسی شد. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان با تأکید بر اینکه «اعتبارات اختصاص یافته برای مقابله با پدیده بیابانی‌شدن در استان کافی نیست» گفته که «امسال ۱۷ میلیارد تومان اعتبار به طرح‌های مترعداری اختصاص یافته که با توجه به وسعت مراتع و هزینه بر بودن طرح‌های بیابان زدایی و مترعداری این میزان اعتبار جوابگوی نیاز استان نیست و می‌طلبد با توجه به اهمیت موضوع، اعتبارات این حوزه افزایش یابد.»

رمضان بهترک معاون فنی و آبخیزداری اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان با ارائه آماری تکانه‌دهنده گفته که استان گلستان با ۸۶۲ هزار هکتار مرتع در خطر بیابانی شدن است و ۳۰۶ هزار هکتار از مراتع استان به سمت بیابانی شدن در حرکت است.

رمضان بهترک همچنین از افزایش ریزگردها در این استان خبر داده و گفته که «بخشی از ریزگردهای استان از کشور ترکمنستان وارد استان شده و بخشی دیگر از آن منشأ داخلی دارد که از سه کانون بحرانی نشأت می‌گیرد، گفت: در کانون داخلی کارهای اصلاح و احیاء در دستور کار ما قرار دارد که کاشت گونه‌هایی اعم از گیاه آتریپلکس از جمله این اقدامات است.»

خشکسالی به تهدیدی جدی در ایران تبدیل شده است که نه تنها بر محیط زیست بلکه بر امنیت غذایی کشور

## موش‌ها از کشتی فرار می‌کنند چون برجام مُرده!



تحصن مخالفین برجام در مقابل مجلس شورای اسلامی در دولت حسن روحانی

دردی می‌زند جمهوری اسلامی است. وزارت خارجه رژیم رسماً اعلام کرده آماده امضای برجام است. هر چه تنگنای مالاها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیشتر می‌شود دلالت‌های سیاسی و لایبرگرا و اندیشکده‌هایی که در عمل مبلغ و پیشبرنده سیاست‌های جمهوری اسلامی بودند حساب کار بیشتر دست‌شان می‌آید. نایاب که از حامیان اصلی جمهوری اسلامی و احیای برجام و معامله آمریکا با رژیم مالاها بود اخیراً اعلام کرد که از «تغییر رژیم» حمایت می‌کند. علی واعظ عضو شورای آتلانتیک که چندین مقاله و مصاحبه در مورد ضرورت توافق مقامات واشنگتن با جمهوری اسلامی دارد اکنون روی ارسال تسلیحات از ایران به روسیه تمرکز کرده است! انگیزه دولت‌های غربی از فشار به تهران لزوماً یکسان نیست. به عنوان مثال موضع رسمی دولت آلمان حمایت از حقوق اساسی مردم ایران در مقابل ظلم و ستم حکومت به مردم اعلام شده است اما بریتانیا بیشتر روی ارسال پهپاد و تسلیحات از جمهوری اسلامی به روسیه تمرکز دارد. با اینهمه به روشنی دیده می‌شود که در مجموع آنها مواضع سرسختانه‌ای علیه رژیم ایران گرفته‌اند. اینهمه در حالیست که برجام مستقیم مربوط به فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی است. توافقی سیاسی-امنیتی که سال ۲۰۱۵ به واسطه معاملات پنهان بین دولت باراک اوباما و جمهوری اسلامی منعقد شد اما دوام نیاورد. غلامرضا انصاری معاون سابق اقتصادی وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید «پرونده احیای برجام از حیطة وظایف وزارت خارجه خارج شده است.» وی توضیح داده «با گذشت بیش از چهار ماه از آخرین دور مذاکرات و با کنار کشیدن غرب از روند گفتگوهای احیای برجام پس از بالا گرفتن دامنه اعتراضات داخلی در ایران، تهران تصمیم گرفته است تا روند دستیابی به توافق را مجدداً احیا کند.»

شماره از مقامات سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی که اعتقاد دارند خیزش مردم توطئه غربی‌هاست ادعا کرده بودند «اغتشاشات شکست خورد و آمریکایی‌ها فهمیده‌اند اشتباه کرده‌اند و اکنون برای مذاکره پیغام می‌دهند!» در روزهای اخیر شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز ادعا کردند که مذاکرات اتمی به زودی آغاز خواهد شد. روزنامه «کیهان تهران» از «التماس آمریکا برای مذاکره بعد از ناکامی در آشوب‌ها» نوشت. اما برخی مقامات و تحلیلگران و رسانه‌های حکومتی می‌گویند در جریان‌ات اخیر هدف براندازی نظام است. در این میان، روزنامه «اسرائیل هیوم» گزارش داد که آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا روز سه‌شنبه ۳ ژانویه (۱۳ دی‌ماه) به همتای اسرائیلی خود الی کوهن گفت که برجام کم و بیش مُرده است. در عین حال یک مقام ارشد آمریکایی در گفتگو با «المانیاتور» این گزارش را تکذیب کرد. با این حال ایالات متحده و اسرائیل نقطه مشترکی در تمرکز بر سرکوب وحشیانه مردم ایران توسط جمهوری اسلامی و حمایت آن رژیم از روسیه در جنگ با اوکراین پیدا کرده‌اند. المانیاتور می‌نویسد شانس برای احیای برجام به حداقل رسیده و فشارها علیه جمهوری اسلامی به شدت افزایش پیدا کرده است. می‌گویند وقتی کشتی شروع به غرق شدن می‌کند، موش‌ها قبل از همه از کشتی فرار می‌کنند. واقعیت این است که بدون برجام جیب رژیم مالاها و سپاه خالی و خالی‌تر می‌شود. محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی قبلاً هشدار داده بود «اگر کشتی سوراخ بشود همه غرق می‌شویم.» اخیراً سردار سرتیپ پاسدار محمدحسین سپهر جانشین ستاد کل نیروهای مسلح گفت «بعضی‌ها نامه نوشتند و از رهبری خواستند تا با آمریکا کنار بیاییم.» در شرایط فعلی طرفی که برای «احیای برجام» به هر

● ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید «برجام در دستور کار واشنگتن نیست» و ایالات متحده «حمایت از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران» و مقابله با ارتباطات امنیتی میان جمهوری اسلامی و روسیه را در اولویت خود قرار داده است.

● کریستوفر برگر سخنگوی وزارت خارجه آلمان نیز پیش از این گفته بود «تمرکز ما در حال حاضر بر مذاکرات نیست، بلکه ایستادن در کنار مردمی است که برای زندگی در آزادی و کرامت به خیابان‌ها آمده‌اند و تمرکز ما افزایش فشار بر تهران از طریق تحریم‌های احتمالی است تا ظلم علیه مردم را متوقف کند.»

● شماری از مقامات سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی که اعتقاد دارند خیزش مردم توطئه غربی‌هاست ادعا کرده بودند «اغتشاشات شکست خورد و آمریکایی‌ها فهمیده‌اند اشتباه کرده‌اند و اکنون برای مذاکره پیغام می‌دهند!»

● روزنامه «اسرائیل هیوم» گزارش داد آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا به همتای اسرائیلی خود الی کوهن گفت که برجام کم و بیش مُرده است.

● می‌گویند وقتی کشتی شروع به غرق شدن می‌کند، موش‌ها قبل از همه از کشتی فرار می‌کنند. بدون برجام جیب حکومت مالاها و سپاه خالی و خالی‌تر می‌شود. محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی قبلاً هشدار داده بود که «اگر کشتی سوراخ بشود همه غرق می‌شویم.»

● غلامرضا انصاری معاون سابق اقتصادی وزارت خارجه جمهوری اسلامی: پرونده برجام از دست وزارت خارجه خارج شده و بعد از اعتراضات تصمیم به احیای برجام گرفته شده است.

حامد محمدی- دولت بایدن هرگونه پیام به جمهوری اسلامی در مورد آغاز مذاکرات اتمی با هدف «احیای برجام» را تکذیب کرد.

● ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید «برجام در دستور کار واشنگتن نیست» و ایالات متحده «حمایت از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران» و مقابله با ارتباطات امنیتی میان جمهوری اسلامی و روسیه را در اولویت خود قرار داده است.

وی روز چهارشنبه ۴ ژانویه (۱۴ دی‌ماه) در اولین کنفرانس خبری وزارت خارجه در سال ۲۰۲۳ تأکید کرد جمهوری اسلامی فرصت بازگشت به برجام را از دست داد و ماه‌هاست که ما فقط شاهد وعده‌های پوچ و توخالی از سوی مقامات ایران هستیم.

● اظهارات ند پرایس واکنشی به ادعاهای مقامات رژیم ایران است که در هفته‌های اخیر چند بار ادعا کردند آمریکا برای آغاز مذاکرات پیام فرستاده و همچنان به دنبال احیای برجام است. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اما می‌گوید «ما این شایعات را شنیده‌ایم اما مسائلی است که فقط از طرف جمهوری اسلامی مطرح می‌شود.»

● کریستوفر برگر سخنگوی وزارت خارجه آلمان نیز پیش از این گفته بود «تمرکز ما در حال حاضر بر مذاکرات نیست، بلکه ایستادن در کنار مردمی است که برای زندگی در آزادی و کرامت به خیابان‌ها آمده‌اند و تمرکز ما افزایش فشار بر تهران از طریق تحریم‌های احتمالی است تا ظلم علیه مردم را متوقف کند.»

## گزارش ویژه؛ نمایش تابوت‌های مشکوک به اسم «تشییع ۴۰۰ شهید گمنام»؛ چرا آمار «شهدای مفقودالاثر» بیشتر می‌شود؟!



مراسم تشییع «پیکر شهدای گمنام» در تهران

که اعضای آنها در جنگ گم شده‌اند وجود دارد و بقایای اجساد پیداشده آزمایش و با DNA خانواده‌ها تطبیق داده می‌شود.

دکتر محمود تولایی رئیس مرکز تحقیقات ژنتیک «نور» که مسئولیت شناسایی هویت «شهدای گمنام» را از طریق آزمایش‌های تخصصی DNA بر عهده دارد می‌گوید «در سال ۱۳۸۰ برای خانواده‌های مفقودین که به این مرکز ارجاع داده شده، پروفایل ژنتیک تهیه شده است.»

او که تحصیل کرده اروپاست خودش می‌گوید برای آزمایش DNA از روش آمریکایی‌ها پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر الگوبرداری کرده است.

طبق توضیحات وی «تمام پیکرها و یا نمونه‌هایی که در عملیات جستجو و تفحص در محدوده‌های مرزی و برون مرزی به دست می‌آید مورد بررسی و آزمایش قرار می‌گیرند. هر یک از پیکرها که به دست ما می‌آید تصویربرداری می‌شوند و پس از برداشتن نمونه در حد چند میلی‌گرم، برای انجام تست‌های مربوط به تعیین هویت پیکر از نمونه‌ای استخوانی، مابقی بقایا به معراج منتقل می‌شود؛ چرا که بر اساس فتاوی مراجع عظام، اجازه نداریم که پیکر مسلمان را بر روی زمین نگاه داریم.»

دکتر تولایی می‌گوید در مؤسسه تحقیقاتی «نور» برای احراز هویت شهدای گمنام روی یک بافت سخت مثل استخوان آزمایش می‌شود که فرآیندی دشوار، بسیار تخصصی و زمانبر و در عین حال پرهزینه و نیازمند تکنولوژی به‌روز است.

طبق اعلام رسانه‌های رسمی ۱۷ آذرماه ۱۴۰۱ حدود ۱۱۱ پیکر به ایران انتقال یافته است. خیلی از آنها بلافاصله در شهرهای مختلف به خاک سپرده شدند در حالی که به گفته دکتر تولایی فرآیند نمونه‌برداری و آزمایش DNA آنها زمانبر و هزینه‌بر است، مشخص نیست فرآیند آزمایش روی همه آنها صورت گرفته یا نه؟! اگر آری، چطور به سرعت به عنوان «شهدای گمنام جنگ» و پیش از به دست آمدن

● سردار سعیدی جانشین کمیته جستجوی مفقودین تیرماه سال ۱۴۰۱ ادعا کرد «بین دو تا سه هزار پیکر شهید مفقودالاثر باقی مانده و شناسایی نشده است» اما بررسی‌ها نشان می‌دهد یک سال قبل از آن در آبان ۱۴۰۰ سردار داوود مهاجر یکی از فرماندهان کمیته جستجوی مفقودین گفته بود «۱۳۰۰ شهید مفقودالاثر هنوز شناسایی نشده‌اند». یعنی در یک سال با وجود شناسایی پیکرهای جدید بجای اینکه تعداد آنها کمتر شود بیشتر شده است!

● سردار ناصر سعیدی مسئول «ایثارگران» ستاد کل نیروهای مسلح حتا اعتراف می‌کند «قبوری به یاد شهدا ایجاد شده که پیکری در آن قرار ندارد! و در تدارک هستند که آنها را جمع‌آوری کنند.»

● حکومت و عوامل آن در سه دهه گذشته از شهدای جنگ ایران و عراق بهره‌برداری تبلیغاتی کرده و در مواردی حتا با کلاهبرداری از اسم آنها سوء استفاده شده است. مسعود ده‌مکی کارگردان حکومتی اعتراف می‌کند مقالات خودش را با نام شهدای جنگ منتشر می‌کرده است!

● خبرگزاری «دفاع مقدس» در گزارشی تأیید می‌کند که بیشتر «شهدای تفحص شده» در خاک عراق شناسایی شدند که مربوط به جانب‌اختگان عملیات برون مرزی مثل «رمضان»، «خبر»، «بدر»، «کربلای ۴ و ۵» و «فاو» هستند!

حکومت اموز ششم دی‌ماه ۱۴۰۱ در آستانه سومین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسم تشییع پیکر شهدای جنگ ایران و عراق ۴۰۰ تابوت را در ۳۱ استان به نمایش گذاشت.

به گفته سردار پاسدار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه «محمد رسول‌الله» تهران بزرگ ۲۰۰ شهید گمنام در تهران و ۲۰۰ شهید دیگر در شهرستان تشییع شدند! او مدعی شد این تعداد بیشتر مربوط به عملیات «بدر»، «رمضان»، «بیت المقدس»، «کربلای ۵» و «کربلای ۶» و «والفجرا» هستند.

حدود ۳۴ سال از پایان جنگ می‌گذرد اما رژیم هر سال چند نوبت اجساد را که ظاهراً توسط «کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح» در مناطق جنگی شناسایی شدند تشییع می‌کند. مراسم اخیر نیز ابزاری برای کشاندن حامیان حکومت به خیابان و رجزخوانی برای مردم و مخالفان نظام شد. با این تفاوت که رکورد تابوت تشییع آنچه «شهدای گمنام» خوانده می‌شود جابجا شد! رویدادی که ماجرا را بیش از پیش مبهم و باورناپذیر می‌کند.

روال شناسایی پیکرها چندان پیچیده نیست. شهدا یا پلاک و کارت شناسایی دارند یا بقایای پیکرشان طبق قرارداد بلندمدت با مرکز تحقیقات ژنتیک «نور» از طریق آزمایش DNA شناسایی می‌شود. یک بانک DNA از خانواده‌هایی



تشییع جنازه «شهدای گمنام» در اصفهان



سال حبس، ممنوعیت خروج از کشور و ضبط تلفن همراه محکوم شده‌اند.

برخی از وکلای نیز به همراه موکلان خود بازداشت یا با پرونده قضایی روبرو شدند که اقدامی بی‌سابقه و عجیب درباره وکلا است. برای نمونه سعید جلیلیان و میلاد آقایی‌پور به همراه موکل خود، حسین رونقی، در مقابل دادسرای اوین بازداشت شدند.

در نمونه دیگری، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو بوشهر با صدور ابلاغیه‌ای برای رامین صفرنیا وکیل محمود ملاکی معلم زندانی از او خواسته تا در دادگاه حاضر شده و از خودش «به عنوان متهم» دفاع کند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با تایید این خبر نوشته که «از نکات عجیب این ابلاغیه این است در حین رسیدگی به اتهامات معلم زندانی محمود ملاکی، پرونده دیگری به طور هم‌زمان علیه این وکیل و موکل تشکیل شده است. در این پرونده باید رامین صفرنیا از تهران جهت دفاع از خود، در شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو بوشهر حاضر شود.»

یکی از دلایل بازداشت گسترده وکلا و پرونده‌سازی علیه آنها این است که آنها نتوانند به وظیفه حرفه‌ای خود برای دفاع از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری عمل کنند. بر اساس گزارش‌های حقوق‌بشری از آغاز اعتراضات انقلابی مردم در شهریور ۱۴۰۱ تا کنون بیش از ۱۸ هزار و ۴۷۷ نفر بازداشت شدند. از این تعداد ۵۸ نفر با اتهامات سنگین «محرابه»، «افساد فی الارض» یا «بغی» روبرو شدند که برای برخی حکم «اعدام» صادر و رأی دادگاه برخی دیگر هنوز صادر نشده اما در خطر «اعدام» قرار دارند.

به گفته کارشناسان حقوقی و فعالان حقوق بشر، روند دادرسی پرونده‌های این متهمان عادلانه نیست و اتهامات در پی اعترافات اجباری ناشی از فشار و شکنجه به آنها نسبت داده شده است. همه بازداشت‌شدگانی که با اتهامات سنگین روبرو هستند از داشتن وکیل تعیینی (انتخابی) منع شدند و قوه قضاییه برای آنها وکلای تسخیری در نظر گرفته است.

وکلای تسخیری به «مرکز وکلا کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه» وابسته و بسیاری از آنها بازپرسان و قاضی‌های پیشین قوه قضاییه هستند. این وکلا مجوز وکالت خود را به جای کانون وکلا که نهاد صنفی در ایران است، به طور مستقیم از قوه قضاییه دریافت کرده‌اند.

درباره شماری از شهروندان معترضی که در روند غیرقانونی و ناعادلانه به «اعدام» محکوم شدند، خانواده‌ها از عملکرد وکیل تسخیری ناراضی بوده و تأکید کرده‌اند که وکلای تسخیری نه تنها در جهت دفاع و حمایت از متهم عمل نکرده و نمی‌کنند بلکه حتی با بی‌اعتنایی و اظهارات عجیب وضعیت متهم را بدتر کرده‌اند.

خانواده ماهان صدرات و محمدمهدی کرمی، دو جوان متهم به اعدام که در اعتراضات بازداشت شده بودند، می‌گویند وکیل تسخیری اصلاً پاسخ تلفن آنها را نمی‌دهد و آدرس دفترش را نیز در اختیار ندارند.

خانواده حمید قره حسنلو پزشک ارتوپدی که به اتهام نقش داشت در کشته شدن یک بسیجی در مراسم چهلم حدیث نجفی بازداشت و زیر شکنجه شدید قرار داشت نیز گفته‌اند وقتی حمید قره‌حسنلو به دلیل شکستگی و از کار افتادگی ریه زیر شکنجه، به بیمارستان منتقل شد با اصرار و تلاش خانواده وکیل برای چند دقیقه به دیدار حمید قره‌حسنلو رفت. این وکیل در دادگاه نه تنها دفاعی از حمید قره‌حسنلو انجام نداد بلکه مانند نماینده دادستان به شماتت او پرداخت و مدعی شد که «شما در بیمارستان برای خودستان بخش وی‌آپی راه انداختید.» جمله‌ای که در دادگاه مورد سوءاستفاده قاضی قرار گرفت!

## عدالت قضایی در جمهوری اسلامی؛ وکلایی که به همراه موکل دادگاهی می‌شوند

● طی ۱۴ هفته گذشته دست کم ۴۴ وکیل دادگستری در ایران بازداشت شده و شمار دیگری از وکلای نیز با احضار و پرونده‌های قضایی روبرو شده‌اند.

● برخی از وکلای نیز به همراه موکلان خود بازداشت یا با پرونده قضایی روبرو شدند که اقدامی بی‌سابقه و عجیب درباره وکلا است.

بر اساس آمارها از آغاز اعتراضات سراسری در ۲۶ شهریور تا کنون، دست کم ۴۴ وکیل دادگستری در ایران بازداشت شده‌اند. برخی از این وکلای هم‌زمان با موکلان خود با پرونده قضایی، بازداشت و محاکمه روبرو شده‌اند.

جمهوری اسلامی طی ۱۴ هفته گذشته که جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی در جریان بوده، بازداشت‌ها و پرونده‌سازی‌های سازمانیافته‌ای را برای گند کردن و متوقف کردن اعتراضات انجام داده است. بخشی از پرونده‌سازی‌ها علیه وکلای دادگستری صورت گرفته که اکثر آنها از جمله وکلای حقوق بشری به شمار می‌روند که پیشتر یا در حال حاضر وکالت بازداشت‌شدگان و متهمان سیاسی و امنیتی را به عهده داشته‌اند.

آخرین آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد که طی ۱۴ هفته گذشته دست کم ۴۴ وکیل دادگستری در ایران بازداشت شده‌اند. شمار دیگری از وکلای نیز با احضار و پرونده‌های قضایی روبرو شده‌اند.

مصطفی نیلی، آرش کیخسروی، سعید جلیلیان هادی رضوی، مریم صدرنیا، مریم آروین، رضا حمزه‌ای، فرزانه اکبریان، زهرا نظری، سعید عطایی، مینا بزرگی، حسن یونسو، رزا اعتماد انصاری، فرشته تابانیان، محمد رضایی، و اویس حامد توسلی از جمله وکیل‌های بازداشت شده در این مدت هستند.

نگین کیانی، قدسیه قدس‌بین، علیرضا زارع، محمدهادی جعفری، مهدی صفری، آستاره (مریم) انصاری، قهرمان کریمی، نازنین سالاری، بهاره صحرانیان، محمود طراوت‌روی، امین عادل احمدیان، سینا (حسین) یوسفی، قاسم بعدی بناب، امیر مهدی پور، میلاد پناهی پور، حسین جلیلیان، گلاره وطن دوست، بابک پاک‌نیا، مهسا غلامعلی‌زاده، سعید شیخ، محمدرضا فقیهی، روح‌الله محمدرضایی، امیر دهقانی، امیر افشار نجفی، حسن اسدی زیدآبادی، زهرا (فیروزه) خورده‌چی، و حسین رضایی نیز در فهرست وکلای بازداشت‌شده هستند.

برخی از وکلای بازداشت شده پس از سپری کردن دوران بازجویی و با سپردن وثیقه، به طور موقت و تا زمان برگزاری دادگاه آزاد شده‌اند و شمار دیگری از جمله آرش کیخسروی، مصطفی نیلی و مریم صدرنیا همچنان در بازداشت هستند.

برخی از وکلای بازداشت‌شده نیز با صدور حکم زندان روبرو شده‌اند. بر اساس منابع کانون وکلای ایران، سینا یوسفی وکیل و نایب رئیس کمیسیون حقوق بشر وکلای دادگستری آذربایجان شرقی به شش ماه حبس، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و توقیف وسایل الکترونیک محکوم شده است. همچنین نگین کیانی وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای آذربایجان شرقی به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک

نتیجه دفن شده‌اند؟ و اگر نه، باز هم چگونه به این عنوان به خاک سپرده شده و حکومت روی آنها به عنوان «شهید گمنام» تبلیغ می‌کند؟!

مسئله مهم دیگر در ارتباط با آمار این اجساد است که با وجود تفحص و شناسایی طی ۳۴ سال نه تنها از تعدادشان کم نمی‌شود بلکه هر سال بیشتر هم می‌شود!

سردار سعیدی جانشین کمیته جستجوی مفقودین تبرماه ۱۴۰۱ ادعا کرد «۱۳ هزار شهید مفقودالثر داشتیم که ۱۱ هزار پیکر شناسایی شد و بین دو تا سه هزار پیکر شهید باقی مانده است.» اما سردار پاسدار داوود مهاجر یکی از فرماندهان کمیته جستجوی مفقودین یک سال پیشتر در آبان ۱۴۰۰ گفته بود «۱۳۰۰ شهید مفقودالثر هنوز شناسایی نشده‌اند.» یعنی طی یک سال با وجود شناسایی پیکرهای جدید بجای اینکه تعداد آنها کمتر شود بیشتر شده است!

جمهوری اسلامی با تابوت‌هایی که معلوم نیست خالی هستند یا محتوای آن چیست هوادارانش را به اسم عزاداری و تشییع جنازه به خیابان می‌کشاند. سناریویی که در گذشته هم تکرار شده است. دفن این تابوت‌ها در دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی و پارک‌ها نیز زمینه‌ساز حضور بیشتر نیروهای بسیج و سپاه پاسداران در این نهادهاست.

سردار ناصر سعیدی مسئول «ایثارگران» ستاد کل نیروهای مسلح می‌گوید «حدود ۱۳ هزار شهید مفقودالثر داشتیم که از این تعداد ۹ هزار شهید به صورت گمنام دفن شده‌اند. او حتا اعتراف می‌کند «قبوری به یاد شهدا ایجاد شده که پیکری در آن قرار ندارد! و در تدارک هستند که آنها را جمع‌آوری کنند.»

حکومت و عوامل آن در سه دهه گذشته از شهدای جنگ ایران و عراق بسیار بهره‌برداری‌های تبلیغاتی کرده‌اند. در مواردی حتا با کلاهبرداری از اسم آنها سوء استفاده شده است. مسعود ده‌مکی کارگردان حکومتی اعتراف می‌کند مقالات خودش را با نام شهدای جنگ منتشر می‌کرده است! در عین حال، نمایش این تابوت‌ها هم‌زمان سند جنایت جمهوری اسلامی نیز هست. سرداران ماجراجو و نالایق مثل محسن رضایی و یحیی رحیم‌صوفی که در دوران جنگ جوانان را به کشتن می‌دادند، سال‌هاست سر سفره نظام ارتزاق کرده بی‌آنکه پاسخگوی عملکردشان باشند و طی همه این سال‌ها با نام و بقایای احتمالی اجساد گمشدگان نیز به سود نظام تبلیغ می‌کنند.

خرپرگاری «دفاع مقدس» در گزارشی تأیید می‌کند که بیشتر «شهدای تفحص شده» در خاک عراق شناسایی شدند که مربوط به جانب‌اختگان عملیات برون مرزی مثل «رمضان»، «خیبر»، «بدر»، «کربلای ۴ و ۵» و «فاو» هستند! با آغاز خیزش انقلابی در ایران پس از قتل حکومتی مهسا امینی ده‌ها نفر از خانواده شهدا و جانبازان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز کارزار دادخواهی به راه انداخته‌اند و اعلام کرده‌اند اجازه نخواهند داد حکومت از خون عزیزان آنها برای منافع خودش سوء استفاده کند.

در همین ارتباط آن‌هایتا شیروودی دختر خلبان شهید علی‌اکبر شیروودی گفته بود «آقایانی که گوش‌هایمان را گرفته‌اید و جز صدای خودتان هیچ نمی‌شنوید؛ ما شهید ندادیم تا تا موی دخترانمان دیده نشود ما شهید دادیم تا کسی جرأت تعرض به دخترانمان را نداشته باشد.»

مینا فرزند سرلشکر خلبان شهید خدابخش عشقی‌پور نیز در یک ویدئو گفته بود «ما خانواده شهدا، از بی‌حجاب و باحجاب و با هر اعتقادی، یک نقطه مشترک بین ما هست، عزیزان ما برای حفظ امنیت وطن به جنگ رفته‌اند.» وی نیز از حکومت خواست سوء استفاده از نام و حرمت شهدای وطن را متوقف کند.

## سه سال بعد از سرنگونی پرواز «پی اس ۷۵۲» ایکائو همچنان در کمک به پیشرفت پرونده این جنایت کوتاهی می کند!



مقر ایکائو در مونترال کانادا

نوشت در پرونده «پرواز ۷۵۲» به ایکائو و سازمان ملل امیدی نیست و دلایل آن را نیز برشمرد. بهانه مسئولان ایکائو این است که آنها فقط مرجع قوانین و مقررات هوانوردی اند و قدرت قضایی ندارند. شورای ایکائو بارها از جمهوری اسلامی خواسته روند تحقیقات را تسریع کند ولی جمهوری اسلامی توجهی نکرده است. اینهمه در حالیست که این سازمان از سال ۲۰۱۷ برنامه‌هایی را برای به‌روزرسانی طرح جامع هوانوردی در حوزه تروریسم و حمل محموله‌های انفجاری و سایر موارد آغاز کرده است. پرونده سرنگونی «پرواز پی اس ۷۵۲» جعبه سیاهی است که اگر محتوای آن افشا شود تهدید مهمی علیه جمهوری اسلامی خواهد بود. از این رو سه سال است پشت پرده انواع و اقسام زد و بندها با دولت‌ها و نهادهای اطلاعاتی امنیتی صورت گرفته تا محتوای گزارش این سانحه به بیرون درز پیدا نکند و کوتاهی ایکائو نیز در این پرونده امنیتی نقش بازی می‌کند.

در همین ارتباط حامد اسماعیلیون نیز نوشت: «حال تعجب نمی‌کنم که چرا اجبار پرواز ماهان ایر به فرود در فرودگاه کیش با بی‌اعتنایی کامل این سازمان وابسته به سازمان ملل مواجه می‌شود. با این حال امشب در توئیتر برای پرزیدنت این سازمان نوشتم که استانداردهای دوگانه آنها در برابر این حکومت خونخوار چگونه جان همه ما را به لب رسانده است.»

اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های جانباختگان پرواز ۷۵۲ در ادامه نوشت: «سازمان جهانی هوانوردی غیرنظامی یک سازمان بوروکراتیک و به شدت سیاسی است. سازمانی تابعه سازمان ملل که فراموش کرده است به چه منظور تأسیس شده. ماه‌ها طول کشید تا توانستیم راهی به این سازمان بیابیم اما راه یافتی به این سازمان هم ذهنیت ما را نسبت به فساد و ناکارآمدی نهادهای متولی تغییر چندانی نداد. نمونه‌اش را در فرود اجباری پرواز ماهان ایر در کیش می‌بینید.»

توضیح داد بر اساس این یادداشت دیپلماتیک اتهام «شلیک عمدی و غیرقانونی» به پرواز پی اس ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین مطرح است و جمهوری اسلامی شش ماه فرصت خواهد داشت که برای حل اختلاف در دیوان بین‌المللی لاهه اقدام کند.

در این میان، بین خانواده قربانیان این پرواز در مورد نحوه پیگیری حقوقی و دادخواهی اختلاف نظر کم نیست. شماری از خانواده‌های جانباختگان دولت جاستین ترودو را مسئول مسکوت ماندن پرونده می‌دانند. شاهین مقدم همسر شکیبا فقاhtی و پدر راستین مقدم که در این فاجعه کشته شدند می‌گوید: «باز نشدن پرونده جنایی در پلیس کانادا RCMP یکی از مهمترین بخش‌های پازل عدالت‌خواهی است که نادیده گرفته شده است.» او گفته «در آستانه سالگرد سوم این جنایت، زمان به نفع جانین در حال سپری شدن است.»

محمود زیبایی که همسرش شهرزاد هاشمی و فرزندش مایا زیبایی مسافران این پرواز بی‌بازگشت بودند نیز با بیان اینکه «ماه‌هاست سعی کردیم تصویر روشنی از واقعیت روند رسیدگی در دادگاه‌های بین‌المللی ICC و ICJ به خانواده‌های هواپیمای اوکراینی بدهیم»، انجمن جانباختگان را متهم کرده که با عوام‌فریبی خواسته‌اند دادگاهی را به تصویر بکشند که خامنه‌ای و سرداران سپاه را در آن محاکمه می‌کنند.

اگرچه در مورد فرود اجباری هواپیمای «ماهان ایر» در ارتباط با بازگرداندن خانواده علی دایی، ایکائو مسئولیتی ندارد اما در مورد پرونده شلیک به هواپیمای مسافربری «اوکراین اینترنشنال» این نهاد آشکارا مسئولیت‌های خود را زیر پا گذاشته است.

«استفاده از سپر انسانی» اقدامی است که جمهوری اسلامی نه فقط در مورد «پرواز ۷۵۲» بلکه در موارد متعدد با استفاده از هواپیمای تجاری مرتکب شده است. کیهان لندن در گزارشی که اردیبهشت ۱۴۰۰ منتشر کرد

حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی به «راديو فردا» توضیح داد بر اساس این یادداشت دیپلماتیک اتهام «شلیک عمدی و غیرقانونی» به پرواز پی اس ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین مطرح است و جمهوری اسلامی شش ماه فرصت خواهد داشت که برای حل اختلاف در دیوان بین‌المللی لاهه اقدام کند.

در این میان، بین خانواده قربانیان این پرواز در مورد نحوه پیگیری حقوقی و دادخواهی اختلاف نظر کم نیست. شماری از خانواده‌های جانباختگان دولت جاستین ترودو را مسئول مسکوت ماندن پرونده می‌دانند. شاهین مقدم همسر شکیبا فقاhtی و پدر راستین مقدم که در این فاجعه هولناک کشته شدند می‌گوید: «باز نشدن پرونده جنایی در پلیس کانادا RCMP یکی از مهمترین بخش‌های پازل عدالت‌خواهی است که نادیده گرفته شده است.»

محمود زیبایی که همسرش شهرزاد هاشمی و فرزندش مایا زیبایی مسافران این پرواز بی‌بازگشت بودند انجمن جانباختگان را متهم کرده که با عوام‌فریبی خواسته‌اند دادگاهی را به تصویر بکشند که خامنه‌ای و سرداران سپاه را در آن محاکمه می‌کنند.

«استفاده از سپر انسانی» اقدامی است که جمهوری اسلامی نه فقط در مورد «پرواز ۷۵۲» بلکه در موارد متعدد با استفاده از هواپیمای تجاری مرتکب شده است.

کیهان لندن در گزارشی که اردیبهشت ۱۴۰۰ منتشر کرد نوشت در پرونده «پرواز ۷۵۲» به ایکائو و سازمان ملل امیدی نیست و دلایل آن را نیز برشمرد.

سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی (ایکائو) تلویحاً اعلام کرده در مورد بازگرداندن هواپیمای حامل خانواده علی دایی هیچ مسئولیتی ندارد. این سازمان همچنین در مورد پرونده سرنگونی هواپیمای «اوکراین اینترنشنال» که با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هدف قرار گرفت و ۱۷۶ کشته برجای گذاشت، از خود سلب مسئولیت کرده است.

پس از بازگرداندن هواپیمای «ماهان ایر» حامل خانواده علی دایی از مسیر دومی شماری از فعالان سیاسی از جمله حامد اسماعیلیون از ایکائو خواست این اقدام را محکوم کند اما ایکائو در توییتر اعلام کرد «هنوز شکایتی بابت این موضوع از کشوری دریافت نکرده است. هرگونه نقض کنوانسیون شیکاگو تنها در صورت مطرح شدن از سوی دولت (های) آسیب‌دیده می‌تواند مورد بررسی بین‌المللی ایکائو قرار گیرد.»

حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی در توییتر با خطاب قرار دادن ایکائو نوشت که رئیس این سازمان بین‌المللی انهدام هواپیمای اوکراینی به دست سپاه را نیز محکوم نکرده است. در آستانه سومین سالگرد سرنگونی «پرواز پی اس ۷۵۲» اسماعیلیون خبر داد چهار کشور اوکراین، بریتانیا، سوئد و کانادا در یک یادداشت دیپلماتیک رسمی از حکومت ایران خواستند تا هرچه زودتر برای حل اختلافات موجود در این پرونده نزد دیوان کیفری بین‌المللی لاهه همکاری کند.

وی که همسرش پریسا اقبالیان و دخترش ری‌را را در این فاجعه‌ی مرگبار و هولناک از دست داده، به «راديو فردا»

# دولت‌های قدرتمند اروپا علیه جمهوری اسلامی؛ صدای مردم ایران به گوش رهبران غرب رسیده است



تظاهرات ایرانیان در لندن

اعلام کرد که بخش مهمی از روابط تجاری خود را با ایران به حالت تعلیق در می‌آورد. در اروپا فضای سیاسی و اجتماعی نه تنها به شدت علیه جمهوری اسلامی است بلکه بطور همه‌جانبه گسترش نیز می‌یابد.

پارلمان هلند در مصوبه‌ای خواستار تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی اتحادیه اروپا شد و از دولت هلند خواست از این موضع دفاع کند. یوهان وادفول نماینده پارلمان آلمان در توییتی درباره خشونت افسارگسیخته جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات نوشت «رژیم ایران از روش‌های وحشیانه استفاده می‌کند. ما فرا خوانده شده‌ایم تا در کنار زنان، مردان و کودکان شجاعی چون حسن فیروزی و خانواده‌اش در ایران بایستیم»

یک کارشناس مسائل سیاسی در ایران به ایرنا می‌گوید «آلمان سیاست‌های آمریکا را دیکته می‌کند» و «سلطنت‌طلبانی را که در این کشور حضور دارند تحریک می‌کند» و راهپیمایی علیه جمهوری اسلامی راه انداختند!

پیش از این، حکومت با تبلیغات در مورد «مذاکره» روند افزایش قیمت ارز را تا حدودی کنترل می‌کرد اما اینبار این ابزار بی‌نتیجه بوده و در بازار آزاد ایران دلار به ۴۰ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است.

در این میان، دیوید بارنئا رئیس موساد در اظهاراتی گفته ملایان از خیزش مردم هراسیده و غافلگیر شده‌اند. او می‌گوید: «اعتراض‌ها فروکش نکرده و تبدیل به بزرگترین معضل ملایان شده است.»

خبرگزاری رویترز نیز در مقاله‌ای به تحلیل خیزش سراسری در ایران پرداخته و نوشته است ایران وارد یک «روند انقلابی» شده و شواهد نشان می‌دهد این خیزش در سال ۲۰۲۳ که در راه است گسترده‌تر می‌شود و برای حکومت بحران‌های عمیق‌تری ایجاد می‌کند.

اتخاذ نمی‌کند. وی همچنین گفت که مسائل عراق، لبنان و سوریه فقط در چارچوب کاهش تأثیر حکومت ایران در منطقه قابل حل است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی بعد از دیدار با جوزپ بورل برای مذاکره با غربی‌ها اعلام آمادگی کرد. آنهم پس از آنکه اسماعیل قائلی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی با اشاره به حمایت غربی‌ها از اعتراضات با بیان همیشگی زمامداران جمهوری اسلامی گفت «بست‌فطرتی و نامردی در خصلت آمریکا، اروپا و تفاله‌هایشان در منطقه نهفته است و دست به کارهای تاکتیکی پست می‌زنند!»

برخی تحلیلگران داخلی ادعا می‌کنند «اروپا از مواضع خود عقب‌نشینی» کرده است اما حسین شریعتمداری مدیرمسئول «کیهان تهران» در یادداشتی با عنوان «آقایان به کجا چنین شتابان؟!» با اشاره به حمایت دولت‌های غربی از اعتراضات و تحریم‌های گسترده علیه مقامات و نهادهای سرکوبگر رژیم از مقام‌های وزارت خارجه جمهوری اسلامی پرسیده «آیا در مواضع رسماً اعلام شده از سوی آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان کمترین تردیدی هست؟ اگر تردیدی نیست- که نیست- با توجه به موارد یاد شده، از مذاکراتی که در پی انجام آن هستید، چه انتظاری دارید؟! و کدام دستاورد را دنبال می‌فرمایید؟! در اعلام رسمی و علنی آمریکا و ۳ کشور اروپایی درباره مذاکرات چه دیده‌اید که برای از سرگیری مذاکرات اعلام آمادگی کرده‌اید؟! آیا نتیجه مذاکرات را بیرون از آنچه حریف به صراحت بر آن تأکید ورزیده است ارزیابی می‌کنید؟!»

اینهمه نشان می‌دهد که تبلیغات و نمایش آغاز مذاکرات از سوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی حتا داخل حکومت هم خریدار ندارد! دو روز پس از توهم و ادعای چرخش اروپا در ارتباط با مذاکره با جمهوری اسلامی، دولت آلمان

● فرانسه و کشورهای منطقه در نشست «بحرالمیت» از عراق خواستند از رژیم ایران فاصله بگیرد.

● امانوئل ماکرون در مصاحبه با روزنامه لبنانی «النهار» گفته جمهوری اسلامی گوش شنوا ندارد!

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی بعد از دیدار با جوزپ بورل برای مذاکره با غربی‌ها اعلام آمادگی کرد. آنهم پس از آنکه اسماعیل قائلی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی با اشاره به حمایت غربی‌ها از اعتراضات با بیان همیشگی مقامات جمهوری اسلامی گفت «بست‌فطرتی و نامردی در خصلت آمریکا، اروپا و تفاله‌هایشان در منطقه نهفته است و دست به کارهای تاکتیکی پست می‌زنند.»

● یک کارشناس مسائل سیاسی در ایران به ایرنا می‌گوید «آلمان سیاست‌های آمریکا را دیکته می‌کند» و «سلطنت‌طلبانی را که در این کشور حضور دارند تحریک می‌کند» و راهپیمایی علیه جمهوری اسلامی راه انداختند!

قدم زدن حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی کنار امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه و جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حاشیه نشست «بغداد۲۰۲۳» در اردن در حالی که هر سه مشغول خوش و بش به نظر می‌رسیدند، برای جمهوری اسلامی بجز یکی دو روز تبلیغات در مورد ادعای آغاز مذاکرات برجام هیچ عایدی نداشت.

در همین ارتباط، امانوئل ماکرون در مصاحبه با روزنامه لبنانی «النهار» گفته جمهوری اسلامی گوش شنوا ندارد!

او در این مصاحبه که جمعه ۲۳ دسامبر (دوم دی‌ماه) منتشر شد، تأکید کرد: «متقاعد شده‌ام که نمی‌توانیم برای مشکلات لبنان، عراق و سوریه راه حلی پیدا کنیم مگر در چارچوب کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران.» وی تأکید کرد که رژیم ایران گوش شنوایی برای مذاکرات ندارد و در مقابل دیگر طرفین مذاکرات رویکرد صادقانه

## اختصاصی؛ بازداشت شماری از پرسنل نیروهای مسلح و مدیران شرکت‌های پیمانکاری به اتهام خرابکاری در صنایع مخابراتی



آتش‌زدن و تخریب پست‌های مخابراتی (کله پست‌ها) زیاد شده است

مردم تلافی‌جویانه است. در گزارش‌های شهری روزانه که فرماندهان ارشد نیروی انتظامی دریافت می‌کنند هم آمده که مردم به تلافی قطع شدن اینترنت دست به خرابکاری زده‌اند.

اشاره‌ی این منبع به کارزاری است که از یکی دو ماه پیش در شبکه‌های اجتماعی راه افتاده و شهروندان اعلام کردند اگر اینترنت قطع شود لزومی ندارد اینترنت فعال باشد و آنها این اقدام سرکوبگرانه از سوی رژیم را تلافی می‌کنند. برخی می‌گویند این خواست نهادهای امنیتی است که اینترنت و تلفن قطع شود. در همین ارتباط سعید باستانی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن در مجلس دهم به روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته «اختیار بخش زیادی از کارها در دست وزارت ارتباطات نیست و این وزارتخانه به مرور وظیفه تصمیم‌گیری را از دست داده است و حالا می‌تواند بگوید چرا سرعت اینترنت اینگونه است.»

منبع دوم که پرسنل یکی از شرکت‌های اصلی ارائه دهنده سرویس اینترنت است به کیهان لندن می‌گوید: «از صفر تا صد ارائه سرویس اینترنت دست سپاه یا شرکت‌های مرتبط با سپاه است. قطع یا کند شدن آنهم تصمیم سپاه است. در حال حاضر فقط به سازمان‌ها و ارگان‌های خاص سرویس اینترنت ارائه می‌شود که آنهم گاهی مختل می‌شود اما مسئله قطع شبکه تلفن در زیرساخت‌های مخابراتی متفاوت است. بخشی از آن با اراده ارگان‌های امنیتی است اما بخش دیگر آن حملات شدید سایبری است.»

در حال حاضر بخش گسترده‌ای از شبکه‌های ارتباطی در ایران مختل شده است. معاونت فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) و مخابرات آجا (اداره امنیت و دفاع سایبری) در یک نامه با طبقه‌بندی «خیلی محرمانه» اعلام کرده با افزایش احتمال خرابکاری و تهدید در زیرساخت‌های

خرابکاری و حملات سایبری به زیرساخت‌ها هم شروع شد. شرکت مخابرات برای ارتقاء سطح ایمنی زیرساخت‌ها با سازمان پدافند غیرعامل قرارداد بست اما دیر شده بود.

● در یادار رستگاری مدیرعامل «صاایران» (صنایع الکترونیک ایران) ۱۵ آذر در یک سخنرانی با اشاره به «وجود خباثت‌ها، شرارت‌ها و تحریم‌ها و خرابکاری‌ها صنعتی دشمن» گفت نیروهای مسلح به ویژه وزارت دفاع و خانواده‌های آنها به آموزه‌های قرآن تاسی کردند و راه هموار شد!

در برخی شهرهای ایران از جمله مناطقی از تهران نه تنها اینترنت قطع شده و استفاده از VPN ممکن نیست بلکه تلفن‌های ثابت کابل مخابرات نیز قطع شده است.

یک منبع در صنایع دفاع به کیهان لندن می‌گوید «مسئله امنیتی» است. او توضیح می‌دهد «حکومت به زور اسلحه و سرکوب با صدور چند حکم اعدام خیابان‌ها را خلوت کرده اما خودشان بهتر می‌دانند وضعیت ناپایدار است بنابراین برای کنترل بیشتر اوضاع اینترنت را به ویژه در مناطق ملتهب مثل استان‌های غربی یا مناطقی در تهران و شهرهای دیگر قطع کردند و بعضی جاها سرویس اینترنت ارائه دادند که آنهم جوابگوی حجم بالای فعالیت‌های سازمان‌های دولتی نیست.»

همین منبع افزود: «بخش دیگری از اختلال در شبکه مخابرات مربوط به خرابکاری‌ست. در دو هفته اخیر بارها گزارش شد پست‌های مخابراتی کنار معابر از جا کنده شده یا آتش زده شدند. چندین حوضچه مخابراتی (منهول) به آتش کشیده شده است. در تهران موضوع چنان حاد شده که در شورای تأمین استان برای آن جلسه گذاشتند. مشکل اما این است که نمی‌توانند برای هر پست مخابرات یا برق در محلات نگرهان مستقر کنند. بازسازی این خسارات نیز هزینه زیادی دارد. به نظر می‌رسد این اقدامات از سوی

● یک منبع در صنایع دفاع به کیهان لندن گفته است قطع شبکه تلفن ثابت مثل قطع اینترنت «مسئله امنیتی» است. او می‌گوید: «در بعضی شهرها اگر وضعیت ملتهب شود تلفن ثابت را هم قطع می‌کنند. بخشی از قطع ارتباطات مربوط به خرابکاری کارکنان و تکنیسین‌های فنی درون سیستم است. بخش دیگری از اختلال هم مربوط به خرابکاری‌های تلافی‌جویانه شهری از سوی مردم است.»

● سعید باستانی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن در مجلس دهم به روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته «اختیار بخش زیادی از کارها در دست وزارت ارتباطات نیست و این وزارتخانه به مرور وظیفه تصمیم‌گیری را از دست داده است و حالا نمی‌تواند بگوید چرا سرعت اینترنت اینگونه است.»

● وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام کرده یک تیم جاسوسی و خرابکاری موساد را که قصد ایجاد شرکت‌های پوششی و بازاریابی امنیتی در صنایع دفاعی ایران را داشتند بازداشت کرده است.

● منبع دوم که پرسنل یکی از شرکت‌های اصلی ارائه دهنده سرویس اینترنت است به کیهان لندن می‌گوید: «از صفر تا صد ارائه سرویس اینترنت دست سپاه یا شرکت‌های مرتبط با سپاه است... اما مسئله قطع شبکه تلفن در زیرساخت‌های مخابراتی متفاوت است. بخشی از آن با اراده ارگان‌های امنیتی است اما بخش دیگر آن حملات شدید سایبری است.»

● اداره مخابرات ارتش به یگان‌ها ابلاغ کرده با افزایش احتمال خرابکاری و تهدید در زیرساخت‌های ارتباطی شرکت مخابرات و خرابکاری در حوضچه‌های مخابراتی (منهول) و پست‌های مخابراتی (داکت‌ها) برای جلوگیری از «غافلگیری» اقدام ضرورتی صورت گیرد.

● «چند هفته بعد از اینکه اعتراضات شروع شد

## فرمانده قرارگاه امنیتی «امام علی»: سلطنت طلبان و دولت آلمان علیه نظام جنگ ترکیبی به راه انداختند!



نصب بنر با شعار «خدای رنگین کمان» و «خدا شاه میهن» روی پل عابر پیاده با پیام خطاب به نظامیان و نیروهای مسلح

دیانت ما حمله کردند. موضوع کشف حجاب نیست، موضوع دهن کجی آنها به دین و همه مناسک پیامبر است.»

غیب‌پرور همچنین با بیان اینکه «انداختن عمامه» از سر روحانی موضوع تقابل تمام‌عیار با «اسلام عزیز» است، افزود: «آنها عاملی فریب‌خورده هستند؛ نمی‌گوییم از اسلام خارج هستند اما به آنها گفته شود و آگاه شوند.»

یادآوری می‌شود که اصلی‌ترین مأموریت «قرارگاه امام علی» سرکوب اعتراضات مردم است.

استاندار یزد نیز مشابه سخنان جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تکرار کرد و گفت در «اعتشاشات» دشمن مستکبر جریان سلطنت‌طلب را به خط کرده است.

حیدر مصلحی وزیر پیشین اطلاعات جمهوری اسلامی نیز هشدار داده «دشمن به دنبال ایجاد اشتباه محاسباتی در بین مردم و مسئولین است.»

محمد حسینی از دستیاران ارشد دولت «قاضی مرگ» بدون نام بردن از کسی گفته «متاسفانه در اعتشاشات اخیر بعضی‌ها در کشور روزه سکوت گرفتند و دشمن به خیال باطل فکر می‌کرد مردم در این فتنه‌گری، اغتشاشگران را حمایت می‌کنند.» یکی از مبلغان حکومتی نیز در خراسان گفته «برخی سیاسیون سخت‌شان است از فتنه سخن بگویند.»

شماری از کارشناسان حکومتی می‌گویند «فقط نیم درصد» مردم در اعتراضات حضور داشتند. پاسدار صادق محصولی دبیرکل «جبهه پایداری» هم معتقد است این آمار «زیر یک درصد» است. رئیس نهاد نمایندگی علی‌خامنه‌ای در دانشگاه‌ها

می‌گوید «۸۳ درصد مردم در اعتراضات شرکت نکرده‌اند ولی معترض‌اند» و «۱۰ درصد مردم اغتشاشات و ۵۵ درصد اعتراضات را تأیید می‌کنند.» اما آمار نهادهای زیرمجموعه

سردار رسول سنایی‌راد معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی رهبر جمهوری اسلامی می‌کند «در حوادث اخیر ۷۵ درصد خانواده‌ها با این حوادث و توطئه دشمنان همراهی نکردند.» به عبارت دیگر او تأیید می‌کند ۲۵ درصد مردم در

اعتراضات حضور دارند. در این میان، احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران بر خلاف انواع نظرسنجی‌ها و همچنین در تضاد با شعارها و اقدامات ابتکاری مردم، مدعی شده است «۸۰ درصد مردم ایران خواهان حجاب هستند و تنها ۲۰ درصد مردم پشت پا به مقدسات می‌زنند.»

● روز شنبه ۱۰ دی‌ماه در بازار تهران، نجف‌آباد و سمیرم در اصفهان و جوانرود و شماری از شهرهای دیگر مردم دست به تظاهرات اعتراضی زدند.

● سردار پاسدار غلامحسین غیب‌پرور جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در «قرارگاه امنیتی امام علی» می‌گوید، «در سه ماه اخیر جنگ ترکیبی را برای ما طراحی کردند و جریان مُرده سلطنت طلبان نیز آمدند اما نقش بد را آلمان‌ها داشتند!»

● رئیس نهاد نمایندگی علی‌خامنه‌ای در دانشگاه‌ها می‌گوید «۸۳ درصد مردم در اعتراضات شرکت نکرده‌اند ولی معترض‌اند» و «۱۰ درصد مردم اغتشاشات و ۵۵ درصد اعتراضات را تأیید می‌کنند.» اما آمار نهادهای زیرمجموعه

خامنه‌ای با یکدیگر تطبیق ندارند.

● سردار رسول سنایی‌راد معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی رهبر جمهوری اسلامی می‌کند «در حوادث اخیر ۷۵ درصد خانواده‌ها با این حوادث و توطئه دشمنان همراهی نکردند.» به عبارت دیگر، او تأیید می‌کند ۲۵ درصد مردم در اعتراضات حضور دارند.

با وجود اینکه مقامات جمهوری اسلامی مرتب ادعا می‌کنند اعتراضات تمام شده اما روز شنبه ۱۰ دی‌ماه در بازار تهران، نجف‌آباد و سمیرم در اصفهان و جوانرود و چند شهر دیگر مردم دست به تظاهرات اعتراضی زدند. وضعیت در بازار اصلی مشهد و تبریز نیز ملتهب بود و نیروهای امنیتی از صبح زود در نقاط مختلف حوالی بازار مستقر شده بودند.

شماری از کارکنان صنعت نفت از جمله پالایشگاه آبادان نیز دست به اعتصاب زدند. این درحالیست که با وجود سرکوب‌های گسترده روز جمعه ۹ دی‌ماه نیز هزاران نفر از مردم در زاهدان و خاش استان سیستان و بلوچستان تظاهرات کردند.

سردار پاسدار غلامحسین غیب‌پرور جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در «قرارگاه امنیتی امام علی» می‌گوید، «در سه ماه اخیر جنگ ترکیبی را برای ما طراحی کردند و جریان مُرده سلطنت‌طلبان نیز آمدند اما نقش بد را آلمان‌ها داشتند!»

او که در جمع سپاهی‌های جی‌پرفت سخنرانی می‌کرد با اشاره به اینکه «در جریان اغتشاشات بازار و مغازه‌ها را به زور تعطیل کردند و بانک و مغازه و اموال عمومی را آتش زدند» گفت، «در دانشگاه‌ها و مدارس ما مانور دادند و به

ارتباطی کابلی شرکت مخابرات و خرابکاری در حوضه‌های مخابراتی (منهول) و پست‌های مخابراتی (داکت‌ها) با توجه به وابستگی برخی شبکه‌های ارتباطی نیروی‌های مسلح از جمله APN و MVNO به زیرساخت‌های کابلی شرکت مخابرات برای جلوگیری از «غافلگیری» اقدام ضرورتی صورت گیرد.

در این نامه تأکید شده «همزمان با استفاده از سرویس‌های زیرساخت‌های فیبرنوری ویژه نیروهای مسلح» بطور حداکثری از بی‌سیم‌های DMR و رادیوهای تاکتیکی (دیجیتال و آنالوگ) استفاده شود.

همچنین اداره مخابرات ارتش به یگان‌ها هشدار داده در صورت ضرورت و از بین رفتن کلیه لایه‌های ارتباطی به عنوان آخرین لایه از «امربر موتور» برای مواقع ضروری استفاده شود. امربر فردی مطمئن است که نامه‌ها را از یگانی به یگان دیگر منتقل می‌کند.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام کرده یک تیم جاسوسی و خرابکاری موساد را که قصد ایجاد شرکت‌های پوششی و بازاریابی امنیتی در صنایع دفاعی ایران را داشتند بازداشت کرده است.

منبع اول که از کارکنان صنایع دفاع است می‌گوید: «تعدادی از بازداشتی‌ها از بین نیروهای مسلح و مدیران شرکت‌های پیمانکار در بخش مخابرات و ارتباطات بودند. بعضی از آنها قاجاچی قطعات الکترونیک دو منظوره وارد می‌کردند. اما در تور اطلاعاتی آژانس‌های غربی افتادند و کالاهایی که وارد کردند لو رفته است. بعضی از آنها مجبور به همکاری شدند. حتی نمی‌دانستند که دارند همکاری می‌کنند. آنها یکی دو سال پیش در آلمان و یک کشور دیگر اروپایی برای نوع کالاهایی که دنبال آن بودند احضار شدند و بعد از توضیح آزاد شدند. در پرونده‌ای دیگر پای یک شرکت پیمانکاری در تهران مرتبط با چین در میان است. حالا در همان تأسیساتی که از قطعات و فناوری‌های خارجی استفاده شده خرابکاری شده است. چند هفته بعد از اینکه اعتراضات شروع شد خرابکاری و حملات سایبری به زیرساخت‌ها هم شروع شد. شرکت مخابرات برای ارتقاء سطح ایمنی زیرساخت‌ها با سازمان پدافند غیرعامل قرارداد بست اما دیر شده بود. موضوع خیلی بزرگتر از آتش زدن چاله‌های مخابراتی و خرابکاری‌های شهری برای دهن کجی به حکومت است. آمار خرابکاری و سرقت قطعات دکل‌های مخابراتی خیلی زیاد شده. الان بهترین و شاید تنها کاری که فعلاً از دست‌شان برآمده قطع کردن شبکه‌هاست.»

این منبع می‌گوید: «حکومت در مورد خرابکاری در واحدهای صنعتی اغلب سکوت می‌کند مگر علنی شود. گاهی نشانه‌های آن علنی می‌شود. مثلاً اواسط آذر در یادار رستگاری مدیرعامل شرکت صابریان در یک جلسه قرآنی مورد خرابکاری‌ها صحبت کرد.»

رستگاری مدیرعامل «صابریان» (صنایع الکترونیک ایران) ۱۵ آذر در یک سخنرانی با اشاره به «وجود خیانت‌ها، شرارت‌ها و تحریم‌ها و خرابکاری‌های صنعتی دشمن» گفت نیروهای مسلح به ویژه وزارت دفاع و خانواده‌های آنها به آموزه‌های قرآن تاسی کردند و راه هموار شد!

وی همچنین توضیح داد: «بخشی از اختلال‌ها درون شبکه ارتباطی مخابرات کارشکنی پرسنل است. تکنیسین‌هایی که سیستم را می‌شناسند وقتی خرابکاری می‌کنند ردی از خودشان باقی نمی‌گذارند. آنها می‌دانند چطور عمل کنند که اگر بررسی هم شود مسئله فنی باشد. در سایر زیرساخت‌های اصلی هم وضعیت همین است. کمبود بنزین هم دلیلش همین است. وضعیت آنقدر بحرانی شده که حتی شورای امنیت ملّی نماینده سالانه تلکام را لغو کرد.»

## واکنش رسانه‌های حکومتی به «توییت مشترک» مخالفان جمهوری اسلامی: «ائتلاف غیررسمی» پهلوی با سلبریتی‌ها!



تظاهرات ایرانیان در برلین

یک ائتلاف نیم‌بند هم شکل نگرفت بلکه شکاف‌ها میان جریان‌های مختلف ضدایران از سلطنت‌طلب‌ها تا چپ‌ها و منافقین و از تجزیه‌طلبان تا سایر گروه‌ها بیش از پیش آشکار شد.

گفتنی است که تا پیش از این توییت مشترک، مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی مدعی بودند خیزش انقلابی مردم «توطئه خارجی با همکاری سلطنت‌طلب‌ها، منافقین و تجزیه‌طلبان است».

روز شنبه ۱۰ دی‌ماه شماری از چهره‌های مشهور مخالف جمهوری اسلامی متن کوتاهی را بطور مشترک به مناسبت سال نو میلادی ۲۰۲۳ در شبکه‌های اجتماعی خود از جمله توییت‌ها به اشتراک گذاشتند کردند که در آن آمده «سال ۲۰۲۲ سال شکوه همبستگی ایرانیان با هر باور و زبان و گرایش بود. با سازماندهی و همبستگی، سال ۲۰۲۳ سال پیروزی ملت ایران خواهد بود؛ سال تحقق آزادی و عدالت در ایران» این توییت مشترک از سوی بسیاری از ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی مورد استقبال قرار گرفت و برخی از مشارکت‌کنندگان در آن از جمله گلشیفته فراهانی و مسیح علینژاد در گفتگو با رسانه‌های مختلف توضیح دادند که این یک «ائتلاف» نیست بلکه یک گام در جهت همگرایی جهت پشتیبانی از انقلاب مردم ایران برای آزادی است که می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های عملی و ائتلاف بین احزاب و جریانات سیاسی اپوزیسیون ایرانی باشد.

شاهزاده رضا پهلوی شاخص‌ترین چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی که سال‌هاست برای همکاری و همگرایی نیروهای سیاسی و مدنی ایران فعالیت می‌کند پیشتر و بارها توضیح داده است که افراد می‌توانند با هم همکاری و همراهی داشته باشند اما موضوع ائتلاف امری مربوط به احزاب و گروه‌های سیاسی است.

در ایران آینده بازماند! در بخشی از این مطلب آمده «فقدان ایدئولوژی و نخبگی ثمرش در جنبشی تحقق یافت که برای نخستین بار فحاشی و الفاظ رکیک استادیومی را وارد گفتمان اعتراضی کرد و در عرصه عمل به خشونت بی‌سابقه و وندالیسم افراطی دست زد، که همین دلیل اصلی ریزش بدنه مردمی با حرکتی بود که در ابتدا به گمان اعتراض با آن همراه شده بود. هرچند از حرکتی که دختری فراری و معلوم‌الحال و لمپن‌هایی نظیر علی کریمی هدایت آن را در دست گرفته و آن را راهبری می‌کنند، نتیجه‌ای جز این هم انتظار نمی‌رود».

در پایان نویسنده مطلب در سخنانی عجیب که هیچ سنخیتی با انقلاب اسلامی و نتایج حاصل از آن ندارد، تأکید شده «لازمه هر انقلاب و دگرگونی سیاسی، ارائه تصویری به مراتب بهتر و مطلوب‌تر از شرایط موجود است که یک ملت را به پذیرش هزینه‌های تغییر متقاعد می‌کند، با وجود چنین اپوزیسیونی باید گفت آنچه در نهایت دستخوش نابودی و اضمحلال خواهد شد، نه نظام اسلامی، که بی‌تردید جبهه اپوزیسیون و برانداز نظام خواهد بود».

این مطلب خیرگزاری «مهر» عیناً در روزنامه «کیهان تهران» نیز منتشر شده است.

خیرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به این توییت مشترک واکنش نشان داده و نوشته است: «جلودار شدن چهره‌هایی چون کریمی و بنیادی که سواد سیاسی ندارند و با علینژاد نشان می‌دهد که لیدرهای جریان ضدانقلاب تاجه حد افراد سطح پایینی هستند که اتحاد توییتی آنها با هم مهم شده است!»

تسنیم همچنین نوشت، «از شروع آشوب‌های اخیر نیروهای اپوزیسیون که توهم انقلاب داشتند از ائتلاف و اتحاد میان خودشان حرف می‌زدند اما نه تنها حتی

خیرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به انتشار توییت مشترک شاهزاده رضا پهلوی به همراه چهره‌هایی مثل علی کریمی، نازنین بنیادی، مسیح علینژاد، حامد اسماعیلیون، گلشیفته فراهانی و سایرین واکنش نشان داد و آن را «ائتلاف غیررسمی» پهلوی با سلبریتی‌ها خواند. در این مطلب آمده «این اقدام بعد از آن صورت گرفت که برخی مقامات سابق آمریکا مریم رجوی را به عنوان رئیس جمهور حکومت آینده ایران برای فردای براندازی به رسمیت شناخته و در معادلات خود واقعی برای آخرین بازمانده سلطنت قائل نشدند!» این رسانه حکومتی سپس نوشته رضا پهلوی «به دنبال کسب اعتبار از چهره‌هایی عاری از هرگونه صلاحیت و نخبگی افتاد تا از غافله [قافله] رهبری در ایران آینده بازماند!»

خیرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به این توییت مشترک واکنش نشان داد و نوشت: «جلودار شدن چهره‌هایی چون کریمی و بنیادی که سواد سیاسی ندارند و با علینژاد نشان می‌دهد که لیدرهای جریان ضدانقلاب تاجه حد افراد سطح پایینی هستند که اتحاد توییتی آنها با هم مهم شده است!»

این توییت مشترک از سوی بسیاری از ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی مورد استقبال قرار گرفت و برخی از مشارکت‌کنندگان در آن از جمله گلشیفته فراهانی و مسیح علینژاد در گفتگو با رسانه‌های مختلف توضیح دادند که این یک «ائتلاف» نیست بلکه یک گام در جهت همگرایی جهت پشتیبانی از انقلاب مردم ایران برای آزادی است.

شاهزاده رضا پهلوی شاخص‌ترین چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی که سال‌هاست برای همکاری و همگرایی نیروهای سیاسی و مدنی ایران فعالیت می‌کند پیشتر و بارها توضیح داده است که افراد می‌توانند با هم همکاری و همراهی داشته باشند اما موضوع ائتلاف امری مربوط به احزاب و گروه‌های سیاسی است.

خیرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی ۱۲ دی‌ماه در گزارشی به انتشار توییت مشترک شاهزاده رضا پهلوی به همراه چهره‌هایی مثل علی کریمی، نازنین بنیادی، مسیح علینژاد، حامد اسماعیلیون، گلشیفته فراهانی و سایرین واکنش نشان داد و آن را «ائتلاف غیررسمی» پهلوی با سلبریتی‌ها خواند.

در این گزارش که مرتب از الفاظ توهین‌آمیز استفاده شده آمده «حضور شخصیت‌های زرد و مبتدلی نظیر سلبریتی‌های فراری در رأس معاندین با محوریت رضا پهلوی نشان از قهقرای اپوزیسیون در به میدان آوردن شخصیت موجهی برای مبارزه با جمهوری اسلامی دارد».

خیرگزاری مهر با این ادعا که اعتراضات مردم تمام شده است، انتشار توییت مشترک را «حرکتی حقیرانه» دانست و نوشت: «این اقدام بعد از آن صورت گرفت که برخی مقامات سابق آمریکا مریم رجوی را به عنوان رئیس جمهور حکومت آینده ایران برای فردای براندازی به رسمیت شناخته و در معادلات خود واقعی برای آخرین بازمانده سلطنت قائل نشدند!» این رسانه حکومتی سپس نوشته رضا پهلوی «به دنبال کسب اعتبار از چهره‌هایی عاری از هرگونه صلاحیت و نخبگی افتاد تا از غافله [تصحیح: قافله] رهبری

# اروپایی‌ها به دنبال تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ همزمان نایاک حامی «تغییر رژیم» شد!



تجمع نیروهای ارتش و سپاه در یادبود قاسم سلیمانی

سازمان‌های تروریستی آمریکا به جو بایدن فشار می‌آورند به این امید که مذاکرات اتمی به «احیای برجام» منتهی شود. در آمریکا نیز سناتورهای دموکرات تا نایاک همسو با جمهوری اسلامی برای خارج کردن سپاه از فهرست سازمان‌های تروریستی از هر راهی تلاش می‌کردند و به دنبال «احیای برجام» بودند.

اکنون نزدیک به چهار ماه پس از آغاز خیزش انقلابی مردم در ایران اما وضعیت آنقدر دگرگون شده که اروپایی‌ها عین آمریکا به دنبال قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی هستند و سازمان نایاک از «تغییر رژیم» در ایران حمایت می‌کند! در توییتهای که نایاک دیروز منتشر کرده آمده است «ما از درخواست تغییر رژیم به رهبری مردم ایران در داخل ایران و حق اساسی آنها برای تصمیم درباره آینده‌شان حمایت می‌کنیم. نایاک از ایرانیان وقتی خواستار اصلاحات بودند و برای دیپلماسی فشار می‌آوردند حمایت کرد و امروز که خواهان پایان جمهوری اسلامی هستند.» این ادعا در حالیست که همانوقت که مردم ایران در خیابان شعار می‌دادند «آخوند باید گم بشه» عوامل نایاک برای «احیای برجام» در تلاش بودند و با این و آن ملاقات می‌کردند و اطلاعات غلط و تحریف‌شده ارائه داده و مطالب غیرواقعی در رسانه‌های غربی منتشر می‌کردند.

چرخش اروپایی‌ها و آمریکا و همچنین معروف‌ترین لابیگران جمهوری عمق بحران‌های نظام را نشان می‌دهد. آنها دیگر امیدی به اینکه بتوانند مناسبات با رژیم را به شرایط قبل برگردانند ندارند.

سه سال پیش بسیاری از رسانه‌ها و تحلیلگران مدعی بودند اقدامات تلافی‌جویانه سپاه می‌تواند به آسانی منطقه را در جنگی فراگیر قرار بدهد که نشد. اکنون نیز اروپایی‌ها نباید از تهدیدات سپاه پاسداران بترسند چرا که قرار گرفتن نام سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی به تقویت جنبش انقلابی مردم در ایران کمک خواهد کرد. اروپایی‌ها هرچه بیشتر در قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی تعلل کنند هزینه مردم ایران در مبارزه بالاتر می‌رود.

برایتان نمانده است.»  
 روزنامه «کیهان تهران» در سومین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی در سرمقاله‌ای که ۱۲ دی‌ماه منتشر شد ادعا کرد اسماعیل قاننی جای خالی قاسم سلیمانی را برای «جبهه مقاومت» پُر کرد و حتا جریان مقاومت تصاعدی رو به رشد رفت. کیهان تهران به کارنامه سه ساله قاننی اشاره کرده که یکی از آنها کشتن ۲۵ اسرائیلی و حدود ۴۲۰ زخمی در این کشور در سال ۲۰۲۲ است! این اعتراف آماری خود سندی برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران به شمار می‌رود!  
 در این سرمقاله همچنین آمده: «سه سال از شهادت حاج قاسم گذشته اما او هنوز زنده است و تکثیر شده و به فضل الهی ما شاهدیم که «اسماعیل قاننی» نسخه دیگری از همان «قاسم سلیمانی» است.»

اکنون که موضوع قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی کشورهای اروپایی و حتا کانادا قرار گرفته است مقامات جمهوری اسلامی به رهبران غرب در اینباره هشدار می‌دهند.

محمدعلی جعفری فرمانده سابق سپاه تهدید کرده اگر آمریکا سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد یا تحریم کند پایگاه‌های آمریکایی در منطقه تا شعاع دو هزار کیلومتری را هدف قرار می‌دهند!

لابیگران جمهوری اسلامی در غرب و صادراتی‌های رژیم و همچنین تحلیلگران و پژوهشگران اندیشکده‌هایی مثل کوئینسی و سازمان‌هایی مانند نایاک و شورای آتلانتیک که مخالف قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا بودند با بزرگنمایی از قدرت نظامی رژیم ایران ادعا می‌کردند این اقدام با واکنش‌های شدید سپاه مواجه می‌شود و حتا ممکن است به وقوع یک جنگ منتهی شود!

**اوضاع دگرگون شد، نایاک هم حامی «تغییر رژیم» شد**  
 کمتر از یک سال پیش در فروردین ۱۴۰۱ مقامات فعلی و پیشین اروپا از جمله خاویر سولانا مسئول پیشین سیاست خارجی اروپا و جوزپ بورل مسئول فعلی سیاست خارجی اروپا و دستیارش انریکه مورا برای خارج کردن سپاه از فهرست

● کمتر از یک سال پیش در فروردین ۱۴۰۱ مقامات فعلی و پیشین اروپا از جمله خاویر سولانا مسئول پیشین سیاست خارجی اروپا و جوزپ بورل مسئول فعلی سیاست خارجی اروپا و دستیارش انریکه مورا برای خارج کردن سپاه از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا به جو بایدن فشار می‌آوردند به این امید که مذاکرات اتمی به «احیای برجام» منتهی شود.

● علاوه بر انگلیس، دولت‌های آلمان و هلند و همچنین کانادا قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی را بررسی می‌کنند.

در سومین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوالی فرودگاه بغداد با حمله پهبادی آمریکا، رهبران اروپا مسئله قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی را بررسی می‌کنند.

فروردین سال ۱۳۹۸ دونالد ترامپ رئیس جمهوری وقت آمریکا با قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپایی‌هاخواست آنها نیز این نهاد نظامی نام‌تعارف را تروریستی اعلام کنند اما آنکلا مرکل صدر اعظم وقت آلمان و امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه و بوریس جانسون نخست وزیر بریتانیا موافقت نکردند. اکنون سه سال از آن زمان گذشته و اروپا به همان نقطه‌ای رسیده است که ترامپ رسیده بود. روزنامه بریتانیایی «تلگراف» دوشنبه دوم ژانویه (۱۲ دی‌ماه) گزارش داد که قرار است سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی انگلیس به عنوان گروه تروریستی معرفی شود. در این گزارش آمده این اقدام در پی بیش از ۱۰ توطئه سپاه برای ربودن یا قتل افراد در بریتانیا در سال گذشته انجام خواهد شد و می‌تواند در هفته‌های آینده عملی شود.

به نوشته تلگراف، مقامات انگلیس بر اساس اطلاعات نهادهای امنیتی در حال تشکیل و تکمیل پرونده علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده‌اند.

دولت آلمان نیز در حال بررسی گنجاندن سپاه در لیست گروه‌های تروریستی است. پیش از این سازمان امنیت داخلی آلمان در بیانیه‌ای از ایرانیان مقیم این کشور و مخالفان جمهوری اسلامی خواسته بود که احتیاط را رعایت کرده و از سفر به ایران خودداری کنند.

توماس هالدن وانگ رئیس سازمان امنیت داخلی آلمان گفت بیش از ۲۰۰ هزار ایرانی تبار در آلمان زندگی می‌کنند که بیشترشان با جمهوری اسلامی مخالف هستند و رژیم عواملی را برای شناسایی منتقدان و مخالفانش در خاک آلمان به کار گرفته است. در این میان، مقامات جمهوری اسلامی خیزش مردم ایران را یک «توطئه خارجی» از سوی اسرائیل و غربی‌ها و بطور ویژه آلمان و آمریکا می‌دانند. پس از آنکه مقامات رسمی این دو کشور رسماً اعلام کردند مذاکرات با جمهوری اسلامی را متوقف کرده‌اند و روی اعتراضات ضدحکومتی و حمایت از مردم متمرکز شده‌اند، تهدیدات رژیم علیه منافع این دو کشور و شرکای آنها و همچنین ایرانیان خارج کشور بیشتر شد.

اسماعیل قاننی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اخیراً تهدید کرده بود «کسانی که حتا یک روز علیه جمهوری اسلامی کار رسانه‌ای کرده‌اند، اسمشان ثبت شده و نوبتش یک روز می‌رسد و ضربه آن را خواهید خورد و حالی‌تان هم نمی‌شود و چشم باز می‌کنید می‌بینید چیزی

## امکان دادرسی دوباره پرونده محسن شکاری بعد از اعدام! ۵۸ شهروند دیگر در خطر اعدام قرار دارند



مزار محسن شکاری



محسن شکاری توسط جمهوری اسلامی اعدام شد

محمد قبادلو، محمد بروغنی، منوچهر مهمان‌نواز، محمدمهدی کرمی، سیدمحمد حسینی، حسین محمدی، رضا آریا، حمید قره‌حسنلو و شعیب میربلوچ‌زهی ریگی حکم اعدام صادر کرده‌اند. از این میان، اجرای حکم اعدام ماهان صدرات به طور موقت، متوقف و پرونده او به دیوان عالی کشور ارسال شده است.

شعیب میربلوچ‌زهی ریگی، شهروندی که پس از جمعه خونین زاهدان دستگیر شد، کودک است و تنها ۱۷ سال دارد؛ اما حکم اعدام او در مجتمع قضایی شهید نوری زاهدان صادر شده است.

ابوالفضل مهری حسین حاجیلو نیز که نامش در فهرست متهمان در معرض خطر صدور حکم اعدام قرار دارد، ۱۷ سال دارد و فوتبالیست است. پرونده او در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی، مشهور به قاضی اعدام، در دست بررسی است و از آنجا که این نوجوان به «مقابله با حکومت اسلامی از طریق ایجاد حریق در وسیله مورد استفاده عمومی به منظور اخلال در نظم و امنیت کشور» متهم شده است، خطر صدور حکم اعدام برای او نیز وجود دارد.

بست اتهامات سنگین علیه شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات یکی از اقدامات سرکوبگرانه و سازمانیافته جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف بوده است. این اقدامات و اجرای سریع دو حکم اعدام طی هفته‌های گذشته با موجی از اعلام انزجار شهروندان و انتقادهای نهادها و مقامات بین‌المللی روبرو شد. همچنین شماری از حقوقدانان در کشور نیز به این احکام اعتراض کردند.

محسن برهانی در گفتگو با روزنامه اعتماد بار دیگر روند دادرسی و صدور احکام معترضان بازداشتی را زیر سوال برده و تأکید کرده که ایران پس از اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ با «چند چالش حقوقی» مواجه شده است.

او با اشاره به تبصره ماده ۴۸، گفت که این تبصره «برای مرحله دادرسی است» اما مقامات آن را «به دادگاه نیز تسری می‌دهند» و «می‌گویند در دادگاه هم وکلای مورد تأیید قوه قضاییه باید وکالت کنند» که این رویه «قطعا» مخالف قانون اساسی و قانون کیفری است.

محسن شکاری نخستین شهروند بازداشت‌شده در جریان جنبش انقلابی هفته‌های گذشته بود که حکم اعدام او اجرا شد. مجیدرضا رهنورد جوان ۲۳ ساله دیگر است که در مشهد با اتهام «محاربه» محاکمه و در طول چند روز به «اعدام» محکوم و حکم اعدام او نیز به سرعت و در بامداد ۲۱ آذر اجرا شد.

اینهمه در حالیست که به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر، ۵۸ بازداشت‌شده در جنبش انقلابی اخیر به اعدام محکوم شده‌اند یا در معرض خطر صدور حکم اعدام قرار دارند که دو زن و دو کودک نوجوان را نیز شامل می‌شود.

بر اساس این گزارش، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران تاکنون برای ۱۱ تن از بازداشت‌شدگان خیزش سراسری حکم اعدام صادر کرده است و ۴۷ تن دیگر نیز با اتهام‌هایی مانند بغی، محاربه و افساد فی‌الارض مواجه‌اند که می‌تواند به صدور حکم اعدام برای آنان منجر شود.

پیشتر سازمان عفو بین‌الملل گزارش داده بود که دستکم برای ۱۱ شهروند معترضی که در جریان اعتراضات اخیر در ایران بازداشت شدند حکم اعدام صادر شده و ۱۶ شهروند دیگر نیز با اتهامات سنگین «محاربه»، «افساد فی‌الارض» و «بغی» روبرو و در خطر صدور حکم اعدام قرار دارند.

خبرگزاری هرانا در گزارش جدید خود از آمار محکومان به اعدام و متهمان در خطر اعدام، تأکید کرده که «به دلیل فقدان شفافیت مسئولان قضایی در پرونده‌سازی‌های نهادهای امنیتی علیه معترضان، هویت تمامی متهمان به طور کامل مشخص نیست».

به عنوان مثال، در پرونده اعتراض‌های شهرک اکباتان و کشته شدن یک بسیجی، دست‌کم ۹ نفر متهم شده‌اند؛ با این حال هرانا تاکنون تنها هویت سه نفر را شناسایی کرده است. در پرونده مربوط به اعتراض‌های ملک‌شهر اصفهان و کشته شدن سه نفر از نیروهای جمهوری اسلامی ایران، نیز دست‌کم ۱۰ نفر متهم شده‌اند اما تنها هویت شش تن از آنان احراز شده است.

بر مبنای گزارش هرانا، دادگاه‌های انقلاب جمهوری اسلامی ایران تاکنون برای ماهان صدرات مرئی، سهند نورمحمدزاده،

● محسن برهانی وکیل دادگستری: چنانچه مشخص شود قاضی عمدا اشتباه کرده، خود قاضی باید دیه را بپردازد و چنانچه قاضی سهوا اشتباه کرده باشد، بیت‌المال باید دیه شکاری را به خانواده‌اش بپردازد!

● به گزارش خبرگزاری هرانا ۵۸ بازداشت‌شده در جنبش انقلابی اخیر به اعدام محکوم شده‌اند یا در معرض خطر صدور حکم اعدام قرار دارند که دو زن و دو کودک و نوجوان را نیز شامل می‌شود.

● قوه قضاییه از احکام «اعدام» صادر شده دفاع کرده و حتی شهروندان را سزاوار طناب دار، قطع دست و پا و نفی بلد دانسته است.

محسن برهانی وکیل دادگستری که در حوزه علمیه تحصیل کرده است گفته اولیای دم محسن شکاری، جوان معترضی که آذرماه گذشته اعدام شد، می‌توانند تقاضای دادرسی دوباره پرونده را داشته باشند. او معتقد است محسن شکاری نباید متهم به «محاربه» و محکوم به «اعدام» می‌شد.

محسن برهانی در گفتگو با روزنامه اعتماد گفته که در پرونده محسن شکاری اولیای دم می‌توانند دادرسی دوباره پرونده را طلب کنند و چنانچه مشخص شود قاضی عمدا اشتباه کرده، خود قاضی باید دیه را بپردازد و چنانچه قاضی سهوا اشتباه کرده باشد، بیت‌المال باید دیه شکاری را به خانواده‌اش بپردازد!

محسن شکاری جوان ۲۳ ساله در جریان اعتراضات سوم مهرماه در تهران بازداشت و به دلیل «بستن خیابان ستارخان» و «زخمی کردن یک بسیجی» به «محاربه» متهم شد. این در حالیست که بسیجی ادعا شده در کیفرخواست آسیب جدی ندیده بود و فقط یک خراش روی شانه‌اش خورده بود و البته در دادگاه نیز هیچ سندی دال بر اینکه محسن او را زخمی کرده ارائه نشد.

محسن شکاری در دادگاه امکان استفاده از وکیل انتخابی (تعیینی) نداشت و حتی در طول برگزاری دادگاه قاضی به او اجازه دفاع کامل از خود را نداد. محسن در نهایت به «اعدام» محکوم و حکم او ۷۵ روز پس از بازداشت در بامداد ۱۷ آذر اجرا شد.



## سالانه ۱۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج می‌شود؛ موج مهاجرت سرمایه انسانی افزایش یافت



در وضعیت فعلی شاهد خروج نخبگان از کشور در همه زمینه‌ها هستیم.

مسعود خوانساری با مقایسه آنچه پس از انقلاب ۵۷ بر سر اقتصاد ایران آمده و آنچه اقتصاد ترکیه در این ۴۳ سال طی کرده گفته که «اقتصاد ایران و ترکیه در سال ۱۳۵۷ نزدیک به هم بود اما اکنون ترکیه ۵۰۰ میلیارد دلار از اقتصاد ایران پیشی گرفته است.»

گزارش‌ها از خروج سرمایه از کشور اراقمی باورنکردنی را مطرح می‌کنند؛ آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد تنها در ۹ ماهه سال گذشته، بیش از ۱۰ میلیارد و ۱۳۴ میلیون دلار سرمایه از ایران خارج شده است.

روزنامه «وطن امروز» نزدیک به جناح اصولگرایان جمهوری اسلامی نیز در اواخر همراه گزارشی از وضعیت اقتصادی ایران پس از اعتراضات منتشر کرده و مدعی شده بود که با گذشت یک ماه از اعتراضات سراسری در ایران بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال پول شهروندان از بازار سرمایه خارج شده است.

گزارش‌های قبلی بانک مرکزی میزان خروج سرمایه از ایران در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ابتدای سال ۱۳۹۹ را بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده بود، یعنی در این مدت سالانه حدود ۱۱ میلیارد دلار از ایران خارج شده است.

خروج سرمایه نقدی و خروج سرمایه انسانی از ایران را می‌توان تهدیدی جدی برای اقتصاد کشور در سال‌های آینده ارزیابی کرد.

طی سال‌های گذشته علاقه به مهاجرت در انواع مختلف آن، در میان ایرانیان افزایش یافته و از پزشکی و پرستار و مهندس، تا دانشجو و کارگر و هنرمند به دنبال راهی برای مهاجرت و اقامت یا کار در کشورهای دیگر هستند.

یکی از مهمترین دلایل مهاجرت و خروج و سرمایه نقدی از ایران، عدم امنیت اقتصادی و اشتغال است. نه تنها صاحبان سرمایه با توجه به کاهش روزافزون ارزش ریال و افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ایران به دنبال تبدیل سرمایه خود به طلا و ارز یا خروج آن در کشور هستند تا ارزش آن حفظ شود بلکه نیروی کار نیز برای درآمد و امنیت شغلی به دنبال مهاجرت است. دستمزدهای ناچیز در

● بر اساس آمارهای بانک مرکزی تنها در ۹ ماهه سال گذشته، بیش از ۱۰ میلیارد و ۱۳۴ میلیون دلار سرمایه از ایران خارج شده است.

● خروج سرمایه از ایران در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ابتدای سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام شده، یعنی در این مدت سالانه حدود ۱۱ میلیارد دلار از ایران خارج شده است.

● سیمین کاظمی جامعه‌شناس گفته «شرایط شغلی، تنزل جایگاه و منزلت اجتماعی کادر درمان، فقدان تعادل بین کار و زندگی، فقدان انگیزه، شرایط عمومی کشور» از جمله دلایل مهاجرت ایرانیان است.

● بر اساس یافته‌های گالوپ تنها یک درصد از مهاجران ایرانی میل به بازگشت دارند و بر این اساس مهاجران ایرانی کمترین میزان تمایل بازگشت به کشور خود را در میان مهاجران کشورهای دیگر دارند.

رئیس اتاق بازرگانی تهران از خروج سالانه ۱۰ میلیارد دلار سرمایه از ایران خبر داده و گفته این روند رو به افزایش است. گزارش‌ها نشان می‌دهد مشکلات اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی در صدر دلایل تمایل مهاجرت از سوی ایرانیان است و تنها یک درصد از ایرانیان مهاجر، تمایل به بازگشت به کشورشان را دارند.

مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران اعلام کرده که خروج سالانه سرمایه از ایران به ۱۰ میلیارد دلار رسیده و به نظر می‌رسد که فرار سرمایه از این رقم نیز بیشتر شود. رئیس اتاق بازرگانی تهران با اشاره به تجربه تورم‌های دو رقیمی در ۴ دهه اخیر گفته که «تورم در سال‌های اخیر ۳۰ تا ۴۰ درصدی شده است همچنین ارزش پول ملی نسبت به تورم روزانه افت پیدا می‌کند و از سوی دیگر ما با مقوله کاهش سرمایه اجتماعی مواجه هستیم. امید است که برای ما باقی مانده است تحول دیجیتال است که می‌تواند عقب‌ماندگی‌های ما را جبران کند.»

مسعود خوانساری با تأکید بر اینکه وجود جوانان فعال در حوزه استارت‌آپ‌ها و هدایت دانش آنها به بخش‌های صنعتی و بازرگانی می‌تواند شرایط اقتصاد را بهبود ببخشد، گفته که

→ محسن برهانی با بیان اینکه در پرونده‌های بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری «وکلا تسخیری آن‌چنان که باید و شاید اقدام به دفاع نکردند»، گفت که «بسیاری» از آنها طوری وکالت می‌کنند «مانند این که می‌خواهند کاری را از سر خود باز کنند.»

این حقوقدان گفت: «سبکی درست شده که بسیاری از اشخاص می‌توانند وکیل بگیرند. متهم را مستقیماً سوار اتوبوس کرده و به دادگاه می‌برند. خانواده‌های این بنده خداها در بسیاری از موارد نمی‌فهمند که دادگاه چه زمانی است.» او تأکید کرد که «قبض و بسط قانون در شرایط بحرانی معنا ندارد» و در صورتی که حکومت بخواهد برای دوره‌های «استثنا و بحران و التهابات» جامعه «قواعد خاصی را ایجاد کند باید از قبل بیان کند تا تکلیف مردم هم روشن شود.»

محسن برهانی درباره فشارها برای اخراج او از دانشگاه، گفت که می‌دانست برای عبور از «خطوط قرمز» باید «هزینه سنگینی» بپردازد، اما «وظیفه یک حقوقدان است که خطوط قرمز قانون و شریعت را در بحران‌ها برجسته کند، بدون این که موضع سیاسی بگیرد.»

این استاد دانشگاه در توثیتی از پرونده‌سازی برای اخراجش از دانشگاه تهران خبر داده که به دلیل انتقاد او از احکام صادرشده علیه شهروندان معترض است. او نوشته که «معلمی در دانشگاه تهران افتخاری است کم‌نظیر اما نه آنقدر مهم که نکات حقوقی و شرعی را تذکر ندهم و بر حقوق قانونی مردم و خطوط قرمز شریعت، تأکید ننمایم. پرونده‌سازان و دروغ‌پردازان برای اخراج در تلاشند غافل از اینکه تدبیر امور در دست خداوند قادر متعال است.»

پیش از این مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه با صدور بیانیه‌ای درباره صدور و اجرای حکم اعدام علیه شهروندان معترض نوشته که اجرای حکم اعدام یکی از معترضان، آنهم در شرایطی که اقتضا می‌کند حکومت با شنیدن صدای اعتراض مردم در راه آرام کردن اوضاع گام بردارد، بخش عظیمی از جامعه به ویژه فرهیختگان و دلسوزان کشور را شگفت‌زده و وجدان عمومی را جریحه‌دارتر کرد.

در این بیانیه آمده که «صرف نظر از اشکالات فقهی و حقوقی که در روند دادرسی، صدور و اجرای ناگهانی این حکم وجود داشته است، اساساً اعدام راهکاری درست برای تأمین امنیت و کاستن از التهاب نیست؛ زیرا این کار به خشم و کینه جامعه می‌افزاید و ناآگاهی از فضای افکار عمومی جامعه و بی‌توجهی مسئولان امر به مصالح کشور را نشان می‌دهد. افزون بر این مشکل اصلی این است که روند قضائی این محاکمات نتوانسته است افکار عمومی را قانع کند.»

قوه قضائیه اما از احکام صادر شده دفاع کرده و حتی شهروندان را سزاوار طناب دار، قطع دست و پا و نفی بلد دانسته است.

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضائیه روز سه‌شنبه ۲۹ آذرماه ۱۴۰۱ از صدور احکام اعدام علیه شهروندان معترضی که از ابتدای خیزش ملی بازداشت شدند دفاع کرده و گفته که «در حوزه محاربه، یک مبانی قرآنی مطرح است که می‌توان به آیه شریفه ۳۳ سوره مائده اشاره کرد که می‌فرماید سزای کسانی که با خدا و پیامبر می‌جنگند و در زمین ظلم می‌کنند، سزایی نیست جز این که به دار آویخته شوند و یا نفی بلد شوند و پایشان در خلاف جهت بریده شوند و یا نفی بلد شوند.»

سخنگوی قوه قضائیه با حمله به «اساتید، حقوقدانان، روحانیون» و دیگر شهروندانی که صدور احکام «اعدام» و تعیین اتهامات سنگینی چون «محاربه» علیه معترضان بازداشت‌شده را زیر سوال برده‌اند، گفت این انتقادها «تشویش اذهان عمومی» است و «خط قرمز» است!

## ارائه ۵۰ هزار گزارش مشکوک به پولشویی در نظام بانکی! تلاش جمهوری اسلامی برای خروج از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف؟

- معاون وزیر اقتصاد: حدود ۸۰۰ دستگاه و زیرمجموعه‌ها را شناسایی کردیم که باید برای آنها برنامه‌ریزی کنیم تا جلوی ظهور و بروز معاملات مشکوک به پولشویی یا تأمین مالی تروریسم را بگیریم.
- شرکت‌های دولتی و غیردولتی با مشکلی بزرگتر از تحریم روبرو هستند که قرار داشت نام «ایران» در فهرست سیاه FATF است که امکان هر گونه تجارت و قرارداد رسمی در حوزه تجارت خارجی را محدود کرده است.
- جمهوری اسلامی به دلیل حمایت از گروه‌های تروریستی چون حزب‌الله لبنان و پولشویی برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک نظام در منطقه و جهان، حاضر به تصویب لوائح FATF نشده است.
- همزمان با خبرهایی درباره تلاش نظام برای به جریان افتادن دوباره مذاکرات اتمی و لغو تحریم‌ها، به نظر می‌رسد کفگیر چنان به ته دیگ خورده که برای خروج از فهرست سیاه FATF نیز دست به کار شده است.

معاون وزیر اقتصاد از ۵۰ هزار گزارش مشکوک به پولشویی در نظام بانکی خبر داده که هزار مورد آن برای پیگیری قضایی به قوه قضاییه ارسال شده است. او همچنین از برنامه‌ریزی برای ۸۰۰ دستگاه و زیرمجموعه‌های آنها جهت جلوگیری از «ظهور و بروز معاملات مشکوک به پولشویی یا تأمین مالی تروریسم» خبر داده است. در حالی که جمهوری اسلامی از نظر ایدئولوژیک و ساختاری و عملی از حامیان مهم تروریسم اسلامگرا و پولشویان بزرگ در منطقه و جهان به شمار می‌رود، به نظر می‌رسد ارائه این آمارها بیشتر در جهت تلاش جمهوری اسلامی برای خروج از فهرست سیاه FATF در کنار تلاش پشت پرده برای احیای برجام و برداشته شدن تحریم‌هاست.

هادی خانی رییس مرکز اطلاعات مالی و معاون وزیر اقتصاد گفته ۵۰ هزار گزارش معامله مشکوک به پولشویی در نظام بانکی دریافت کردیم که نزدیک به یک‌هزار مورد از آنها به مراجع قضایی اعلام شده است. او همچنین گفته که «حدود ۸۰۰ دستگاه و زیرمجموعه‌ها را شناسایی کردیم که باید برای آنها برنامه‌ریزی کنیم تا جلوی ظهور و بروز معاملات مشکوک به پولشویی یا تأمین مالی تروریسم را بگیریم».

معاون وزیر اقتصاد این اطلاعات را در کارگاهی با عنوان «مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم» که روز یکشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۱ ویژه قضات، دادستان‌ها، دادپارها و بازپرسان دادسرای جرائم اقتصادی و دادگاه انقلاب اسلامی استان‌های تهران و البرز برگزار شد مطرح کرده است.

هادی خانی در این کارگاه مدعی شده که «شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرائم پولشویی و تأمین مالی تروریسم دو تکلیف مهم دارد که در بعد داخلی موضوع

دقیقی از مهاجرت پرستاران در دست نیست. سال ۲۰۱۸ و تنها در کشور آمریکا، چهار هزار پرستار ایرانی فعال بودند. تعداد پزشکان ایرانی که به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. بر اساس داده‌های سالنامه مهاجرت ۱۴۰۱، سه دسته عوامل مرتبط با مسائل اقتصادی، مدیریتی و شغلی - رفاهی بر مهاجرت بخش سلامت تأثیرگذار است. آنطور که نتایج این پیمایش نشان می‌دهد، از نظر عوامل کلان اقتصادی و اجتماعی موثر بر مهاجرت بیش از ۵۰ درصد از افراد شرکت‌کننده معتقد بودند بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی در ایران، فساد نهادینه در کشور و شیوه حکمرانی در کشور مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت در حوزه سلامت هستند. به طور کلی در میان شاغلان بخش سلامت، عواملی مانند عدم تناسب میان درآمد و هزینه‌های زندگی، تبعیض و نابرابری درآمدی در افزایش انگیزه افراد برای مهاجرت بیشتر است. همچنین رانت و روابط نامسام مدیران و ناکارآمدی مدیران بهداشت و درمان کشور نیز به عنوان عوامل مدیریتی تأثیرگذار بر مهاجرت کادر درمان است. سیمین کاظمی جامعه‌شناس نیز درباره مهاجرت کادر درمان گفته «با توجه به تحقیقاتی که روی دانشجویان پزشکی دانشکده شهید بهشتی انجام دادم، عوامل اصلی مهاجرت کادر درمان در ۸ مورد طبقه‌بندی می‌شوند: شرایط شغلی، شرایط تحصیلی، تنزل جایگاه و منزلت اجتماعی کادر درمان،



فقدان تعادل بین کار و زندگی، فقدان انگیزه، تأثیرپذیری از دیگران، شرایط عمومی کشور (از جمله وضعیت اقتصادی و اجتماعی)، مقایسه وضعیت ایران با کشورهای دیگر.»

به گفته این جامعه‌شناس «کادر درمان عقیده دارند که تلاش کردن در ایران بی‌فایده است و اغلب آنها از اصلاح امور ناامید هستند».

آمارها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۰ میلادی رتبه ایران در مهاجرت شهروندان از کشور در میان ۲۳۲ کشور ۵۴ بود. در همان سال هم رتبه مهاجرت دانشجویان از ایران در میان ۲۴۱ کشور ۱۷ بود. بر اساس یافته‌های گالوپ تنها یک درصد از مهاجران ایرانی میل به بازگشت دارند و بر این اساس مهاجران ایرانی کمترین میزان تمایل بازگشت به کشور خود را در میان مهاجران کشورهای دیگر دارند!

سیمین کاظمی همچنین درباره چرایی میل بسیار کم ایرانیان برای بازگشت به کشور گفته که «شرایط کشور به گونه‌ای است که اگر کسی خودش را از این وضعیت نجات دهد حاضر نیست دوباره به همان شرایط برگردد. مهاجران به همه مشکلات مهاجرت واقف‌اند اما آن را به جان می‌خرند تا چیزهای مهم دیگری به‌دست بیاورند.»

ایران که نه تناسبی با دستمزدهای مشاغل هم‌تراز در منطقه دارد و نه تناسبی با تورم و خط فقر در ایران مهم‌ترین انگیزه نیروی کار برای مهاجرت به دیگر کشورهاست.

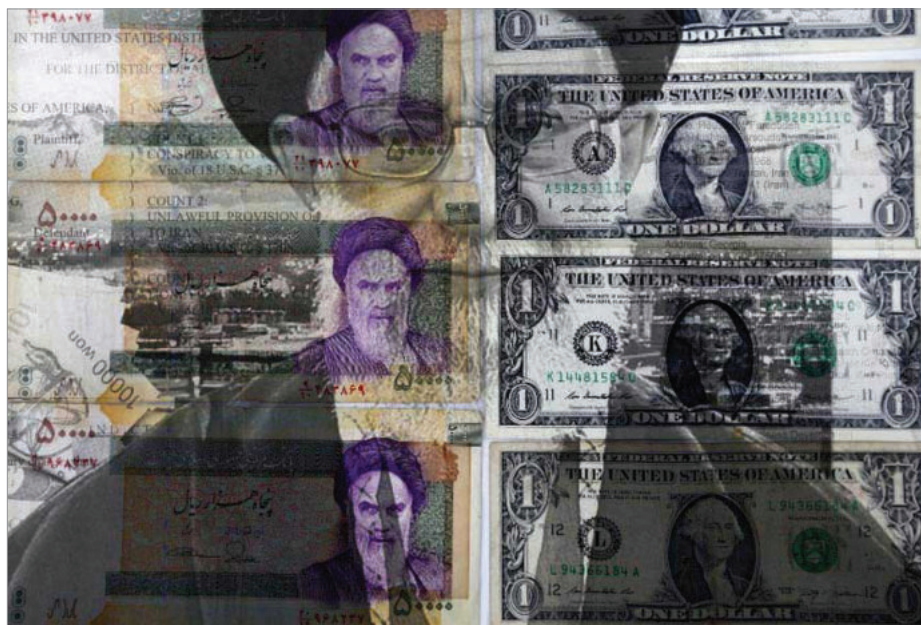
در شرایطی در دهه‌های گذشته نخبگان و دانشجویان مقاطع تکمیلی بیشتری جمعیت مهاجران تحت عنوان «فرار مغزها» را تشکیل می‌دادند که اکنون از نیروی کار تحصیلکرده از جمله پزشک و پرستار و مهندس، تا دیگر نیروهای کار حرفه‌ای و ماهر مانند استادکاران ساختمانی، کشاورزان و طراحان فرش در حال مهاجرت به کشورهای دیگر هستند.

بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت گفته که «نرخ مشارکت اقتصادی کشور ۴۰ درصد است که این درصد بحرانی‌ست. وقتی اینترنت را می‌بندیم، اشتغال از بین می‌رود. ۲۵ سال طول می‌کشد که نیروی مولد در کشور تولید شود، در حالی که نیروی مولد ما به نیروی غیرمولد تبدیل شده و در کشورهای دیگر به دنبال آینده خود می‌گردد. در چنین شرایطی از افزایش جمعیت سخن گفته می‌شود. تا زمانی که مطمئن نباشیم از نظر اقتصادی و اجتماعی، وضعیت مان خوب می‌شود به سوی فرزندآوری و افزایش جمعیت نمی‌رویم. در چنین شرایطی هر چقدر هم افزایش جمعیت داشته باشیم باز هم از کشور مهاجرت می‌کنند. به عبارتی ما در تراز منفی هستیم و تا زمانیکه در

این وضعیت قرار داشته باشیم وضع همین است.»

مهاجرت کادر درمان از کشور در سه سال گذشته و پس از شیوع کرونا با افزایش چشمگیری روبرو شد. «رصدخانه مهاجرت ایران» در پیمایشی در تابستان سال ۱۴۰۱ میزان تمایل، تصمیم و اقدام به مهاجرت حوزه سلامت را بررسی کرد. بر اساس این پیمایش نیمی از شرکت‌کنندگان تمایل زیاد و بسیار زیاد به مهاجرت داشتند. نکته مهم‌تر در این پیمایش این است که بیش از یک سوم افراد شرکت‌کننده حتی تمایل به کار در مشاغل غیرتخصصی و پایین‌تر در خارج از کشور را داشتند. به عبارتی نیروهای آموزش‌دیده، پس از سال‌ها تحصیل ترجیح می‌دهند در مشاغلی به جز آنچه برای آن زحمت کشیده و آمادگی دارند و حتی در رده‌های پایین‌تر مشغول به کار شوند، اما از ایران بروند.

بر اساس گزارش «رصدخانه مهاجرت ایران»، مهاجرت داوطلبانه نیروی متخصص تحصیلکرده و نیروی کار ماهر در سه سال گذشته منجر به خروج بیش از چهار هزار پزشک از ایران شده است. باید در نظر داشت این آمار فقط برای پزشکان است و اگر با آمارهای مهاجرت پرستاران و سایر بخش‌های حوزه سلامت تجمیع شود، رقم بزرگ‌تری حاصل می‌شود. آمار



→ راهبردی، نظارت و تدوین برنامه‌های مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم که همه حول محور مبارزه با فساد تعریف می‌شود و در بُعد بین‌المللی تبیین اقدامات کشور در مراجع بین‌المللی است.»

او همچنین مدعی افزایش فعالیت‌هایی با محور «مقابله و پیشگیری از جرائم پولشویی و تأمین مالی تروریسم» در دولت سیزدهم شده و گفته که «در موضوع شناسایی معاملات مشکوک، بسیاری از دستگاه‌هایی که امروز در کشور متولی [مسئول] مدیریت چرخش اقتصاد و زنجیره اقتصاد هستند می‌توانند بروز و ظهور پولشویی را شاهد باشند که باید تدابیری برای آن اتخاذ شود. غیر از بانک‌ها، بورس، بیمه، برخی از شرکت‌های صنعتی و هر جایی که این امکان وجود داشته باشد که پول کثیف وارد و تطهیر شده و وارد چرخه اقتصاد شود به ستاد پولشویی مرتبط است.»

به گفته معاون وزیر اقتصاد «جلسات مرکز اطلاعات مالی و دبیرخانه شورای عالی مبارزه با پولشویی یک هفته در میان با حضور ۷ وزیر دولت، نماینده قوه قضائیه، سه نماینده مجلس و رؤسای دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی عضو هستند تشکیل می‌شود و همه هماهنگ در یک تقسیم کار ملی تلاش می‌کنند.»

او همچنین از امضای یک تفاهم‌نامه چندجانبه با قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و پلیس امنیت اقتصادی خبر داده که در آن «یک تقسیم کار و ایجاد کمیته ضربت و برخورد با پرونده‌های فساد علی‌الخصوص پرونده‌های پولشویی و تأمین مالی تروریسم وجود دارد و امیدوارم شاهد هماهنگی بیشتری بین متولیان [مسئولان] باشیم.»

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی از نظر ایدئولوژیک و آرمانی در کل چهار دهه گذشته حامی و پشتیبان گروه‌های تروریستی به ویژه گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی اسلامگرا در منطقه بوده و به پولشویی نیز اشتغال داشته است. بازوی اصلی این حمایت‌ها سازمان برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سپاه قدس، است اما در حوزه‌های دیگر نیز انواع پولشویی برای دور زدن تحریم و پیشبرد اهداف ایدئولوژیک یا مافیاهای نظام در جریان است.

از سوی دیگر ساختار بانکی و اقتصادی ایران با وجود مافیاهای شبکه‌ای و موازی قدرتمند فعال که بخشی از آن به جریانات و مقامات ارشد حکومتی، بخشی به علمای حوزه علمیه و بخشی به سپاه پاسداران متصل است، به شدت غیرشفاف است. عدم شفافیت و فساد در شبکه بانکی و پولی جمهوری اسلامی در کنار ساختار اداری رانتی در کشور، سبب شده حتی برخی افراد حکومتی مانند احمد توکلی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی نیز فساد در جمهوری اسلامی را «فساد سیستماتیک» عنوان کنند.

جمهوری اسلامی هیچ تلاشی در ساختار بانکی و اداری برای شفافیت و قطع کردن دست مافیاهای نظام اقتصادی کشور انجام نداده و گزارش‌ها از قرار داشتن انحصاری بخش‌هایی از اقتصاد کشور در دست گروه‌های مافیایی خود حکومت خبر می‌دهند.

برای نمونه احسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم وعده داده بود که فهرست کامل بدهکاران بانکی را منتشر کند. بدهکاران بانکی، افراد حقیقی یا شرکت‌هایی هستند که وام‌هایی از نظام بانکی دریافت اما اقساط وام را پرداخت نکردند. از آنجا که دریافت وام‌هایی با ارقام سنگین یکی از راه‌های اختلاس و رانت‌خواری از سوی مقامات حکومتی، «آقازاده‌ها» و افراد دارای رابطه است، این امیدواری وجود داشت که بخشی از شبکه چند لایه فاسدان حکومتی و شرکت‌های پوششی آنها با انتشار این فهرست مشخص شود.

اما فهرست منتشر شده ناقص بود!

در حالی که در مراحل نخست انتشار فهرست ناقص از بدهکاران بانکی، انتقادهایی متوجه دولت شد، لایحه‌ای به سرعت از سوی دولت تدوین و در مجلس تصویب شد که بر اساس آن نام افراد حقیقی و شرکت‌هایی که کمتر از ۱۰۰ میلیارد تومان بدهی دارند منتشر نشود. به معنای دیگر کسانی که حتی تا ۹۹ میلیارد تومان وام بگیرند و آن را پس ندهند، نام‌شان پنهان خواهد ماند. این در حالیست که بر اساس گزارش‌ها بیش از نیمی از تسهیلات پرداختی در نظام بانکی زیر ۱۰۰ میلیارد تومان است و با این مصوبه دولت ۸۲ درصد از گیرندگان وام که اقساط خود را پس نداده‌اند منتشر نکردند. این موضوع نشان می‌داد تا چه اندازه مافیاهای قدرت تغییر اراده و قوانین در کشور را دارند!

در چنین شرایطی سخنان اخیر هادی خانی رییس مرکز اطلاعات مالی و معاون وزیر اقتصاد درباره «اراده» و «برنامه‌ریزی» دولت برای شناسایی و جلوگیری از پولشویی در نظام بانکی بیشتر به تلاش جمهوری اسلامی برای خروج از فهرست سپاه FATF مرتبط است.

با بازگشت تحریم‌ها پس از خروج ایالات متحده از برجام، درآمدهای ارزی در ایران به شدت کاهش یافت. جمهوری اسلامی هرچند با استفاده از روش‌های مختلف قاچاق امکان فروش حداقلی نفت را فراهم کرده اما از یکسو ناچار به دادن تخفیف‌های ویژه به خریداران نفت تحریمی کشور است و از سوی دیگر بخش زیادی از درآمد نفت به جیب دلان و شبکه‌های پنهانی است که امکان مبادلات مالی و انتقال نفت ایران را فراهم می‌کند.

در آنسو اما شرکت‌های دولتی و غیردولتی با مشکلی بزرگتر از تحریم روبرو هستند و آن قرار داشتن نام «ایران» در فهرست سپاه FATF است که امکان هرگونه تجارت و قرارداد رسمی در حوزه تجارت خارجی را محدود کرده است.

ایران پس از برجام به فهرست خاکستری منتقل شد تا در این فرصت، جمهوری اسلامی توصیه‌ها و اصلاحات لازم را برای تضمین ایمنی سیستم بانکی‌اش جهت جلوگیری از پولشویی و حمایت از تروریسم اجرا کند. جمهوری اسلامی به دلیل حمایت از گروه‌های تروریستی چون حزب‌الله لبنان و پولشویی برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک نظام در منطقه و جهان، حاضر به تصویب لایحه FATF نشده و با این کار سال‌هاست اقتصاد ایران را در بن‌بست قرار داده است.

لایحه مربوط به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) که به عنوان لایحه چهارگانه نیز شناخته می‌شوند شامل «لایحه پیوستن ایران به کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی معروف به کنوانسیون پالمو»، «لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT)»، «لایحه اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی» و «لایحه اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» هستند.

جمهوری اسلامی پس از چند سال کشمکش و تأخیر، تنها دو لایحه را پذیرفته و لایحه پالمو هم تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان را دارد اما در مجمع تشخیص مصلحت نظام گیر کرده و معلق مانده است. لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) نیز با اختلاف نظر شدید میان مقامات جمهوری اسلامی روبرو بوده و این لایحه نیز در انتظار تعیین تکلیف در مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

تصمیم درباره پذیرش همه لایحه FATF که به خروج ایران از فهرست سپاه این گروه و باز شدن مسیر مرادفات مالی و بانکی با دیگر کشورهاست در دست علی خامنه‌ای است. رهبر جمهوری اسلامی و جریان اصلی قدرت در جمهوری اسلامی با پذیرش این لایحه به ویژه کنوانسیون مقابله با تأمین مالی و پالمو مخالف هستند. بدون شک پذیرش این لایحه به معنای بسته شدن دست جمهوری اسلامی در پیشبرد اهداف تروریستی-ایدئولوژیک در منطقه و جهان خواهد بود.

در آنسو اما قرار داشتن ایران در فهرست سپاه FATF، حتی در صورت توافق هسته‌ای و لغو همه تحریم‌ها، محدودیت‌های زیادی بر سر راه تجارت خارجی ایران باقی خواهد گذاشت. کارشناسان زیادی در اینباره هشدار داده‌اند؛ از جمله مهرداد عباد عضو هیئت نمایندگی اتاق بازرگانی تهران اسفندماه گذشته گفته بود که «اگر نتوانیم وارد FATF شویم، نمی‌توانیم جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشیم. برای انتقال پول در سطح بین‌المللی، باز کردن LC و فاینانس ما حتما نیاز داریم که به FATF بپیوندیم. اگر سرمایه‌گذاران خارجی هم بخواهند وارد ایران شوند موضوع شفافیت برایشان حائز اهمیت است.»

اکنون، همزمان با خبرهایی درباره تلاش جمهوری اسلامی برای به جریان افتادن دوباره مذاکرات اتمی و لغو تحریم‌ها، به نظر می‌رسد تفکر نظام چنان به ته دیگ خورده که برای خروج از فهرست سپاه FATF نیز دست به کار شده است.



## از تباہکاری‌های جمهوری اسلامی: دو برابر شدن خط فقر مطلق طی یک سال

نیز ناامیدی در میان مردم و انتظارات تورمی در اقتصاد را افزایش می‌دهد. برای نمونه محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی گفته که «رئیس‌جمهور بر سر مساله خوراک و سلامت و مسکن مردم حساسیت خاصی دارند. تصمیم گرفتیم تا دو سال نرخ ارز کالاهای اساسی را ثابت نگه داریم تا با تنش جدی در قیمت‌ها مواجه نشویم.»

در میان وعده‌ها و سخنان نسنجیده مقامات دولتی که به مردم و بازارهای مختلف پیام می‌دهد که دولت‌مردان همچنان فهمی از شرایط و مشکلات اقتصادی کشور ندارند، توهام ایدئولوژیک مقامات نیز مردم را بیش از پیش از جمهوری اسلامی و ایجاد دستکم معیشت قابل قبول و حداقلی برای شهروندان ناامید می‌کند.

عباس کاظمی فرماندار قزوین از جمله مقاماتی است که ناکارآمدی اقتصادی جمهوری اسلامی را با واژه فراقکنانه «دشمن» مرتبط کرده و گفته که «دشمنان دیدند که در اثر ادامه اقدامات جنگ ترکیبی و اغتشاش کف خیابان جوابی نمی‌گیرند دوباره وارد جنگ اقتصادی شدند؛ چرا که حوزه اقتصاد بیشترین نقش در روان جامعه دارد.»

فرماندار قزوین در ادامه گفته که «در حال حاضر ما ناترازی ارزی نداریم در حالی که در سال‌های گذشته ۹۶ تا ۹۸ دچار ناترازی ارزی شدیم و مصارف از درآمد ارزی پیشی گرفت؛ اقداماتی انجام شده که تأثیرات خوبی در حوزه اقتصادی دارد و باید با هوشیاری کار بزرگی انجام شود.»

در این میان محمدرضا فرزین رئیس جدید بانک مرکزی نیز آب پاکی روی فعالان اقتصادی در کشور ریخته و گفته که بانک مرکزی به تنهایی توان حفظ ارزش پول ملی را ندارد. او گفته که «وظیفه بانک مرکزی حفظ ارزش پول و کنترل تورم است؛ اما امروزه فقط توسط بانک مرکزی و سیاست‌های پولی امکان‌پذیر نیست.»

البته سال‌هاست که ساختار اقتصادی کشور به دست مافیاهای وابسته به ارکان مختلف حکومت افتاده و از حوزه علمیه تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هر یک بر یک بخش از اقتصاد کشور چنگ انداخته و آنقدر ریشه دوانده‌اند که دیگر مهره‌های کابینه را به سود تغییر و در مجلس شورای اسلامی قانونگذاری می‌کنند.

در فضای تباہکارانه‌ای که جمهوری اسلامی در اقتصاد ایران ایجاد کرده، بدون شک نه تنها فقر و فلاکت همچنان در حال گسترش خواهد بود بلکه روند سقوط خانوارهای متوسط به زیر خط فقر نیز در ماه‌های آینده با سرعت بیشتری روبرو خواهد شد.

را رقم زد. خروج ایالات متحده از برجام درآمدهای ارزی جمهوری اسلامی را به شدت کاهش داد و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF به دلیل عدم تصویب لوائح مربوط به آن از سوی نظام، وضعیت تجارت خارجی ایران را دچار پیچیدگی مضاعف کرد.

آمارهایی که اکنون از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر شده بر اساس آمارهایی است که از سوی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی ارائه می‌شود. این آمارها چه درباره تورم و چه درباره افزایش شمار افراد فقیر در کشور معمولا کمتر از آمارهای واقعی است. در نتیجه پیش‌بینی می‌شود که آمار واقعی فقر در ایران خیلی بیش از آمارهای مورد ادعای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باشد. اینهمه در حالیست که آمارهای تورم و فقر در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ حتما با افزایش قابل توجهی روبرو خواهد شد. دولت ابراهیم رئیسی ابتدای امسال ارز ترجیحی، یا همان دلار ۴۲۰۰، برای واردات کالاهای اساسی را حذف کرد و در نتیجه این اقدام بدهنگام، قیمت مواد غذایی با تورمی بیش از تورم عمومی اقتصاد روبرو شد. در بهار امسال تورم مواد خوراکی تا نزدیک ۹۰ درصد افزایش را نیز تجربه کرد و برخی اقلام خوراکی طی ماه‌های گذشته با بیش از دو برابر افزایش قیمت روبرو شدند.

قیمت ارز هم در هفته‌های گذشته با رکوردهای تازه‌ای روبرو شد و هر دلار آمریکا تا مرز ۴۵ هزار تومان رسید. افزایش نجومی قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی حتی اگر قیمت ارز در هفته‌های پیش رو کنترل شود، باز هم اثری منفی بر قیمت همه کالاها و خدمات برجای خواهد گذاشت. پیش از موج افزایش قیمت ارز در هفته‌های گذشته هم صندوق بین‌المللی پول گزارش داده بود که نرخ تورم ایران در سال جدید میلادی نیز ۴۰ درصد خواهد بود که بالاترین رقم در جهان بعد از کشورهای ونزوئلا، سودان، زیمبابوه، ترکیه و آرژانتین است.

در چنین شرایطی چشم‌انداز وضعیت تورم و فقر، چشم‌اندازی نگران‌کننده است و حتی سبب هشدارهایی از سوی برخی مقامات حکومتی شده است.

اسماعیل حسین زهی نماینده خاش در مجلس شورای اسلامی روز گذشته در تذکره به سران سه قوه پرسید که «آیا می‌دانید در استان سیستان و بلوچستان چه می‌گذرد؟ مردم در صف‌های نان چیزی حدود سه ساعت می‌ایستند و صف سوخت به ۳ کیلومتر می‌رسد.»

در این میان ادعاهای عجیب و نسنجیده مقامات دولتی

● گزارش وزارت کار نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ شمار کسانی که زیر خط فقر مطلق قرار دارند، دو برابر شده است. کارشناسان اقتصادی پیشتر از زیر خط فقر قرار داشتن یک سوم جمعیت کشور خبر داده بودند.

● افزایش نجومی قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی حتی اگر قیمت ارز در هفته‌های پیش رو کنترل شود، باز هم اثری منفی بر قیمت همه کالاها و خدمات برجای خواهد گذاشت.

● در فضای تباہکارانه‌ای که جمهوری اسلامی در اقتصاد ایران ایجاد کرده، بدون شک نه تنها فقر و فلاکت همچنان در حال گسترش خواهد بود بلکه روند سقوط خانوارهای متوسط به زیر خط فقر نیز در ماه‌های آینده با سرعت بیشتری روبرو خواهد شد.

جدیدترین گزارش «پایش فقر» نشان می‌دهد رقم خط فقر مطلق در سال ۱۴۰۰ نسبت به یک سال پیشتر با افزایش ۵۰ درصدی روبرو شده و یک سوم جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق قرار دارند. با توجه به افزایش پرسرعت تورم در سال ۱۴۰۱ و کاهش شدید ارزش پول ملی، امسال جمعیت افراد رانده شده به زیر «خط فقر» و «خط فقر مطلق» با افزایش بیشتری روبرو شده است.

بر اساس گزارش «پایش فقر» که توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر شده خط فقر مطلق در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ رشد حدود ۵۰ درصدی داشت و به یک میلیون و ۶۸۲ هزار تومان سرانه در ماه رسید و بر این اساس، خط فقر مطلق یک خانوار چهارنفره در سال گذشته به چهار میلیون و ۵۴۱ هزار تومان و برای ساکنان تهران به ۷٫۴ میلیون رسید.

گزارش وزارت کار نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، شمار کسانی که زیر خط فقر مطلق قرار دارند، دو برابر شده است. کارشناسان اقتصادی پیشتر از زیر خط فقر قرار داشتن یک سوم جمعیت کشور خبر داده بودند. همچنین متوسط سرانه دریافت کالری به خاطر ناتوانی خانوارها برای تأمین خوراک مناسب، از ۲۷۰۰ کیلوکالری در سال ۱۳۹۰ به زیر ۲۲۰۰ کیلوکالری در سال گذشته سقوط کرده است.

طی سال‌های گذشته تورم در ایران با افزایش زیادی روبرو بوده و بطور متوسط تورم در هر ماه در کانال ۴۰ درصدی قرار داشته است. هرچند در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ اقتصاد بسیاری از کشورها متأثر از شیوع کرونا دچار رکود تورمی شد اما در ایران اثرات چهار دهه ناکارآمدی جمهوری اسلامی در سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی وضعیت بحرانی‌تری

## «نوسازی نظام حکمرانی» بر اساس مبانی مکتبی و سیاسی خمینی و خامنه‌ای؟! اصلاح‌طلبان برای نجات نظام تقلب رساندند؟!



انصراف قالیباف به نفع رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی

پُست و مقام تغییر کردند. از جمله رئیس بانک مرکزی و رئیس سازمان بورس و شماری از استانداران در استان‌های حساس از جمله کرمانشاه، خوزستان و سیستان و بلوچستان عوض شدند. اما مسئله اساساً بر سر جایجایی افراد نیست چرا که مشکلات و بحران‌های ساختار فاسد و معیوب نظام با جایجایی چند مهره و نوسازی که از جنس هم هستند حل نمی‌شود! از آن مهم‌تر اینکه قالیباف می‌گوید نوسازی حکمرانی بر پایه مبانی مکتبی خمینی و سیاست‌های خامنه‌ای انجام می‌گیرد که اتفاقاً همین «مکتب» و «سیاست» عامل اصلی مشکلات و بحران‌هایی است که گریبان کشور و مردم را گرفته است.

کمتز از یک ماه پیش از اینکه «نوسازی نظام حکمرانی» از سوی محمدباقر قالیباف مطرح شود اصلاح‌طلبان پروژه و عبارت «اصلاح حکمرانی» را مطرح کردند. با بحرانی‌تر شدن شرایط نظام حتا در داخل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز برای بازگرداندن محمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات به صحنه زمینه‌سازی می‌شود!

آذر منصوری دبیرکل حزب اصلاح‌طلب «اتحاد ملت» خبر داد این بحث در دیدار جمعی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب با علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی مطرح شده است. محمود صادقی نماینده اصلاح‌طلب پیشین مجلس شورای اسلامی نیز در مصاحبه با روزنامه «اعتقاد» گفته بود بدون اصلاح حکمرانی، اعتراضات دوباره بازمی‌گردد!

حتا شماری از رسانه‌های نزدیک به جریان اصلاح‌طلب انتصاب محمدرضا فرزین به عنوان رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی را هم‌سو با این «اصلاح» یا «نوسازی حکمرانی» دانسته و مدعی شده‌اند دولت «انقلابی» مجبور به استفاده از «تکنوکرات‌ها» و «بوروکرات‌ها» شده است!

صرفاً نمایش همصدایی با مردم است تا تنفر از آخوندها در جامعه که به تهدید امنیتی برای آنها تبدیل شده بیشتر نشود.

با اینهمه اما صدای اعتراض به وضعیت موجود از درون دستگاه روحانیت از دوردست‌ترین شهرها نیز بلند شده است. مدیر حوزه علمیه هرمزگان می‌گوید «نهادهای متولی یا در خواب هستند و یا از حال مردم بی‌خبر و ستاد تنظیم بازار و تعزیرات مشکلات مردم را نمی‌بینند.»

انتقاد مراجع تراز اول شیعه در قم به دولت و مقامات اجرایی سبب شده تا گسل‌های اختلافات کهنه و رقابت‌های باندی در حوزه‌ها فعال شود و جریاناتی که دستشان از قدرت و منابع مالی کوتاه‌تر مانده فرصت انتقاد پیدا کنند. مواضع مراجع منتقد در واقع چراغ سبز به ائمه جمعه، مبلغان و آخوندهای منبری است که احساس می‌کنند سهم‌شان را از «سفره انقلاب» نگرفته‌اند اما بیشتر از آنهایی که با عبا و عمامه خوردند و بردند در خیابان‌ها و اماکن عمومی با انواع و اقسام تحقیر و توهین و تهدید از سوی مردم معترض مواجه می‌شوند!

در این میان، اصلاح‌طلبان نیز به اسم فشار روی مراجع تقلید برای سهم‌خواهی از حکومت موقعیت‌سازی کرده‌اند. یکی از توصیه‌های ناصر مکارم شیرازی به قالیباف در سفر وی به قم در مورد «ضرورت اصلاح» و جلوگیری از انحراف بانک‌ها بود! در همین گیرودار علی لاریجانی رئیس سابق مجلس شورای اسلامی که چند سالی است به اردوگاه اصلاح‌طلبان نزدیک شده به عوامل نظام توصیه می‌کند که همگی در یک کشتی نشسته‌ایم و اگر سوراخ شود همه دچار بحران می‌شویم.

از آغاز خیزش انقلابی در ایران که ماه چهارم را پشت سر می‌گذارد، شماری از مسئولان و عوامل نظام در چند

● سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت نوسازی نظام حکمرانی بر اساس «مبانی مکتبی» روح‌الله خمینی و اندیشه سیاسی علی خامنه‌ای گفته «معتقدیم بهترین راه برای ایجاد آرامش معیشتی برای مردم و جلوگیری از فساد تخصیص یارانه‌ها به انتهای زنجیره و ارائه کالاهای اساسی به صورت کالا برگ الکترونیک است.»

● قالیباف در توضیح «نوسازی حکمرانی» می‌گوید «اکنون در حال ایجاد اجماع در تصمیم‌گیری‌های لازم در این حوزه هستیم. در این نوسازی اولویت، با مسائل اقتصادی است.»

● کمتز از یک ماه پیش از اینکه «نوسازی نظام حکمرانی» از سوی محمدباقر قالیباف مطرح شود اصلاح‌طلبان پروژه و عبارت «اصلاح حکمرانی» را مطرح کردند. با بحرانی‌تر شدن شرایط نظام حتا در داخل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز برای بازگرداندن محمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات به صحنه زمینه‌سازی می‌شود!

● حتا شماری از رسانه‌های نزدیک به جریان اصلاح‌طلب انتصاب محمدرضا فرزین به عنوان رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی را هم‌سو با این «اصلاح» یا «نوسازی حکمرانی» دانسته و مدعی شده‌اند دولت «انقلابی» مجبور به استفاده از «تکنوکرات‌ها» و «بوروکرات‌ها» شده است!

● در این میان، مواضع مراجع منتقد در واقع چراغ سبز به ائمه جمعه، مبلغان و آخوندهای منبری است که احساس می‌کنند سهم‌شان را از «سفره انقلاب» نگرفته‌اند اما بیشتر از آنهایی که با عبا و عمامه خوردند و بردند در خیابان‌ها و اماکن عمومی با انواع و اقسام تحقیر و توهین و تهدید از سوی مردم معترض مواجه می‌شوند!

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی یکشنبه ۱۱ دی‌ماه در جلسه علنی مجلس با تأکید بر ضرورت نوسازی نظام حکمرانی بر اساس «مبانی مکتبی» روح‌الله خمینی و اندیشه سیاسی علی خامنه‌ای گفته «معتقدیم بهترین راه برای ایجاد آرامش معیشتی برای مردم و جلوگیری از فساد تخصیص یارانه‌ها به انتهای زنجیره [اقتدار فرودست] و ارائه کالاهای اساسی به صورت کالا برگ الکترونیک است.»

● قالیباف در بخش دیگری از نطق خود در توضیح «نوسازی حکمرانی» می‌گوید «اکنون در حال ایجاد اجماع در تصمیم‌گیری‌های لازم در این حوزه هستیم. در این نوسازی اولویت، با مسائل اقتصادی است.»

● قالیباف کمتز از یک هفته پیش با سه تن از مراجع تقلید بلندپایه در قم دیدار کرد. او در این دیدارها با انتقاد مراجع از گرانی‌ها و ناکارآمدی دولت روبرو شد. هرچند رسانه‌های دولتی اقدام به سانسور و تحریف مواضع آنها کردند اما خبرها و جزئیات آنچه در گفتگوهای آنان رد و بدل شده بود رسانه‌ای شد.

حوزه‌های علمیه و شماری از ائمه جمعه به شدت علیه گرانی‌ها موضع گرفتند. برخی تحلیلگران معتقدند این انتقادات شکاف در دستگاه روحانیت و از پیامدهای وضعیت بحرانی موجود نظام است و برخی دیگر معتقدند

# «رمز آفتاب» برای جان‌های شیفته و شجاع و گل‌های هدیه به میهن...»



ما و به ویژه بر بستگان قربانیان تحمیل کرده‌اند.

ترانه‌های موسیقی‌ام را معمولاً خودم می‌نویسم ولی همچنانکه اشاره کردم در سه مورد از اشعار دیگران هم استفاده کرده‌ام؛ آهنگ «زار» هم ترانه‌ی آن از خانم رُز محقق است. موسیقی چهار آهنگ اولم از کارهای آقای مجید کاظمی است و من شعر آنها را سروده‌ام. چندین کار از جمله «ری را»، «آواز سهره‌ها» و نیز آخرین کارم «رمز آفتاب» که درباره انقلاب مردمی کنونی است، هم شعر و هم ملودی آنها کار خودم با تنظیم موسیقی توسط دیگران است.

● **شما در زمینه موسیقی سنتی و ملی نیز فعالیت می‌کنید...**  
- فعالیت جدی من در زمینه موسیقی سنتی مربوط به پس از مهاجرت به بریتانیاست. مقدمات موسیقی سنتی و ردیف را ابتدا نزد استاد علی جابری یاد گرفتم و سپس نزد استاد غفور شیخ آموزش دیدم. با ایشان همین دو سه ماه پیش در کنسرتی در لیورپول همکاری داشتم که تلفیقی از تصنیف‌های ملی و چند آهنگ اوریژینال را اجرا کردیم. پیش از اینهم در کنسرت‌های زیادی در شهرهای مختلف بریتانیا با استاد علی جابری و گروه همدل او همکاری داشتم که از مهمترین آنها کنسرت All Because of Love بود با خوانندگی آقای سینا سرلک در سالن زیبای Royal Northern College of Music, Manchester. اکثر کارهای خودم در سبک راک و پاپ/راک است اما از سبک‌های دیگر همچون الکترونیک و ایندی، دیپ‌هاوس و غیره هم غافل نیستم. آهنگ «رمز آفتاب» در ژانر «دیپ‌هاوس» است که از سازهای شرقی هم در آن استفاده شده، یعنی تلفیقی است از سازهای شرقی و موسیقی الکترونیک. حدود سه سال پیش هم، درست قبل از همه‌گیری کرونا، کنسرتی در سه شهر فرانسه با آقای مهیار میوه‌چیان داشتم که آنهم اجرای تصنیف‌های ایرانی بود ولی با ارکستری متشکل از سازهای موسیقی کلاسیک به نام Les Archets Du Roy René از شهر اکسن پروونس فرانسه که فضایی متفاوت از موسیقی سنتی را ایجاد می‌کرد. آقای مهیار میوه‌چیان استاد موسیقی و نوازنده ساز ویولن است و دو کار برای اجرای من در این کنسرت تنظیم کرده بود. دو خواننده زن دیگر هم به عنوان سوپرانو و متسوسوپرانو در این کنسرت همراهی می‌کردند. من قطعات «در هوای تو» اثر آقای عباس خوشدل با شعری از قیصر امین پور و «شاهزاده‌ی رویا» اثر استاد

در زمینه ترانه‌سرایی کار می‌کردم و ترانه‌هایم را خواننده‌های مردمی خواندند. ترانه‌های تیتراژهای سریال‌هایی مانند «عشق گمشده»، «ترانه‌ی مادری» و «باغچه‌ی مینو» کارهای من هستند. همچنین در آلبوم‌های «شاهزاده‌ی ترانه‌ها»، «روز تولد»، «آینه‌ی دق»، «گل مریم» و چندین آلبوم دیگر از ترانه‌های من استفاده شده. از صدای ما زنان خواننده فقط در حد همخوانی و گُرال استفاده می‌شود و عرصه به راستی برای ما بسیار محدود است.

به دنبال مهاجرت چند سال طول کشید که توانستم خودم را پیدا کنم و به کار موسیقی بپردازم. اولین کاری که در اینجا ساختم، عنوانش «بسوزونم» بود که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد و مآهنگ آن از جشنواره Royal Television Society North West بریتانیا جایزه دوم را برای بهترین موزیک ویدیو گرفت. بعد کاری تحت عنوان «صدا منم» منتشر کردم که در مورد نقض حقوق زنان است و می‌شود گفت نوعی بیوگرافی من است از دوران کودکی و کلاً مشکلات و محدودیت‌های زنان و نابرابری حقوقی که علیه ما زنان اعمال می‌شود. این کار هم جایزه‌ی بهترین ترانه را از جشنواره Real Time گرفت. سپس کار دیگری در زمینه حقوق کارگران با عنوان «بکش بیرون» منتشر کردم که ترانه‌ی آن از خانم فاطمه اختصاری است. ترانه دیگری با عنوان «همین حالا» در مورد عشق را به جامعه LGBTQ تقدیم کرده‌ام. چند کار در مورد رویداد شوم سرنگون کردن هوایی‌های اوکراینی با عناوین «پروانه‌ها» با شعر خانم عباسی و «ری را» و «آواز سهره‌ها» با ترانه و ملودی خودم دارم. کار دیگرم آهنگ «زار» است که به مردم خطه خوزستان پیشکش شده. کار آخرم درباره انقلاب بزرگ مردم ایران است با عنوان «رمز آفتاب» که همین چند روز پیش منتشر شد. این اثر را تقدیم کرده‌ام به جان‌های شیفته و شجاعی که از ما گرفتند و بچه‌های نازنینی که اکنون در زندان‌ها تحت شکنجه و بازجویی هستند و چشم امیدشان به ماست. اضافه کنم که به دنبال آغاز خیزش سراسری من چندین ترانه نوشتم اما چون بسیار متأثر بودم و فضای اندوهگینی بر آنها حاکم بود تصمیم گرفتم که فعلاً اجرا و منتشرشان نکنم زیرا فکر می‌کنم لازم است که در این برهه برخوردی مثبت و قوی و سازنده در کارهای مربوط به انقلاب کنونی داشت. به عبارت دیگر، بهتر است امید، اتحاد و استقامت در آنها موج بزند و آنها با وجود همه رنج‌های عمیقی که بر روح جمعی

● **لیلی محسنی هنرمند موسیقی و تئاتر: «سیزده سال پیش به بریتانیا مهاجرت کردم. این مهاجرت هم دلیل سیاسی داشت که استبداد توتالیتر حاکم است و هم نقض حقوق زنان و وجود قوانین نابرابر و ضد انسانی تحمیل شده بر زنان، چه از طرف حکومت چه از طرف جامعه. در زمینه موسیقی یعنی عرصه‌ای که آنرا عاشقانه دوست دارم، به عنوان خواننده زن به ویژه در سبک‌های راک، پاپ، جاز، هیپ‌هاپ و غیره اجازه فعالیت نداشتیم. من در ایران بیشتر در زمینه ترانه‌سرایی کار می‌کردم و ترانه‌هایم را خواننده‌های مردمی خواندند.»**

● **«نیمی از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور که در زمینه موسیقی و معرفی هنرمندان و آثارشان برنامه دارند توجهی به این امر نکرده و این موفقیت‌های تیم ما را پوشش نداده‌اند. به نظر می‌رسد متأسفانه اینجا هم گزینشی عمل می‌کنند. البته بخشی از رسانه‌ها، مانند «صدای آمریکا»، «توانا» و «رادیو زمانه» از ابتدای این مسیر با بخش آثارم و مصاحبه همواره حمایت کرده‌اند و اکنون هم کیهان لندن که همینجا از این رسانه‌ها قدردانی می‌کنم.»**

اخیراً ماهانگی با عنوان «رمز آفتاب» با کلام و موسیقی هنرمند مقیم منچستر بریتانیا، لیلی محسنی، در ارتباط با خیزش سراسری ایران منتشر شده است. لیلی محسنی نه فقط در زمینه موسیقی بلکه در هنر بازیگری نیز به ویژه در ایران تا قبل از مهاجرت به بریتانیا بسیار فعال بوده است. وی در انگلیس هم در چند پروژه تئاتر شرکت داشته است. کیهان لندن پیشتر از نمایش «سه شب با مادوکس» به کارگردانی مرتضی میرفرهادی و هنرمندی لیلی محسنی که در دسامبر ۲۰۲۱ در لندن روی صحنه رفت گزارشی داده بود. با لیلی محسنی در مورد فعالیت‌های وی در زمینه موسیقی گفتگو کردیم.

## ● **لطفاً از سابقه کار بازیگری‌تان برای ما بگویید.**

- من فارغ‌التحصیل رشته ادبیات فارسی از ایران و رشته‌ی مطالعات فیلم از بریتانیا هستم. ولی کار تئاتر را از نوجوانی یعنی سیزده سالگی شروع کردم و اولین جایزه تئاتری‌ام را در همان سن برای نمایش «معراج» گرفتم. بعدتر در کلاس‌های بازیگری «پارسا فیلم» شرکت کردم و سپس نزد استاد حمید سمندریان و خانم رویا افشار فن بیان و بازیگری پیشرفته را آموختم. در این زمینه فعالیت زیادی در ایران داشتم، از جمله با دکتر قطب‌الدین صادقی، با زنده‌یاد علیرضا غفاری و رضا عبدالعلی. در فستیوال‌های مختلف و در تئاتر شهر و تالار «وحدت» [رودکی] روی صحنه رفته‌ام. یکی دیگر از پروژه‌هایی که در آن حضور داشتم نمایش «شیخ صنعان» به کارگردانی آقای مهدی شمسایی بود. کاری پُر بازیگر با موسیقی زنده که یکی از برجسته‌ترین پروژه‌های موزیکال همراه با رقص شرقی کلاسیک بود و شصت شب در تالار «وحدت» [رودکی] به روی صحنه رفت.

## ● **فعالیت در زمینه موسیقی را از کی شروع کردید؟**

- سیزده سال پیش به بریتانیا مهاجرت کردم. این مهاجرت هم دلیل سیاسی داشت که استبداد توتالیتر حاکم است و هم نقض حقوق زنان و وجود قوانین نابرابر و ضد انسانی تحمیل شده بر زنان، چه از طرف حکومت چه از طرف جامعه. در زمینه موسیقی یعنی عرصه‌ای که آنرا عاشقانه دوست دارم، به عنوان خواننده زن به ویژه در سبک‌های راک، پاپ، جاز، هیپ‌هاپ و غیره اجازه فعالیت نداشتیم. من در ایران بیشتر

# بازداشت مدیرکل راه و شهرسازی استان مازندران؛ مدیر فاسد عاشق «حاج قاسم» و شهادت بود!



محمد نظری در دفتر کارش در ساری



نظری با سر طاس در لباس بسیج

این مدیر انقلابی در حالی مانند همپالکی هایش دزد از آب درآمده که مثل مقامات جمهوری اسلامی پیراهن یقه آخوندی می پوشید و انگشترهای عقیق به دست می کرد در دفتر کارش پُر بود از شعارهای انقلابی و تابلوهایی از آیات قرآن و تابلو قاسم سلیمانی و تبلیغ شهادت! درست در قد و قواره ظاهری و باطنی یک مدیر اسلامی- انقلابی! پشت صندلی سیدمحمد نظری جایی که وی بر صندلی ریاست می نشست تابلویی نصب بود با این عبارت که «شرط شهید شدن شهید بودن است!»

سیدمحمد نظری حتا تا همین چندی پیش می گفت «اجازه زمینخواری و سوء استفاده از اراضی ملی را نمی دهیم» آنهم در حالی که اما استاندار مازندران نیز اعتراف کرده بود زمینخواری در این استان به بحران تبدیل شده است!

نظری آذرماه ۱۳۹۷ در دومین دولت حسن روحانی به این سمت منصوب شده بود. حکم او را وزیر راه و شهرسازی وقت محمد اسلامی امضاء کرد. محمد اسلامی اکنون رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی است.

از مقایسه عکسهای قدیم و جدید سیدمحمد نظری به نظر می رسد وی از طاسی سر رنج می برده و احتمالا با بخشی از مبالغ دزدی اقدام به کاشت مو که بسیار گران تمام می شود کرده است!

این مدیر فاسد ارتباط تنگاتنگی با فرماندهان «سپاه کربلا» و بسیج استان مازندران داشت. در سه سال حضور او به عنوان مدیر راه و شهرسازی مازندران چندین عضو بسیج و فرزندان سپاهیها به استخدام درآمدند و چندین شرکت به پشتیبانی او ثبت شد که فعالیت پولسازی آنها بر بستر زمینخواری و رانت انجام می شد.

با آغاز خیزش انقلابی کنونی در ایران از ۲۶ شهریور، تعداد مدیران بازداشتی بیشتر شد. پیش از این امیر اسکویی نیا مدیرکل حوزه استاندار کرمانشاه به دلیل تخلفات بازداشت شده بود. علاوه بر او هشت مدیر و کارمند شهرداری کرمانشاه نیز بازداشت شدند.

● سازمان اطلاعات سپاه (ساس) سیدمحمد نظری مدیرکل راه و شهرسازی مازندران را پس از احراز تخلفهای متعدد مالی بازداشت کرد.

● این مدیر انقلابی در حالی مانند همپالکی هایش دزد از آب درآمده که مثل مقامات جمهوری اسلامی پیراهن یقه آخوندی می پوشید و انگشترهای عقیق به دست می کرد در دفتر کارش پُر بود از شعارهای انقلابی و تابلوهایی از آیات قرآن و تابلو قاسم سلیمانی و تبلیغ شهادت! درست در قد و قواره ظاهری و باطنی یک مدیر اسلامی- انقلابی! پشت صندلی سیدمحمد نظری جایی که وی بر صندلی ریاست می نشست تابلویی نصب بود با این عبارت که «شرط شهید شدن شهید بودن است!»

● از مقایسه عکسهای قدیم و جدید سیدمحمد نظری به نظر می رسد وی از طاسی سر رنج می برده و احتمالا با بخشی از مبالغ دزدی اقدام به کاشت مو که بسیار گران تمام می شود کرده است!

● این مدیر فاسد ارتباط تنگاتنگی با فرماندهان «سپاه کربلا» و بسیج مازندران داشت. در سه سال حضور او به عنوان مدیر راه و شهرسازی مازندران چندین عضو بسیج و فرزندان سپاهیها به استخدام درآمدند و چندین شرکت به پشتیبانی او ثبت شد که فعالیت پولسازی آنها بر بستر زمینخواری و رانت انجام می شد.

خبرگزاریهای داخلی چهارشنبه ۷ دی ماه اعلام کردند که سیدمحمد نظری مدیرکل راه و شهرسازی مازندران پس از احراز تخلفهای متعدد مالی بازداشت شده است.

خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خبری کوتاه نوشته است که بازداشت این مدیر دولت سیزدهم پس از رصد و نظارت نیروهای امنیتی و جمع آوری اسناد و مدارک تخلفات و دریافت اطلاعات مردمی انجام شده است. این خبرگزاری افزوده جزئیات این پرونده پس از روند قضایی از طریق مراجع رسمی قضایی و امنیتی اطلاع رسانی می شود.

→ همایون خرم با شعری از آقای بیژن ترقی را اجرا کردم. این را هم بگویم که تمام موزیک ویدئوهای من ساختهی همسرم ایلیا صادقی است و بیشتر این کارها توسط فستیوالهای مهم موسیقی و فیلم تقدیر شده و جوایزی به آنها تعلق گرفته است. با وجود این، نیمی از رسانه های فارسی زبان خارج کشور که در زمینه موسیقی و معرفی هنرمندان و آثارشان برنامه دارند توجهی به این امر نکرده و این موفقیت های تیم ما را پوشش نداده اند. به نظر می رسد متأسفانه اینجا هم گاهی گزینشی عمل می کنند. البته بخشی از رسانه ها، مانند «صدای آمریکا»، «توانا» و «رادیو زمانه» از ابتدای این مسیر با پخش آثارم و مصاحبه همواره حمایت کرده اند و اکنون هم کیهان لندن که همینجا از این رسانه ها قدردانی می کنم.

برای نمونه، ترانه «بکش بیرون» از فستیوال بین المللی فیلم ARFF Paris دیپلم افتخار گرفته و در بارسلونا جزو منتخبین بوده. در فستیوال بین المللی فیلم توکیو از آن به عنوان کاری برجسته تقدیر شده. در فستیوال موزیک ویدئوی لندن «آی ام وی ای» که یکی از مهمترین فستیوال های موزیک ویدئوست، جزو فینالیست ها بودیم و در فستیوال موزیک ویدئوی رم و پراگ فینالیست شده؛ با کار «صدای منم» که جایزه بهترین شعر را از آن خودش کرده و در جشنواره «میامی ایک» و چندین فستیوال دیگر هم جزو فینالیست ها بوده و با اینهمه رسانه های فارسی زبان توجهی نشان نداده اند!

● شما در ماهنگ های خودتان هم آواز و هم حرکات موزون اجرا می کنید. باورهای شما در مورد برابری حقوقی زن و مرد چه بازتابی در موسیقی شما پیدا می کند؟

گفتم که به عنوان یک زن من هم مانند تمام زنان ایران چه از طرف جامعه و چه از طرف حکومت مذهبی توتالیتر بسیار آزار می بینیم. ما زنان به عنوان نیمی از جمعیت ایران، شهروندان درجه چندم به حساب می آییم. بدون تعارف بگویم که به عنوان یک زن حقوق خودم را موقعی بهتر و بیشتر شناختم که در بریتانیا شروع به زندگی کردم و خیلی زود درک کردم که چرا در ایران اینقدر همه چیز برایم بخرنج بود. در ایران البته ترانه هایی در مورد حقوق زنان و همچنین فضای خفقان و رنج زندانیان سیاسی نوشته بودم ولی هیچکس، به خصوص پیش از ۱۳ سال پیش نمی توانست آنها را داخل ایران اجرا کند. وقتی که به بریتانیا آمدم اولین کارهایی که نوشتم در مورد زنان و حقوق گرفته شده از آنان بود. ترانه ای که احساس می کنم بیشتر حرف هایم را در آن زده ام ترانه «صدای منم» است. شما در زمینه حقوق زنان به هر جا دست بزنید مشکل وجود دارد. مثلاً حضانت کودک، تقسیم ارث و میراث، تجاوز قانونی به کودکان دختر با عنوان اشتباه «کودک همسری» که من روی ترانه ای در این زمینه هم اکنون کار می کنم، مسافرت به خارج کشور، حق طلاق، حق کار، قتل های خانوادگی به اسم ناموسی و... با حجاب که هنوز ما در قرن ۲۱ باید با آن مشکل داشته باشیم؛ یعنی وقتی از خانه بیرون می آییم خودمان نمی توانیم لباس مان را انتخاب کنیم که خودش از بزرگترین تحقیرها به کرامت و هویت انسانی ماست. اینها همه از جمله دغدغه های من بوده و سعی کرده ام که رویشان تمرکز داشته باشم.

البته فعالیت اجتماعی من در مورد حقوق زنان محدود است به حضورم در شبکه های اجتماعی. مطالبی در این زمینه ها می نویسم و سعی می کنم در ترانه هایم روی این مشکلات نور بیشتری بتابانم. به هر حال همه ما در آن جامعه پرورش یافته ایم. این مشکلات با ما هست حتی موقعی که در خارج کشور زندگی می کنیم زیرا زنان ایران هنوز از این مسائل در رنج و عذاب اند و من نمی توانم چشمم را به روی معضلاتی که در سرزمینم وجود دارد ببندم.

## بلومبرگ:

## یک ایران دمکراتیک در راه است و خاورمیانه را رهبری خواهد کرد



یکی از ویژگی‌های جغرافیایی حیاتی منطقه است. این فلات از غرب به بین‌النهرین و از شمال شرق بر آسیای مرکزی مشرف است و بر آن تأثیر می‌گذارد.

ایران نه یک، بلکه با دو منطقه وسیع تولیدکننده انرژی احاطه شده؛ خلیج فارس که خطوط کشتیرانی از آن عبور می‌کند و دریای کاسپین با ذخایر عظیم انرژی که خطوط لوله نفت و گاز از آن می‌گذرند. این کشور بیش از هر کشور دیگری در خاورمیانه دارای ذخایر گازی است و از نظر ذخایر نفتی پس از عربستان سعودی در رتبه دوم قرار دارد. اما فراتر از جبرگرایی جغرافیا و ژئوپلیتیک، حقیقتی وجود دارد که مورخ بریتانیایی مایکل آکسورثی آن را «ایده ایران» می‌نامد. از این منظر، ایران، مانند یونان و چین باستان، یک جاذبه تمدنی است که مردمان و زبان‌های مجاور را به قلمرو فرهنگی خود می‌کشاند و جذب می‌کند. دری، تاجیک، اردو، هندی، بنگالی و عربی عراقی همه یا انواعی از فارسی هستند یا به میزان قابل توجهی تحت تأثیر آن قرار دارند. سفر از بغداد به سمت شرق به کلکته به معنای قرار گرفتن در یک مدار و حوزه فرهنگ ایرانی است.

ایران در میان جمهوری‌های نسبتاً سکولار آسیای مرکزی شوروی سابق، به‌ویژه به دلیل اسلام شیعی، جذابیت اجتماعی و اقتصادی زیادی دارد. با این حال، توانایی ایران برای استفاده از فرهنگ خود برای نشان دادن قدرت سیاسی توسط آخوندها تضعیف شده است. این نفوذ می‌تواند توسط یک ایران دمکراتیک آزاد شود.

برای دیدن پیچیدگی‌های سیاسی ایران، باید به جنبش سبز، تظاهرات ضد رژیم پس از انتخابات مورد مناقشه

آیت‌الله روح‌الله خمینی، محمدرضا شاه پهلوی را در ایران سرنگون کرد و آشفتگی انقلابی را در سراسر منطقه گسترش داد و پادشاهی‌های محافظه‌کار عرب خلیج فارس را نیز به چالش کشید. از آن زمان منطقه هرگز روی سکون و آرامش به خود ندید، زیرا شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران جنگ‌های داخلی موجود را تشدید کردند و جنگ‌های جدید به راه انداختند.

در داخل کشور، مردم ایران چند دهه گذشته را در شرایط یک جامعه تیره و تار، سرکوب شده و نسبتاً فقیر گذرانده‌اند. هنری کیسینجر به من اذعان داشته که اگر خاندان پهلوی در قدرت باقی می‌ماند، ایران با توجه به دولت قوی و غنای تمدنی‌اش، به یک پادشاهی مشروطه با اقتصادی قابل مقایسه با کره جنوبی تبدیل می‌شد.

اکنون رژیم تحت تأثیر ماه‌ها اعتراضات گسترده هم علیه حجاب و هم ناآرامی‌هایی که در همه سطوح اقتصادی، آموزشی و منطقه‌ای ایجاد شده، متزلزل شده است. شکاف-هایی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی دیده می‌شود. از آنجا که ایران نقطه محوری ژئوپلیتیک خاورمیانه است، هیچ چیز به اندازه یک رژیم لیبرال‌تر در آن منطقه در ماه‌ها یا سال-های آینده پتانسیل تغییر منطقه را ندارد. بسیاری از کشورهای عربی که در طول بهار عربی دچار هرج و مرج شدند، مرزهای مصنوعی دارند که توسط اروپایی‌ها ترسیم شده‌اند. آنها بجای اینکه کشورهای قوی تاریخی باشند، صرفاً بیان‌های جغرافیایی مبهم هستند در حالیکه هیچ چیز مصنوعی در مورد ایران وجود ندارد. ایران با جمعیت تحصیلکرده ۸۵ میلیونی، بزرگتر از هر کشور عربی بجز مصر، با تکیه بر مساحت فلات ایران،

از آنجا که ایران نقطه محوری ژئوپلیتیک خاورمیانه است، هیچ چیز به اندازه یک رژیم لیبرال‌تر در آن منطقه در ماه‌ها یا سال‌های آینده پتانسیل تغییر منطقه را ندارد. بسیاری از کشورهای عربی که در طول بهار عربی دچار هرج و مرج شدند، مرزهای مصنوعی دارند که توسط اروپایی‌ها ترسیم شده‌اند. آنها بجای اینکه کشورهای قوی تاریخی باشند، صرفاً بیان‌های جغرافیایی مبهم هستند در حالیکه هیچ چیز مصنوعی در مورد ایران وجود ندارد.

● اگر ملاحظا سقوط کنند، ایالات متحده ممکن است متحد بهتری در تهران نسبت به پادشاهی‌های خلیج فارس پیدا کند.

● فراتر از جبرگرایی جغرافیا و ژئوپلیتیک، حقیقتی وجود دارد که مورخ بریتانیایی مایکل آکسورثی آن را «ایده ایران» می‌نامد. از این منظر، ایران، مانند یونان و چین باستان، یک جاذبه تمدنی است که مردمان و زبان‌های مجاور را به قلمرو فرهنگی خود می‌کشاند و جذب می‌کند. دری، تاجیک، اردو، هندی، بنگالی و عربی عراقی همه یا انواعی از فارسی هستند یا به میزان قابل توجهی تحت تأثیر آن قرار دارند. سفر از بغداد به سمت شرق به کلکته به معنای قرار گرفتن در یک مدار و حوزه فرهنگ ایرانی است.

● اکنون، پس از تقریباً نیم قرن تاریکی، می‌توانیم در آغاز پایان باشیم. همانطور که انقلاب اسلامی شاهد انتقال قدرت نسبتاً یکپارچه از شاه به آخوندها بود، حالا نیز ایران می‌تواند شاهد انتقال قدرت دیگری به همان اندازه چشمگیر باشد. یک دوره ۴۴ ساله در خاورمیانه بزرگ ممکن است به پایان برسد، زیرا منطقه آغاز به چرخش بر محور خود کرده است. در اوایل سال ۱۹۷۹ یک رژیم اسلامی رادیکال تحت رهبری



۲۰۰۹ نگاهی انداخت. دو سال قبل از بهار عربی، جنبش سبز برای سازماندهی خود در شبکه‌های اجتماعی به ویژه فیسبوک و تا اندازه‌ای توئیتر و پیام‌رسان‌های موجود آن زمان تسلط و مهارت پیدا کرد. حکومت جمهوری اسلامی ایران از تمام توان و ابزارهایی که برای درهم شکستن آن نیاز داشت، استفاده نمود.

خاورمیانه را به همان اندازه تغییر دهد که فروپاشی دیوار برلین اروپا را تغییر داد. برای دهه‌ها، واشنگتن از خودکامگی‌های محافظه‌کار عربی خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران شدیداً ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی حمایت کرده است. این پادشاهی‌ها ممکن است دموکراتیک نباشند، اما امارات و پادشاهی‌هایی هستند

ثبات برسند. در حالی که ایران عرب نیست، نمایش چشمگیر دموکراسی در آنجا می‌تواند تأثیر مثبتی بر سیاست‌های نوین در شمال آفریقای عربی از جمله مصر داشته باشد، جایی که رژیم‌ها نسبت به کشورهای خلیج فارس از روشن‌بینی کمتری برخوردارند.

البته جمهوری خلق چین به عنوان یک کارت اخلاک‌گر جدید در این معادله وجود دارد و اینکه چگونه یک خاورمیانه جدید با افزایش نفوذ پکن واکنش زنجیره‌ای نشان خواهد داد. همان‌طور که سعودی‌ها در اوایل سال جاری در سفری به عربستان داشتیم با نگرانی می‌گفتند، چین با تجارت زیاد و با نیاز شدید به نفت خلیج فارس و بدون موعظه‌های اخلاقی درباره حقوق بشر یا دموکراسی پای میز مذاکره با ما می‌نشیند. نیاز حیاتی چین به سوخت تا حدودی روند جهانی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر را در سال‌های آینده برای کشورهای صادرکننده انرژی‌های فسیلی چبران می‌کند.

یک ایران دموکراتیک به همه این معادلات پیچ و تاب بیشتری می‌بخشد. ایران پس از جمهوری اسلامی نه تنها تا حد زیادی از نظر اقتصادی پویاتر از حکومت فعلی خواهد بود، بلکه به دلیل جغرافیا و ژئوپلیتیک، یک نقطه اتصال حیاتی برای کمر بند و جاده ابریشم تازه به سوی چین خواهد بود. چینی‌ها اهمیتی نمی‌دهند که ایران دموکراتیک باشد یا نه. در هر حال رژیم جدید ایران نیز خواهان توسعه بیشتر خطوط حمل و نقل زمینی- راه آهن، جاده و خطوط لوله انرژی- به چین است. یک ایران پر جنب و جوش، حتی با نیت خوب نیز اعراب خلیج فارس را به اندازه کافی چنان عصبی می‌کند که نیاز به حمایت ایالات متحده در چارچوب‌های امنیتی جدید داشته باشند.

یک ایران پساآخوندی به دلیل تجربه‌ای که با آخوندها داشته، در ابتدا بسیار طرفدار غرب خواهد بود. اما با گذشت زمان، از آنجا که این کشور در عمل به یک پازل بزرگ از یکپارچگی اوراسیا تبدیل می‌شود، ممکن است حتی روابط قوی‌تری با چین مستبد نسبت به آلمان کنونی برقرار کند. به عبارت دیگر، خاورمیانه صلح‌آمیزتر و یکپارچه‌تر می‌تواند به دلیل رقابت با پکن، در واقع چالش جدیدی برای ایالات متحده به وجود آورد. حدود ۸۵ میلیون نفر از یک سرزمین بسیار استراتژیک بطور ناگهانی در اقتصاد جهانی ادغام خواهند شد. ایران به معدن طلا برای تجارت بین‌الملل و جدایی‌ناپذیر مرحله بعدی جهانی شدن تبدیل خواهد شد. یک ایران دموکراتیک، جهان پساآمریکا را [در ارتباط با قدرت چین] آنقدر که پیچیده و متفاوت می‌کند، تقویت نمی‌کند.

بدیهی است که سناریوهای سیاسی کمتر دلپذیر نیز برای ایران قابل تصور است، مانند رژیمی به رهبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که سیاست خارجی و دفاعی رادیکال کنونی را ادامه دهد، البته با نمایش اجتماعی در داخل. یا یک ایران تا حدودی آشفته، کمتر تحت کنترل دولت مرکزی و با حاکمیت متمرکز ضعیف و تا حدی دموکراتیک، که اقلیت‌های قومی کرد، آذری، ترکمن و بلوچ که در استان‌های مرزی کشور قرار گرفته‌اند، خودمختاری‌های نسبی از حکومت بگیرند. هیچکس نمیتوانست پایان رژیم شاه و پس از آن را تا زمانی که واقعاً اتفاق افتاد تصور کند. اکنون می‌توانیم بطور واقع‌بینانه پایان رژیم آخوندی و پیامدهای منطقه‌ای و جهانی آن را تصور کنیم.

\*منبع: بلومبرگ

\*نویسنده: رابرت دی. کاپلان دارای کرسی ژئوپلیتیک رابرت استراوس هوبه در موسسه تحقیقات سیاست خارجی است. او نویسنده کتاب «ذهن تراژیک: ترس، سرنوشت و بار قدرت» و کتاب معروف «انتقام جغرافیا» است.

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



که بطور مصنوعی ترسیم نشده و نسبتاً خوب اداره می‌شوند. عربستان سعودی ممکن است بطور قابل توجهی نظرات بشردوستان غربی را مورد تحقیر قرار دهد، اما از فناوری برای حکمرانی سودمند استفاده کرده و اخیراً به زنان این امکان را داده که در نوع پوشش کمتر دچار محدودیت باشند و زندگی عادی‌تری داشته باشند.

با وجود تنش بین دولت جو بایدن و شاهزاده محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، دوستی تاریخی بین واشنگتن و این رژیم‌های عربی پایه محکمی دارد. با وجود این، شاید در آینده بتوان شاهد نزدیک‌تر شدن ایالات متحده به ایران تازه دموکراتیک شده بود. در عین حال ایالات متحده را می‌توان در نقش کمک‌کننده و میانجی برای توافق‌نامه‌های صلح بین ایران و اسرائیل و همچنین ایران و اعراب خلیج فارس تصور کرد.

البته رقابت بین ایران و کشورهای عربی حتی در صورت سقوط ملاحا به پایان نمی‌رسد، اما به خوبی می‌تواند با تهران جدیدی که از ماجراجویی منطقه‌ای رویگردان شده و بر توسعه داخلی متمرکز است، کاهش یابد.

درواقع اگر تهران به اهداف خصمانه خود در یمن و جاهای دیگر پایان دهد و برنامه‌های تسلیحاتی خود، اعم از هسته‌ای و غیره را محدود کند، پادشاهان خلیج فارس از ایران دموکراتیک استقبال می‌کنند- و با وجود رژیم‌های خودکامه‌ای خود، تناقضی در آن نمی‌بینند. با خلاص شدن از دست جناح رادیکال ملاحا، خاورمیانه می‌تواند وارد یک دوره صلح نسبی شود. عراق، سوریه و لبنان همگی می‌توانند به تدریج بدون حضور شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران به

خیزش کنونی رسانه‌های اجتماعی را به سطح نوآورانه‌تری رسانده و حجم سازمانیابی را برای سرنگونی رژیم بدون بهره‌مندی از یک رهبر کاریزماتیک یا حتی توانایی برگزاری جلسات استراتژیک حضوری فراهم کرده است. تصویری که در شبکه‌های اجتماعی از بوسیدن دو جوان در ملاء عام دست به دست شد، نبوغ نمادینی در خود داشت، زیرا همه چیزهایی را که انقلاب اسلامی جوانان ایران را از آن منع کرده، در خود جای داده است.

این آن روی تمدن مدرن و جهانی شده است که در ایران توسط مردم به نمایش درآمده در حالی که هوایپماهای بدون سرنشین، انواع موشک، جنگ سایبری و برنامه هسته‌ای، همگی به عنوان نمونه‌های منفی، روی دیگری از پیچیدگی‌های ایران را به نمایش می‌گذارند که در یک بستر سیاسی متفاوت می‌تواند این کشور را به یک قدرت اقتصادی، نظامی و فرهنگی در سطح متوسط/ متعادل تبدیل کند.

اکنون، پس از تقریباً نیم قرن تاریکی، می‌توانیم در آغاز پایان باشیم. همانطور که انقلاب اسلامی شاهد انتقال قدرت نسبتاً یکپارچه از شاه به آخوندها بود، حالا نیز ایران می‌تواند شاهد انتقال قدرت دیگری به همان اندازه چشمگیر باشد.

این احتمال که ایران از نظر ژئوپلیتیک به اندازه کافی منسجم باشد که بتواند از هرج و مرج همراه با اشتیاق به دموکراسی در کشوری مصنوعی مانند عراق، همسایه غربی خود، در امان بماند بسیار زیاد است. در مورد چشم‌انداز دموکراسی در ایران نباید بدبین بود.

یک رژیم پس از انقلاب، یا به عبارت دیگر یک رژیم ضدانقلابی که مخالف آیت‌الله‌ها و انقلاب آنهاست، می‌تواند

# نشریه «مسائل بین المللی»: مردم ایران «تغییر رژیم» می خواهند؛ آمریکادر دهه ۱۹۸۰ به جنبش همبستگی لهستان کمک کرد حالنوبت ایرانی هاست!



در شرایطی که علی خامنه‌ای مدعی شده بود اعتراضات جمع خواهد شد پس از سه و ماه نیم خیزش مردم ایران با وجود سرکوب‌ها تداوم پیدا کرد

اینکه اعتراضات توطئه خارجی‌هاست را رد کرد و نوشت: «مشکلات تورم، بیکاری، خشکسالی و تخریب محیط‌زیست باعث شده است که مردم اعم از بازنشستگان، فرهنگیان و دانشجویان دست به اعتراض بزنند.» چنین موضعی از سوی سیاستمداران نظام بی‌سابقه است و نشان می‌دهد که سلطه‌ی جمهوری اسلامی در حال ضعیف شدن است. در طول این بحران، رژیم نآرام به نظر می‌رسد. خامنه‌ای سالخورده چند سال گذشته را صرف پاکسازی حکومت از وجود همه افراد «متفکر» کرده و اکنون در محاصره افراد متوسط است. ابراهیم رئیسی رئیس دولت فاقد تفکر و درایت لازم برای مواجهه با شرایط پیچیده است. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه بلا تکلیف بین دعوت به گفتگو با مخالفان و تهدید آنها در نوسان است. سرویس‌های اطلاعاتی رژیم ایران نتوانسته‌اند ابعاد اعتراضات را درک کنند. هرچند تاکتیک خشونت‌بار رژیم تا کنون باعث کشته شدن بیش از ۵۰۰ نفر از مردم شده اما برای بازدارندگی این جنبش کافی نیست. اعدام معترضان توسط رژیم باعث تنفر بیشتر از حکومت شده است. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی در حال از دست دادن موقعیت خود است.

## با کمک واشنگتن

در بخش دیگری از این مقاله آمده همانطور که دو سال پیش گفتیم، ایالات متحده باید «تغییر رژیم» در ایران را دنبال کند. با وجود یک نتیجه نامشخص، ممکن است این تنها راه گند کردن تلاش‌های رژیم ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای باشد. این مسئله شرّ دخالت‌های مزمن جمهوری اسلامی در امور کشورهای اطراف را نیز کم می‌کند. سرچشمه‌های اصلی تغییرات سیاسی در ایران همچنان داخلی است. با اینهمه دولت جو بایدن رئیس جمهوری ایالات متحده می‌تواند اقداماتی را برای کمک، تسریع و شاید حتا هدایت روند انقلابی انجام دهد از جمله: ایالات متحده باید رسماً اعلام کند که مذاکرات با جمهوری اسلامی در مورد «بازگشت به برجام» را

طبقاتی بود اما امروز ایرانیان زیر پرچم «زن، زندگی، آزادی» گرد آمده‌اند. این یک خیزش برای کرامت، آزادی و پاسخگو کردن حکومت است. شبیه «بهار عربی» که با خودسوزی محمد بوعیزی، میوه فروش تونس آغاز شد. مردم معترض در ایران امروز خواهان «اصلاحات» نیستند بلکه خواهان سرنوشتی جمهوری اسلامی هستند. آنها خواهان «تغییر رژیم هستند». ایالات متحده باید از راه دور با افزایش تحریم‌ها و تقویت ارتباطات بین تظاهرکنندگان به این روند کمک کند.

نویسندگان در ادامه تأکید کرده‌اند علائمی وجود دارد که نشان می‌دهد این جنبش نسبت به رویدادهای گذشته تداوم بیشتری خواهد داشت. هرچند به نظر می‌رسد این خیزش هنوز فاقد رهبران قابل شناسایی و ساختار سازمانیافته است اما هیچ انقلابی بدون انقلابیون موفق نمی‌شود. در عین حال، با گذشت چند ماه از اعتراضات، گروه‌هایی به وجود آمده‌اند که فراخوان‌های آنها برای تظاهرات موفق بوده است.

اپوزیسیون جمهوری اسلامی توانست در اکثر استان‌های ایران اعتصاب به راه اندازد: بازارها تعطیل شده‌اند و کسب و کارها برای حمایت از معترضان تعطیل کرده‌اند. با تداوم اعتراضات، نیروهای امنیتی احتمالاً خسته خواهند شد. سرکوب معترضان تا کنون نیز برای آنها پیامدهای روانی داشته است.

## شیطانی که ما می‌شناسیم

در ادامه این مقاله آمده تظاهرات در ایران سبب اختلاف سیاست‌گذاران شده است که همین مسئله از پیش‌شرط‌های مهم برای تغییرات انقلابی است. علی خامنه‌ای احتمالاً می‌ترسد که بسیاری از نهادهای نظام شروع به فاصله گرفتن از حکومت کرده باشند. علی لاریجانی رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «باید محلی برای اعتراض مردم و وسیله‌ای برای گفتگو فراهم کنیم.» حتا روزنامه جمهوری اسلامی که توسط خامنه‌ای تأسیس شده، ادعای وی در مورد

● نشریه «فارین افرز» (مسائل بین‌المللی) در مقاله‌ای نوشت آمریکا برای تقویت امنیت و ثبات در خاورمیانه و جلوگیری از هسته‌ای شدن رژیم ایران باید از تمام ظرفیت‌های خود برای کمک به مردم ایران جهت «تغییر رژیم» استفاده کند.

● در این مقاله با اشاره به اینکه مردم ایران خواهان سرنوشتی جمهوری اسلامی هستند و از «اصلاحات» عبور کرده‌اند آمده، اپوزیسیون جمهوری اسلامی توانست در اکثر استان‌های ایران اعتصاب به راه اندازد: بازارها تعطیل شدند و کسب و کارها برای حمایت از معترضان تعطیل کردند. با ادامه تظاهرات، نیروهای امنیتی احتمالاً خسته خواهند شد و سرکوب معترضان برای آنها پیامدهای روانی داشته است.

● نویسندگان مقاله تأکید کرده‌اند ایالات متحده باید رسماً اعلام کند که مذاکرات با جمهوری اسلامی در مورد «بازگشت به برجام» را پایان خواهد داد. ایالات متحده همچنین باید روشن کند که با حکومت ایران که مردم را سرکوب و همسایگان خود را بی‌ثبات می‌کند، مذاکره نخواهد کرد.

● «آمریکا باید سعی کند سانسور را از بین ببرد و گردش اطلاعات در میان معترضان را تقویت کند. ارسال ترمینال‌های استارلینک همانطور که ایلان ماسک پیشنهاد داد، می‌تواند به چنین تلاشی کمک کند و مخالفان را قادر می‌سازد تا از سانسور و انسداد و محدودیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی عبور کنند.»

● نویسندگان این مقاله با اشاره به اعتصاب کارگران نفت و کارگران فولاد برای حمایت از معترضان می‌نویسند واشنگتن باید تمام تلاش خود را برای حمایت از این اقدامات و کمک به فعالان اتحادیه‌های کاری در برقراری ارتباط با یکدیگر به کار گیرد.

نشریه «فارین افرز» (مسائل بین‌المللی) در مقاله مشترکی از اریک ادلمان و ری تکیه با اشاره به اعتراضات گسترده در ایران که پس از قتل مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد اسلامی» آغاز شد می‌نویسند آمریکا با هدف تقویت امنیت و ثبات در خاورمیانه باید از تمام ظرفیت‌های خود جهت کمک به مردم ایران برای «تغییر رژیم» استفاده کند.

در این مقاله آمده است، مهسا نه اولین زنی بود که دستگیر شد و نه اولین کسی بود که توسط پلیس کشته شد اما پس از آن فاجعه بود که صدای خشم و نارضایتی سراسری بلند شد. در ایران کشاورزان از کمبود آب، دانش‌آموزان از نبود آزادی، معلم‌ان و بازنشستگان از کمبود حقوق شکایت دارند. دو سال پیش عنوان کردیم که جمهوری اسلامی ضعیف‌تر از آن چیزیست که برخی تحلیلگران و سیاست‌گذاران غربی فکر می‌کنند. اعتراضات امروز نشان می‌دهد که حق با ما بود. جمهوری اسلامی نسبت به نیروهای اجتماعی فعال در جامعه ایران مقاوم است اما در برابر آن نفوذناپذیر نیست.

در این مقاله با اشاره به چند دوره اعتراضات گسترده در ایران طی دهه‌های اخیر آمده در دوره‌های قبلی عامل اصلی اعتراضات بیشتر به دلیل فقر و خیزش‌ها عموماً

# بازی روانی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی با صدور و لغو احکام «اعدام» علیه شهروندان معترض

متهمان پرونده به وکیل انتخابی دسترسی نداشتند و امکان دفاع از خود در دادگاه را نیز نیافتند. همه متهمان با شکنجه‌های شدید جسمی برای اقرار به قتل یا مشارکت در قتل روح‌الله عجمیان قرار گرفتند.

طی روزهای گذشته احکام اعدام سه‌نم نورمحمدزاده و ماهان صدرات نیز توسط دیوان عالی کشور لغو شد. سه‌نم نورمحمدزاده متولد ۱۳۷۵ از شهروندان معترض در تهران است که مهر امسال بازداشت و ۱۶ آبان در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد.

اتهام «محرابه از طریق تخریب و ایجاد حریق در وسایل عمومی به منظور اخلاص در نظم و امنیت کشور و مقابله با حکومت اسلامی، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و اخلاص در نظم و آسایش عمومی از طریق شرکت در تجمعات» به او بسته شد.

در حالی که سه‌نم نیز به هیچ فردی آسیب نرسانده و حتی در اتهام او «حریق وسایل عمومی» گنجانده شده اما به «اعدام» محکوم شد.

حکم اعدام ماهان صدرات نیز آخر آذرماه و چند روز پس از آنکه این حکم به اجرای احکام ابلاغ شده بود لغو شد. ماهان ۲۰ مهر در تهران بازداشت شد و ۱۲ آبان در شعبه بیست‌وشش دادگاه انقلاب تهران به اتهام «محرابه» و «اقدام علیه امنیت ملی» محاکمه شد. بر اساس کیفرخواست صادر شده علیه ماهان صدرات، او متهم به «محرابه، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، آتش زدن موتورسیکلت و تخریب گوشی شاکتی خصوصی و ایراد جرح عمدی با چاقو نسبت به شاکتی» شده بود. حکم اعدام ماهان در کمتر از ۴۰ روز از برگزاری دادگاه صادر و با وجود رضایت شاکیان، روز شنبه ۱۹ آذر و در روز جهانی حقوق بشر، به اجرای احکام ارجاع شد.

حکم پنج نفر از متهمان در حالی لغو شده که دو جوان ۲۳ ساله، محسن شکاری سحرگاه ۱۷ آذر در تهران و مجیدرضا رهنورد سحرگاه ۲۱ آذر در مشهد اعدام شدند.

پرونده ماهان صدرات شباهت زیادی به پرونده محسن شکاری داشت. محسن شکاری هم در حالی به «محرابه» متهم و به «اعدام» محکوم شد که قتل مرتکب نشده بود! در پرونده محسن شکاری او متهم به «بستن خیابان ستارخان» در جریان اعتراضات و زخمی کردن یک بسیجی لباس شخصی و مسلح شده بود. محسن در حالی اعدام شد که بسیجی فقط یک خراش روی شانه با ۱۳ بخیه داشت و البته هیچ مستنداتی در دادگاه مبنی بر زخمی شدن بسیجی توسط محسن شکاری ارائه نشد.

محسن شکاری به وکیل «تعیینی» (انتخابی) دسترسی نداشت؛ زیر شکنجه ناچار به اقرار علیه خودش شده بود و در دادگاه هم امکان و زمان دفاع از خودش را نیافت. دردناک اینکه پس از اعدام شتابزده محسن شکاری، حقوقدانان پرونده او را مانند پرونده دیگر شهروندانی که در اعتراضات بازداشت و به اعدام محکوم شدند، مبهم و صدور اتهام «محرابه» و حکم «اعدام» برای او را «غیرشرعی» و «بر خلاف قانون» ارزیابی کرده‌اند.

محسن برهانی وکیل دادگستری و از منتقدان اصلی احکام اعدام علیه شهروندان معترض، گفته که چنانچه

● حکم اعدام حمید قره‌حسنلو، حسین محمدی و رضا آریا سه تن از پنج متهم کشته شدن یک بسیجی در چهلیم حدیث نجفی لغو شد. پیشتر حکم اعدام ماهان صدرات و سه‌نم نورمحمدزاده لغو شده بود.

● شهروندان بازداشت‌شده در شهرهای مختلف همچنان با اتهامات سنگین «محرابه»، «افساد فی الارض» و «بغی» روبرو هستند و یا به اعدام محکوم شده‌اند.

● دادگاه انقلاب ساری عرشیا تک‌دستان شهروند ۱۸ ساله بازداشت شده در اعتراضات نوشهر را نیز به اتهام «افساد فی الارض» و «محرابه» به اعدام محکوم کرده است.

● جمهوری اسلامی می‌خواهد از یکسو اعتراضات را به خشن‌ترین شیوه سرکوب کند و از سوی دیگر با صدور و لغو احکام اعدام و ایجاد انتظار وحشت‌آلود، به نمایش «عدالت» و «رافت» پرداخته و میدان نبرد میام مردم و حکومت را به نفع خود در دست بگیرد.

در هفته‌های گذشته صدور و لغو احکام غیرقانونی «اعدام» علیه شهروندان معترض که در جنبش انقلابی شرکت داشتند به یکی از ابزارهای جمهوری اسلامی تبدیل شده تا با ایجاد جو روانی، میدان نبرد مردم با حکومت را در دست بگیرد.

در روزهای گذشته شماری از احکام «اعدام» صادر شده علیه شهروندان لغو شد. در آخرین مورد دیوان عالی کشور حکم اعدام حمید قره‌حسنلو، حسین محمدی و رضا آریا سه تن از پنج متهم کشته شدن یک بسیجی در چهلیم حدیث نجفی را لغو کرد.

امیر هاشمی مدیر روابط عمومی دیوان عالی کشور با انتشار توییتی نوشته که «نتیجه فرجام‌خواهی ۱۶ متهم پرونده شهید عجمیان در دیوان عالی کشور، فرجام‌خواهی محمد کرمی و سیدمهدی حسینی به استناد بند الف ماده ۴۶۹ق. آ. د. ک ابرام شد. حکم صادره حمید قره‌حسنلو، حسین محمدی و رضا آریا به جهت نقص در تحقیقات نقض [لغو] شد».

نهم آذر نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده متهمان کشته شدن عجمیان برای ۱۵ متهم تشکیل و اتهام «افساد فی الارض» علیه آنها تعیین شد. پس از برگزاری مراسم چهلیم حدیث نجفی در «بهشت سکینه» کرج، مأموران لباس شخصی، امنیتی و نظامی مسیر جاده را بستند و به مردم یورش بردند و درگیری شدیدی میان نیروهای حکومتی و مردم که در حال دفاع مشروع از خود بودند شکل گرفت. در جریان این درگیری از جمله روح‌الله عجمیان بسیجی مسلح و از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کشته شد. نهادهای امنیتی اقدام به بازداشت شماری از شهروندان در رابطه با این پرونده کردند و در نهایت ۱۵ شهروند با اتهام سنگین «محرابه» و «قتل» به دادگاه کشانده شدند.

دادگاه انقلاب کرج پنج متهم پرونده، حمید قره‌حسنلو، محمد مهدی کرمی، سیدمحمد حسینی، رضا آریا و حسین محمدی را به اتهام «محرابه» به اعدام محکوم و برای ۱۱ متهم دیگر زندان‌های «طویل‌مدت» صادر کرد. فرزانه قره حسنلو همسر حمید قره حسنلو در این دادگاه به ۲۵ سال زندان محکوم شد.

پایان خواهد داد. ایالات متحده همچنین باید روشن کند که با حکومت ایران که مردم را سرکوب و همسایگان خود را بی‌ثبات می‌کند، مذاکره نخواهد کرد. چنین اعلامیه‌هایی توانایی رژیم را برای ایجاد امید در میان مردم مبنی بر لغو تحریم‌ها تحت حاکمیت خود از بین می‌برد. بسته شدن علنی درهای مذاکرات، دولت بایدن را برای اجرای کامل تحریم‌ها آزاد می‌کند. ایالات متحده باید مقامات ایران را متهم به نقض حقوق بشر کند و امید مردم ایران به پاسخگویی حکومت را تقویت نماید. این باید با بیانیه‌های شدیدالحن و مداوم دولت آمریکا در حمایت از مردم و جلب توجه بین‌المللی به سرکوب‌ها همراه باشد.

آمریکا باید سعی کند سانسور را از بین ببرد و گردش اطلاعات در میان معترضان را تقویت کند. ارسال ترمینال‌های استارلینک همانطور که ایلان ماسک پیشنهاد داد، می‌تواند به چنین تلاشی کمک کند و مخالفان را قادر سازد تا از سانسور و انسداد و محدودیت‌های اینترنت و شبکه‌های اجتماعی عبور کنند. نرم‌افزارهایی مثل «Ushahidi» برای نظارت بر انتخابات در جنوب صحرای آفریقا استفاده شد و به رأی‌دهندگان برای به اشتراک‌گذاری تصاویر محل‌های رای‌گیری کمک کرد. مشابه چنین نرم‌افزارهایی می‌تواند در اختیار مردم ایران قرار گیرد. چنین برنامه‌هایی می‌توانند به گونه‌ای تغییر کاربری داده شوند که به ایرانیان اجازه دهند تصاویر اقدامات اعتراضی و تظاهرات در بخش‌های مختلف کشور را به اشتراک بگذارند و هماهنگی بین گروه‌های مختلف معترضان را ممکن سازند و با وادار کردن حکومت به افزایش بیش از حد نیروهای امنیتی، سرکوب مخالفان را برای رژیم سخت‌تر کنند. ایالات متحده همچنین باید از کانال‌های رسانه‌های اجتماعی پرمخاطب مانند تلگرام برای ارائه اطلاعات دقیق درباره آنچه در سراسر کشور می‌گذرد از جمله اعتراضات، نقض حقوق بشر و اعدام‌ها به مخالفان کمک کند. گسترش و استفاده خلاقانه از چنین کانال‌های ارتباطی می‌تواند به ظهور رهبران معترض جدید کمک کرده و تبلیغات رژیم را خنثی کند.

در بخش دیگری از این مقاله آمده است که آمریکا باید پخش برنامه‌های فارسی «صدای آمریکا» و «رادپو فردا» را افزایش دهد و برای تقویت پخش تلویزیونی شبکه‌های خصوصی ایرانیان مهاجر اقدام کند تا به اعتراضات در ایران کمک کنند. در حال حاضر، پیش‌بینی می‌شود که ایالات متحده در سال مالی ۲۰۲۳ کمتر از ۳۰ میلیون دلار برای پخش برنامه‌های تلویزیونی در ایران هزینه کرده است.

نویسندگان با اشاره به اعتصاب کارگران نفت و کارگران فولاد برای حمایت از معترضان می‌نویسند و اشنگتن باید تمام تلاش خود را برای حمایت از این اقدامات و کمک به فعالان اتحادیه‌های کارگری در برقراری ارتباط با یکدیگر به کار گیرد. کمک آمریکا به جنبش ضد استبدادی همبستگی لهستان در اواخر دهه ۱۹۸۰ به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کمک کرد. تلاش موازی در ایران امروز می‌تواند به فروپاشی جمهوری اسلامی کمک کند.

در پایان این مقاله آمده جمهوری اسلامی نزدیک به نیم قرن بر ایران حکومت کرده است. هرچند به نظر می‌رسد که اعتراضات در این مقطع رژیم را در آستانه سقوط قرار داده باشد، اما انقلاب‌ها ذاتاً غیرقابل پیش‌بینی هستند. به خاطر منافع عمومی ایران و امنیت ایالات متحده در منطقه، دولت بایدن باید تمام تلاش خود را انجام دهد تا مطمئن شود ایرانیانی که زندگی خود را برای تغییر رژیم به خطر می‌اندازند، در پس گرفتن کشورشان موفق خواهند بود.



پاکدشت متهم شد. شمار دیگری از شهروندان نیز با اتهامات سنگین در آستانه صدور حکم اعدام قرار دارند. امیر نصر آزادانی فوتبالیست ساکن اصفهان از جمله بازداشت‌شدگانی است که به دلیل حضور در اعتراضات به جمهوری اسلامی بازداشت شده و به اتهام «بغی» و «محرابه» در آستانه اعدام است. صدور حکم اعدام علیه این ورزشکار حرفه‌ای آنقدر شوکه‌آور بود که شکیرا خواننده مشهور کلمبایی برای آزادی این فوتبالیست کمپین راه‌اندازی کرده است. شمار امضاکنندگان این پتیشن در چند روز به حدود دو میلیون نفر رسید.

جواد روحی جوان ۳۵ که به محاربه متهم شده و وضعیت روحی مناسبی ندارد نیز از دیگر شهروندانی است که طعمه بازی کثیف جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب ملی شده است. جواد روحی اوایل مهرماه در هفته دوم اعتراضات در آمل در استان مازندران بازداشت و مدتی بعد در دادگاه انقلاب ساری به «محرابه» و «فساد فی‌الارض» متهم شد. والدین او در پیام خود، درباره وضعیت فرزندشان که سابقه بیماری اعصاب و روان نیز دارد، اظهار نگرانی کردند و خواستار همیاری و کمک مردم ایران برای نجات او شدند.

پدر این جوان بازداشت شده اعلام کرد که از زمان دستگیری فرزندش، خانواده او تنها یکبار به صورت حضوری او را ملاقات کرده اما از ۲۲ آذر و جلسه محاکمه‌اش تا کنون، از او خبری ندارند. برخی منابع از شکنجه شدن و اعمال فشارهای روانی به جواد روحی برای گرفتن اعتراف اجباری از او اشاره کرده‌اند.

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی پس از آنکه حدود ۱۹ هزار شهروند را در نخستین هفته‌های جنبش انقلابی بازداشت کرده، با اتهامات سنگین و صدور احکام اعدام علیه این شهروندان، از پزشک و هنرمند و ورزشکار تا نوجوانان زیر ۱۸ سال به دنبال این است که از یکسو اعتراضات را به خشن‌ترین شیوه مانند چهار دهه گذشته سرکوب کند و از سوی دیگر بعداً با لغو برخی احکام و ایجاد انتظار وحشت‌آلود برای شهروندان به نمایش «عدالت» و «رافت» پرداخته و میدان نبرد میان مردم و حکومت را به نفع خود در دست بگیرد.

دولتی از طریق آتش زدن یک کیوسک راهنمایی و رانندگی، ساختمان بانک‌ها و موسسات اعتباری، شهرداری، فرمانداری شده است.

مهدی بهمنی نویسنده و نگارگر ایرانی و پژوهشگر ادیان که ۱۹ مهر بازداشت شده بود به دلیل مصاحبه‌ای که او با یک شبکه اسرائیلی داشته، متهم به «جاسوسی» و محکوم به «اعدام» کرده است.

در این میان احکام اعدام دو تن از شهروندان در دیوان عالی کشور تأیید شده است. محمد قبادلو جوان ۲۲ ساله که به اختلال دو قطبی مبتلاست و بیش از هفت سال تحت درمان بوده است به اتهام زیرگرفتن یک بیسیجی با اتومبیل به اعدام محکوم و حکم او تأیید شده است.

محمد بروغنی جوان ۱۹ ساله هم که به اعدام محکوم شده است، طی روزهای گذشته با انتشار گسترده خبری درباره لغو حکم اعدام و کاهش آن به «یک سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق» روبرو شد. ساعاتی بعد اما قوه قضاییه جمهوری اسلامی لغو رأی صادر شده در این پرونده را تکذیب کرد. بدین ترتیب حکم اعدام محمد بروغنی تأیید شده و هر لحظه احتمال اعدام این جوان وجود دارد.

محمد بروغنی در یکی از شتابزده‌ترین دادگاه‌های معترضان هفته‌های اخیر، طی یک جلسه دادگاه در هفتم آبان به اعدام محکوم شد. محمد قبادلو، سامان صیدی، محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی و ابوالفضل مهری حسین حاجی‌لو دیگر متهمان این پرونده بودند. این دادگاه در حالی برگزار شد که محمد بروغنی حق برخورداری از وکیل انتخابی (تعیینی) را نداشت و در دادگاه نیز اجازه پیدا نکرد از خود دفاع کند. شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی این جوان متولد ۱۳۸۲ را برای این اتهامات انتسابی به جرم «محرابه» به اعدام محکوم کرد.

در این پرونده محمد قبادلو به «افساد فی‌الارض» از طریق زیر گرفتن ماموران با اتومبیل و سامان صیدی به «محرابه» از طریق کشیدن کلت کمری و شلیک سه تیر، اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور متهم شدند. محمد بروغنی فرزند حسین نیز به «محرابه» از طریق کشیدن سلاح سرد و درگیری با ماموران و آتش زدن فرمانداری

شود قاضی عمدا اشتباه کرده، خود قاضی باید دیه را بپردازد و چنانچه قاضی سهوا اشتباه کرده باشد، بیت‌المال باید دیه شکاری را به خانواده‌اش بپردازد!

از سوی دیگر لغو حکم اعدام پنج شهروند مانع از صدور احکام اعدام نشده است و همچنان شهروندان بازداشت شده در شهرهای مختلف با اتهامات سنگین «محرابه»، «افساد فی‌الارض» و «بغی» روبرو شده و برای شماری در همین روزها حکم اعدام صادر شده است.

در یکی از آخرین نمونه‌ها خبرگزاری حقوق‌بشری «هرانا» گزارش داده که دادگاه انقلاب ساری عرشیا تکدستان شهروند ۱۸ ساله بازداشت شده در اعتراضات نوشهر را نیز به اتهام «افساد فی‌الارض» و «محرابه» به اعدام محکوم کرده است. چند روز پیشتر مهدی محمدی‌فرد، یک نوجوان ۱۸ ساله دیگر که در جریان اعتراضات سراسری در نوشهر بازداشت شد توسط شعبه اول دادگاه انقلاب ساری به اتهام «افساد فی‌الارض» و «محرابه» به «دو بار اعدام» محکوم شد. پلیس اطلاعات و امنیت عمومی مهدی محمدی‌فرد را ۸ مهرماه امسال در اعتراضات مردمی نوشهر بازداشت کرد.

به گزارش خبرگزاری «هرانا» ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، مهدی محمدی‌فرد همچنین به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به شش ماه حبس، به اتهام «اغوا و تحریک مردم به قصد بر هم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر» به دو سال حبس، به اتهام «توهین به رهبری» به تحمل یک سال حبس، به اتهام «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی کشور» به چهار سال حبس، مجموعاً ۷ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

بر اساس این گزارش مهدی محمدی‌فرد از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده و در غیاب وکیل انتخابی، دادگاه صادر کننده حکم، این جوان ۱۸ ساله را یکی از «لیدرها و عاملین اصلی هدایت و برنامه‌ریزی» تجمع اعتراضی روز چهارشنبه ۳۰ شهریور در نوشهر دانسته است؛ تجمعی که بنابر ادعای قاضی و حکم صادره، منجر به ایجاد درگیری و کشته شدن ۵ تن، ضرب و جرح مأمورین انتظامی و وارد شدن خسارات چندین میلیارد تومانی بر اموال غیر منقول

اتابک جعفری در توجیه افزایش قیمت آب برای شهروندان گفته که گران شدن آب برای مشترکان «بدمصرف» است و مدعی شده که این اقدام دولت «برای بالابردن درآمد» نبوده بلکه «برای اصلاح الگوی مصرف و پایین آوردن مصرف در حد سرانه اتفاق‌های خوبی در راه است».

رضا سرافرازی از مدیران وزارت جهاد کشاورزی نیز دو هفته پیش تأیید کرده بود که بهای آب برای کشاورزان از هم‌اکنون افزایش یافته و گفته بود که قیمت محصولاتی مانند برنج از ۳۰ هزار تومان در هر کیلو به ۱۰۰ هزار تومان افزایش یافته و لذا افزایش قیمت آب برای مزارع نیز طبیعی است.

کارشناسان اما همچنان در حال تکرار هشدارها هستند و مقامات حکومتی هم گوش شنوایی برای این هشدارها ندارند! مهدی زارع کارشناس محیط زیست هفته گذشته در گفتگو

## تباهی بی‌پایان؛ هشدار درباره افزایش مهاجرت به دلیل خشکسالی



با وسایط «فرارو» گفته که «اینکه پاییز ۱۴۰۱، خشک‌ترین پاییز ۵۰ سال اخیر بوده به این معناست که بحران آب تشدید شده و مقدار زیادی از ذخایر آب سدها خالی است. به احتمال زیاد در ماه‌های آینده با برداشت بیشتر از منابع آب زیرزمینی نیز مواجه خواهیم شد. همچنین این بحران به مشکلات روستاهایی که مردم در آن کمتر به آب دسترسی دارند نیز دامن خواهد زد. علاوه بر این کشاورزی محدودتر شده و مهاجرت و حاشیه‌نشینی هم افزایش خواهد یافت».

این کارشناس محیط زیست افزوده که «جمعیت قابل ملاحظه‌ای نزدیک به هفده و نیم میلیون نفر در حاشیه استان تهران و البرز داریم؛ حدود بیست و یک میلیون نفر نیز جمعیت استان‌های زاگرس را تشکیل می‌دهد که بیشتر آنها داخل رشته کوه‌ها زندگی می‌کنند؛ بنابراین قسمت قابل ملاحظه‌ای از جمعیت نزدیک به بیش از هفتاد میلیون ایرانی دور از سواحل هستند. این مسئله در حالی است که پنجاه سال پیش مهندسی‌ن مشاور «ستیران» گزارشی تهیه کردند، این گزارش می‌گوید که توسعه در سرزمین‌های خشک داخل فلات ایران غیر منطقی است و بیش از پنجاه درصد جمعیت باید به سمت سواحل بروند».

مهدی زارع درباره راهکارهایی که پیش روی حکومت برای حل بحران آب در کشور دارد گفته که «دولت اولین کاری که می‌تواند برای کنترل بحران آب انجام دهد آن است که ریسک جدید ایجاد نکند و موجب گسترش بحران نشود. برای مثال دولت می‌خواهد شهر و شهرک‌های جدید بسازد، اولین مسئله‌ای که در اینباره باید جدی گرفته شود آب است. به این مسئله باید با اولویت بسیار زیاد پرداخته شود. متأسفانه در پروژه‌هایی که به اسم خانه‌سازی انجام می‌شود کمتر می‌شنویم که اولویت مصرف آب برایشان مطرح باشد».

بخش کشاورزی برای پنهان کردن اشتباه مدیریتی در دولت و وزارت نیرو است.»

عضو کمیته کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجمع تشخیص در ادامه «سدسازی» را از که دولت اکبر هاشمی رفسنجانی شدت پیدا کرد را عامل اصلی تشدید بحران آب در ایران دانسته و توضیح داده که «سدسازی را معضل بزرگ دیگر مدیریت منابع آبی کشور عنوان کرد و گفت: در حال حاضر از ۶۰۹ دشت کشور در ۶۰۰ دشت سدسازی شده است. در حالی که به دلیل شرایط آب و هوایی خشک و نیمه خشک ایران، بخش مهمی از آب‌ها در پشت سدها تبخیر می‌شود، بخش دیگر در انتقال بین شبکه‌های از بین می‌رود و باقی آن نیز به دلیل نبود شبکه‌های فنی در تهدید هدر رفتن است.»

عمق بحران کم‌آبی، خشکی دشت‌ها و مراتع و هزینه سنگین به بخش کشاورزی و مهاجرت جمعیتی از بخش‌های خشک کشور به دیگر استان‌ها، هنوز هم مورد توجه مسئولان قرار ندارد. در حالیکه بسیاری کارشناسان وضعیت منابع آبی در ایران را بحرانی خوانده و نسبت به پیامدهای آن هشدار می‌دهند، دولت بجای تخصیص بودجه برای مدیریت کارآمد و اقدامات اثربخش برای مقابله با این بحران حیاتی، به بهانه کم‌آبی قیمت آب مشترکان را در لایحه بودجه ۱۴۰۲ افزایش داده تا درآمد بیشتری کسب کند!

در حالی که هنوز از لایحه بودجه ۱۴۰۲ که طی روزهای گذشته به مجلس تقدیم شده اطلاعات و جزئیاتی در دست نیست اما اتابک جعفری، مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب، افزایش آب‌بهای شهروندان در سال آینده و بر اساس لایحه بودجه را تأیید کرده است؛ اقدامی که درآمدهای دولت را افزایش می‌دهد اما قرار نیست دردی از تنش آبی در کشور درمان کند!

● محمد بازرگان دبیر کارگروه آب و محیط زیست کمیته کشاورزی مجمع تشخیص مصلحت نظام: تا سال ۲۰۵۰ مردم از استان‌های جنوبی مجبور به مهاجرت می‌شوند و این مهاجرت موجب تشدید مشکلات می‌شود و به جایی خواهیم رسید که دیگر جای خواب برای انسان نیست و چه برسد به غذا.

● مقامات جمهوری اسلامی «کشاورزی» را عامل اصلی بحران کم‌آبی قلمداد می‌کنند و البته به عنوان «مسئول» برای تغییر الگوی کشت نیز اقدام عملی انجام نداده‌اند، اما محمد بازرگان می‌گوید متهم کردن «کشاورزی» فرافکنی است.

● دولت بجای تخصیص بودجه برای مدیریت کارآمد و اقدامات اثربخش برای مقابله با این بحران حیاتی، به بهانه کم‌آبی قیمت آب مشترکان را در لایحه بودجه ۱۴۰۲ افزایش داده تا درآمد بیشتری کسب کند!

دبیر کارگروه آب و محیط زیست کمیته کشاورزی مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته در صورت ادامه روند گسترش خشکسالی در کشور تا سال ۲۰۵۰ مردم از استان‌های جنوبی مجبور به مهاجرت به استان‌های شمالی‌تر می‌شوند و این مهاجرت مشکلات را تشدید می‌کند. مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب ایران نیز به تازگی از تنش آبی در بخش بزرگی از کشور شامل ۲۷۰ شهر در پی کاهش منابع آبی و مخازن سدها خبر داده است.

محمد بازرگان دبیر کارگروه آب و محیط زیست کمیته کشاورزی مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه «مشکلات آب و خاک کشور فاصله چندانی تا تبدیل شدن به بحران ندارد» گفته که «وقتی دولت‌ها خود را مالک منابع بدانند، هرطور بخواهد رفتار می‌کنند، بدون اینکه جایگاهی برای پاسخگویی قائل شوند».

محمد بازرگان توضیح داده که «در تمام دنیا حکمرانی آب بر اساس مولفه‌های مختلف که مهم‌ترین آن مدیریت مشارکتی ذی نفعان است. ایرانیان در هزاران سال پیش مدیریت مشارکتی منابع را داشته‌اند که از نمونه‌های آن می‌توان به میراب‌ها اشاره کرد. همچنین قنات‌ها و سدهای زیر زمینی از اختراعات ایرانیان برای مدیریت مشارکتی آب بوده است. متأسفانه امروزه تمام این تفکرها در کشور ما دور ریخته شده و جای آن را تفکر مخرب حاکمیت دولت بر آب را گرفته است که، موجب بحران در آب‌های زیرزمینی و آب‌های سطحی شده است. به گفته بازرگان، در کشور ۶۰۹ دشت وجود دارد که از میان آن‌ها ۴۳۰ دشت وضعیت فوق بحرانی دارند که از میان دشت‌های فوق بحرانی در ۱۳۰ دشت دیگر آبخوانی وجود ندارد.» اما چشم‌انداز بحران مدیریت در منابع آب، تصویر هولناکی را نشان می‌دهد؛ تصویری که بخشی از آن توسط محمد بازرگان توصیف شده است: «در صورت ادامه شرایط کنونی، تا سال ۲۰۵۰ مردم از استان‌های جنوبی مجبور به مهاجرت به استان‌های شمالی‌تر می‌شوند و این مهاجرت موجب تشدید مشکلات برای بخش دیگری از سرزمین می‌شود و ما به جایی خواهیم رسید که دیگر جای خواب برای انسان نیست و چه برسد به غذا. اگر به راهکارهای کارشناسان برای گذر از بحران توجه شود، شاید در ۲۰ سال آینده امکان گذر از بحران را داشته باشیم در غیر این صورت فاجعه اتفاق خواهد افتاد و دیگر قابل جبران نیست».

در شرایطی که مقامات دولتی سال‌هاست «کشاورزی» را عامل اصلی بحران کم‌آبی در کشور قلمداد کرده و البته هیچوقت به عنوان «مسئول» برای تغییر الگوی کشت نیز اقدام عملی انجام نداده‌اند، محمد بازرگان معتقد است که متهم کردن «کشاورزی» صرفاً فرافکنی است: «بر اساس داده‌ها ۶۵ درصد آب در حوزه کشاورزی استفاده می‌شود که از این میزان بخش مهمی به زمین باز می‌گردد، متهم کردن

## ترجیع‌بند تبلیغاتی حکومت در جریان خیزش انقلابی مردم: اغتشاشات شکست خورد و غربی‌ها می‌خواهند مذاکره کنند!



دیدار جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و معاونش با حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در تهران/ تیرماه ۱۴۰۱

تکرار شده بود و آنها نیز تأکید کرده‌اند در حال حاضر روی اعتراضات در ایران متمرکز شده‌اند.

### مصباحی مقدم: مذاکرات به نتیجه نرسید

در این میان، غلامرضا مصباحی مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام به بخشی از بحران نظام اشاره کرده و می‌گوید: «به دلیل اغتشاشات اخیر در کشور و برخوردهایی که با اغتشاشگران صورت گرفت، چپ و راست اروپایی‌ها ما را تحریم می‌کنند... علاوه بر این، اینکه مذاکرات برجام متوقف شد و به نتیجه نرسید، فضا را به نحوی غیرقابل تحمل کرده؛ به این معنا که از لحاظ روانی هم فشارها را مضاعف کرده است.»

### فرمانده سپاه: امکان دارد فتنه دیگری ایجاد شود

از سوی دیگر، حتماً تحلیلگران و کارشناسان نظام نیز مدام به مقامات هشدار می‌دهند که ثبات بازار ارز نیازمند امنیت اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری است که آنهم مستقیم مرتبط با سیاست خارجی است. افزایش نرخ ارز برای جمهوری اسلامی به یک بحران امنیتی تبدیل شده است. پیامدهای آن از جمله افزایش صعودی نرخ مواد غذایی و کالاهای مصرفی به نارضایتی‌ها دامن می‌زند. در این ارتباط حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید: «تهدیدات انقلاب اسلامی هویتی و حق و باطلی است و تا زمان غلبه حل‌شدنی نیست. ما دائماً با دشمنی و فتنه روبرو هستیم و امکان دارد پس از ماجراهای اخیر موضوع دیگری ایجاد شود.»

در چنین شرایطی، حکومت مجبور است برای شکست نرخ دلار «سیگنال مثبت» به بازارهای داخلی بفرستد حتی اگر ساختگی باشد. مقامات جمهوری اسلامی نمی‌خواهند خطر اعلام رسمی شکست مذاکرات را بپذیرند زیرا در اینصورت مجبورند سراغ گزینه‌هایی بروند که هرکدام پیامدهای سخت‌تری علیه رژیم خواهد داشت: بستن تنگه هرمز، گروگانگیری نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری، خروج از NPT و افزایش غنی‌سازی اورانیوم به بیش از ۶۰ درصد همگی راه‌هایی هستند که برخی از آنها حتماً امتحان شده‌اند اما نه تنها نتیجه‌ای برای حکومت نداشته بلکه وضعیت آن را وخیم‌تر کرده است.

ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز در اظهاراتی مشابه می‌گوید، «طرف آمریکایی امید زیادی به اغتشاشات داخل ایران بسته بودند اما امروز که شاهد امنیت عمومی در جامعه هستیم، به دنبال بازاندیشی در مسیر خود هستند!»

جواد کریمی قدوسی عضو دیگر کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی که از مخالفان سرسخت برجام بود نیز اکنون می‌گوید «با توجه به صحبتی که در اردن [حاشیه نشست بغداد] شده است اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به برجام برمی‌گردند... آمریکایی‌ها بعد از اغتشاشات دارند تنبیه می‌شوند؛ اروپایی‌ها تنبیه شدند فکر کردند از این اغتشاشات آبی برایشان گرم می‌شود که بتوانند در مذاکرات چانه زنی کنند، رسماً هم اعلام کردند که ایران باید به خواسته‌های هسته‌ای‌شان تن دهد، دیدند که اتفاقی نیفتاد و الان هم امتیازات بیشتری می‌دهند که تقریباً مسائل‌شان را حل کنند.»

این ادعاها درحالیست که نه فقط اختلافات جمهوری اسلامی با آمریکا و اروپا بر سر مسائل موشکی و منطقه‌ای حل نشده بلکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنان تأکید می‌کند که تا جمهوری اسلامی اثبات نکند دنبال بمب اتم نیست و پاسخگوی علت وجود آثار اورانیوم کشف شده در تأسیسات اعلام‌نشده نباشد خبری از مذاکره و توافق نیست.

### مواضع غرب چیست؟

در شرایطی که برخی مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند غربی‌ها برای ادامه مذاکرات اتمی پیام فرستاده‌اند اما سخنگوی وزارت خارجه آلمان بار دیگر تأکید کرده است که این کشور هیچ دلیلی برای از سر گرفتن مذاکرات برجام نمی‌بیند و برلین همچنان بر اعتراضات مردم ایران متمرکز است.

کریستوفر برگر افزود که آلمان بارها به صراحت اعلام کرده که «این مذاکرات در حال حاضر انجام نمی‌شود.» وی افزود: «تمرکز اصلی آلمان نه بر شروع سریع مذاکرات هسته‌ای، بلکه بر حمایت از جنبش اعتراضی در ایران است.» مشابه همین مواضع پیش از این توسط مقامات کاخ سفید

● رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید مأموریت آمریکا افزایش قیمت دلار است تا فشار را بیشتر کند و مردم را به تنگنا بیاورند و به خیابان بکشند. تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اما می‌گویند دولت برای جبران کسری بودجه، قیمت ارز را افزایش داده و مسئله ربطی به «اغتشاشات» ندارد.

● دست کم پنج مقام حکومتی از جمله ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللّه‌یان و محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی و دو نماینده مجلس شورای اسلامی که از مخالفان سرسخت برجام بودند می‌گویند «اغتشاشات شکست خورده و حالا غربی‌ها برای آغاز مذاکرات برجام به جمهوری اسلامی پیام فرستادند!»

● غلامرضا مصباحی مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اما می‌گوید «به دلیل اغتشاشات اخیر در کشور و برخوردهایی که با اغتشاشگران صورت گرفت، چپ و راست اروپایی‌ها ما را تحریم می‌کنند... علاوه بر این، اینکه مذاکرات برجام متوقف شد و به نتیجه نرسید، فضا را به نحوی غیرقابل تحمل کرده.»

● سخنگوی وزارت خارجه آلمان اعلام کرده است که «این مذاکرات در حال حاضر انجام نمی‌شود» و «تمرکز اصلی آلمان نه بر شروع سریع مذاکرات هسته‌ای، بلکه بر حمایت از جنبش اعتراضی در ایران است.»

قرار بود «دولت انقلابی» اقتصاد را به برجام و مذاکرات گره نزنند. همانطور که قرار بود در دولت «تدبیروامید» حسن روحانی هم چرخ اقتصاد بچرخد و هم چرخ سانسرفیوژها! اما شواهد به روشنی نشان می‌دهد که روند جریان‌ها برای جمهوری اسلامی اصلاً خوب پیش نمی‌رود.

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در یک سخنرانی گفته افزایش قیمت دلار و پایین آوردن ارزش پول ملی از مأموریت‌های آمریکا است و «دشمنان با تحریم هر روز فشار را بیشتر کرده‌اند و می‌خواهند در جنگ اقتصادی مردم را به تنگنا بیاورند و به خیابان بکشند.»

محمد اسلامی در جمع شماری از دانشگاهیان در اصفهان با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی با یک «جنگ ترکیبی» مواجه است گفته آمریکا به این نتیجه رسیده بهترین راه در مقابله با ایران، جنگ اقتصادی و هدف‌گذاری روی ارزش پولی است. وی با اشاره به افزایش نرخ ارز در بازار تأکید کرد: «در زمان حاضر قیمت دلار بطور روباتیک بالا می‌رود زیرا خروجی آن برای دشمنان مهم است تا ارزش پول ایران کاهش یابد در حالی که بانک مرکزی هرچه دلار عرضه می‌کند خریداری برای آن نیست.»

برخی مقامات دولتی در ایران می‌گویند عامل افزایش نرخ ارز «اغتشاشات» است اما شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی عنوان می‌کنند «دولت برای جبران کسری بودجه نرخ ارز را افزایش داده و نباید آن را به اغتشاشات حواله دهند» اما دولت این گزینه را رد می‌کند.

خیلی از مقامات ارشد نظام مثل محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی معتقدند اعتراضات طراحی و توطئه دشمنان برای مقابله با پیشرفت «ایران» است اما همزمان ادعا می‌شود، «آمریکا در این ایام با ارسال پیام‌های گوناگون اعلام کرده که برای ادامه مذاکرات آماده است!»

# علی خامنه‌ای به «بانوان ولایی منتخب»: آزادی غربی، آزادی نیست! اسارت و اهانت و برده‌داری جنسی است! از «همجنس‌بازی» هم خجالت نمی‌کشند!



وبسایت دفتر علی خامنه‌ای نوشته این دیدار با جمعی از «بانوان منتخب» بود و خبرگزاری «تسنیم» نوشته زنان فرهیخته بودند: من و فرزندم فدای راه سیدعلی!

جرائم مشابه و نیز مسدود بودن راه زنان برای تحصیل و کار در رشته‌های مورد علاقه‌شان و یا رسیدن به مقامات بالا از جمله «ریاست جمهوری» و «رهبری» و حتا عدم اختیار در انتخاب پوشش، هیچکدام نه اسارت است و نه اهانت! خامنه‌ای طبق معمول بار دیگر در حرف‌هایش گریزی به دوران پهلوی زد و گفت: «قبل از انقلاب حتی بعضی از بزرگان می‌گفتند که تصورشان این بود که این آزادی ارتباط زن و مرد در غرب موجب می‌شود که چشم و دل مردها سیر بشود؛ دیگر تخلفات جنسی انجام نگیرد، تخلفاتی که گاه به گاه گوشه و کنار انجام می‌گیرد، ولی چشم و دل مردها سیر شد دیگر این تخلفات انجام نمی‌گیرد، اینجوری فکر می‌کردند. حالا شما نگاه کنید ببینید که این چشم و دل اینها سیر شده یا حرص‌شان صد برابر شده؟ نه فقط چشم و دل سیر نشده حرص و هوس صد برابر شده!» این ادعای خامنه‌ای در حالیست که قوانین تعدد زوجات و صیغه در جمهوری اسلامی بر مبنای همان سیری ناپذیری «چشم و دل» مردان مسلمانی تنظیم شده که وی به آنها اشاره می‌کند!

رهبر جمهوری اسلامی در بخش دیگری از سخنانش درباره حجاب با «رأفت» گفت «کسانی که حجاب ضعیف دارند هم دختران خود ما هستند!» وی این را هم ناگفته نگذاشت که: «غرب محیط تجارت جنسی و برده‌داری جنسی است و از همجنس‌بازی و این حرف‌ها خجالت هم نمی‌کشند!» این سخنان علی خامنه‌ای گواه دیگریست بر اینکه جنبش انقلابی مردم ایران با شعار زن زندگی آزادی از کجا ریشه گرفته و چرا جهان می‌بایست در برابر چنین تفکر ارتجاعی که بیش از چهار دهه مردم ایران را به اسارت گرفته است، بایستد و از خیزش آزادیخواهانه ایرانیان تمام‌قد پشتیبانی کند.

ابراز امیدواری کرده زنان متدین در ایران بتوانند روی افکار عمومی غربی‌ها اثر بگذارند!

علی خامنه‌ای که به نظر می‌رسد خود را در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی غرب خیلی صاحب‌نظر می‌داند، در بخش دیگری از سخنانش افزود: «مزد زن همین الان در بسیاری از کشورهای غربی برای کار مشابه با مرد، کمتر از مرد است. این یکجور سوء استفاده است که یک علت اینکه در قرن نوزدهم و بعد قرن بیستم، بیشتر قرن نوزدهم، مسئله‌ی آزادی زن مطرح شد برای این بود که زن‌ها را از خانه بکشند بیرون، ببرند کارخانه. از آنها استفاده کنند با مزد کمتر!»

اصولا برای جمهوری اسلامی و زمامدارانش از جمله برای علی خامنه‌ای چیزی به عنوان «جنبش زنان» معنی ندارد و قابل درک نیست! برای آنها قابل درک نیست که زنان بخواهند درباره زندگی خود از جمله تحصیل و اشتغال تصمیم بگیرند!

رهبر جمهوری اسلامی با انتقاد از «ضربه حیثیت و کرامت زنان در غرب» به کارزار «MeToo» (کمپین علیه آزار جنسی و تجاوز) اشاره کرد و گفت: «آدم خجالت می‌کشد اسم بیاورد این چیزی که راه افتاد بین زن‌های غربی سال گذشته و تعرض‌های جنسی و چه و چه و چه و... با همه‌ی اینها باز می‌گویند ما طرفدار زن هستیم، طرفدار حقوق زن هستیم آنچیزی که در زبان بی‌تقوای غربی‌ها به عنوان آزادی زن نامیده می‌شود اینهاست... اینکه می‌گویند آزادی زن، مُرادشان همین آزادی به این معناست. این آزادی نیست، عین اسارت است، عین اهانت است!»

طبق قوانین مدنی و کیفری جمهوری اسلامی مبتنی بر شریعت و احکام شیعه، تعدد زوجات و صیغه و همچنین جایگاه نازل حقوقی و مجازات نابرابر زنان و مردان در

● خامنه‌ای با بیان اینکه زنان در غرب گرفتار رنج هستند ابراز امیدواری کرده زنان متدین در ایران بتوانند روی افکار عمومی غربی‌ها اثر بگذارند!

● رهبر جمهوری اسلامی با زیر سؤال بردن «دنیای غرب و فلسفه‌ی غربی و فرهنگ غربی و تجدد غربی» توضیح داده «غرب متجدد یعنی همینی که از حدود دویست سال پیش به این طرف در همه‌ی شئون زندگی حرفی ابراز کرده، ما در قبال اینها مطالبه‌کننده‌ایم اینها نسبت مسئله‌ی زن گناهکارند، مقصرند، جداً، ضربه زدند، جنایت کردند.»

● اتفاقاً دورانی که علی خامنه‌ای به آن اشاره می‌کند، مربوط به زمانی است که حقوق زنان به تدریج بر بستر جنبش‌های اجتماعی و مبارزات مداوم زنان پیشرو و آزادیخواه و با همراهی مردان مترقی، به قوانین اساسی و موضوعی کشورهای غربی راه پیدا می‌کرد و سرانجام نیز راه زنان را به سوی تحصیل و کار در همه رشته‌ها و پیشرفت در جایگاه مقامات سیاسی و اجتماعی و حتا در کلیسا باز کرد!

● ادعاهای خامنه‌ای در مورد سوء استفاده از زنان در غرب و دوران پهلوی برای «سیر شدن چشم و دل مردان» در حالیست که قوانین تعدد زوجات و صیغه در جمهوری اسلامی بر مبنای سیری ناپذیری «چشم و دل» همان مردان مسلمانی تنظیم شده که وی به آنها اشاره می‌کند!

در شرایطی که سرکوب آزادی‌های اولیه زنان و نقض سیستماتیک حقوق آنان یکی از مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌های خیزش انقلابی کنونی در ایران است، رهبر جمهوری اسلامی ادعا می‌کند عموم زنان غربی به خاطر «استفاده ابرازی» از آنها در رنج هستند!

علی خامنه‌ای چهارشنبه ۱۴ دی‌ماه در جمع شماری از زنان ولایی به آنها گفته «امر به معروف و نهی از منکر برای زن واجب است.»

وی بدون اشاره به امپراتوری ۹۵ میلیارد دلاری خود ادعا کرده «نظام سرمایه‌داری غرب یک نظام مردسالار است. در نظام سرمایه‌داری سرمایه بالاتر از انسانیت است. انسانیت انسان‌ها در خدمت سرمایه قرار می‌گیرند و هر انسانی که بیشتر بتواند سرمایه‌آوری کند، سرمایه‌اندوزی کند، ارزشش بیشتر است. مرد گردن کلفت‌تر است، قوی‌تر است.»

رهبر جمهوری اسلامی با زیر سؤال بردن «دنیای غرب و فلسفه‌ی غربی و فرهنگ غربی و تجدد غربی» توضیح داده «غرب متجدد یعنی همینی که از حدود دویست سال پیش به این طرف در همه‌ی شئون زندگی حرفی ابراز کرده، ما در قبال اینها مطالبه‌کننده‌ایم اینها نسبت مسئله‌ی زن گناهکارند، مقصرند، جداً، ضربه زدند، جنایت کردند.»

توافقاً دورانی که علی خامنه‌ای به آن اشاره می‌کند، مربوط به زمانی است که حقوق زنان به تدریج بر بستر جنبش‌های اجتماعی و مبارزات مداوم زنان پیشرو و آزادیخواه و با همراهی مردان مترقی، به قوانین اساسی و موضوعی کشورهای غربی راه پیدا می‌کرد و سرانجام نیز راه زنان را به سوی تحصیل و کار در همه رشته‌ها و پیشرفت در جایگاه مقامات سیاسی و اجتماعی و حتا در کلیسا باز کرد!

خامنه‌ای اما با بیان اینکه زنان در غرب گرفتار رنج هستند

## ابعاد گسترده سرکوب؛ قتل شهروندان زیر شکنجه و مرگ مشکوک بازداشت شدگان



روز دوازدهم دی ماه رگ‌های چشمانش از شدت فشار عصبی پاره شده و در زندان به او داروهایی داده‌اند که نمی‌داند چه بوده است.

در «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» آمده که اسماعیل دزوار، رامین فاتحی، محمد لطف‌اللهی، سامان قادرپور، یوسف رئیس، احمد گودرزی، میلاد خوشکام، امید حسنی، هیمن آمان، امیر جواد اسعدزاده، محمد حاجی رسولپور، حامد سلحشور، شهریار عادل، ایلیاد رحمانی‌پور، شادمان احمدی و مهدی زارع اشکذری افرادی هستند که در گزارش کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان به عنوان افرادی که در بازداشت و بر اثر جراحات ناشی از شکنجه و ضرب و جرح مأموران حکومتی جانباختند، معرفی شده‌اند.

در این گزارش تأکید شده که به غیر از افرادی که شرح آنان آمده از کشته‌شدگان دیگری از جمله: آیدا رستمی، دنیا فرهادی، کورش پاژخ، مصطفی مباشر، عاطفه نعیمی، رضا شرفی، حسن ناصری‌خور، امین خانلو، مرتضی سلطانیان، محمد عبداللهی، عماد حدیدی، مهدی کابلی کفشگیری نیز نام برده شده که مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح داشتند. این که این افراد در زمان کشته‌شدن در بازداشت بوده‌اند یا در خیابان و مانند سایر معترضان به شکل‌های دیگر جان باختند، هنوز در دست تحقیق است. به اینها باید افرادی را که نامشان هرگز رسانه‌ای نشده و ما هنوز در مورد آنها چیزی نمی‌دانیم را نیز بیافزاییم.

متن کامل گزارش «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در باره مرگ مشکوک بازداشت‌شدگان را در ادامه

در این مدت همچنین بیش از ۱۹ هزار و ۲۰۰ شهروند نیز بازداشت شده‌اند. شماری از بازداشت‌شدگان با اتهامات سنگین «محرابه»، «افساد فی الارض» و «بغی» روبرو هستند. دادگاه برخی از این متهمان برگزار و به «اعدام» محکوم شده‌اند و برخی از بازداشت‌شدگان نیز به زندان، شلاق و ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده‌اند.

ابعاد سرکوب شهروندان بازداشت‌شده اما بسیار گسترده است؛ بازداشت‌شدگان مورد انواع ضرب و جرح، آزار کلامی، روانی و جنسی و تجاوز قرار می‌گیرند.

بر اساس گزارش جدیدی که «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» ارائه داده شماری از شهروندان بازداشت‌شده زیر شکنجه و فشار که غالباً برای انجام اعتراف اجباری صورت گرفته جان باخته‌اند؛ برخی دیگر از بازداشت‌شدگان هم در مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح جان خود را از دست داده‌اند.

از جمله مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح عاطفه نعیمی شهروند بازداشت شده که پیکر بی‌جان او در بالکن خانه‌اش پیدا شد یا شهروندانی که به فاصله چند روز از آزادی جان باخته و علت درگذشت آنها «خودکشی» یا «ایست قلبی» عنوان می‌شود.

برخی بازداشت‌شدگان هم از داروهایی که در بازداشت به آنها داده شده و مشخص نیست چه بوده‌اند خبر داده‌اند. از جمله این زندانیان محمدرضا آژر نوجوان ۱۸ ساله است که در نخستین روزهای اعتراضات در شهریور ۱۴۰۱ در مشهد بازداشت شد و پس از بیش از سه ماه و نیم بازداشت گفته در

از آغاز خیزش انقلابی تا کنون دست کم ۱۵ شهروند بازداشت‌شده به دلیل شکنجه جان باخته‌اند و دست کم ۱۲ شهروند بازداشت‌شده نیز به طرز مشکوکی پس از آزادی جان خود را از دست داده‌اند.

از جمله مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح بازداشت‌شدگان، مورد عاطفه نعیمی است که پیکر بی‌جان او در بالکن خانه‌اش پیدا شد.

برخی شهروندان به فاصله چند روز از آزادی جان باخته و علت درگذشت آنها «خودکشی» یا «ایست قلبی» عنوان می‌شود.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در گزارشی تحقیقی اعلام کرده که از آغاز خیزش انقلابی از شهریور تا کنون دست کم ۲۸ شهروند بازداشت‌شده در جریان اعتراضات، زیر شکنجه یا به شکلی مشکوک و غیرقابل توضیح جان باخته‌اند.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» روز چهارشنبه ۱۴ دی ماه ۱۴۰۱ با انتشار در گزارشی تحقیقی اعلام کرده که از آغاز خیزش انقلابی از شهریور تا کنون دست کم ۱۵ شهروند بازداشت‌شده به دلیل شکنجه و فشار برای گرفتن اعتراف اجباری جان باخته‌اند. همچنین ۱۲ شهروند بازداشت‌شده نیز به طرز مشکوکی پس از آزادی جان خود را از دست داده‌اند و یا پیکر بیجان آنها در محلی پیدا شده است.

نهادهای حقوق بشری اعلام کرده‌اند که از ۲۶ شهریور تا کنون دست کم ۵۱۶ تن از جمله ۷۰ کودک جان باخته‌اند.



بر اساس تحقیقات کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان، از ابتدای اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ تا کنون، دست‌کم ۱۵ نفر در بازداشت بر اثر شکنجه برای اعتراف‌گیری و یا در نتیجه جلوگیری از دریافت درمان موثر بعد از زخمی شدن با گلوله، به قتل رسیدند.

اسامی برخی از این کشته‌شدگان عبارت است از: رامین فاتحی، یوسف رئیسی، محمد لطف‌اللهی، حامد سلحشور، شادمان احمدی، شهریار عادل، احمد گودرزی، امیرجواد اسعدزاده، هیمین آمان، اسماعیل دزوار، امید حسنی، محمد حاجی رسول‌پور، ایلید رحمانی‌پور، میلاد خوشکام، سامان قادرپور و مهدی زارع اشکذری.

تعداد دقیق بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر مشخص نیست، اما تخمین زده می‌شود که حداقل بیست هزار نفر در سه ماه و نیم گذشته در سراسر ایران دستگیر شده باشند. کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان گزارش‌های متعددی از شکنجه‌های جسمی و روحی بازداشت‌شدگان در زندان‌های سراسر کشور دریافت کرده و پیشتر در گزارش شماره سه خود به بخشی از آن پرداخته است. این در حالیست که تنها درباره بخش کوچکی از بازداشت‌ها و شکنجه‌ها خبرسانی صورت گرفته و نام تعداد زیادی از این افراد و شرایطشان همچنان ناگفته و ناشنیده باقی مانده است. روشن است که در این شرایط اطلاعات چندانی از کسانی که در بازداشتگاه‌های رسمی و غیررسمی کشته می‌شوند، وجود ندارد.

از حقوق اولیه‌ی یک زندانی، داشتن امنیت جانی در مدت بازداشت و زندان است و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی مسئولیت سلامتی زندانیان بر عهده دستگاه قضایی و سازمان زندان‌هاست. در «ماده ۹ بند ۸» آیین‌نامه سازمان زندان‌ها در مورد وظایف و اختیارات این سازمان آمده «تأمین امنیت و محافظت از موسسه و زندانیان و اتخاذ تهییدات لازم برای پیشگیری از وقوع تخلفات و جرائم در مؤسسه» بر عهده این سازمان است.

این مسئولیت، هرچند بر اساس شواهد و قرائن فراوانی که وجود دارد، به انجام نمی‌رسد، اما روی کاغذ هم تنها در مورد بازداشتگاه‌های رسمی وجود دارد. در صدها بازداشتگاه غیررسمی در سراسر کشور، که اساساً وجود آنان هم توسط منابع امنیتی و قضایی کتمان می‌شود، فرد بازداشت‌شده مطلقاً بی‌دفاع و به شدت در خطر است.

پیش از این یکی از بازداشت‌شدگان این بازداشتگاه‌های غیررسمی به کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان گفته بود که مدتی را در یک بازداشتگاه زیرزمینی در حوالی کلاه‌دوز تهران گذرانده و در تمام مدت، او و دیگر زندانیان را در صندوق عقب ماشین به مکان‌های مختلف انتقال می‌دادند. او گفته بود «حتی اگر انقلاب هم می‌شد شما نمی‌توانستید مکان ما را پیدا کنید.»

در ادامه شرحی مختصری را از آنچه بر جانباختگان شکنجه، در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های رسمی ایران در بیشتر از سه ماه اخیر گذشته می‌خوانید.

#### اسماعیل دزوار

اسماعیل دزوار شهروند اهل سقز، در تاریخ ۶ مهر در جریان اعتراضات مردمی در این شهر بازداشت شد. ۱۲ روز بعد و در روز ۱۸ مهر پیکر او به بیمارستان این شهر منتقل شد. فعالان کرد مرگ او را به نقل از پرسنل بیمارستان بر اثر شکنجه در بازداشت می‌دانند. به شهادت این افراد آثار کبودی بر بدن و به ویژه کبودگی و شکستگی بر قفسه سینه وی کاملاً مشهود بوده است.

سازمان حقوق بشر هه‌نگاو، گزارش داده که بعد از انتقال پیکر آقای دزوار به بیمارستان نیروهای اطلاعات سپاه در سالن

رادیولوژی بیمارستان پس از یک نشست کوتاه به مسئولین بیمارستان گفتند که دلیل مرگ وی را سانحه رانندگی اعلام کنند که این درخواست با مخالفت شدید سوپروایزر بیمارستان روبرو شد.

بر اساس همین گزارش نیروهای اطلاعات سپاه پس از مخالفت کادر پزشکی، ساعت ۳ بامداد جسد را بدون اجازه از بیمارستان برده و با همکاری نیروهای آتش‌نشانی وی را شبانه دفن کردند.

خانواده این شهروند گُرد هم تحت فشار نهادهای امنیتی علت مرگ فرزندشان را «سانحه رانندگی» اعلام کردند.

#### رامین فاتحی

رامین فاتحی، شهروند کرد ۴۹ ساله، در روز ۲۱ مهر برای حمل بار به سقز رفته بود که در آن‌جا بازداشت می‌شود. او راننده وانت بود. رامین به همراه برادرش، وریا فاتحی بازداشت شد. ماموران یک روز بعد خواهرش رادا فاتحی را نیز دستگیر کردند.

به گزارش شبکه‌حقوق بشر کردستان هشت روز بعد، در روز ۲۹ مهرماه، وزارت اطلاعات به خانواده رامین اعلام کرد که او در بازداشتگاه خودکشی کرده است.

رامتین فاتحی فرزند او اما در گفتگو با رسانه‌ها مرگ پدرش را در اثر شکنجه‌های شدید دانست و گفت که در زمان شناسایی جسد به دایی او اجازه ندادند که پیکر پدرش را مشاهده کند. پیکر رامین فاتحی در نهایت بدون اطلاع خانواده، به صورت مخفیانه در بهشت محمدی شهر سقز دفن شد.

#### محمد لطف‌اللهی

محمد لطف‌اللهی، شهروند اهل سقز در تاریخ ۴ آبان روز چهلّم ژینامه(مهسا) امنیتی، در جریان اعتراضات در این شهر بر اثر تیراندازی نیروهای نظامی-امنیتی زخمی و در همان شرایط بازداشت می‌شود. به گفته نزدیکان محمد بازداشت او در محله «نایسر»، با وجود زخمی شدنش همراه با ضرب و جرح شدید او بوده است.

به گزارش کردپا او در حالی که به شدت مجروح شده بود توسط نیروهای سپاه به درون یک خودروی ون برده شده و به مکانی نامعلوم انتقال می‌یابد. صبح روز بعد، پنج‌شنبه ۵ آبان، پیکر محمد لطف‌اللهی به خانواده تحویل می‌شود و مراسم تشییع او با حضور تعدادی از اعضای خانواده و حضور چشمگیر نیروهای امنیتی برگزار می‌شود. نزدیکان می‌گویند در بدن او به جز جای تیر، آثار کبودی هم پیدا بود.

#### سامان قادرپور

سامان قادرپور ۳۷ ساله شهروند اهل اشنوویه در جریان اعتراضات اخیر در تهران بازداشت شده و زیر شکنجه ماموران امنیتی جان باخت. به گزارش هه‌نگاو، سامان در روز شنبه ۷ آبان ۱۴۰۱ کشته شده اما ماموران امنیتی روز دوشنبه از طریق تماس تلفنی خانواده قادرپور را مطلع کرده و از آنان می‌خواهند برای شناسایی جسد فرزندشان به تهران بروند. عموی سامان پس از مراجعه به سردخانه بهشت زهرا جسد وی را شناسایی می‌کند. بر اساس این گزارش نهادهای امنیتی به عموی سامان گفته‌اند که او در اثر ایست قلبی فوت شده، اما عمویش تأکید می‌کند که صورت سامان در اثر شکنجه کاملاً کبود و زخمی شده بود.

پیکر سامان در بهشت زهرا تهران کفن شده و نهادهای امنیتی به خانواده قادرپور گفتند که مراسم خاکسپاری پیکر سامان قادرپور باید با هماهنگی اداره آگاهی اشنوویه برگزار شود و هیچ‌کس حتی مادرش حق مشاهده پیکر وی را ندارد. پیکر سامان قادرپور ۱۱ آبان در شهر زادگاهش به خاک سپرده شد.

#### یوسف رئیسی

مولوی یوسف رئیسی، روحانی بلوچ پس از اعلام همبستگی

با مولانا عبدالحمید بازداشت و کشته شد.

بنابر گزارش حال‌وش ماموران لباس شخصی سپاه، یوسف رئیسی، فرزند عبدالرشید امام جماعت روستای هریدوک شهرستان لاشار را در روز دوشنبه ۹ آبان ماه ۱۴۰۱، زیر شکنجه کشتند.

مولوی رئیسی توسط افرادی از مسیر مسجد و منزلش برده می‌شود و پیکر بی‌جان او توسط سرنشینان یک خودرو پژو ۴۰۵ در مقابل درمانگاه اسپکه پیدا می‌شود.

آثار شکنجه و ضرب و جرح و اثراتی از بستن دست و پای وی با طناب روی پیکر او قابل مشاهده بود.

#### احمد گودرزی

احمد گودرزی، کشتی‌گیر لرستانی ساکن قلعه حسن‌خان بود که گفته شده در مراسم چهلّم حدیث نجفی در روز ۱۲ آبان بازداشت می‌شود و خانواده روزها از او بی‌خبر می‌ماند. در روز ۲۲ آذر خانواده جهت شناسایی پیکر او فراخوانده می‌شوند. ۴۰ روز بعد از بازداشت، پیکر بی‌جان این ورزشکار در حالی به خانواده تحویل می‌شود که شاهدان عینی از آثار شکنجه بر بدن او خبر می‌دهند و می‌گویند که قفسه سینه او شکسته بود. احمد در آرامستان دارالسلام روستای خشتیانک بخش اشترانکوه به خاک سپرده می‌شود و خانواده او تحت فشار نیروهای امنیتی مراسم تشییع را با تعدادی اندک از نزدیکان برگزار و در مورد نحوه مرگ او سکوت می‌کنند.

#### میلاد خوشکام

میلاد خوشکام، جوان ۲۷ ساله اهل شیراز روز ۱۶ آبان از خانه خارج می‌شود و دیگر بازمی‌گردد. ۶ روز بعد، در روز ۲۲ آبان، پیکر متلاشی شده او را به خانواده تحویل می‌دهند. میلاد در یک مغازه موبایل‌فروشی کار می‌کرده و با خواهر و مادر خود زندگی می‌کرد. ماموران با موبایل خود میلاد با خانواده تماس می‌گیرند و در ابتدا مدعی می‌شوند او خود را از پلی خارج از شهر شیراز پرت کرده و خودکشی کرده است. از شرایط تحویل جسد این بود که خبر رسانه‌ای نشود. نزدیکان بعد از تدفین میلاد شرح آنچه گذشت را در اختیار رسانه‌ها قرار دادند.

#### امید حسنی

به گزارش شبکه حقوق بشر کردستان امید حسنی، ۲۰ ساله در تاریخ ۲۶ آبان در حین بازگشت از مراسم چهلّم جان‌باختگان سقز در حد فاصل میدان محمدی و پایانه مسافربری این شهر توسط نیروی انتظامی و با خشونت شدید بازداشت می‌شود. او سپس به بازداشتگاه ناحیه نیروی انتظامی در میدان ۱۲ فروردین منتقل می‌شود.

همان شب ماموران نیروی انتظامی او را در حالی که بیهوش بوده به بیمارستان توحید سقز منتقل می‌کنند اما پس از یک شب به دلیل شدت جراحات ناشی از ضربات باتوم و خونریزی مغزی و داخلی جان می‌یازد.

به گزارش هه‌نگاو، پیکر امید حسنی شامگاه جمعه ۲۷ آبان و تنها با حضور دو نفر از اعضای خانواده‌اش در آرامستان بهشت محمدی سقز دفن به خاک سپرده می‌شود.

#### هیمین آمان

هیمین آمان، معروف به «هیمین رَش»، جوان ۲۶ ساله اهل بوکان در روز پنج‌شنبه بیست و ششم آبان‌ماه در جریان اعتراضات در بوکان بر اثر شلیک نیروهای امنیتی و نظامی زخمی می‌شود. به گزارش کردپا، بامداد روز جمعه بیست و هفتم آبان‌ماه، ماموران به منزل پدری این شهروند یورش می‌برند و او را با ضرب و شتم شدید بازداشت می‌کنند. همین گزارش اضافه می‌کند که پس از بازداشت هیمین آمان، او به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی بوکان منتقل و علاوه بر ضرب و شتم شدید، با شوکر برقی نیز شکنجه می‌شود.

هیمین آمان در ادامه به یک بازداشتگاه امنیتی در

➔ ارومیه منتقل می‌شود و در آنجا دست، پا، صورت و سرش را می‌شکنند. هیمن زیر شکنجه جان می‌بازد. ماموران روز چهارشنبه دوم آذر ماه با پدر و تماس می‌گیرند و می‌گویند برای تحویل پیکر فرزندش به بازداشتگاه ارومیه مراجعه کند.

همزمان تهدید خانواده آغاز می‌شود و به آنان گفته می‌شود که باید مراسم خاکسپاری را در سکوت برگزار کنند و در مورد نحوه جان باخت فرزندشان هم با رسانه‌ها حرفی نزنند.

#### امیر جواد اسعدزاده

امیر جواد اسعدزاده، شهروند اهل مشهد، عصر روز شنبه ۲۸ آبان، از خانه بیرون می‌رود و دیگر به خانه بر نمی‌گردد. خانواده در پی یافتن او شروع به گشتن بیمارستان‌ها و بازداشتگاه‌ها می‌کنند. در نهایت درمی‌یابند که به جرم دیوانه‌پوشی بازداشت شده، بازپرس را پیدا می‌کنند و به آنان اطمینان می‌دهد که نگران نباشید، شوکر به دست فرزندتان خورده و او در بیمارستان بستری است. اما نمی‌گویند کدام بیمارستان. خانواده در پی یافتن او همه بیمارستان‌ها را زیر پا می‌گذارد و در نهایت در بیمارستان جوادالائمه نشانی از او می‌یابد. پرسنل بیمارستان می‌گویند که او را کتک خورده و نیمه‌جان در حالی که جای سالمی در بدن نداشت به بیمارستان آوردند و اجازه احیا داده نشد، وقتی جان باخت جسد را از بیمارستان بردند. پیکر امیر جواد در دوم آذر ۱۴۰۱ در بهشت رضا مشهد و با تدابیر شدید امنیتی به خاک سپرده می‌شود.

اسماعیل دزوار، رامین فاتحی، محمد لطف‌اللهی، سامان قادرپور، یوسف رئیس، احمد گودرزی، میلاد خوشکام، امید حسنی، هیمن آمان، امیر جواد اسعدزاده، محمد حاجی رسولپور، حامد سلحشور،

#### محمد حاجی رسولپور

محمد حاجی رسولپور در روز ۲ آذر در بوکان بازداشت می‌شود و در بامداد دوشنبه ۲۸ آذرماه پس از یک هفته بستری در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان قلبپور بوکان جان می‌بازد. او در روز ۲۲ آذر در حالی که به دلیل شدت شکنجه قدرت تکلم خود را از دست داده بود با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان بوکان آزاد و مستقیم به بیمارستان منتقل می‌شود، اما شدت جراحات ناشی از شکنجه به حدی بود که بیش از یک هفته دوام نمی‌آورد و در روز ۲۸ آذر ماه، کشته می‌شود. مراسم خاکسپاری او همان روز دوشنبه ۲۸ آذر در روستای آلی کند بوکان برگزار شده و شرکت‌کنندگان، به زبان کردی شعار می‌دادند «شهید می‌میرد».

#### حامد سلحشور

حامد سلحشور، جوان زیر ۲۲ سال اهل ایذه در پنجم آذر ماه بازداشت می‌شود. او در حالی که در مسیر اصفهان به سمت ایذه در حال حرکت بود، توسط ماموران اطلاعات سپاه دستگیر می‌شود و بعد از ۵ روز بی‌خبری در روز ۱۰ آذرماه کشته شده و ماموران امنیتی به سرعت پیکرش را دفن می‌کنند.

دفن مخفیانه پیکر حامد توسط ماموران در منطقه‌ای به نام «قلعه تل» در خارج از شهر ایذه انجام می‌شود اما زمانی که خانواده از محل دفن او باخبر می‌شوند پیکر او را از قبر خارج کرده و در «آرامگاه خانوادگی» خانواده سلحشور در ایذه دفن می‌کنند.

#### شهریار عادل

شهریار عادل، شهروند ۲۷ ساله اهل سردشت اول آذر به دلیل شرکت در اعتراضات سراسری بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهر منتقل می‌شود. به گزارش شبکه حقوق بشر کردستان، شهریار در زمان بازداشت توسط بازجویان این نهاد امنیتی مورد شکنجه شدید جسمی قرار می‌گیرد و بعد از مرگ هم عکس‌هایی از بدن شکنجه شده او منتشر شد.

او در روز ۱۲ آذر در حالی که به دلیل شکنجه در وضعیت وخیمی به‌سر می‌برد با قرار وثیقه آزاد و به دلیل خونریزی داخلی در بیمارستان سردشت بستری می‌شود. اما تنها ۵ روز بعد در روز ۱۷ آذر به دلیل شدت جراحات جان می‌بازد. در پی مرگ او خانواده تهدید می‌شوند که علت مرگ را ایست قلبی اعلام کنند.

#### ایلیاد رحمانی پور

پیکر بی‌جان ایلیاد رحمانی پور، نوجوان ۱۶ ساله اهل شهرستان فیروزآباد، در زمین خالی پشت ترمینال مسافربری این شهر پیدا شده و روز دوشنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۱ در آرامستان فیروزآباد به خاک سپرده می‌شود.

به گزارش ار.اف.ای (RFI) ایلیاد (امیر محمد) سه روز پیش از آن بازداشت شده بود و بعد از سه روز پیکر او را در این شهر کوچک در جنوب شیراز پیدا می‌کنند.

بر اساس این گزارش، نهادهای امنیتی، شاخه خودکشی این نوجوان را در شهر پخش کردند و شاهدان عینی می‌گویند، مأموران برای صحنه‌سازی خودکشی، چند ورقِ خالی قرص هم در کنار پیکر او گذاشته‌اند.

#### شادمان احمدی

شادمان احمدی، شهروند ۲۳ ساله اهل دهگلان در روز پنج‌شنبه ۱۷ آذرماه به اتهام شرکت در اعتراضات بازداشت می‌شود و به گزارش شبکه حقوق بشر کردستان چند ساعت بعد به خانواده او اطلاع می‌دهند که در بازداشتگاه جان باخته است. خانواده شادمان می‌گویند که او پس از بازداشت در اثر شکنجه در بازداشتگاه کلاتری دهگلان جان خود را از دست داده است.

بر اساس همین گزارش یکی از کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران کردستان تلویحا بازداشت این شهروند به اتهام «تخریب اموال عمومی، ایجاد ارباب و اخلاص در نظم عمومی» را در جریان اعتراضات مردمی دهگلان تایید می‌کند.

#### مهدی زارع اشکذری

مهدی زارع اشکذری، به دلیل شرکت در اعتراضات در ایران بازداشت می‌شود و به خاطر جراحات ناشی از شکنجه ساعتی پس از آزادی موقت به کما می‌رود. مهدی ۲۰ روز بعد در بیمارستان جان می‌بازد.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی نزدیکان مهدی زارع اشکذری می‌گویند که «دماغ و تعدادی از دندان‌های او در اثر ضربات شکسته شده بود و آثار کبودی در صورت و بدن او مشهود بوده است».

به گزارش رادیو زمانه خانواده مهدی زارع به شدت تحت فشار بودند تا مرگ فرزندشان را «خودکشی» اعلام کنند و بعد از دو روز با پذیرفتن این شرط، جنازه مهدی در روز ۹ دی به خانواده‌اش تحویل داده می‌شود و مراسم خاکسپاری او شنبه ۱۰ دی در گورستان اشکذر یزد برگزار می‌شود.

او متولد سال ۱۳۷۰ بوده و مدتی نیز دانشجوی دانشگاه بولونیا در ایتالیا بوده است. مهدی یکسال و نیم پیش پس از مرگ مادرش به ایران برگشته بود.

به غیر از افرادی که شرح آنان آمده از کشته‌شدگان دیگری از جمله؛ آیدرستمی، دنیا فرهادی، کورش پاژخ، مصطفی مباحثی، عاطفه نعمانی، رضا شرفی، حسن نصری‌خور، امین خانلو، مرتضی سلطانیان، محمد عبداللهی، عماد حیدری، مهدی کابلی کفشگیری نیز نام برده شده که مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح داشتند. این که این افراد در زمان کشته شدن در بازداشت بوده‌اند یا در خیابان و مانند سایر معترضان به شکل‌های دیگر جان باختند، هنوز در دست تحقیق است. به اینها باید افرادی را که نامشان هرگز رسانه‌ای نشده و ما هنوز در مورد آن‌ها چیزی نمی‌دانیم را نیز بیافزاییم.

## سرکوب شهروندان با بازداشت بیش از ۱۹ هزار نفر؛ اعتصاب غذای ۱۵ شهروند معترض در زندان «کجویی» کرج

● فاطمه حربی، ژامین حاج میرزا محمدی و آرمیتا عباسی از جمله پانزده زندانی اعتصاب‌کننده در زندان «کجویی» کرج هستند که همگی در جریان اعتراضات بازداشت شدند.

● محمدرضا آژر نوجوان ۱۸ ساله زندانی در مشهد گفته که ۱۲ دی‌ماه رگ‌های چشمانش از شدت فشار عصبی پاره شده و در زندان به او داروهایی داده‌اند که مشخص نیست چه هستند.

آخرین آمار ارائه شده از شمار بازداشت‌شدگان جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی از بازداشت ۱۹ هزار و ۲۰۰ تن و جان باختن بیش از ۵۱۶ تن خبر داده است. جدا از متهمانی که به اعدام محکوم شده‌اند، شمار زیادی از بازداشت‌شدگان با احکام زندان، شلاق و ممنوعیت خروج از کشور روبرو هستند. فشار بر شهروندان زندانی سبب شده شماری از آنها طی روزهای گذشته دست به اعتصاب غذا بزنند.

پانزده زن محبوس در زندان «کجویی» از روز دوشنبه در اعتراض به بلاتکلیفی و عدم رسیدگی مسئولان امنیتی و قضایی به پرونده‌هایشان دست به اعتصاب غذای خشک زده‌اند.

فاطمه حربی زندانی ۳۸ ساله یکی از این زنان زندانی است که در اعتراضات ۲۰ مهر در گوهردشت بازداشت شده و به پنج سال زندان و دو سال تبعید محکوم شده است. او مادر یک کودک هشت ساله است و در اعتراض به حکم ناعادلانه و عدم رسیدگی به وضعیت‌اش در زندان به همراه ۱۴ زندانی دیگر اعتصاب غذا کرده است.

به گزارش منابع حقوق بشری، ژاسمین حاج میرزا محمدی شهروند ۲۵ ساله نیز که در پی بازداشت در مراسم چهلم حدیث نجفی به ۵ سال حبس محکوم شد، از روز دوشنبه در زندان «کجویی» کرج دست به غذا زده است.

آرمیتا عباسی دختر جوان ۲۰ ساله نیز از جمله زنان زندانی است که در اعتراضات بازداشت شده و اکنون در زندان کجویی کرج اعتصاب غذا کرده است. نهادهای امنیتی آرمیتا عباسی را یکی از لیدرهای اعتراضات معرفی کرده و مدعی شدند که او قصد داشته با استفاده از کوکتل مولوتف به پایگاه‌های بسیج، کانکس‌های انتظامی و کلاتری‌های منطقه «حمله و

➔ اقدام به آشوب» کند.

آرمیتا عباسی اما از جمله قربانیان تجاوز و خشونت جنسی در بازداشت است. خبرگزاری سی‌ان‌ان دو ماه پیش در گزارشی تکانه‌دهنده، آزار و اذیت جنسی بازداشت‌شدگان را تأیید کرد و یکی از موارد مطرح شده در این گزارش تحقیقی، آرمیتا عباسی بود.

این گزارش بر اساس مدارکی که از بیمارستان «امام علی» در کرج درز کرده، نوشته که آرمیتا عباسی روز ۲۵ مهر به همراه افسران لباس شخصی با حالی وخیم به این بیمارستان برده می‌شود در حالی که موهایش تراشیده، سرش بسته شده و به شدت می‌لرزید.

«مکالمات میان پزشکان در سرویس پیام خصوصی اینستاگرام» از جمله اسنادی است که نشان می‌دهد به آرمیتا عباسی در زندان تجاوز و آسیب‌هایی به اعضای جنسی او وارد شده است و پزشکان با دیدن شرایط آرمیتا دچار وحشت شدند: «حالش آنقدر بد بود که فکر کردیم سرطان داره!» «قلب منی که دیدمش و نمی‌تونستم فرارم بدم داره دیوانم می‌کنه!» «مردان لباس شخصی اصرار داشتند که دکتر گزارش تجاوز را مربوط به قبل از دستگیری بنویسد» و «گند زده بودند. گند بالا آوردند و نمی‌دانند چگونه دوباره آن را جمع و جور کنند»، اینها از جملاتی است که از چت خصوصی پزشکان بیمارستان «امام علی» درباره آرمیتا درز پیدا کرده است.

یک منبع در بیمارستان «امام علی» صحت این اطلاعات را در گفتگو با سی‌ان‌ان تأیید کرده و در حالی که خواسته هویت‌اش در گزارش مشخص شود گفت زمانی که آرمیتا به بیمارستان منتقل شد، ماموران گفتند که به دلیل تجاوز مکرر، مقعدش خونریزی داشته است.

اکنون همزمان با اعتصاب غذای آرمیتا در زندان و ۸۳ روز پس از بازداشت او، مادرش در نامه‌ای سرگشاده با انتقاد از بی‌توجهی مقامات قضایی و نپذیرفتن وکیل انتخابی، خواهان رسیدگی به پرونده دخترش شده است.

مادر این زندانی روز دوشنبه ۱۲ دی با انتشار متنی در اینستاگرام خطاب به «رئیس دادگستری استان البرز، دادستان دادگاه انقلاب اسلامی کرج، بازپرسی شعبه ۱۳، و قاضی شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی» مرکز استان البرز، نوشت: «آمد، نبودید. پرسیدم، جواب واضح ندادید. وکیل اختیار کردیم، نپذیرفتید.»

مادر آرمیتا افزوده که «از دیروز فهمیدم من هم ۸۳ روز است که اعتصاب زندگی داشته‌ام و فقط نفس کشیده‌ام! در بی حسی مطلق به سر می‌برم، اما زنده‌ام و نفس می‌کشم، چرا که نور دیده‌ام امید به قامت ایستاده من دارد.»

او با تأکید بر اینکه با رسانه‌ها مصاحبه نکرده تا مقامات قضایی او را به «تعرض به قوانین» متهم نکنند، در هشتاد و دومین روز بازداشت فرزندش گفت: «تک‌فرزند من که طبق نظرات حضرات اطلاعات با عناوین دروغین در زندان کجویی کرج زندانی است به علت عدم رسیدگی به پرونده‌اش و طولانی شدن دوره زندان دست به اعتصاب غذای خشک زده.» مادر آرمیتا عباسی با بیان اینکه مقامات قضایی بنا را «به مجرم بودن» می‌گذارند، مگر اینکه «خلافش ثابت شود»، ابراز امیدواری کرد که پیامش «قبل از اینکه دیر شود» به دست مقامات قضایی استان البرز برسد.

او خواستار رسیدگی به پرونده دخترش شد و نوشت: «این اعتصاب غذا که توسط آرمیتا و سایر هم‌بندان است، اصلاً به نفع هیچکس نیست.»

در خبر هولناک دیگری محمدرضا آذر نوجوان ۱۸ ساله که در نخستین روزهای اعتراضات ملی علیه جمهوری اسلامی در شهریور ۱۴۰۱ در مشهد بازداشت شد در یک فایل صوتی



©گرافیک از کیهان لندن

زندان باشد!

لیلا سرفلاح مادر علی معظمی گودرزی به تازگی در گفتگو با «امتداد» درباره پسرش که نان‌آور خانه بوده گفته که «من از همسر جدا شده‌ام و چندین سال است که علی با من زندگی می‌کند. او همچنین کفیل من و نان‌آور خانواده است. مدتی بود که کار ام‌دی‌اف و کابینت‌سازی انجام می‌داد. علی پسر فوق‌العاده خوب و دلسوز و مهربانی است. بسیار وطن‌دوست است و مردم و کشورش را دوست دارد. به هیچ کس آسیبی نرسانده و هیچ تخریبی انجام نداده است. ما ساکن نظرآباد استان البرز هستیم. علی هم درس خوانده و هم از ۱۳-۱۴ سالگی کار کرده‌است. خودش خرج تحصیلش را فراهم می‌کرد. من هم شاغل هستم و برای یک لقمه نان حلال همه نوع کار شرافتمندانه‌ای انجام داده‌ام؛ از دست‌فروشی، شمع‌سازی تا فروشندگی و... می‌خواستم پسر را سالم و با نان حلال بزرگ کنم.»

مادر علی گفته که «ما در دادگاه حضور نداشتیم، اصلاً اطلاع نداشتیم که دادگاه چه ساعت و چه روزی برگزار شده‌است اما گویا ۲ جلسه دادگاه برای علی تشکیل داده‌اند. همچنین به ما اجازه ندادند که برای علی وکیل بگیریم و گفتند خودش وکیل تسخیری دارد. بعد هم گفته شد که حکمش ۲۵ سال زندان است. البته وکیل علی، وکیل خوبی است و تا جایی که در توانش بوده، از علی دفاع کرده است. ما به حکم اعتراض کرده‌ایم. الان هم حدود ۱۲ روز است که ما لایحه نوشته و به حکم اعتراض کرده‌ایم. حدود ۲۰ روز این فرآیند طول می‌کشد.» بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی از دادگاه، او هیچ عنوان اتهامی از جمله پرتاب سنگ به بسیجی روح‌الله عجمیان را نپذیرفته و شاهد و فیلمی نیز در این خصوص ارائه نشده‌است. علی معظمی و وکیل‌اش در جلسه دادگاه تأکید کرده‌اند که او صرفاً در مراسم چهلم حضور داشته، هیچ نقشی در کشته شدن عجمیان نداشته و صرفاً دست به اعتراض زده‌است. قاضی دادگاه تشکیل زنجیره انسانی و فیلم‌برداری از آن در حاشیه مراسم چهلم حدیث نجفی را مصداق «افساد فی‌الارض» و اقدام علیه امنیت ملی دانسته‌است. در حالی که علی معظمی نه به جان و نه به اموال عمومی هیچ آسیبی وارد نکرده است!

از زندان گفته که ۱۲ دی‌ماه، رگ‌های چشمانش از شدت فشار عصبی پاره شده و در زندان به او داروهایی داده‌اند که مشخص نیست چه هستند.

پیشتر خبرگزاری هرانا به نقل از یک منبع آگاه از وضعیت محمدرضا آذر گزارش داده بود که «بعد از اتمام مراحل بازپرسی ابتدا اعلام کردند که اتهام او حضور در تجمعات است. اما هم اکنون با گذشت بیش از ۳ ماه، اتهامات مطروحه علیه او را اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام عنوان کرده‌اند.»

این منبع مطلع در ادامه افزود: «علیرغم پیگیری‌های خانواده آقای آذر از دادگاه انقلاب مشهد، مسئولین مربوطه از دادن پاسخی شفاف در خصوص وضعیت پرونده فرزندشان خودداری می‌کنند. علیرغم تعیین قرار وثیقه ۵ میلیارد تومانی، مسئولین مربوطه با آزادی موقت وی مخالفت می‌کنند.»

همچنین قرار بازداشت موقت فاطمه سپهری فعال مدنی و سیاسی که ۳۰ شهریور بازداشت شده و اکنون در زندان وکیل‌آباد مشهد بسر می‌برد، با وجود نیاز او به مراقبت پزشکی برای بار سوم تمدید شده است.

اصغر سپهری برادر فاطمه سپهری روز دوشنبه ۱۲ دی در توییتی نوشت که خواهرش «به دلیل وجود توده‌ای در دست چپ» پیش از بازداشت «دو بار عمل جراحی داشته» و به فیزیوتراپی نیاز دارد. گزارش دیگری از افزایش مداوم فشار خون فاطمه سپهری حکایت دارد.

فاطمه سپهری ۱۳ آذر در پیامی از زندان وکیل‌آباد از مردم خواست که با «حمایت از فراخوان‌ها» نگذارند که «خون ژیناها، کیان‌ها، خدانورها و ابوالفضل‌ها» فراموش شود و با تأکید بر اینکه «جمهوری اسلامی را راحت رها نکنید» و «همراه شوید، همت کنید، تا با «اتحاد و همبستگی جمهوری اسلامی برود»، اضافه کرد: «تا جمهوری اسلامی از بین نرود، ما روز خوش نداشته‌ایم و نخواهیم داشت.»

برخی از بازداشت‌شدگان نیز به زندان‌های طولانی محکوم شده‌اند. یکی از آنها علی معظمی گودرزی است که در مراسم چهلم حدیث نجفی بازداشت شد. علی معظمی گودرزی چهارم دی در زندان ۲۰ ساله شد و حالا بر اساس حکم ناعادلانه صادر شده باید ۲۵ سال تا ۴۵ سالگی در

## پدر یک نوجوان جانباخته به دلیل فشارهای عصبی و آزار نهادهای امنیتی سگته کرد و درگذشت



نیما شفیق دوست

خودکشی جان خود را از دست داده‌اند. نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل‌زاده نوجوانان ۱۶ ساله در اعتراضات در تهران و کرج جان باختند اما جمهوری اسلامی با ساخت مستندهایی کاملاً دروغ علت قتل این نوجوانان را «سقوط از ارتفاع» با انگیزه «خودکشی» عنوان کرد. اسرا پناهی ۱۵ ساله دانش‌آموز مدرسه شاهد اردبیل نیز در پی حمله مأموران انتظامی و لباس‌شخصی جمهوری اسلامی به دانش‌آموزان به دلیل شعارهای آنها علیه نظام، با ضربات باتوم جان باخت. جمهوری اسلامی مدعی شد اسرا پناهی که به تازگی پدرش را از دست داده بود به دلیل افسردگی خودکشی کرده است. مقامات امنیتی اردبیل از برادر نوجوان اسرا نیز «اعتراف اجباری» گرفتند و ساعاتی پس از پخش این اعترافات نادرست از تلویزیون، برادر اسرا هم خودکشی کرد و راهی سی‌سی‌یو بیمارستان شد.

کیان پیرفلک کودک نخبه ۱۰ ساله هم ۲۵ آبان در اعتراضات مردمی ایده در پی به رگبار بسته شدن معترضان توسط مأموران حکومتی جان باخت. کیان به همراه پدر، مادر و برادر سه ساله‌اش در اتومبیل بود و در پی برخورد گلوله به سمت راننده‌ی اتومبیل، پدرش که رانندگی می‌کرد و کیان که پشت سر پدرش نشسته بود تیر خوردند؛ کیان کشته شد و پدرش همچنان در بیمارستان در شرایط وخیم بسر می‌برد. در چهارشنبه خونین ایده، دو کودک دیگر به نام سپهر مقصودی و آرتین رحمانی نیز جان باختند.

اینهمه در حالیست که شمار زیاد کودکان جانباخته در اعتراضات سبب شد «حکومت کودک‌کش» به عنوان یکی دیگر از صفات جمهوری اسلامی مورد استفاده مردم و رسانه‌ها قرار بگیرد. همچنین شعارهایی چون «مرگ بر حکومت بچه‌کش» و «مرگ بر خامنه‌ای بچه‌کش» به فهرست شعارهای معترضان افزوده شده است.

اعتراضات در زاهدان نیز از غصه جانباختن برادر برومندش «دق کرد».

خدانور لجه‌ای جوان ۲۷ ساله‌ای که در حاشیه زاهدان زندگی می‌کرد ۱۰ مهرماه در «جمعه خونین زاهدان» جان باخت. خدانور یکی از جانباختگانی بود که تصاویر و ویدئوهای او به سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. خدانور یک صفحه اینستاگرامی داشت که خیلی فعال بود و ویدئوهایی از رقص و شادی‌های خودش را در آن منتشر می‌کرد.

جداً از ویدئوهای رقص خدانور که شور زندگی و امید در آنها موج می‌زد یک تصویر از خدانور در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که او را در حیاط پاسگاهی در زاهدان نشان می‌داد که به دستانش که دور میله پرچم حلقه شده بود دستبند زده بودند و یک بطری آب به فاصله یک متری او قرار داده بودند.

این تصویر واکنش‌های زیادی از سوی افکار عمومی برانگیخت. گفته شده بود خدانور چند هفته پیش از آنکه در «جمعه خونین زاهدان» با گلوله مأموران جمهوری اسلامی کشته شود، بازداشت شده بود و مأموران نه تنها او را در حیاط پاسگاه به میله پرچم بسته بودند بلکه برای شکنجه او که تشنه بود و درخواست آب کرده بود یک بطری آب نزدیکش گذاشته بودند و گفته بودند اگر می‌توانی آب را بردار!

در جریان جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی که از ۲۶ شهریور در پی جان باختن مهسا امینی بر اثر ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد آغاز شده تا کنون ۵۱۶ شهروند بر اثر شلیک مأموران حکومتی جان خود را از دست داده‌اند که ۷۰ تن از آنها کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال بوده‌اند.

خانواده نوجوانان جانباخته از جمله نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل‌زاده زیر فشار نهادهای امنیتی قرار گرفتند تا اعتراف اجباری کنند که فرزندانشان به دلایل دیگری از جمله

● بهروز شفیق دوست از سوی نیروهای امنیتی مجبور شده بود بگوید علت جان باختن نیما به دلیل «عفونت زخم» ناشی از «گازگرفتگی سگ» بوده است.

● پیشتر نیز خواهر ۲۱ ساله خدانور لجه‌ای از جانباختگان اعتراضات در زاهدان نیز از غصه جان باختن برادر برومندش «دق کرد».

● جمهوری اسلامی نه تنها شهروندان بی‌دفاع را با سلاح جنگی و باتوم و تجاوز به کام مرگ می‌فرستد بلکه پس از کشتار مردم بی‌گناه، خانواده‌های آنها را نیز زیر انواع فشار و آزار قرار می‌دهد.

● در پی کودک‌کشی جمهوری اسلامی، شعارهایی چون «مرگ بر حکومت بچه‌کش» و «مرگ بر خامنه‌ای بچه‌کش» به فهرست شعارهای معترضان افزوده شده است.

بهروز شفیق دوست پدر نیما شفیق دوست نوجوان ۱۷ ساله‌ای که در جریان اعتراضات بر اثر شلیک مأموران جمهوری اسلامی در ارومیه جان باخته بود بر اثر فشارهای عصبی و آزار نهادهای امنیتی سگته کرد و جان باخت.

منابع خبری روز چهارشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۱ اعلام کردند بهروز شفیق دوست روز سه‌شنبه سیزدهم دی‌ماه بر اثر سگته قلبی ناشی از فشارهای عصبی درگذشته است.

نیما شفیق دوست نوجوان ۱۷ ساله ساکن ارومیه روز ۳۰ شهریور، در جریان اعتراضات مردمی شهرک اسلام‌آباد این شهر با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر مجروح و ۱۲ روز بعد جان باخت.

بهروز شفیق دوست پس از آنکه فرزندش در پی شلیک مأموران جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات سراسری کشته شد، از سوی نیروهای امنیتی مجبور شده بود بگوید علت جان باختن نیما به دلیل «عفونت زخم» ناشی از «گازگرفتگی سگ» بوده است.

مادر نیما شفیق دوست در ویدئویی واقعه کشته شدن فرزندش در جریان اعتراضات سراسری با شلیک مأموران حکومتی و همچنین تهدید خانواده برای پنهان کردن دلیل واقعی درگذشت پسرشان را شرح داده است.

او در این ویدئو تأکید کرده که از اداره اطلاعات با او تماس گرفته‌اند و تهدید کرده‌اند که اگر در مورد کشته شدن پسرشان اطلاع‌رسانی کنند، می‌آیند و بقیه عزیزانشان و جوانانشان را به سرنوشت نیما دچار می‌کنند. مادر همچنین می‌گوید که از آنها خواسته شده که بگویند فرزندشان را سگ گاز گرفته است!

جمهوری اسلامی نه تنها شهروندان بی‌دفاع را با سلاح جنگی و باتوم و تجاوز به کام مرگ می‌فرستد بلکه پس از کشتار مردم بی‌گناه، خانواده‌های آنها را نیز زیر انواع فشار و آزار قرار می‌دهد؛ پنهان کردن علت درگذشت، اعتراف اجباری تلویزیونی، دزدیدن پیکر جانباختگان، خاکسپاری مخفیانه یا شیان، جلوگیری از برگزاری مراسم، احضار و تهدید بازماندگان و سناریوسازی علیه شهروندان جانباخته از جمله اقدامات کثیف نهادهای امنیتی علیه آنها و بازماندگان آنهاست.

پدر نیما شفیق دوست در حالی زیر فشارهای نهادهای امنیتی و غم از دست دادن فرزند جان خود را از دست داده که پیشتر نیز خواهر ۲۱ ساله خدانور لجه‌ای از جانباختگان

# افزایش تلاش‌ها برای نجات جان محمد قبادلو؛ از جامعه روانپزشکی ایران تا نایب رئیس سنای فرانسه



محمد قبادلو در دادگاه

وضعیت او از نظر روانپزشکی هستند. در این نامه همچنین گفته شده که بررسی سوابق و مدارک بیماری، مصاحبه با بیمار، خانواده و پزشکان قبلی قوه قضائیه را می‌تواند در رسیدن به «حکمی مبتنی بر موازین علمی و مستندات بالینی، منطبق بر واقع و عادلانه یاری کند.» محمد قبادلو یکی از ده‌ها شهروندی است که در جریان اعتراضات بازداشت شده و سپس با اتهامات سنگین «محرابه» و «افساد فی الارض» و یا «بغی» روبرو شدند. این اتهامات به راحتی امکان صدور حکم «اعدام» علیه متهمان از سوی قضا را فراهم می‌کرد.

آخرین گزارش‌ها از سوی «سازمان حقوق بشر ایران» از قرار گرفتن بیش از ۱۰۰ شهروند در خطر اعدام حکایت دارد که برای برخی از آنها حکم اعدام صادر شده و برای برخی دیگر هنوز حکم صادر نشده اما اتهامات سنگین آنها را با خطر اعدام روبرو ساخته است.

آنچه درباره محمد قبادلو نگران‌کننده است، «قطعی» شدن حکم است و هر لحظه ممکن است این حکم به اجرای احکام ابلاغ شود. به همین دلیل است که ده‌ها روانپزشک برجسته نیز به تلاش برای جلوگیری از اعدام محمد اقدام کرده‌اند.

متن کامل نامه روانپزشکان به رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

با توجه به پیچیدگی تشخیص‌های روانپزشکی به ویژه اختلالات دوره ای مانند اختلال دوقطبی و اختلال شخصیت مرزی و با توجه به اختلاف نظر پزشکان مختلف در مورد وضعیت روانی آقای محمد قبادلو شامل قوای شناختی و قوه تمیز او به خصوص در حین ارتکاب عمل انتسابی، ما روانپزشکان امضاکننده زیر بررسی دقیقتر ایشان از نظر روانپزشکی را از جنابعالی درخواست می‌نماییم. پیشنهاد می‌کنیم بدین منظور شورایی از روانپزشکان معتبر و شناخته‌شده تشکیل شود تا با بررسی تمام سوابق و مدارک بیماری، مصاحبه با بیمار، خانواده و پزشکان قبلی وی، آن قوه محترم را در رسیدن به حکمی مبتنی بر موازین علمی و مستندات بالینی، منطبق بر واقع، و عادلانه، یاری کند.

بیماری دوقطبی محمد را تأیید کرده ولی به قاضی دادگاه گفت متهم رفتار هدفدار داشته و کاملاً میدانسته ماهیت رفتارش چه بوده است!

اکنون تلاش‌ها برای نجات جان محمد قبادلو افزایش یافته است. ونسنت دلاهایه نایب رئیس سنای فرانسه نیز روز سه‌شنبه ۶ دی ۱۴۰۱ در توثیپی نوشت: «او محمد قبادلو نام دارد، ۲۲ سال سن دارد. او به اعدام محکوم شده است و هر لحظه ممکن است اعدام شود. من می‌خواهم او را تحت کفالت خودم در بیاورم و خواستار توقف فوری اعدام در ایران هستم.» بیش از ۵۰ روانپزشک در نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه خواستار تشکیل شورایی از روانپزشکان معتبر شدند تا تمام سوابق و مدارک بیماری محمد قبادلو، از معترضان بازداشتی که به اتهام «محرابه» به اعدام محکوم شده را بررسی کنند.

امضاکنندگان این نامه گفته‌اند: «با توجه به پیچیدگی تشخیص‌های روانپزشکی به ویژه اختلالات دوره‌ای مانند اختلال دوقطبی و با توجه به اختلاف نظر پزشکان در مورد وضعیت روانی محمد قبادلو» خواستار بررسی دقیق تر

● ونسنت دلاهایه نایب رئیس سنای فرانسه کفالت سیاسی محمد قبادلو را پذیرفته و خواستار توقف فوری اجرای حکم اعدام او شده است.

● بیش از ۵۰ روانپزشک در نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه خواستار تشکیل شورایی از روانپزشکان معتبر شدند تا تمام سوابق و مدارک بیماری محمد قبادلو را بررسی کنند.

● آنچه درباره محمد قبادلو نگران‌کننده است، «قطعی» شدن حکم است و هر لحظه ممکن است این حکم به اجرای احکام ابلاغ شود.

تلاش‌ها برای نجات جان محمد قبادلو جوان ۲۲ ساله‌ای که در اعتراضات هفته‌های اخیر بازداشت و با حکم «قطعی» اعدام روبروست ادامه دارد. شماری از روانپزشکان در ایران در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه خواستار تشکیل شورای پزشکی برای بررسی سلامت محمد قبادلو شدند. نایب رئیس سنای فرانسه نیز کفالت سیاسی محمد را بر عهده گرفته تا شاید از این مسیر نیز فشار مضاعفی برای جلوگیری از اعدام او ایجاد شود. محمد قبادلو جوان متولد ۱۳۷۹ در جریان اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت و متهم به «محرابه» و «افساد فی الارض» با «زیرگرفتن» چند نیروی حکومتی شده است. هفته گذشته در سوم دی‌ماه دیوان عالی کشور با وجود ابتلای محمد به اختلال دو قطبی، حکم اعدام او را تأیید کرد و هر روز ممکن است این حکم اجرا شود.

بر اساس گواهی صادر شده از سوی پزشک معالج محمد قبادلو، او از هفت سال پیش به دلیل ابتلا به اختلال دو قطبی تحت درمان بوده و از دو ماه پیش از حادثه تصادف، دارو مصرف نکرده بود. در چنین شرایطی و بر اساس همین قوانین نیم‌بند و ناعادلانه جمهوری اسلامی هم این جوان ۲۲ ساله نمی‌تواند متهم به «محرابه» و محکوم به «اعدام» شود. به نظر می‌رسد بازپرس امنیتی در این پرونده تلاش کرده موضوع بیماری محمد در پرونده پررنگ نشود و از فرستادن او نزد پزشکی قانونی برای بررسی سلامت روان هم جلوگیری به عمل آمده است. این در حالیست که گفته شده محمد در دادگاه به قاضی هم گفته که اختلال دو قطبی دارد و تأکید کرده دو ماه بوده دارو استفاده نکرده است.

معصومه احمدی مادر محمد قبادلو در متنی در اینستاگرامش توضیح داده که «با وجود داشتن پرونده پزشکی بیماری دوقطبی و به علت عدم مصرف داروهای ضروری اش، همچنین شرایط محیطی حاکم بر جامعه، کنترل خود را از دست داده و هنگام وقوع حادثه حالت عادی نداشته و قدرت تصمیم‌گیری از او سلب شده است. در تاریخ ۱۹ آذر ماه در دادگاه کیفری، روانپزشک قوه قضائیه،

مرسده سمیعی، دانشیار دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی  
بهرنگ شادلو، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
هلن شاه‌خواه، روانپزشک  
وحید شریعت، استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران  
ونداد شریفی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
امیر شعبانی، استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران  
رضا شیرالی، روانپزشک  
مجید صادقی، استاد روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
مهدی صمیمی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی  
مهران ضرغامی، استاد دانشگاه علوم پزشکی مازندران  
ندا عابدی، روانپزشک  
کیانوش عباس‌آبادی، روانپزشک  
سمیه عرب زاده، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
ایده غفور، روانپزشک  
فرید فدایی، دانشیار دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی  
علی فرهودیان، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
محمد قدیری وصفی، دانشیار دانشگاه علوم

رضاحمدی، روانپزشک  
سیدعلی احمدی ابهری، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران  
والنتین ارتونیان، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
فرناز اعتماض، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
مرتضی امامی پارسا، روانپزشک  
معصومه امین اسماعیلی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
همایون امینی، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران  
مهسا برادران، روانپزشک  
حبیب‌الله خزائی، استاد دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه  
سارا جعفری، روانپزشک  
امیرحسین جلالی ندوشن، استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایران  
هدا خطیبی مقدم، روانپزشک  
نسرین دانش، روانپزشک  
رضا دانشمند رخی، روانپزشک  
مهشیداربطیان، روانپزشک  
آفرین رحیمی موفر، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران  
مریم رسولیان، استاد دانشگاه علوم پزشکی مریم رضایی، روانپزشک  
حسن رفیعی، دانشیار دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

پزشکی ایران  
منصوره کیانی دهکردی، روانپزشک  
عطیه گلبن، روانپزشک  
عاطفه گیلان، روانپزشک  
سیدهادی معتمدی، دانشیار دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی  
عاطفه محمدجعفری، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
مهدیه معین، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
آذرخش مگری، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
سعید ممتازی، روانپزشک  
زهرا مهدی پور، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
عباس ناظمیان، روانپزشک  
محمد رضا نقابیان، روانپزشک  
سعیده نگهبان، روانپزشک  
علیرضا نوروزی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
علی نیکجو، روانپزشک  
مروه وامقی، دانشیار دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی  
سبا هوبه فکر، روانپزشک  
محمدتقی یاسمی، استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی  
سیدطه یحیوی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران  
حمید یوسفی، روانپزشک

